



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

آل عمران - ١٣٩



بنیاد پژوهش‌های اسلامی

عنوان کتاب:

عظمت ملت، ایران قوی، تحوّل ۱۴۰۰
جستاری در عظمت تحول آفرین ملت ایران
از بیانات امام خامنه‌ای
(مدظله العالی)

تهیه و تدوین:

معاونت پژوهش بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی

اردیبهشت ۱۴۰۰

bfanis.ir

عظمت ملت

ایران فوی

تحوّل ۱۴۰۰

فهرست

.....	طلیعه	۱۳
.....	بارقه‌ای از عظمت تحول‌آفرین ملت ایران	۱۳
.....	جهاد امید، مایهٔ آفرینش عظمت‌های نوبه‌نو	۱۵
.....	ایمان به عظمت ملت ایران، پایهٔ اساسی جهاد امید	۱۹
.....	ایمان و غیرت دینی، رمز عملیات جهاد امیدآفرینی	۲۳

فصل اول؛ مؤلفه‌های عظمت ملت ایران

.....	مدخل	۲۸
.....	گفتار اول: هویت اسلامی-ایرانی-انقلابی	۳۲
.....	۱. احساس هویت جمعی، اساس دستاوردها	۳۲
.....	۲. هویت انقلابی، اساس عظمت ملت ایران	۳۳
.....	۳. سلب هویت انقلابی، اساس دشمنی‌ها	۳۶
.....	گفتار دوم: ایمان مکتبی	۴۰
.....	۱. ایمان، موتور حرکت عمومی مردم	۴۰
.....	۲. مکتب امام، مظهر عینی حرکت عظیم ملت ایران	۴۱
.....	۳. وحدت دین و سیاست، اساس حرکت عمومی ملت ایران	۴۲
.....	گفتار سوم: عمق تاریخی و افق تمدنی	۴۵
.....	۱. بعثت عمومی ملت ایران، امتداد بعثت نبوی و قیام عاشورا	۴۵
.....	۲. ملتی هویت بخش با افق تمدنی	۴۵
.....	گفتار چهارم: استکبارستیزی	۴۸
.....	۱. نفی نظام سلطه، نوآوری بزرگ تاریخی ملت ایران	۴۸
.....	۲. محوریت ملت ایران در حرکت جهانی علیه نظام سلطه	۵۰

۵۱	۳. مبارزه همه جانبه ملت ایران با شیطان بزرگ
۵۴	گفتار پنجم: ظرفیت‌های مبارزه ملت ایران
۵۴	۱. تنوع ظرفیت‌ها و استعدادهای کشور
۵۵	۲. ظرفیت نیروی انسانی جوان و مستعد
۵۷	۳. ظرفیت‌های مادی متنوع و متراکم
۵۸	۳. ظرفیت‌های معنوی و ثروت‌های فرهنگی
۵۹	گفتار ششم: پیروزی نهایی جبهه حق
۵۹	۱. پیروزی تضمین شده ملت ایران
۶۰	۲. شکست قطعی دشمنان ملت ایران
۶۱	۳. پیروزی‌های مقطعی نشانه صدق وعده پیروزی نهایی
۶۲	۴. پیروزی قطعی به شرط ایستادگی در مبارزه
۶۳	۵. بار خدا زمین نمی‌ماند

فصل دوم؛ عرصه‌های عظمت ملت ایران

۶۸	مدخل
۷۱	گفتار اول: عرصه مقاومت و ایستادگی
۷۱	۱. میدان مبارزه همگانی با استبداد وابسته
۷۳	۲. میدان مقابله با ترورهای کور و تجزیه طلبی دهه شصت
۷۶	۳. مقاومت در میدان دفاع مقدس
۸۰	۴. مقاومت خاموش و دشوار آزادگان
۸۳	۵. صبر بر مصیبت عظمی رحلت امام <small>رحمه الله</small>
۸۵	۶. میدان مقاومت فرهنگی
۸۷	۷. میدان مقاومت در جنگ اقتصادی
۹۱	گفتار دوم: عرصه بصیرت و دشمن شناسی

۹۱	۰۱ میدان فتنه‌ها و تحریف‌ها
۹۱	فتنه ۷۸ و به اختیار درآمدن عمده قوای حیاتی کشور
۹۲	توطئه‌های ۸۲
۹۳	فتنه ۸۸ و به وجود آمدن فصل جدید بصیرت ملی
۹۴	فتنه ۹۶ و به اوج رسیدن بصیرت ملت
۹۷	فتنه تحریف حقایق و آدرس غلط رفع تحریم
۹۹	۰۲ میدان جهاد علمی
۱۰۱	۰۳ میدان دفاع از حرم
۱۰۵	گفتار سوم: عرصه حضور در صحنه‌های عمومی
۱۰۷	۰۱ میدان انتخابات
۱۰۹	۰۲ میدان بزرگداشت ارزشهای انقلابی
۱۱۳	۰۳ میدان مواسات و کمک مؤمنانه
۱۱۵	گفتار چهارم: عرصه اتحاد و همدلی
۱۱۸	گفتار پنجم: عرصه ایثار و شهادت

فصل سوم ؛ دستاوردهای عظمت ملت ایران

۱۲۶	مدخل
۱۲۹	۱- نهادینه شدن باور همگانی به خدا و مردم
۱۳۲	۲- توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت
۱۳۵	۳- احیاء عقلانیت صحیح
۱۳۶	۴- غلبه رویش‌ها بر ریزش‌ها
۱۳۹	۵- بازیابی هویت زن
۱۴۱	۶- استقرار ثبات و امنیت
۱۴۳	۷- پیشرانی موتور علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌ها
۱۴۷	۸- استقرار مطالبه عمومی عدالت
۱۴۹	۹- افزایش عیار معنویت و اخلاق

- ۱۰- استقرار مردم سالاری دینی ۱۵۲
- ۱۱- استقرار کامل استقلال سیاسی ۱۵۴
- ۱۲- تضعیف جبهه استکباری ۱۵۷
- ۱۳- تقویت جبهه مقاومت و ارائه الگوی مقاومت ۱۶۱
- ۱۴- عمق راهبردی و اعتبار بین المللی ۱۶۴

فصل چهارم؛ الزامات پایداری عظمت ملت ایران

- مدخل ۱۷۰
- گفتار اول: افزایش نورانیت دل و ارتباط با خدای متعال و اهل بیت علیهم السلام ۱۷۷
- گفتار دوم: اطمینان به نصرت الهی و نقاط امیدبخش ۱۸۱
- گفتار سوم: انقلابی گری و تحول خواهی ۱۹۱
- گفتار چهارم: احساس مسئولیت همگانی و عمل جهادی ۲۰۱
- گفتار پنجم: مراقبت از چالش های درونی ۲۰۵
- گفتار ششم: مطالبه گری آرمان ها ۲۰۹
- گفتار هفتم: پرهیز از بی حوصلگی و عجله ۲۱۲
- گفتار هشتم: حفظ اتحاد و همبستگی ۲۱۵
- گفتار نهم: پایداری و مقاومت در مقابل دشمن ۲۱۹
- گفتار دهم: پرهیز از جریان غرب گرای انقلابی نما ۲۳۵
۱. سستی بینش و ایمان انقلابی و اسلامی ۲۳۵
۲. اعتماد به دشمن ۲۳۷
۳. عدم پیروی از سیاست های کلان نظام در حوزه های مختلف ۲۳۹
۴. عدم باور به ظرفیت های درونی ۲۴۱
۵. القاء ترس و ناامیدی ۲۴۲
۶. بدفهمی، کج فهمی، سهل اندیشی و ناخودآگاهی ۲۴۵
۷. دنیازدگی و اشرافی گری ۲۴۸

- ۲۴۸ ۰.۸ وادادگی فرهنگى
- ۲۴۹ ۰.۹ کوتاهى در مبارزه با فساد
- ۲۵۰ ۰.۱۰ مقابله با عناصر متدین و انقلابى
- ۲۵۱ ۰.۱۱ عملکرد ضعیف مدیرى
- ۲۵۳ ۰.۱۲ وىنگارى در فضاى مجازى
- ۲۵۶ گفتار یازدهم: تشکیل دولت جوان حزب اللهى
- ۲۶۰ گفتار دوازدهم: موااسات و رسیدگى به فقرا و محرومین
- ۲۶۵ **حسن ختام**



طلیعه

از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوم می‌شود.^۱

بارقه‌ای از عظمت تحول آفرین ملت ایران

عزم ملت مؤمن ما، مظهر عزم و اراده الهی است.^۲ ملت ایران «رَبَّنَا اللَّهُ» را گفت، پایش ایستاد. این ایستادن پای این سخن، از نسلی به نسل دیگر منتقل شد.^۳ جامعه ایرانی به نظر ما یک جامعه صَبَّار و شکور است؛ ملت ما ملت پُراستقامتی است و ملت شکرگزاری است.^۴ این ملت، بیدار است. این ملت، پُرانگیزه است. این ملت، خسته نیست.^۵ ملت ایران... در هر میدانی که لازم بود حاضر شدند، آنجایی که فداکاری لازم بود فداکاری کردند، جان و مال و عزیزان و فرزند و آبرو و حیثیت، همه را به میدان آوردند.^۶ قدرت خدا متجلی و متبلور است در قدرت مردم و ایمان مردم.^۷ هر جا مردم می‌آیند دست

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

۲. دیدار جمعی از جوانان اهواز ۱۳۸۲/۵/۸

۳. ۱۳۹۰/۵/۱۹

۴. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

۵. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۹۷/۳/۲۵

۶. دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳

۷. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

خدا هم هست.^۱ خلاصهٔ جمهوری ما این است؛ خدا و مردم.^۲ در ذهن این ملت و در این نظام، خدا و مردم در طول هم قرار دارند و خدای متعال این توفیق را داده است که مردم این راه را طی کنند.^۳ جمهوری اسلامی هویتی غیر از هویت و ایمان و عزم مردم ندارد.^۴

این ملت بزرگ، ملت خوبی است. امام عظیم‌الشَّان، این ملت را خوب شناخته بود و من هیچ کس را مثل آن بزرگوار ندیدم که با خصوصیات این ملت، این گونه آشنا باشد و به او این طور ایمان داشته باشد... «یؤمن بالله و یؤمن بالمؤمنین»، امام به این ملت ایمان داشت.^۵ [امام] به معنای واقعی کلمه در ملت ایران تحوّل ایجاد کردند... تحوّل در روحیهٔ خمودگی و تسلیم ملت... تحوّل در نگاه مردم به خودشان و به جامعه‌شان... تحوّل در مطالبات اساسی مردم... تحوّل در نگاه به دین... تحوّل در نگاه به آینده... تحول در مبانی معرفتی کاربردی... تحوّل در نگاه به دین و مسائل دینی، پافشاری بر تعبد... در عین نگاه نوگرایانه به مسائل... تحوّل در نگاه به نسل جوان... تحوّل در نگاه به قدرتهای جهانی و ابرقدرت‌ها... امام، امام تحوّل بود... [و] باید از امام درس بگیریم. هر جامعهٔ زنده و پویایی به تحوّل احتیاج دارد؛ ما امروز به تحوّل احتیاج داریم، در بخشهای مختلف. البته این را عرض بکنم که بعد از رحلت امام، انقلاب و کشور از رویکرد تحوّل فاصله نگرفته؛ یعنی ملت ایران بحمدالله توانسته رویکرد تحوّل امام را دنبال بکند و پیش برود. ما در زمینه‌های گوناگونی به معنای واقعی کلمه، تحوّل پیدا کرده‌ایم و قدرتمندتر از گذشته شده‌ایم و در مواردی سرزنده‌تر از گذشته شده‌ایم؛ این‌ها هست... لکن کافی نیست... ما در یک مواردی تحوّل نداشتیم - در موارد مهمی، تحوّل نداشتیم - و در مواردی عقب‌گرد داشتیم، که این خیلی موضوع تأسّف‌بار و ناپسند و غیر قابل قبولی است، و برخلاف طبیعت انقلاب است... انتظار من از خودم و از جوانهایمان و از ملتمان و از نخبگانمان این است که در فکر ایجاد تحوّل در بخشهای مختلفی که نیاز هست باشیم.^۶

ملت در حال تصمیم‌گیری است، در مواجهه‌ی با موج تبلیغاتی گسترده‌ای و عظیمی و عمیقی که از سوی جبهه‌ی دشمن علیه کشور و علیه مقدّسات دارد صورت می‌گیرد... برادران، خواهران، کسانی که این سخن را خواهید شنید! زمام امور بهبود اوضاع این کشور، دست

۱. جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

۲. ۱۳۶۱/۳/۱۴

۳. خطبه‌های نمازجمعه تهران ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

۴. دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۰۶

۵. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دورهٔ دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی» ۱۳۷۲/۰۵/۱۲

۶. ۱۳۹۹/۰۳/۱۴

مردم این کشور است؛ بخصوص دست جوانان. همه چیز در سایه‌ی عزم مردم، تصمیم مردم، بصیرت مردم، و ایمان مردم در این کشور میتواند در مجرای صحیح خودش قرار بگیرد و کشور را به نقطه‌ی مطلوب خودش برساند.^۱

جهاد امید، مایه آفرینش عظمت‌های نوبه‌نو

نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفلها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیتهای عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال -و اکنون مانند همیشه- سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتهای پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشه‌گی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومییدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش -که به برخی از آنها اشاره شد- در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.^۲

از جمله سخت‌ترین کارهایی که علیه من و شما دارد انجام می‌گیرد، این است که امید را در ماها بمیرانند.^۳ مطمئناً یک نقطه مورد نظر دشمنان پیشرفت این کشور این است که به

۱. بیانات در ابتدای درس خارج فقه ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

۲. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

۳. دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۵/۱۶

ملت ما حالت خمودگی بدهند.^۱ تلاش مهمّ جنگ نرم دشمن، امروز متوجّه این است که ملت ایران امیدش را از دست بدهد.^۲ تبلیغات وسیعی که میلیاردها دارند خرجش می‌کنند، با این هدف انجام می‌گیرد که ملت ایران را... مایوس کنند و از صحنه خارج کنند؛ هدف این است. حتّی اگر فشار اقتصادی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار سیاسی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار امنیتی هم می‌آورند، هدف این است.^۳ رادیوهای بیگانه تلاش می‌کنند نقطه‌ضعفهای کوچک ما را در چشم خودمان - چه برسد در چشم دیگران - ده برابر بزرگ کنند؟ برای این است که همین تجربه را از یاد ما ببرند؛ برای اینکه فراموش کنیم که مبنای نظری ما تجربه‌شده است؛ در میدان عمل، خودش را ثابت کرده است.^۴

دشمنان ملت ایران با انواع تبلیغات سعی می‌کنند از یک نقطه‌ای، به این صف مستحکم، به این حرکت مستمر، اختلال وارد کنند؛ گاهی اوقات با سیاه‌نمایی، گاهی اوقات با پنهان کردن موفقیت‌های درخشان ملت ایران در دوران انقلاب تا امروز؛ سعی‌شان این است که بگویند انقلاب نتوانست از عهده بر بیاید.^۵ اوضاع را بد جلوه می‌دهند، با صدها زبان، با صدها وسیله. اگر نقطه قوتی در کشور باشد که مطلقاً انکار می‌کنند؛ یا به سکوت برگزار می‌کنند یا انکار می‌کنند... نقطه ضعفی اگر وجود داشته باشد، آن را ده‌برابر می‌کنند، گاهی صدبرابر می‌کنند که این نقطه ضعف را بزرگ کنند؛ برای چیست؟ برای این است که روحیه مردم تضعیف بشود؛ امید مردم، بخصوص امید جوانها... در داخل هم کسانی همین حرف‌های آن‌ها را تکرار می‌کنند.^۶ آن قدر یک دروغ را تکرار می‌کنند که خود دست‌اندرکاران هم که می‌دانند دروغ است، بتدریج باورشان می‌شود! دشمن این‌گونه عمل می‌کند، برای این که احساس افتخار را از ما بگیرد.^۷ اینکه «نمی‌شود، فایده ندارد، نمی‌توانید»... به‌طور دائم دارد تزیق می‌شود؛ هم احساس ناامیدی، هم احساس ناتوانی... تبیین‌های دروغ؛ مسائلی را تبیین می‌کنند، تبیین‌های خلاف واقع. تحریف حقایق تاریخی؛ ... پیروزی‌ها را شکست معرفی کردن، ضعف‌های کوچک را بزرگ جلوه دادن، ضعف‌های مدیریتی را منتسب به نظام کردن. فلان مدیر فلان تشکیلات یک ضعفی نشان می‌دهد، یک کار غلطی را فرضاً انجام می‌دهد، این را علم می‌کنند برای

۱. دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۰

۲. ۱۳۹۶/۱۰/۶

۳. دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کهگیلویه... ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

۴. دانشگاه امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۲/۳/۶

۵. اجتماع مردم کنگاور ۱۳۹۰/۰۷/۲۷

۶. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

۷. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۵/۱۵

اینکه نظام جمهوری اسلامی را، نظام انقلابی را زیر سؤال ببرند! این کاری است که دشمن دارد می‌کند؛ باید بشدت به آن توجه داشته باشید^۱

به این توجه کنید: دشمن روی ناکامی‌های ما تبلیغات می‌کند، جنگ روانی می‌کند، روی آنها تکیه می‌کند؛ ناکامی‌ها را چند برابر بزرگ‌تر از آن مقداری که هست نشان می‌دهد. البته پیشرفت‌ها و بسامانی‌ها را مطلقاً نشان نمی‌دهد و به آنها اشاره‌ای نمی‌کند و عمداً پیشرفت‌ها را کتمان می‌کند؛ این برای آن است که جوانهای ما را ناامید کنند، این برای آن است که مردم ما را نسبت به آینده بدبین کنند؛ باید به این توجه داشت؛ ولی خب از دروغ هم باکی ندارند. البته چیزهایی را مبالغه می‌کنند [ولی] در مواردی هم دروغ می‌گویند؛ و بعضی از عناصر داخلی خودمان هم از روی غفلت -حالا ممکن است بعضی‌ها هم مغرض باشند اما غالباً از روی غفلت- همان حرفهای آن‌ها را تکرار می‌کنند و بازتاب می‌دهند.^۲

در کشور، مایه‌های امید فراوان است... می‌خواهند این‌ها را به موجبات یأس تبدیل کنند؛ راجع به سند چشم‌انداز صحبت بشود، می‌گویند آقا به این سند توجهی نشده؛ راجع به پیشرفت‌های علمی بحث بشود، می‌گویند این‌ها خیلی اهمیتی ندارد؛ راجع به انتخابات بحث بشود، این شبهه‌ها و خدشه‌ها را پیش می‌آورند؛ راجع به جوانها صحبت بشود، اشاره می‌کنند به تخلف چند تا جوان در یک‌طرفی! یعنی همه این نقاط مثبت، این قله‌های برجسته‌ای که همه‌اش امیدافزا هست، این‌ها را سعی می‌کنند در چشمها کم‌رنگ کنند. متقابلاً نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد، بزرگ کنند یا نقاط ضعف را- نمی‌گوئیم هم کوچک، نقاط ضعفی وجود دارد- بزرگ‌نمایی کنند؛ چند برابر آنچه که هست، این نقاط ضعف را نشان بدهند؛ سیاه‌نمایی کنند؛ تلقی‌های بدبینانه نسبت به نظام را گسترش بدهند. می‌بینید دیگر؛ به‌زور می‌خواهند این یأس را به جامعه القاء کنند... این یکی از خطوط کاری دشمن است؛ مرتباً القای بن‌بست کردن.^۳

دشمن سیاست تلاش برای تحقیر ملت را ادامه می‌دهد؛ یعنی امروز هم همان سیاستها را دارند؛ یعنی دشمن مایوس نشده است از اینکه بتواند در روحیات مردم تأثیر بگذارد. این نکته را بایستی همه ما در تحلیل‌هایمان، در اظهارنظرهایمان، در اعتراض‌هایمان در نظر بگیریم که دشمن امروز در صدد این است که این احساس عزت را، احساس قدرت را، اطمینان به

۱. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷

۲. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷

۳. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۰۷/۰۲

نفسِ مَلّی را مخدوش کند و از بین ببرد.^۱ برای یک ملت بدترین حادثه این است که امیدش به آینده را از دست بدهد.^۲ اگر امید نباشد هیچ کدام از کارهای بزرگ انجام نمی‌گیرد.^۳ اساسی‌ترین قضیه هم امید است.^۴ حرکت و همت امیدوارانه حلال مشکلات کشور است.^۵ مردم امیدوار خودشان جلو جلو می‌دوند و مسئولان را به دنبال خودشان می‌کشانند.^۶ اگر مردم ناامید شدند، اعتماد خودشان را از دست دادند، متزلزل شدند، شکست قطعی است... عامل اصلی پیروزی، در صحنه بودن مردم است؛ عامل در صحنه بودن مردم، امید و اطمینان آنهاست. این امید را باید در مردم تقویت کرد؛ مردم را نباید ترساند؛ مردم را نباید بدبین کرد، بی‌اعتماد کرد... همدیگر را باید وصیت کنیم، توصیه کنیم به صبر، به ایستادگی، به پیروی از حق؛ همدیگر را نگه داریم.^۷ مردم یکدیگر را تواصی کنند؛ این زنجیره تواصی و توصیه کردن به یکدیگر؛ هم توصیه به حق کنند، راه حق را تأکید کنند، هم توصیه به صبر بکنند؛ این، همه را نگه می‌دارد... اگر چنانچه این جریان تواصی که زنجیره محافظت مؤمنان است، قطع بشود قطعاً خسارت خواهد رسید: *إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ؛*.. این موجب می‌شود که انسانها احساس تنهایی کنند، احساس نومیدی کنند و اراده‌ها ضعیف بشود، امیدها کم‌رنگ بشود، جرئت اقدام از دست برود... و طبعاً وقتی این جور شد، امیدها کم شد و جرئت‌ها کم شد و اراده‌ها ضعیف شد، قهراً هدف‌های عالی و متعالی بتدریج از دسترس دور می‌شود و کم‌رنگ می‌شود و دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد و به دست فراموشی سپرده می‌شود.^۸

۱. ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۹۹/۰۲/۲۸
۲. دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۹۶/۱۰/۶
۳. گزیده‌ای از دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۸/۷/۴
۴. دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۵/۱۶
۵. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲
۶. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۰۳/۲۹
۷. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۹/۶/۲۵
۸. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

ایمان به عظمت ملت ایران، پایه اساسی جهاد امید

در واقع یک قرن جدیدی دارد آغاز میشود، بنابراین به مسائل کشور بایستی با نگاه بلندمدت نگریت و آنها را با نگاه بلندمدت محاسبه کرد.^۱

نگاه‌های جزئی، نگاه به حوادث میانه راه و نگاه به افت و خیزها، خیلی گویا نیست؛ باید نگاه کلان و فراگیر به انقلاب اسلامی - که البته بسیاری از مردم خود ما، برجستگان خود ما و بیگانگان، این‌گونه کلان نگاه کرده‌اند - در سطح افکار عمومی زنده بشود و به آن توجه پیدا بشود. در همه حوادث عالم چند عنصر را باید در کنار هم دید: یکی نگاه به عوامل اولی، یعنی عوامل بالادستی حادثه است: انگیزه‌ها، هدف‌ها، زمینه‌های تاریخی، زمینه‌های جغرافیائی و جغرافیای سیاسی؛.. در حادثه انقلاب ما، آن عنصر اول عبارت است از همان ایمان مردم، مبارزات آزادیخواهانه و جرقه‌های این مبارزات... و بیداری روحانیت مبارز و شخص امام بزرگوار که از این زمینه‌ها بهترین استفاده را کرد و این حرکت به راه افتاد. این، آن پیش‌زمینه است. عنصر دوم نگاه کردن به میدان‌دار و صاحب حادثه است. عنصر میان‌دار و میدان‌دار در این حادثه مردم بودند؛ مردم! حادثه عظیم بی‌نظیر تاریخی انقلاب اسلامی را مردم رقم زدند... ملت ایران با ایمانش، با احساساتش، با غرور ملی‌اش، با افتخار به گذشته تاریخی و موارث عظیم فرهنگی‌اش، توانست این حرکت عظیم را بوجود بیاورد... .

عنصر سوم در هر حادثه‌ای عوامل معارض و مزاحم با آن حادثه یا با آن حرکت است که هزینه‌هایی را تحمیل می‌کند. در ماجرای انقلاب اسلامی هم همین‌جور است؛ از اول عنصر معارض وجود داشت. این معنایش این است که ملت ایران استقلال و آزادی را با سعی و تلاش خود بدست می‌آورد؛ اما هزینه آن را هم باید پردازد و می‌پردازد... هزینه‌ای که ملت ایران پرداخت کرد هشت سال جنگ تحمیلی... قربانیان تروریسم کور دهه شصت... از اول انقلاب تا امروز تحریم‌های اقتصادی و محاصره اقتصادی که بر ملت ما تحمیل کرده‌اند، هزینه‌هایی بود که ملت ایران پرداخت کرد... .

این‌جور نگاه کلان به انقلاب - یعنی نگاه به انگیزه‌ها و زمینه‌ها و عوامل بالادستی انقلاب و تشکیل نظام، و نگاه به عامل محوری انقلاب یعنی مردم و ایمان دینی آنها، و نگاه به هزینه‌ها - موجب می‌شود که ما در هر شأنی که هستیم و در هر جا که هستیم، به مسائل جزئی و کوچک خیلی اهمیت ندهیم؛ به عظمت انقلاب و حرکت عمومی انقلاب نگاه کنیم.^۲

۱. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۰

۲. دیدار مردم شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۱

موقعیت کشور، موقعیت منطقه، موقعیت جهان، موقعیتهای حساسی است، بخصوص برای ما ملت ایران. حساسیت از این جهت که از یک طرف عربده‌کشی‌های سران استکبار و سیاستمداران آمریکای جهان‌خوار، از یک طرف قدرت‌نمایی جوانان مؤمن و پیروزی‌های پیاپی در میدانهای مختلف، از یک طرف مشکلات اقتصادی کشور و تنگی معیشت بخش بزرگی از مردم ضعیف کشور و از طرفی حساس شدن و به تکاپو افتادن نخبگان کشور که این وضعیت آن‌ها را حساس کرده و به تکاپو و تلاش فکری و عملی وادار کرده است... این‌ها جهات مختلفی است، اوضاع ویژه‌ای است برای کشور... .

جان کلام من در [این شرایط حساس] عبارت است از، اول عظمت ایران، دوم اقتدار جمهوری اسلامی و سوم شکست‌ناپذیری ملت ایران. این‌ها رجزخوانی نیست، شعار محض نیست، سخن توخالی مثل بعضی از شعارها و حرفهایی که بعضی دیگر می‌زنند نیست؛ این‌ها واقعیاتی است که دشمنان ملت ایران آرزو می‌کنند که ما اینها را ندانیم یا از آنها غفلت کنیم و گمان دیگری در مورد خودمان و کشورمان و ملتمان ببریم؛ ولی این حقایق واضح‌تر از این است که کسی بتواند آنها را انکار کند.

گفتم عظمت ایران، نه فقط در زمان حال. عظمت ایران یک امر تاریخی است. در طول زمان، کشور عزیز ما توانسته است در عرصه علم، در عرصه فلسفه، در عرصه سیاست، در عرصه هنر، در عرصه پرچم‌داری علوم اسلامی در میان ملتهای مسلمان، و در برهه‌ای از زمان در میان همه ملتهای جهان، سرافراز بایستد و خود را نشان بدهد. عظمت ایران یک امر واضحی است که هر منصفی ناچار است آن را تصدیق بکند. البته این مربوط به زمان ما و همچنین دوران تاریخی است؛ استثنا شده است از این وضعیت، دویست سال قبل از پیروزی انقلاب؛ در دوران اواسط قاجاریه به بعد و دوران منحوس پهلوی - در این دویست سال - عظمت ایران متأسفانه پایمال شد که فعلاً بحث ما ربطی به آن قضیه ندارد.

در مورد اقتدار جمهوری اسلامی همین بس که جمهوری اسلامی، کشور ایران را از زیر سلطه انگلیس و آمریکا بیرون کشید. این سلطه تقریباً از اول قرن نوزدهم میلادی شروع شده بود؛ بر همه امور این کشور، بیگانگان بی‌رحم و متکبر مسلط بودند؛ اقتدار جمهوری اسلامی همین بس که توانست کشور را و ملت را از زیر این سلطه ظالمانه نجات بدهد. همچنین یکی از مظاهر اقتدار جمهوری اسلامی، نجات کشور از شر حکومت استبدادی سلطنتی و پادشاهی موروث بود. و همچنین جمهوری اسلامی در طول این چهل سال عمر خود، در مقابل دست‌اندازی‌های دشمنان سینه سپر کرده است و برای اولین بار در این قرنهای اخیر، در یک

جنگی جمهوری اسلامی توانسته است مانع از تجزیه کشور بشود. قبل از دوران جمهوری اسلامی، در دوران پهلوی و قاجار هر جنگی اتفاق افتاد، یا دشمنان بخشی از خاک کشور را تجزیه کردند و یا خودشان حضور نظامی در کشور پیدا کردند و ملت را تحقیر کردند. برای اولین بار، ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله توانست جبهه وسیع دشمن را بکلی ناکام کند، آن‌ها را از کشور بیرون براند، تمامیت ارضی کشور را حفظ کند؛ معنای اقتدار این است. اقتدار به این است که جمهوری اسلامی توانسته است اعتبار و احترام این کشور را در منطقه و در کل جهان بالا برد و یک‌تنه در مقابل جبهه وسیع استکبار بایستد.

گفتیم شکست‌ناپذیری ملت ایران، که البته این به برکت اسلام است. دلیل این شکست‌ناپذیری و نشانه این شکست‌ناپذیری را می‌شود در پیروزی ملت ایران در انقلاب بزرگ اسلامی، پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس، ایستادگی ملت ایران در طول چهل سال در مقابل توطئه‌های دشمنان مشاهده کرد. ملت ما عقب‌نشینی نکرد، از پای در نیامد، در مقابل دشمن احساس ضعف و شکستگی نکرد؛ این پیروزی ملت ایران است. این وضع کشور است... این وضعیّت امروز ما است.^۱

باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ .. یک حرکت عمومی معقول و منضبط ... و صحیح و منظم و عقلانی اگر بخواهد انجام بگیرد... [باید] از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد... باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد... یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه روشن، این نقطه امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمی‌رود. این خوشبختانه در کشور ما، برای جامعه ما، برای مردم ما، کاملاً در دسترس است؛ نقطه روشن عبارت است از ظرفیتهای ملی‌ای که ما اینها را شناخته‌ایم؛ یعنی امروز حتی شما جوانها ظرفیتهای ملت خودتان را شناخته‌اید پس ما این نقطه امید را داریم. البته نقاط امید زیاد است؛ یکی‌اش این است. یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه مقابل ما است... و بعد هم وعده تخلف‌ناپذیر خدا... [و] بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است... این چهار عنصری که گفتیم همه اینها- که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین اینها نیاز دارد به

ذهن فعال و زبان گویا.^۱

این انقلاب مثل خیلی از حرفهای دیگری که در دنیا معمول است، صرف ادعا نیست؛ یک دامنه وسیعی از تجربه و عمل در مقابل آن است. این انقلاب آزموده است، تجربه شده است. این حرفها، حرفهایی است که در میدان عمل، صدق خود را ثابت کرده است... این ملت صدق خود را نشان داد، راستگویی خود را نشان داد؛ وارد میدان شد و در میدان عمل، این فکر و این اندیشه و این مبانی نظری تجربه شد.^۲

ملت‌ها نقاط اوج و نقاط حسیض دارند؛ نقاط اوج را بایستی زنده نگه داشت. نقاط اوج، آنهایی هستند که زنده بودن و پای کار بودن و با اراده و عزم بودن یک ملت را و بصیرت یک ملت را در این مواقع حساس نشان می‌دهند؛.. نقطه اوج را باید زنده نگه داشت، چون هم به آیندگان روحیه می‌دهد، هم مایه افتخار و عزت ملی است. این نقطه‌های اوج در تاریخ ثبت می‌شود و راه آینده را برای آیندگان روشن می‌کند.^۳

باید آزمونهای بزرگی را که جمهوری اسلامی گذرانده است، این حرکت عظیمی که ملت ایران انجام داد و به اتکاء آحاد ملت ایران این پیروزی بزرگ نصیبشان شد، این‌ها را باید به صورت عبرتهای بزرگ تاریخ، درس‌های آموزنده تاریخ، شما جوانها بدانید.^۴ نباید اجازه داد که این خاطره‌های پرشکوه، این حوادث بی‌نظیر و تعیین کننده تاریخ انقلاب، در ذهنها کمزنگ شود. نسل جوان ما باید این خاطره‌ها را درست بشناسد، بتواند آنها را تحلیل کند و آنها را چراغ راه آینده پرمجاری خود و هدف بلند خود قرار بدهد.^۵

پاسداشت آزمونهای بزرگ یک ملت، یک مسئله اساسی است. آزمون‌هایی سر راه کشورها و ملت‌ها قرار می‌گیرد که در آن آزمونها گاهی خوب می‌درخشند؛ مخصوص ملت ما هم نیست، منتها برای ملت ما در دوران انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب تا امروز از این آزمونها زیاد بوده است و از این درخشش‌ها هم زیاد بوده است و ملت درخشیده.^۶

ما یاد روزهای بزرگ را نباید بگذاریم به دست فراموشی سپرده بشود. روزهای بزرگ هر کشوری و هر ملتی آن روزهایی است که یک حادثه الهی به وسیله مردم و با دست مردم در

۱. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

۲. دانشگاه امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۲/۳/۶

۳. سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۹۹

۴. دیدار مردم مریوان ۱۳۸۸/۰۲/۲۶

۵. دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۶

۶. دیدار جمعی از پرستاران سراسر کشور ۱۳۹۸/۱۰/۱۱

آن انجام گرفته است. **ذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ**؛ خداوند متعال در قرآن دستور می‌دهد به پیغمبر که آنها را به یاد ایّام‌الله بینداز. ایّام‌الله همین روزهای بزرگ تاریخ‌ساز است... نباید بگذاریم که این حوادث به دست فراموشی سپرده بشود.^۱ ملّت‌ها باید افتخارات خودشان را بشناسند... اینکه یک ملّت احساس افتخار کند، خود این گامی به‌سوی افتخارات بزرگ است.^۲

ایمان و غیرت دینی، رمز عملیات جهاد امیدآفرینی

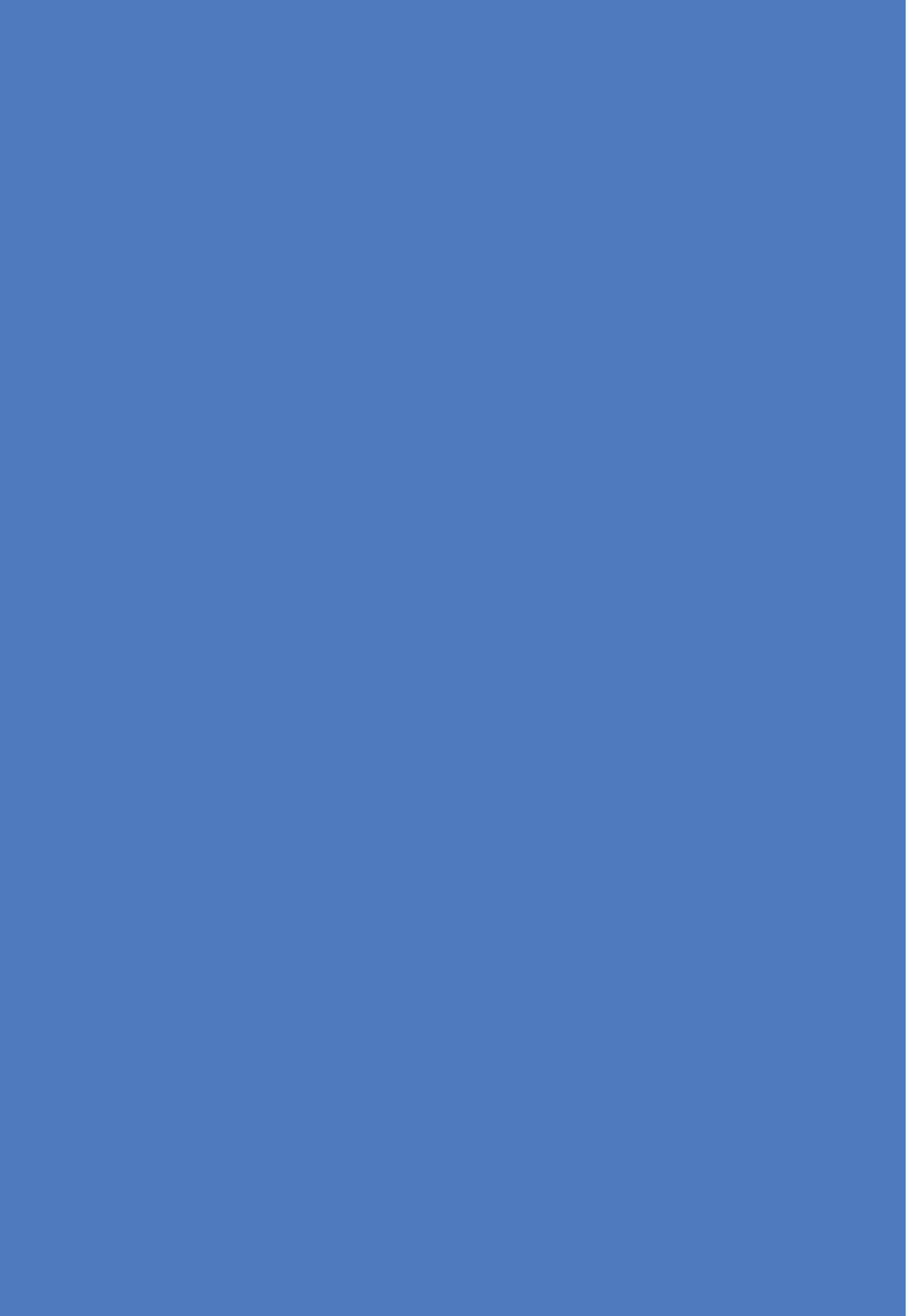
گذشته باید همیشه راهنما و چراغ راه آینده باشد؛ قضیه نوزدهم دی این جور بود که به خاطر دفاع از مقام مرجعیّت رهبر عظیم‌الشان و بزرگ انقلاب که آن وقت در ایران نبودند، مردم قم به خاطر دفاع از ایشان آمدند در مقابل نیروهای مسلّح و بی‌رحم رژیم طاغوت سینه سپر کردند. مردم هیچ چیز نداشتند؛ دست خالی [بودند]. چه چیز آنها را کشید وسط این میدان؟ ایمان و غیرت دینی؛ ببینید، این‌ها دو کلیدواژه است؛ ایمان و غیرت دینی. وقتی هم که آن مردم -که جمعی از مردم قم بودند البته- آمدند به خیابانها و با پلیس مواجه شدند و با نیروهای رژیم مواجه شدند و تعدادی از اینها به شهادت رسیدند و تعدادی مجروح شدند و در واقع عناصر طاغوت به خیال خودشان اینها را تار و مار کردند، نه آن قیام‌کنندگان قمی و نه دیگران، هرگز فکر نمی‌کردند که همین حرکت، منشأ چه تحوّل عظیمی، نه فقط در کشور بلکه در دنیا خواهد شد. مگر نشد؟ همین حرکتی که در آن روز فقط به خاطر ایمان و غیرت دینی از سوی مردم انجام گرفت، خدای متعال به این حرکت برکت داد؛ ادامه پیدا کرد؛ پشت سر هم، اربعین‌ها مردم را کشاند به وسط میدان و امام بزرگوار هم رهبری کرد، و منتهی شد به قیام عظیم ماه بهمن سال بعد یعنی سال ۵۷؛ همین حرکت یک تعدادی از مردم با‌اخلاص قم، یک چنین انقلاب عظیمی را کلید زد. البته عوامل زیادی وجود دارد؛ مهم این است که سرآغاز حرکت، یک اقدام مردمی از روی ایمان و غیرت دینی بود؛ این باید همیشه یادمان باشد. ما می‌توانیم به برکت ایمان و غیرت دینی کارهای بزرگی انجام بدهیم؛ همچنان که در این قضیه شهادت شهید سلیمانی و همراهانش کار بزرگی انجام گرفت، حادثه بزرگی انجام گرفت، انقلابی به وجود آمد که دنیا را تکان داد، متحوّل کرد و تاریخ را، مسیر تاریخ کشور را، مسیر تاریخ منطقه را و شاید مسیر تاریخ جهان را -که بعدها قضاوت خواهد شد- تغییر داد. به کمک الهی با این چشم نگاه کنیم؛ هدایت الهی و دست قدرت الهی را این جور ببینیم

۱. دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

۲. دیدار قهرمانان و ورزشکاران مسابقات آسیایی و پارا آسیایی ۱۳۹۳/۱۱/۱

در همهٔ حوادث زندگی مان. آن روز دست مردم خالی بود؛ ما امروز بحمدالله دستمان خالی نیست، دستمان پُر است. ملت ایران امروز مجهّزند در مقابل زورگویان عالم، لکن تکیه [فقط] به ابزار نظامی نیست؛ ابزار نظامی آن وقتی فایده می‌بخشد که متکی باشد به همان ایمان و غیرت دینی؛ آن وقت است که ابزار نظامی اثر می‌کند، کارگشایی می‌کند. این را امروز ما در مقابل جبههٔ وسیع دشمن همیشه باید به یاد داشته باشیم؛ اینکه خدای متعال می‌فرماید «گَمْرٍ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ»، مصداقش همین جا است؛ گاهی یک فتنهٔ قلیله‌ای بر یک جبههٔ بسیار وسیع و گسترده‌ای، به قدرت الهی پیروز می‌شود وقتی که متکی باشد به این ایمان و غیرت دینی... .

نگذارید این درس بی‌نظیری که جلوی چشم ما اتفاق افتاد فراموش بشود؛ درس شروع مظلومانهٔ متکی به ایمان و غیرت دینی و برکتی که خدای متعال به این جور حرکتی می‌دهد و این حوادث عظیم را پشت سر هم به وجود می‌آورد. خداوند متعال در جای جای قرآن این نکته را که «فراموشی سراغتان نیاید» تکرار کرده است به مناسبت اُمم گذشته. می‌فرماید: وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ؛ بنی‌اسرائیل یک روزی آن چنان قدرت معنوی‌ای پیدا کردند که با اینکه مردشان، زنشان، فرزندانشان زیر شکنجهٔ فرعون بودند، توانستند فرعون را مغلوب کنند، توانستند ایستادگی کنند، مقاومت کنند تا اینکه خدای متعال راه را برای آنها باز کند و فرج به آن عظمت را با غرق فرعون و فرعونیان به آنها عطا کند. همین بنی‌اسرائیل بعد از اندکی، فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ؛ یک مقداری که زمان گذشت، با گذشت زمان از آن حالت اوّلیه خارج شدند، دل‌ها سخت شد، سنگین شد، قسی شد؛ آن توکل، آن اعتماد به خدا، آن حرکت در راه خدا، آن صبر، آن استقامت را از دست دادند، نتیجه این شد که «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءَ وَبَغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ»؛.. حضرت موسی به بنی‌اسرائیل گفت: اِفْطَالَ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ؛ شما تا دیروز زیر فشار فرعون بودید، حالا زمان خیلی گذشته که فراموش کردید و می‌گویید «اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ»؟ این‌ها درس است؛ این، آن چیزی است که بنده همیشه تکرار می‌کنم. بحمدالله امروز کمیّت و کیفیت جوان مؤمن و پایبند و علاقه‌مند در کشور، از اوّل انقلاب خیلی بیشتر است؛ امروز این جوری است؛ ما ناراضی نیستیم؛ امّا مراقب باشید راه، درست طی بشود؛ این درس بزرگ قرآنی و نبوی و الهی را که خدای متعال کمک می‌کند -وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ- فراموش نکنیم و در یاد داشته باشیم.^۱







فصل اول مؤلفه های عظمت ملت ایران

در رأس برجستگی‌های کشور ما، همین ملت عزیز ایرانند...
این بزرگ‌ترین نقطه قوت کشور ما است.^۱

مدخل

مردم نشان دادند که به جهاد در میدان مقاومت معتقدند، به مبارزه معتقدند، به مقاومت در مقابل استکبار معتقدند. مردم نشان دادند که به کسی که **مظهر اقتدار ملی** و اقتدار جهادی ایران است احترام می‌گذارند. شهید سلیمانی مظهر این اقتدار بود... نمونه‌های فراوان دیگری هم از این **ظرفیت معنوی** و حضور معنوی و آمادگی ملت ایران وجود دارد که همه اینها ریشه در ایمان اسلامی و ایمان انقلابی دارد؛ این‌ها را نمی‌شود منکر شد؛ اگر کسی منکر بشود، مثل این است که منکر آفتاب در وسط روز شده باشد. شما ببینید در طول این سالها هر جایی که نظام مشکل پیدا کرد، مردم وارد میدان شدند؛ آنجایی که کسانی با تحریک دشمنان -چه در سال ۷۸، چه در سال ۸۸ چه در سالهای بعد- یک حرکتی انجام دادند که برای نظام مضر بود، آن که توانست بیاید وسط میدان و دشمن را مأیوس کند مردم بودند. ظرفیت از این بالاتر؟ بنیه قوی از این بهتر؟ این بنیه قوی ملت ایران است.^۱

بنده البته با قاطعیت عرض می‌کنم که ملت ایران ملت صبوری است؛ نشان داده‌اند که صبر دارند. ما مسئولین البته گاهی بی‌صبری کرده‌ایم، ولی ملت نه؛ ملت کاملاً صبور بوده‌اند؛ این چهل سال برای ما نشان این معنا است به طور روشن.^۲ چهل سال است که سخت‌ترین دشمنی‌ها دارد با این ملت می‌شود؛ که از این سخت‌تر دیگر؟! واقعاً با هیچ ملتی این اندازه خصمانه برخورد نشده؛ خصمانه و جامع‌الجهات. یک جبهه احزاب عجیب‌وغریبی مثل جنگ احزاب صدر اسلام در ابعاد چند میلیون برابر، علیه جمهوری اسلامی تشکیل شده، همه‌جور کاری که توانسته‌اند انجام داده‌اند؛ تحریم کرده‌اند، تبلیغات کرده‌اند، جنگ کرده‌اند، توطئه امنیتی کرده‌اند؛ همه‌جور کاری که می‌توانستند انجام داده‌اند. شما امروز این ملت را مقایسه کنید با چهل سال قبل، اول انقلاب؛ اقتدار این ملت، عظمت این ملت، پیشرفت این ملت، علم این ملت، حضور قوی بین‌المللی این ملت قابل مقایسه با اول [نیست]. روزبه‌روز پیشرفت کرده؛ ملت، این است... این ملت، ملتی است که با ایمان است، با علم است، با اعتمادبه‌نفس است، مستقل است، امتیازات خودش را می‌داند و بر این امتیازات پا می‌فشارد.^۳

ملت ایران چهل سال است که مقاومت می‌کند. ما در روز اول مثل یک نهال باریکی

۱. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

۲. دیدار با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۹۹/۲/۲۸

۳. دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۷/۳/۳۰

بودیم، آسیب پذیر بودیم؛ به برکت نام مبارک پیامبر و به برکت هدایت امام بزرگوار، توانستیم ایستادگی کنیم؛ البتّه شهید دادیم، سختی کشیدیم، امّا ایستادگی کردیم. امروز ملت ایران و کشور ایران یک درخت تناور است؛ امروز آمریکا و رژیم صهیونیستی غلط می کنند که ملت ایران را تهدید کنند؛ تهدیدهای آنها، حرکات آنها، خباثت های آنها تا امروز شکست خورده است؛ از این پس هم شکست خواهد خورد... ملت ایران حسن ظنّ خود به وعده الهی را اثبات کرده است؛ ایستاده است. به ما حمله نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، امّا ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند! امروز این شجره طیّبه - شجره طیّبه جمهوری اسلامی و ملت ایران - شجره طیّبه ای است که «اصلها ثابت و فرعها فی السّماء». روز به روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روز به روز قوی تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است^۱

ملت ایران مظلوم واقع شده لکن ضعیف نیست؛ ملت ایران مقتدر است.^۲ ملت ایران حسینی و عاشورائی وارد میدان شد، در یک انقلاب عظیم و شاید بشود گفت بی نظیر در این سده های طولانی که جلوی چشم ما است - لاقبل کم نظیر - پیروز شد. ملت ایران این روش را اتّخاذ کرد، تا امروز روز به روز پیش رفت.^۳ من در اینجا، در جوار مرقد مطهر امام، در جوار ارواح طیّبه شهدائی که در این گلزار معنوی - بهشت زهرا - به خاک سپرده شده اند، شهادت می دهم که ملت ما این راه را خوب حرکت کرده است، راه امام را حفظ کرده است... من از صمیم قلب و از بن دندان گواهی می دهم و اعتقاد دارم که بهترین نقش را مردم ایفاء کرده اند؛ ارزش ها را نگه داشته اند، حفظ کرده اند و پای آن ایستاده اند؛ مردم بودند که نقشه های دشمنان ما را خنثی کردند.^۴ ملت ایران توانسته است اصول بنیادین را و شعارهای اصلی انقلاب را به همان استحکام اوّل تا امروز حفظ کند. شعارها و ارزش های اصلی اینها است: استقلال، آزادی، مردم سالاری، اعتماد به نفس ملی و خودباوری ملی، عدالت و برتر و بالاتر از همه اینها تحقّق و پیاده شدن احکام دین و شریعت در کشور.^۵

فشارهای دشمن و شرایط سخت، ما را ضعیف نکرده. سختی ها و تنگناهایی که در این سی

۱. دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۷/۹/۴

۲. دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۹۸/۴/۵

۳. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۳/۲۲

۴. بیست و دومین سالگرد امام خمینی رحمه الله ۱۳۹۰/۰۳/۱۴

۵. دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

سال وجود داشته، ما را تضعیف نکرده؛ بلکه ما را نیرومند و مقاوم هم کرده. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «لا و إنَّ الشَّجَرَةَ البَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عوداً و الرِّوَاتِعُ الخَضْرَاءُ أَرْقَّ جلوداً و النَّابِتَاتُ العَذِيَّةُ أَقْوَى و قوداً»^۱؛ هم محکمتر است، هم وقتی که آن را آتش زد، آتشش ماندگارتر است.^۲ این ملت، بیدار است. این ملت، پُرانگیزه است. این ملت، خسته نیست. آن کسانی که به تیغ از تبلیغات دشمنان، ترویج می کنند که این ملت خسته است، بی نشاط است، خودشان خسته اند، خودشان بی نشاطند؛ تعمیم می دهند، قیاس به نفس می کنند.^۳

در دنیائی که همه عوامل برای دور کردن دلها و مردم از معنویت بسیج شده بودند و تلاش می کردند و همچنان می کنند، یک ملتی متولد شده است با زیربنای ایمان؛ این چیز کمی است؟ این مثل الماس می درخشد. هیچ لازم نیست ما پیرایه ببندیم؛ مثل خورشید نورافشانی می کند. ما یک چنین ملتی داریم. هم معنویت، هم آگاهیهای دنیوی، هم زیور دانش، هم تلاشهای سیاسی، هم کار درست تبلیغی، هم سازندگی خود، هم سازندگی جامعه، هم رسیدن به بنای اقتصادی، هم رسیدن به بنای اخلاقی؛ اینها همه جزو کارهای ماست.^۴

ایستادگی ملت ایران، در دنیا یک حادثه باشکوه است. ما توی قضیه قرار داریم. آن کسانی که از بیرون نگاه می کنند، عظمت این ایستادگی را بیشتر احساس می کنند. شما ملاحظه کنید؛ قدرت های اقتصادی اول دنیا، قدرت های علمی درجه یک دنیا، قدرت های نظامی و امنیتی ردیف اول دنیا، امروز یک جبهه وسیعی را در مقابل این ملت تشکیل دادند. اینجور نیست؟ هر کاری هم از دستشان برمی آید، دارند می کنند. تهدید امنیتی می کنند، تهدید اجتماعی می کنند، تهدید سیاسی می کنند، دانشمند ما را ترور می کنند، تحریم می کنند، فشارهای سیاسی فراوان وارد می کنند، دائم تهدید به تحرک نظامی می کنند، در داخل تا هر جا دستشان برسد، فتنه انگیزی و آشوب آفرینی می کنند؛ اما ملت ایران و جمهوری اسلامی با کمال قدرت و استقامت در مقابل همه اینها ایستاده؛ آن «بله» ای را که به زور می خواهند از او بگیرند، آن «بله» را نمی دهد. آن «بله» عبارت است از تعظیم در مقابل قدرت مسلط جهانی نظام سلطه، این کار را نمی کند. ما که در مقابل نظام سلطه جهانی «نه» میگوئیم، این نه، «نه» به علم نیست، «نه» به تمدن نیست، «نه» به پیشرفت نیست، «نه» به تجربه های مترکم بشری نیست؛ «نه» به سلطه طلبی و زیاده خواهی و استعباد و به زیر

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵

۲. دیدار رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۹/۶/۲۵

۳. خطبه های نماز عید فطر ۱۳۹۷/۳/۲۵

۴. ۱۳۹۱/۲/۲۳

مهمیز کشیدن ملت‌هاست؛ این «نه» را ما گفتیم، پایش هم ایستادیم؛ «انّ الذین قالوا ربنا الله ثمّ استقاموا». ایستادگی ملت ایران، خیلی ایستادگی باشکوهی است.^۱

ملت ایران عمل کرد. در هر میدانی که لازم بود حاضر شدند، آنجایی که فداکاری لازم بود فداکاری کردند، جان و مال و عزیزان و فرزند و آبرو و حیثیت، همه را به میدان آوردند. نمی‌خواهم بگویم تک‌تک مردم ایران این کار را کردند لکن یک جمع عظیمی، یک اکثریت قابل توجهی این‌جوری عمل کردند، خدای متعال [هم] پاسخ داد؛ انقلاب را برایشان حفظ کرده. امروز انقلاب از روز اوّلی که پیروز شد، قوی‌تر، پُر قدرت‌تر و برای آینده قادر بر برنامه‌ریزی بیشتر است.^۲

زبان به تحسین ملت ایران را فقط ما باز نکردیم، مخالفین ما هم باز کردند، دشمنان ما هم باز کردند. ملت ایران دارد تحسین می‌شود به‌خاطر اقتدارش، به‌خاطر ایستادگی‌اش، به‌خاطر استعدادش، به‌خاطر توفیقات بزرگی که در این راه به دست آورده است؛ تحسین می‌کنند ملت ایران را.^۳

۱. دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها؛ ۱۳۹۰/۶/۲

۲. دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳

۳. دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

گفتار اول: هویت اسلامی-ایرانی-انقلابی

ما ملّتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ، و انقلابی؛ این هویت ما است.^۱

۱. احساس هویت جمعی، اساس دستاودها

هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است.^۲ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف... با این مسائلی که برای کشور پیش آمد، با این همه مشکلات، با تحمیل جنگ، با تحمیل تحریمهای کذائی، با دشمنی صریح و واضح قدرتهای مسلط دنیا، کشور توانسته است این دستاوردها را به دست بیاورد، این‌ها نیست جز اینکه کشور احساس هویت کرد؛ ملت ایران هویت خودش را فهمید، شناخت، احساس موجودیت کرد، با قوت و قدرت حرکت کرد؛ این احساس هویت چنین حالتی را به انسان می‌دهد.^۳

هر مجموعه انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند... با برخورداری از آن، هر کشور می‌تواند از همه امکانات خود برای پیشرفت و موفقیت استفاده کند. اگر این احساس هویت جمعی وجود نداشته باشد، بسیاری از مشکلات برای آن مجموعه پیش می‌آید و بسیاری از موفقیتها برای آن‌ها حاصل نخواهد شد.^۴ ملّتی که هویت خودش را گم کرده باشد، خیلی راحت در مشت بیگانگان آب می‌شود و از بین می‌رود.^۵ اگر جامعه‌ای احساس هویت نکرد، صداهای بلند تحکم‌آمیز، راحت او را مغلوب خواهد کرد. آن که ایستادگی می‌کند، آن کسی است که احساس هویت می‌کند.^۶ یک ملت اگر نتواند از هویت خود، از عظمت خود، آن‌چنان که هست، در مقابل بیگانگان دفاع بکند، قطعاً توسری خواهد خورد؛ بروبرگرد ندارد. باید قدر شخصیت و هویت خود را دانست.^۷

۱. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

۲. دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

۳. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

۴. دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲

۵. دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب ۱۳۹۸/۲/۳۰

۶. دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۱۳۹۷/۳/۲۰

۷. دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور ۱۳۹۴/۲/۱۶

هویت ملت‌ها عبارت است از مشخصه‌های فرهنگی آنها و مزیت‌های فرهنگی آنها؛ این هویت فرهنگی یک ملت را تشکیل می‌دهد. این هویت فرهنگی، اصل است؛ اگر چنانچه این از یک ملتی گرفته بشود، این ملت هضم خواهد شد، یعنی در واقع به معنای حقیقی کلمه ناپود خواهد شد؛ حالا در یک مشخصه جغرافیایی قرار می‌گیرد اما چیزی نیست؛ هست، اما بودن او مثل نبودن است؛ هویت فرهنگی، همه حیات یک مجموعه و یک ملت است.^۱ عمده این اشکالاتی که گاهی پیش می‌آید به‌خاطر این است که آن احساس هویت حقیقی، احساس هویت ملی در یک انسان وجود ندارد. وقتی احساس هویت وجود نداشت، دیگران می‌توانند او را به این سمت و آن سمت بکشند... احساسات هست، غرایز هست، انگیزه‌های درونی هست، شیطانِ هوای نفس ما هست؛ از بیرون هم ده‌ها دست ما را به این سمت و آن سمت می‌کشد؛ آن چیزی که نمی‌گذارد ما منحرف بشویم، پایبندی ما است، احساس هویت ما است.^۲

۲. هویت انقلابی، اساس عظمت ملت ایران

ما ملتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ، و انقلابی؛ این هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما، و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملت ما را تشکیل می‌دهد. این سه را نباید از نظر دور بداریم. اسلامی بودن ما یعنی ارزشها و اصول اسلام، تشکیل‌دهنده هویت ما است. ریشه‌داری ما در تاریخ یعنی نیروهای انسانی ما در طول تاریخ، دارای افکار بلندی بوده‌اند... و در طول تاریخ به‌حسب موقعیت زمانی، کارهای بزرگی را انجام داده‌اند و به بشریت حرکت داده‌اند... و بعد، انقلاب؛ انقلاب بخش مهمی از هویت ما است. انقلاب یعنی آن حرکت تحوّل عمیقی که با تکیه به اسلام توانست وضعیت کشور را عوض کند و یک قلم مهم آن، این بود که ملت را از حاشیه بیرون آورد، وارد متن اداره کشور کرد. ملت در کشور، هیچ‌کاره بود... بعد از انقلاب، منافع ملی تغییر پیدا کرد؛ یعنی معیارها برای منافع ملی طبعاً تغییر پیدا کرد. بعد از آنکه انقلاب شد، همین‌طور که عرض کردیم، دیکتاتوری‌ها به مردم‌سالاری تبدیل شد، وابستگی‌ها به استقلال سیاسی تبدیل شد، عقب‌ماندگی به پیشرفتهای قابل توجه تبدیل شد... این‌ها حوادثی بوده که هویت انقلابی

۱. دیدار شاعران ۱۳۹۳/۴/۲۱

۲. دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۲/۱۹

ما اینها را به وجود آورده.^۱

هویت ایرانی - اسلامی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جاافتاده است. امروز دنیا ملت ایران را به مسلمانی همراه با آگاهی و بصیرت و پیشگامی و پیشرفت در میدانهای مختلف می‌شناسد؛ این چیز کمی نیست.^۲ جمهوری اسلامی، جهت را صد و هشتاد درجه تغییر داد. ملت ایران احساس هویت می‌کند؛ هویت اسلامی که هویت ایرانی هم نشأت گرفته از همین هویت اسلامی است؛ احساس می‌کند که ایران اسلامی همان هویت گم‌شده‌ای است که بایستی این ملت دوباره آن را به دست بیاورد و بر اساس او، آرمانهای خود را معین و برنامه‌ریزی کند و تلاش و مجاهدت خود را شکل دهد. این کاری است که ملت ما بخوبی انجام داده است و دارد انجام می‌دهد.^۳

در تاریخ، ملت ما نماد ایمان، نماد علم، نماد اعتماد به نفس، نماد افتخار به داشته‌های خود و نماد پایداری است.^۴ ما به برکت اسلام توانسته‌ایم هویت ایرانی خود را حفظ کنیم.^۵ ملت ایران از لاک توسری خوری و ذلتی که به او تحمیل شده بود، خودش را با انقلاب خلاص کرد؛ این لاک را شکست، آمد بیرون. هویت ایرانی با خصوصیات اسلامی در او بروز کرده، طالب عزت است، طالب استقلال است، طالب پیشرفت است، لذاست که هر چه دشمنان ظالم فشار می‌آورند تأثیری در او نمی‌گذارد.^۶

ما هر چه امتیاز داریم، ناشی از همین هویت فرهنگی است؛ اگر این هویت فرهنگی نبود، انقلاب ما هم پیروز نمی‌شد. اگر این هویت فرهنگی نبود، یک امامی مثل امام ما که نهضت را به وجود آورد و به سرانجام رساند، اصلاً خلق نمی‌شد، درست نمی‌شد. امام بزرگوار، ساخته و پرداخته همین فرهنگ است. همین هویت فرهنگی است که آدمی مثل امام را در جامعه پرورش می‌دهد؛ این را باید نگه داشت.^۷

هویت ملی و جمعی در کشور ما حتی از ملیت هم فراتر است. ما با اینکه ملیت را محترم و مقدس می‌شمیریم و بسیار هم روی ملیت - به معنای مثبت آن... تکیه می‌کنیم؛ اما هویت

۱. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

۲. اجتماع مردم پاوه ۱۳۹۰/۷/۲۵

۳. دیدار مردم کازرون ۱۳۸۷/۲/۱۶

۴. همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۷/۱۲

۵. دیدار اعضای شورای عالی استانها و شهرداران مراکز استانها با رهبر انقلاب ۱۳۹۰/۲/۱۰

۶. دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۹۸/۴/۵

۷. دیدار شاعران ۱۳۹۳/۰۴/۲۱

جمعی و ملی ملت ایران، نظام اسلامی است که حتی از ملیت ایرانی، کارایی و جذابیت بیشتر و حوزه تأثیر وسیع‌تری دارد. اهمیت این هویت جمعی به این است که هم در مقیاس ایرانی دارای بازده و تأثیر است، هم در مقیاس اسلامی چنین تأثیری دارد و هم در مقیاس جهانی مؤثر است؛ یعنی چیزی که دیگر ملیت‌ها هیچ‌کدام این‌ها را ندارند؛ یک چیز فراملی است... اهمیت ایرانی نظام اسلامی به خاطر این است که نظام سیاسی مستقر پایدار ریشه‌داری است که به دست خود مردم به وجود آمده است. یک نظام تحمیل شده بر مردم نیست؛ ضد ایدئولوژی سلطنت است... و اما در ابعاد اسلامی؛ یک ملیت معمولاً در داخل مرزهای خود زندانی است و بیرون مرز، هیچ‌گونه ارزش و جاذبه و احترامی ندارد؛ اما نظام اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام و هر جا که مسلمانی وجود داشت، هویت اسلامی و احساس شخصیت را هم در افراد و هم در ملتها زنده کرد... وقتی نظام اسلامی و انقلاب اسلامی پدید آمد، غوغا به پا شد و تمام کشورهای اسلامی از این‌که دیدند یک ملت آمده و پرچم اسلام را بلند کرده و در مقابل سخت‌ترین تهدیدها ایستاده است؛ نه فقط در مقابل غرب، بلکه در مقابل شرق و غرب، شعار «نه شرقی، نه غربی» می‌دهد و در مقابل جذابترین تطمیح‌ها، بی‌اعتنایی نشان می‌دهد، یکپارچه هیجان شدند... و اما در ابعاد جهانی؛ در ابعاد جهانی حتی در دنیای غیر اسلام هم انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت و توجه به قدرت مذهب در بسیج انسانها را در دنیا مطرح کرد. مذهب - که یک پدیده منزوی و تشریفاتی محض بود - ناگهان آن‌چنان یک ملت را بسیج کرد که توانست یک نظام متکی به حمایت‌های بین‌المللی را به‌کلی به خاک سیاه بنشانند و اجازه ندهد بر روی ویرانه‌های آن، خلأ به وجود آید؛ بلکه نظامی با حرفهای نو بر سر پا کند. قائلین همه حرفهایی که برای بشریت ایده‌آل بود - مسأله عدالت، انسانیت و تکریم انسان، برابری انسانها، برابری نژادها، لزوم مبارزه و مقابله با زورگوییهای بین‌المللی - و کسانی که در دل‌هایشان حرفهایی بود، ولی جرأت نمی‌کردند آنها را ابراز کنند و یا میدانی برای ابراز نمی‌یافتند، دیدند نظام سیاسی مستقری در یک گوشه از دنیا به وجود آمده، این حرفها را روی پلاکارد نوشته و در مقابل چشم جهانیان بلند کرده است. این برای آنها، بسیار فوق‌العاده بود. در چنین دنیایی؛ در قحط یک فضا و محیط مناسب برای زدن یک حرف حساب، ناگهان بر روی خاک، روی همین زمین، آن هم نه در یک زمین اجاره‌ای یا میدان فوتبال؛ بلکه در یک کشور، آن هم نه در یک نقطه دورافتاده دنیا؛ بلکه در خاورمیانه و حساسترین منطقه جغرافیای سیاسی دنیا، یک ملت چند ده میلیونی، با یک انگیزه تمام نشدنی، ناگهان وسط میدان آمد و نه فقط به امریکا و پشتیبانان او اعتراض کرد و به همه انگیزه‌های استکباری امریکا «نه»

گفت که حتی به شوروی هم که قطب مقابل امریکا بود، اعتراض می‌کرد!... علاوه بر اینها، آن چیزی که بخصوص برای توده‌های مردم در جهان غیر اسلامی جاذبه داشت، معنویت بود. درست است که معنویت را از زندگی مردم زوده‌اند؛ اما همان مردمی که از معنویت محرومند و در زندگی مادی غوطه‌ورند، احساس خلأ و کمبود می‌کنند...

آن‌ها دیدند که نظامی با این قدرت سیاسی، با این روحیه بالا، با این همه حرفهای نو برای دنیا و با این نَفَس تازه، به میدان آمده و معنویت هم همراه اوست؛ کار را با نام خدا آغاز می‌کند و برای خدا به پایان می‌برد؛ می‌خواهد دنیا را با نام خدا بسازد و از دنیا هم مثل دستگاه رهبران کلیسایی عبور نمی‌کند. ببینید؛ هویت جمعی ملت ایران - یعنی نظام اسلامی - داستانش این است. چیزی است که هم از لحاظ ملی، هم از لحاظ اسلامی و هم از لحاظ جهانی اهمیت دارد. این نظام در آغاز پیدایش، آن‌چنان دنیا را به خودش جذب کرد که به همان اندازه که دل‌های بی‌طرف و بی‌غرض جذب آن شدند، کارگردانان و سردمداران و نگهبانان سلطه بین‌المللی و جهانی از آن نگران و ناراحتند و در مقابلش ایستادگی می‌کنند.^۱

۳. سلب هویت انقلابی، اساس دشمنی‌ها

عزیزان من! دهها سال دشمنان این ملت سعی کرده‌اند شناسنامه‌های تاریخی ما را پاره کنند، امحاء کنند، از بین ببرند. ما را با یک ملت بی‌ریشه اشتباه گرفتند؛ ما را با ملت‌هایی که نه تاریخ دارند، نه سابقه تمدن دارند، نه طومار بلندی از نام عالمان و دانشمندان و هنرمندان در طول تاریخ دارند، اشتباه گرفتند؛ با ما بد رفتار کردند. یک عده هم از میان خود ما متأسفانه فریب خوردند، قضاوت دشمن را درباره ملت ایران و درباره مردم ایران پذیرفتند.^۲

ملت ما قبل از انقلاب، سال‌های متمادی اسیر تضعیف روحیه خودباوری در میان خود بوده است. از آن وقتی که اول مسئولان دولتی، بعد بتدریج آحاد مردم چشم باز کردند و در مقابل پیشرفت خیره‌کننده علمی غرب مبهور شدند، بتدریج احساس کمبود، احساس حقارت، احساس خودکم‌بینی در این کشور و در میان ملت ما ترویج شد. خوشبختانه انقلاب همه چیز را دگرگون کرد؛ از جمله این حالت و این روحیه را دگرگون کرد.^۳

ما یک سابقه تلخی داریم؛ در یک دوران طولانی، ژن ناتوانی، ژن نمی‌توانیم، ژن وابستگی به دیگران را در ما تزریق کردند؛ در یک دوران طولانی، از دوران قاجار تا دوران پهلوی، در ملت

۱. دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲

۲. دیدار مردم یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۲

۳. دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان ۱۳۹۱/۵/۸

ما -همین ملت با استعداد- این احساس درونی عدم توانایی و عدم قدرت، ایجاد شد؛ و [آن را] در ما -در مجموعه جامعه ایرانی- نهادینه کردند؛ این سابقه را ما داریم. نتیجه این شد که ما به عنوان یک ملت، هویتمان در ذیل غرب تعریف شد.^۱ ما ملت ایران، ملتی بودیم زیردست و غرقه در بی‌هدفی و ناامیدی؛ ما ملتی بودیم وابسته؛ ملتی بودیم که بعمد ما را عقب نگه داشته بودند؛ هم فکر خود را بر ما تحمیل می‌کردند، هم فرهنگ خود را؛ هم منابع اقتصادی ما را می‌بردند و هم کاروان لجنزاری از عاداتهای زشت را به‌سوی کشور ما سرازیر می‌کردند؛ ما یک چنین ملتی بودیم. [امام] ما را تبدیل کرد به یک ملت پر انگیزه، به یک ملت پر امید، به یک ملت پر تحرک، به یک ملت دارای هدفهای بزرگ.^۲

ملت ما از صد و پنجاه سال پیش، صد سال پیش، بر اثر عوامل گوناگون، در خود احساس حقارت می‌کرد؛ خودکم‌بینی احساس می‌کرد؛ از جنگهای دوران قاجار بگیرد و آن شکستهای سخت و از دست دادن شهرهای مختلف در زمان قاجار، تا بعد در دوران پهلوی، زمان رضا خان، آن دیکتاتوری و سرکوب سخت ملت، که مجال نفس کشیدن به کسی داده نمی‌شد؛ بعد در دوران بعد از پهلوی اول، زمان محمد رضا، با حضور آمریکائی‌ها، با ایجاد سازمان امنیت و ساواک، با آن رفتار خشنی که با مردم می‌کردند، مردم احساس می‌کردند که هیچ توانی دیگر برایشان نمانده است. در چند مسئله مهم ملت ایران احساس شکست کرد؛ از قضیه مشروطه که ملت ایران شکست خورد بعد از اینکه پیروز شده بود، تا قضیه نهضت ملی که باز ملت ایران با آنکه یک حرکت عظیمی را کرد، متصدیان و مسئولان نتوانستند این حرکت را نگه دارند و ملت ایران شکست خورد؛ بعد از آن یک دیکتاتوری سخت از سال ۳۳ تا سال ۵۷- در طول بیست و چهار سال- بر مردم حاکم بود، که مردم واقعاً روحیه‌ای دیگر نداشتند. از طرفی روشن‌فکران غرب‌زده که خیلی از آن‌ها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم این‌جور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه هیچ کاری را ندارید؛ باید تقلید کنید. در علم تقلید کنید، در صنعت تقلید کنید، در فرهنگ تقلید کنید، در لباس تقلید کنید، در خوراک تقلید کنید، در حرف زدن تقلید کنید. حتی کار را به جایی رساندند که یک‌وقتی گفتند: باید خط فارسی را تغییر بدهیم! ببینید چقدر یک ملت باید از استقلال و عزت نفس دور شده باشد که جرأت کنند کسانی بگویند خط را تغییر باید بدهید. خط فارسی که هزار سال میراث علمی ما با آن

۱. دیدار نخبگان علمی جوان ۲۸/۰۷/۱۳۹۵

۲. مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۳/۱۳۹۴

نوشته شده است، این را عوض کنیم، تغییر بدھیم، خط اروپائی‌ها را بیاوریم و از آن‌ها تقلید بکنیم؛ کار را به اینجا رسانده بودند. امام آمد این روح حقارت را گرفت و در طول پانزده سال نهضت امام تا پیروزی انقلاب و از روز پیروزی انقلاب به نحو دیگری تا ده سال عمر بابرکت آن بزرگوار، دائم روح خودباوری را در این ملت دمید: شما می‌توانید، ما می‌توانیم، شما قادرید، شما بزرگید، شما قدرت‌مندید.^۱

ما ملتی بودیم که در طول سالیان متمادی، استعمار و استکبار با تلاش سیاسی و فرهنگی خود، هویت اسلامی و ملی‌مان را گرفته بود و هرگاه می‌خواستیم قیام و تحرکی بکنیم، غالباً با خطر و مشکل مواجه می‌شدیم و در بلندمدت نمی‌توانستیم ایستادگی کنیم. یعنی استکبار و ایادی داخلی آنها و بخصوص حکومت‌های ستمگر، آن‌چنان فشاری بر مردم ما وارد آورده بودند که شیرۀ حیات و جوهر انسانیت را از درون جامعه ما زدوده بودند و توان ملت بزرگ و بافرهنگ ما را - چه در ماجراهای مشروطیت، و چه در قضایای بعد از آن - گرفته بودند.^۲

شما می‌دانید در تحلیل رفتار جریان‌های استعماری و سلطه‌های سیاسی و اقتصادی بر دنیا - که الان صد سال است مسأله مورد ابتلای کشورهای عقب‌افتاده دنیا است - همه راه‌ها به یک نقطه ختم می‌شود و آن عبارت است از این‌که هویت و شخصیت یک ملت را از او بگیرند تا احساس حقارت کند. اگر شما احساس حقارت کردید، تسلط بر شما دیگر سرمایه‌ای نمی‌خواهد و زوری لازم ندارد. ملت‌ها، تاریخ و فرهنگ و گذشته و نشانه‌های حضور و وجود و شخصیتی دارند. همه اینها مانع می‌شود تا ملتی بردگی یک قدرت سیاسی و یک سلطه بیگانه و یک ملت دیگر را قبول کند. وقتی این را از دست ملتی گرفتند، این ملت دیگر سلاح و سپر معنوی ندارد. مایهٔ تفاخر و احساس هویت او را سلب کرده‌اند. مثل این است که پلنگ یا شیری را بگیرند و دندانهای درنده و بُرندهٔ او را بکشند، بعد او را رها کنند؛ یک بچه هم می‌تواند سوار این شیر شود، چون چیزی ندارد. اصلاً وقتی ملتی احساس حقارت کرد، تسلط بر آن ملت آسان می‌شود. لذا شما در تبلیغات بلندمدت بسیار حساب شدهٔ استکبار و دستگاه‌های استعماری می‌بینید که به ملتها تلقین می‌کنند شما چیزی ندارید؛ شما گذشته‌ای ندارید، افتخاراتی ندارید، هویتی ندارید؛ شما کسی نیستید. چقدر از تمدن‌های گذشته را که می‌توانستند پنهان کنند، به این وسیله پنهان کردند.^۳

۱. جمع تعدادی از خانواده‌های شهداء ۱۳۸۸/۰۳/۰۳

۲. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۳/۱۹

۳. دیدار شرکت کنندگان در اولین همایش راهیان‌نور با رهبر انقلاب ۱۳۸۰/۱۲/۵

آنچه که دشمنان بنیانی این ملت همیشه می‌خواستند و دنبال می‌کرده‌اند، این بوده است که از این ملت سلب هویت کنند.^۱ آن‌ها می‌خواهند فرهنگ ملت را از گرایش به ایمان، ارزش‌ها و گرایش به اصول اسلامی و استقلال هویت ملی برگردانند.^۲ هدف استکبار، محو هویت ملی و دینی در دنیای اسلام و بخصوص در خاورمیانه است.^۳ امروز دنیای استکبار همه با هم یکی شدند، جمع شدند، برای اینکه این هویت را انکار کنند؛ برای اینکه هویت اسلامی ملت مبارز و قهرمان ایران را به انزوا بکشانند.^۴

۱. دیدار مردم کازرون ۱۳۸۷/۲/۱۶

۲. بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۲/۲۸

۳. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۶/۱۱

۴. اجتماع مردم گیلان غرب ۱۳۹۰/۷/۲۳

گفتار دوم: ایمان مکتبی

عامل مهم تسلیم ناپذیری و ایستادگی ملت ایران در راه پُر افتخار خود، فلسفه سیاسی و مکتب سیاسی امام است که ملت ما از بن دندان به آن اعتقاد دارند.^۱

۱. ایمان، موتور حرکت عمومی مردم

موتور حرکت ما، ایمان ماست و اتکای ما، به خداست؛ تکیه ما، به راهنماییها و هدایت‌های الهی است، که در معارف دینی و در احکام ما وجود دارد؛ حرکت ما هم حرکت خوبی بوده.^۲ ایمان مردم از درون مثل یک موتور فعال وجود آن‌ها را به راه انداخت... این ملت خود را به جای محکمی متصل کرد؛ «فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»... «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»؛^۳ کفر به طاغوت، ایمان به خدا. ملت ما این را داشت، لذا از این گذرگاه عبور کرد؛ دغدغه‌ای برایش به وجود نیامد و همین موجب شد که این حرکت عظیم در بین مردم بماند.^۴

بدون هدایت اسلامی و بدون ایمان عمیق دینی و اسلامی، نه چنین مقاومتی شکل می‌گرفت و نه در مقابل توطئه‌ها و حيله‌ها و تزویرهای دشمنان، این حمایت باقی می‌ماند. این که ملت ما این طور مستحکم ایستاده‌اند، به خاطر همین ایمان معنوی است؛ و این ادامه پیدا خواهد کرد.^۵

روی این نظام مقتدر و قوی فشار می‌آورند؛ فشار نظامی آوردند؛ فشار سیاسی آوردند؛ فشار اقتصادی آوردند؛ علیه آن جنجال راه انداختند و متهمش کردند؛ اما از میدان درنرفت و مثل کوه، محکم ایستاده است؛ چرا؟ چرا نظام اسلامی ایستاده است، اما نظامهای دیگر نمی‌توانند بایستند؟ چرا فلان نظام سلطنتی یا فلان نظام علی‌الظاهر جمهوری، در هر مسأله‌ای با یک تشر امریکا از میدان در می‌رود؛ اما نظام اسلامی، تشر که هیچ، لشکرکشی امریکا و شوروی هم نتوانست آن را یک ذره به عقب‌نشینی وادار کند؟ چه چیزی موجب پایداری این

۱. مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۳/۱۳۸۳

۲. دیدار هزاران نفر از بسیجیان ۷/۹/۱۳۸۴

۳. البقره: ۲۵۶ (آیه‌الکرسی)

۴. دیدار مردم آذربایجان شرقی به مناسبت سالگرد قیام ۲۹ بهمن مردم آذربایجان ۲۸/۱۱/۱۳۸۶

۵. دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۲/۱۲/۱۳۸۳

نظام است؟ این جاست که به آن گوهری می‌رسیم که در درون شماس است. ... علت این است که این نظام به مردم با ایمان متکی است؛ این راز اصلی است. این نظام اگر به مردم متکی بود، اما این مردم دین و ایمان نداشتند، این پایداری به دست نمی‌آمد. کسانی که دائماً و پشت سر هم نام مردم را تکرار می‌کنند، اما به ایمان مردم و گوهر درخشانی که در دل جوانان است، توجهی ندارند، اشتباه می‌کنند. این که بعضی از نظامهای مردمی هستند، اما در مقابل تحمیلات دشمن نمی‌توانند از نظام خود دفاع کنند، به خاطر چیست؟ به خاطر این است که یک عنصر مشترک همگانی عمیق قلبی که بتواند آنها را به پایداری و مقاومت در میدانهای سخت وادار کند، در آنها نیست. در کشور ما مسأله اساسی این است که مردم، با ایمان خودشان در همه میدانها وارد شدند و خطر را پذیرفتند و ایستادند. انقلاب نیز همین‌گونه پیروز شد؛ نهضت امام هم با تکیه به همین دین و ایمان عمیق مردم به پیروزی رسید.^۱

۲. مکتب امام، مظهر عینی حرکت عظیم ملت ایران

امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحوّل کرد؛ امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد.^۲ عامل مهم تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی ملت ایران در راه پُر افتخار خود، فلسفه سیاسی و مکتب سیاسی امام است که ملت ما از بن دندان به آن اعتقاد دارند. دشمنان انقلاب چاره‌ای ندارند جز این که با فلسفه‌ی امام، با مکتب امام و با شخصیت امام - که همچنان زنده و پایدار است - دشمنی کنند تا بتوانند این ملت را به خیال خود به عقب نشینی و تسلیم در مقابل خودشان وادار کنند... البته انقلاب عظیم اسلامی ما به دست مردم به پیروزی رسید و ملت ایران عمق توانایی‌ها و ظرفیت فراوان خود را نشان داد؛ اما این ملت بدون امام و مکتب سیاسی او قادر به چنین کار بزرگی نبود.^۳ این نکته را ملت عزیز ایران کاملاً می‌دانند که ارادت و محبت مردم به امام بزرگوار، صرفاً از نوع یک علقه قلبی و احساسی و عاطفی نیست. اگرچه از لحاظ احساسات و عواطف، محبت امام در دل‌ها موج می‌زند، اما این همه مسئله نیست؛ بلکه ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به‌عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت

۱. دیدار بیسیجیان و پرسنل سپاه پاسداران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶

۲. مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۰/۰۳/۱۴

۳. مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۳/۳/۱۴

ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت می‌رساند. در طول این سی‌ودو سال گذشته، عملاً هم همین بوده است... برادران و خواهران من! ملت عزیز ایران! این مکتب، ما را در طول این سی‌ودو سال از گردنه‌های خطرناکی عبور داده است؛ سطح عزت ملی و شرافت بین‌المللی ما را بالا آورده است. کشور به برکت پیمودن این راه، در همان حدی که رعایت کرده است، پیشرفت کرده است؛ به سمت آرمان‌های خود پیش رفته است.^۱

۳. وحدت دین و سیاست، اساس حرکت عمومی ملت ایران

جوهر اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، رابطه دین و دنیا است؛ یعنی همان چیزی که از آن به مسأله دین و سیاست و دین و زندگی هم تعبیر می‌کنند. امام در بیان ارتباط دین و دنیا، نظر اسلام و سخن اسلام را به عنوان مبنا و روح و اساس کار خود قرار داده بود. اسلام، دنیا را وسیله‌ای در دست انسان برای رسیدن به کمال می‌داند. از نظر اسلام، دنیا مزرعه آخرت است.^۲ مسئله یکی بودن دین و سیاست... اساس جمهوری اسلامی و اساس حرکت عمومی مردم [است].^۳

مردم ما بر اثر آشنایی با اسلام، نظام اسلامی را انتخاب کردند. مردم ما کتاب‌های اسلامی خوانده بودند؛ با روایات آشنا بودند؛ با قرآن آشنا بودند؛ پای منابر نشسته بودند. در این دهه‌های اخیر، روشن‌فکران مذهبی از علما، روحانیون، فضلا و دانشگاهیان کارهای زیادی کرده بودند. برای مردم یک سلسله ارزش‌ها جاافتاده بود و دنبال آن‌ها بودند. در محیط رژیم گذشته هرچه نگاه می‌کردند، از این ارزش‌ها خبری نبود. انقلاب برای دستیابی به آن ارزش‌ها بود. و اما این ارزش‌ها چیست؟ من در اینجا تعدادی از این ارزش‌ها را عرض می‌کنم. البته اگر بخواهیم این ارزش‌ها را در یک کلمه بیان کنیم، من عرض می‌کنم اسلام؛ اما اسلام یک کلمه مجمل است و تفصیل گوناگونی از آن می‌شود. ملت ما به دنبال ارزش‌هایی بود که همه‌اش در داخل اسلام هست... ارزش‌ها که می‌گوییم، یعنی دین، ایمان، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، آزادی فکر، رواج اخلاق فاضله، حکومت مردمی، حکومت صالح و انسان‌های برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها. ابزار تحقق این خواسته‌ها چه بود؟

۱. مراسم بیست و دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۰/۰۳/۱۴

۲. مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۴/۰۳/۱۴

۳. دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۲۴/۰۹/۱۳۸۷

روح ایمان و جهاد و فداکاری و ایثار همین مردم مؤمن. آن چیزی که توانست این بنای رفیع و این بنای اسلامی را بعد از قرن‌ها در این مملکت استوار کند، چه بود؟ آن عبارت بود از اینکه ارزش‌هایی از این قبیل که عرض کردیم پایه بنای نظام جدید باشد و زندگی نوینی در این منطقه از عالم براساس این ارزش‌ها به وجود آید. برای این‌ها مردم فداکاری کردند و جان خود و فرزندانشان را در معرض جهاد فی سبیل الله و شهادت قرار دادند و بسیاری هم شهید شدند. مردم می‌دانستند چه می‌خواهند؛ مردم دنبال این ارزش‌ها بودند. آن وقت بروند بنشینند بگویند که مردم نمی‌دانستند چه می‌خواهند! نخیر؛ مردم می‌دانستند. مردم اسلام را می‌خواستند. اسلام، فقط نماز خواندن و سجده کردن نیست آن‌ها هم جزو اسلام است اسلام یعنی بنای یک نظام اجتماعی و یک زندگی عمومی برای یک ملت، بر پایه‌های مستحکمی که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت آن‌ها را تأمین کند. می‌تواند علم و پیشرفت و صنعت و ثروت و رفاه و عزت بین‌المللی و همه چیز را برای آن‌ها فراهم کند. مردم دنبال این بودند. کسانی که خودشان اسلام را نه می‌شناختند و نه ته دلشان چنان اسلامی را می‌خواستند؛ حداقلش این بود که جرئت نمی‌کردند به رژیم‌های طاغوتی غربی پشت کنند یا بی‌اعتنایی کنند؛ امروز می‌نشینند و این طرف آن طرف می‌گویند که مردم در رفراندوم جمهوری اسلامی نمی‌دانستند چه می‌خواهند! چطور نمی‌دانستند چه می‌خواهند؟! مردم اگر نمی‌دانستند، چگونه هشت سال جنگ تحمیلی را با فداکاری‌های خودشان پیش بردند؟! چیزی را که نمی‌دانند، چطور برایش فداکاری می‌کنند؟! مردم خوب می‌دانستند چه می‌خواهند؛ امروز هم خوب می‌دانند چه می‌خواهند.^۱

در مدرسه انقلاب که امام ما بنیان گذارد، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام مراسم و مناسک میان‌تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دستِ قدرتها و آفت جان ملت‌ها برچیده شده و اسلام قرآنی و محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، اسلام عقیده و جهاد، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزنده با فرعون‌ها و قارون‌ها و خلاصه، اسلام کوبنده جباران و برپاکننده حکومت مستضعفان، سربرکشیده است. در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بیبندوباری و بیتفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بیحالی

و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بیخاصیت؛ اسلام نجاتبخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه دست قدرتها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و اله و سلم)، جایگزین اسلام آمریکایی گردید.^۱ اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرتهای مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده‌اند و می‌کنند؛ یک جاهایی آنها را به وجود می‌آورند، یک جاهایی آنها را راهنمایی می‌کنند، یک جاهایی آنها را کمک می‌کنند.^۲

منظومه فکری امام دارای خصوصیات کامل یک مکتب فکری و اجتماعی و سیاسی است. اولاً متکی و مبتنی بر یک جهان بینی است که این جهان بینی عبارت است از توحید... خصوصیت دیگر این منظومه فکری که آن را به صورت یک مکتب به معنای واقعی کلمه در می‌آورد، این است که منظومه فکری امام به روز بود؛ مسائل مورد ابتلای جوامع بشری و جامعه ایرانی را مطرح می‌کرد و مخاطبان، آن را حس می‌کردند. در مکتب فکری امام، ضدیت با استبداد و ضدیت با استکبار حرف اول را میزند؛ این آن چیزی است که ملت ایران هم آن را حس می‌کرد، ملت‌های مسلمان دیگر بلکه ملت‌های غیر مسلمان [هم] آن را حس کردند؛ برای همین این دعوت گسترش پیدا کرد. خصوصیت دیگر این مکتب فکری این بود که زنده و پویا و پر تحرک و عملیاتی بود؛ مثل بعضی از اندیشه‌پردازان و تئوری‌سازان‌های روشنفکرانه نبود که در محفل بحث، حرف‌های زیبا و قشنگی است اما در میدان عمل کارایی ندارد؛ منطق امام، فکر امام، راه امام، عملیاتی بود؛ قابل تحقق در میدان عمل بود؛ به همین دلیل هم به پیروزی رسید و پیش رفت؛ این حرکت، مسیر تاریخ کشور ما را عوض کرد.^۳

امام رحمه الله علیه با بازشناسی اصول اسلام مفهوم واقعی توحید، کرامت انسانی، عدالت و دیگر اصول اسلام را در زندگی اجتماعی و سیاسی ملت ایران جاری ساخت و به پشتوانه مردم در مقابل همه مکاتب و نظام‌های انحرافی حاکم بر جهان ایستاد و راه تازه‌ای را به جهانیان به‌ویژه ملت‌های مسلمان نشان داد و همین مسأله باعث شد دو قطب لیبرال‌دموکراسی سرمایه‌داری و سوسیال‌دموکراسی از انقلاب اسلامی ملت ایران به شدت احساس خطر کنند و در مقابل آن به دشمنی برخیزند.^۴

۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله ۱۳۶۹/۳/۱۰

۲. مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

۳. مراسم سالروز بیست و ششمین رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) ۱۳۹۴/۳/۱۴

۴. دیدار جمعی از اساتید و دانشجویان بسیجی با رهبر انقلاب ۱۳۸۲/۳/۱۸

گفتار سوم: عمق تاریخی و افق تمدنی

ملت ما حرکت و بعثت عمومی و برانگیختگی ملی تاریخی خود را در انقلاب، ادامه آن بعثت عظیم نبوی [می‌داند].^۱

۱. بعثت عمومی ملت ایران، امتداد بعثت نبوی و قیام عاشورا

این واقعه عظیم، حرکتی در خط پیام الهی بعثت و در جهت اهداف متعالی آن بود و در آن، ایمان و خلوص و فداکاری ملت ایران نقشی اساسی داشت، همانند آنچه در حادثه ظهور اسلام در چهارده قرن پیش واقع شد و نخستین مجمع اسلامی شکل گرفت.^۲ ایران... زادگاه پرآوازه‌ترین و درعین حال ناشناخته‌ترین انقلاب‌های دوران معاصر است. انقلابی بر پایه دین خدا و در امتداد راه پیامبران و مصلحان بزرگ الهی؛ راهی به درازای همه تاریخ بشر.^۳ حرکت قاطبه ملت ایران در جهت و حرکت حسین بن علی است.^۴ ملت ما به برکت خون و قیام امام حسین و به برکت روح حسینی، توانست قیام کند و یک نظام استبدادی فاسد خبیث زشت کردار زشت خورا به زانو در بیاورد و یک حکومت مردمی با صبغه و روحیه و با عمل نسبتاً اسلامی... را سر کار بیاورد.^۵ جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی و عیسی و آرزوی همه اولیا و ائمه بزرگوار ماست که امروز تحقق پیدا کرده است و لو ناقص؛ کاملش هم، این شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیة الله فی الارضین (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) ظاهر و آشکار خواهد شد.^۶

۲. ملتی هویت بخش با افق تمدنی

هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است.^۷ برای این ملت، قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است.^۸ نظام

۱. دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ۱۳۷۸ / ۰۸ / ۱۵

۲. پیام به کنفرانس اندیشه اسلامی ۱۳۷۰ / ۱۱ / ۱۵

۳. چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک ۱۳۶۶ / ۰۶ / ۳۱

۴. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲ / ۳ / ۲۲

۵. دیدار جمعی از مداحان ۱۳۸۳ / ۵ / ۱۷

۶. دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت «روز پاسدار» ۱۳۷۳ / ۱۰ / ۱۵

۷. دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱ / ۰۷ / ۲۳

۸. آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳ / ۰۸ / ۱۱

جمهوری اسلامی، یک حرکت عظیم الهی است. ابعاد این حرکت، به ابعاد مرزهای این کشور محصور نیست. این حرکت، حتی به حصارهای زمان کنونی هم محدود نمی‌شود؛ یک حرکت عظیم تاریخی است.^۱ اسلام جامعه‌ای را می‌خواهد که در آن، افراد و مجموعه یک ملت، مشعل و پرچم شاخصی باشند برای همه ملت‌ها؛ «و تکنونوا شهداء علی الناس»؛^۲ ما می‌خواستیم این جامعه را با این خصوصیات بسازیم و آن را جلوی چشم آحاد بشر و امت اسلامی بگذاریم؛ بگویند این است که هم مطلوب اسلام است و هم میسور مردم این روزگار است. این جور نباشد که خیال کنند بله، این مطلوب هست، اما میسور نیست.^۳

با انقلاب اسلامی در ایران... عصر جدیدی با خصوصیتی متمایز با دوران قبل، در عالم به‌وجود آمد. قدرت‌های مادّی دنیا، چه بخواهند و چه نخواهند؛ امریکا چه بخواهد و چه نخواهد، این دوران در دنیا آغاز شده و پیش هم رفته است و تأثیرات این عصر جدید، روی ملت‌ها و دولت‌های ضعیف و نیز روی دولت‌های قوی و ابرقدرت‌ها محسوس است... هیچ‌کس ممکن نیست خودش را از تأثیرات دورانی که با پایه‌های محکم الهی و انسانی در جهان شروع شده، دور بدارد... این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خمینی» نامید. چند خصوصیت در این دوران هست که از آن تفکیک‌ناپذیر است: ... گسترش اعتقاد و باورهای مذهبی... معنا بخشیدن به ارزش انسان‌ها و حضور مؤثر توده‌های میلیونی مردم... آزادی از سلطه و تصرف و نفوذ قدرت‌های بزرگ؛ یعنی همان چیزی که در انقلاب ما، به‌عنوان اصل «نه شرقی و نه غربی» شناخته شد... این دوران جدید که امام ما آن را با قیام و ایستادگی و اتکال به خدا و تکریم و تعظیم نسبت به ارزش‌های معنوی و با اعتمادش به آحاد مردم آغاز کرد، ان‌شاءالله ملت‌ها را از شر سلطه‌های جهانی نجات خواهد داد و دوران زوال قدرت‌های بزرگ مادّی جهانی را نزدیک خواهد کرد...^۴

امام بزرگوار ما توانست یک هویت جدیدی را در دنیای پرآشوب سیاست، در این منطقه به وجود بیاورد و آن، هویت جمهوری اسلامی و ملت زنده ایران است که توانستند این جمهوری را ایجاد کنند و از آن پاسداری کنند. این، یک هویت اسلامی و یک هویت ملی است و این هویت، مخصوص ملت ایران هم نیست. هویت اسلامی، متعلق به همه امت‌های اسلام است.

۱. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجة الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی ۱۴/۰۹/۱۳۶۹

۲. دیدار خانواده‌های شهدا ۰۳/۰۳/۱۳۸۴

۳. دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۴/۰۲/۱۳۸۷

۴. مراسم اولین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۶۹

امام بزرگوار ما با همت ملت ایران توانست این هویت را ایجاد کند و آن را زنده کند.^۱ این قرنی که در پیش است، قرن روکردن به معنویت و قرن استقلال و هویت ملی ملت‌هاست و ایران، سرآغاز آن بود. دنباله ایران بسیاری جاهای دیگر پیش خواهد آمد و قدرتهایی که با این حرکت عظیم بشری مواجه و سینه به سینه بشوند، شکست خواهند خورد و قدرت استکباری یکی از اینهاست.^۲

ملت ایران توانسته است در طول سه دهه برای خود یاورانی، همراهانی، همگامانی پیدا کند... حرکت نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و انقلابی که این حرکت را به وجود آورد، به سمت یک هویت حقیقی ماندگار مستحکم قابل دوام و دفاع در مقابل تهاجم‌هاست؛ هویت اسلامی، اتکاء به خدای متعال، احساس عزت از مسلمان بودن، تکیه بر ظرفیتها و نیروهای که خدای متعال به ما بخشیده است - چه نیروهای شخصی یک‌یک ما، چه نیروهای عظیم جمعی ملی، چه نیروهای انسانی و چه نیروهای طبیعی ما - و فراخوانی دنیا به سمت ارزشهای معنوی.^۳

ملت ایران با اتحاد خود، با حضور خود، با آگاهی خود این گام بلند را برداشت و تمدنی جدید، حرکتی جدید، جریانی نو در اندیشه سیاسی دنیا به وجود آورد. ملت‌های مسلمان احساس هویت کردند، شخصیت پیدا کردند. احساس کردند می‌توانند عقب افتادگی‌هایشان را که بر امت اسلامی تحمیل شده بود، جبران کنند. لذا شما می‌بینید حرکت ملت ایران بر روی ملت‌های مسلمان - از شمال آفریقا تا شرق آسیا - اثر گذاشت، ملت‌ها را بیدار کرد. در قضیه فلسطین، در قضیه لبنان، در مسائل عراق و افغانستان جابه‌جا و قدم به قدم، تأثیر نفس شما ملت ایران محسوس است.^۴

۱. مراسم هجدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۶/۳/۱۴

۲. دیدار مردم استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۷

۳. دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

۴. دیدار مردم بیجار ۱۳۸۸/۰۲/۲۸

گفتار چهارم: استکبارستیزی

من معتقدم، این حجت خداست که به نفع جمهوری اسلامی تمام کرده است؛ هر جا جناح خبیث و پلید و منفوری هست، با جمهوری اسلامی بد و مخالف و دشمن است؛ درست مثل زمان رسول اکرم صلی الله علیه وآله که اشراف فاسد و زورگوها و دشمنان طبقات مظلوم و محروم و کسانی که خودشان به این طبقات ظلم می کردند و منافقان که در دلشان مرض بود، با دعوت پیامبر مخالفت کردند؛ امروز عیناً همان جناحها در برابر جمهوری اسلامی ایستاده اند.^۱

۱. نفی نظام سلطه، نوآوری بزرگ تاریخی ملت ایران

مشکل اصلی در یک جمله آن است که دنیا، نظام سلطه را پذیرفته است... نه فقط قدرتهای بزرگ، ابرقدرتها، تقسیم کنندگان جهان و آنان که منافع خود را ولو در آن سوی عالم، بر منافع کشورها و ملت‌ها ترجیح می دهند و طلبکارانه آن را می جویند، بلکه حتی خود آن کشورها و ملت‌ها و رهبران نیز سلطه‌گری یعنی اولویت منافع سلطه‌گران را چون جبر تخلف‌ناپذیری، گردن نهاده‌اند. اگر نظام سلطه در زمانهای گذشته به صورت لشکرکشی و برده‌کشی امپراتورها تجلی می کرد، امروز به شکل شبکه بسیار پیچیده جهانی در مظاهر و حوزه‌های بسیار متعدد حیات ملت‌ها ظاهر شده است. نظام سلطه توانسته است برای خود اقتصادی خاص، روابط سیاسی ویژه و از همه بالاتر فرهنگ سلطه را ایجاد کند. لذا اگر دیروز برای مقابله با سلطه امپراتورها آمادگی و دفاع نظامی ملت‌ها کفایت می کرد، امروز حتی برای احساس سلطه از سوی ملت‌ها، نیاز به فعالیت و تلاش جدی وجود دارد و مقابله با آن حقیقتاً ابعاد وسیعی یافته است.

زورمندان جهان، امروز فقط به دلیل برخورداری از ابزارهای قدرت، تحکم می کنند، مداخله می کنند، قضاوت می کنند، نظام اقتصادی و روابط داد و ستد با ضعفا را یک جانبه تعیین می کنند و حتی مفاهیم عالی انسانی همچون آزادی، حقوق بشر، تروریسم و امثال آن را به میل خود تفسیر می کنند و خلاصه همه جا بر اساس منافع و تشخیص خود عمل می کنند...

۱. اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا علیه السلام ۱۳۶۹/۱/۲

و ملّتها و دولتها و رهبران در دنیای ضعفا هم این همه را چون قضایای آسمانی و عارضه‌ای بی‌علاج تلقی کرده، حداکثر پس از چند و چونی و با اندک حک و اصلاحی آن را می‌پذیرند... استکبار در شرق و غرب با ستمگریهای خود، هر روز سترتر و حجیم‌تر می‌شود و معادله قدرت میان اقویا و ضعفا، روزبه‌روز بیشتر، به نفع اقویا بر هم می‌خورد... ضعف اراده در رهبران، ترس از رویارویی صریح با استکبار، تکیه بر کمک همین قدرتها، باور نداشتن قدرت مردم و تکیه نکردن به آنان... مایه‌های اصلی انفعال و ضعف کشورهای جهان [است]... اسلام و همه ادیان آسمانی، انسان را به چنین ایمانی و کاملاً در جهت عکس فرهنگ سلطه سوق می‌دهند. متون خدشه‌ناپذیر اسلامی صریحاً دستور می‌دهد «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» نه ظلم کنید و نه مظلوم شوید. و می‌آموزند که ستمگری و ستم‌پذیری در یک ردیفند و ستمگر و ستم‌پذیر، شرکای جرم یکدیگرند. تماشای ظلم بودن و بی‌تفاوت ماندن نیز همانند ظلم و خود، مرحله‌ای از آن است. تکیه به قدرت لایزال الهی و ایمان راسخ به مردم، درس دیگر اسلام به ملّتها و رهبران است، که آنان را به ایستادگی در برابر سلطه‌های جهانی تشجیع می‌کند و امید موفقیت را در آنان پرفروغ می‌سازد.^۱

انقلاب اسلامی خود یک نوآوری بزرگ تاریخی بود که ملّت ایران آن را در تاریخ خودش و تاریخ بشریت به ثبت رساند. انقلاب نوآوری بود؛ جمهوری اسلامی نوآوری بود. از بعد از دوران شروع استعمار، دنیا به دو بخش تقسیم شد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر؛ دولت‌ها و قدرتهایی با تکیه به دانش، با تکیه به سلاح، با تکیه به فریبگری، توانستند کشورهای دیگری را زیر سلطه بگیرند؛ آن‌ها شدند سلطه‌گر، این ملّتها و این کشورها خواه‌وناخواه - شدند سلطه‌پذیر. دنیا عادت کرد به تقسیم میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ به‌طور سنتی، جمعی از ملّتها باید زیر فرمان و یوغ استعمار و استکبار دولتها و ملّتهای دیگری قرار می‌گرفتند. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و این خطکشی باطل و این نظام غلط را درهم شکست. جمهوری اسلامی اعلام کرد با سلطه‌گری مخالف است و خود هم اگر بتواند و قدرت داشته باشد، هرگز سلطه‌گری نخواهد کرد؛ نه ملّت دیگری را و نه مسئولان کشور، ملّت خود را زیر سلطه ناخواسته خود نخواهند کشید. با سلطه‌گری مخالف است؛ اما با سلطه‌پذیری بیشتر مخالف است.^۲

انقلاب اسلامی یک پیشنهاد جدید، یک حرف نو برای زندگی انسانها بود. دنیای اسیر

۱. هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد ۱۴/۶/۱۳۶۵

۲. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۸۷

قدرتمندی و بازی قدرت قدرتمندان که به خاطر حفظ قدرت خودشان مردم را سوق می‌دادند به سمت مهالک اخلاقی و مهالک گوناگون فکری، احتیاج به یک سخن نو داشت؛ این سخن نو را انقلاب اسلامی تولید کرد، ایجاد کرد و آن را عرضه کرد. این سخن نو عبارت از این است که بشریت می‌تواند به پیشرفتهای مادی، پیشرفتهای علمی، پیشرفتهای باب و مناسب ارزش انسانی دست بیابد، همراه با کسب رضایت پروردگار و همراه با حفظ ارزشهای الهی، و دنیا را از جهنمی که قدرت‌طلبان عالم و سیاستمداران دور از معنویت به وجود آورده‌اند نجات بدهد و در همین نشئه یک بهشت برای بشریت به وجود بیاورد؛ بهشت اطمینان، بهشت آرامش، بهشت احساس وظیفه، بهشت ارتباط با خدای متعال. این پیام انقلاب اسلامی بود^۱.

۲. محوریت ملت ایران در حرکت جهانی علیه نظام سلطه

دوران نظام استکباری - که مبنای آن بر ظلم به ملتها و تسلط بر جان و مال و ناموس و منابع آنهاست - به سر آمده است. البته ممکن است ملتها دوره‌های سختی را تجربه کنند، اما دوران زورگویی و قلدری در باطن انسانها و در باطن عالم به سر رسیده؛ بیشتر از این نمی‌توانند. ملتی که می‌تواند نقش ایفا کند، ملتی است که به خودآگاهی برسد و از اراده و ایمان و هوشیاری استفاده کند؛ او میدان را خواهد برد. بیشترین اقبال را در این مورد ملت ایران دارد. ملت ایران، هم با استعداد است، هم باهوش است، هم مؤمن است و هم تجربه کرده است. ملتهای دیگر تجربه ملت ما را ندارند. ملت ما می‌تواند محور یک حرکت عظیم جهانی باشد بر علیه ظلم و نظام استکباری و نظام ظالمانه و نظام ارباب رعیتی جدید و نوبی که امروز مستکبران عالم می‌خواهند بر دنیا تحمیل کنند^۲.

این در دنیا خیلی چیز مهمی است که ملتها ببینند بدون قرار گرفتن زیر سایه قدرتها هم یک ملت ممکن است رشد کند و حرکت کند، بلکه با خصومت قدرتها هم می‌تواند رشد کند و حرکت کند و بایستد و روی پای خودش جلو برود؛ این را ما عملاً نشان دادیم، این هم اینها را عصبانی می‌کند. ملت ایران برای کشورها و برای ملتها الگو شد که نشان بدهد می‌توان در مقابل ابرقدرتها ایستادگی کرد و از آنها نترسید، و درعین حال پیش رفت^۳.

ما افتخار می‌کنیم که در این دنیای مادی، پرچم حاکمیت قرآن و اسلام را اول ما بلند

۱. دیدار با بسیجیان ۱۳۹۶/۹/۱

۲. دیدار مردم قم ۱۳۸۳/۱۰/۱۹

۳. دیدار نخبگان جوان علمی ۱۳۹۶/۷/۲۶

کردیم. پای این داعیه بزرگ هم ایستاده‌ایم، زحماتش را هم تحمل کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که اگر ملتی صبر کند، تحمل کند، استقامت کند، نه فقط دشمن را ناکام خواهد کرد، بلکه پیشرفت خواهد کرد؛ این اتفاقی است که در کشور ما افتاده است.^۱

آنچه استکبار جهانی را آشفته کرده است، این است که یک ملت در یک کشور مهم، با یک سابقه تاریخی بسیار غنی، با دارا بودن خصوصیات منحصربه‌فرد، در مقابل این عادت زشت سلطه‌گری و سلطه‌پذیری ایستاده است؛ این است که آمریکا را عصبانی می‌کند؛ این است که جبهه متحده از مستکبران را در مقابل جمهوری اسلامی قرار می‌دهد؛ و باز اتفاقاً همین است که دل ملتهای دنیا را به سوی ملت ایران جذب می‌کند؛ و همین است که اتفاقاً بسیاری از دولتهایی هم که خودشان جرأت نمی‌کنند در مقابل نظام سلطه بایستند، از اینکه نظام جمهوری اسلامی ایستاده است، لذت می‌برند؛ اگرچه این گستاخی و دلیری را ندارند که آن را اظهار کنند.^۲

شما امروز یک ملت نمونه هستید. خیلی از ملتها از شما سرمشق می‌گیرند، روش‌های شما را مطالعه می‌کنند و شجاعت شما را می‌ستایند. این نعمت بزرگی بود که خدا به شما داد. در این سالهای سخت مبارزه طولانی دوران پس از پیروزی انقلاب، ملت ما به بشریت خدمت کرد. شما خیلی از چشمها را در دنیا باز کردید. این قدرتهای استکباری، پرچم معنویت را خوابانده بودند. در دنیا خبری از دین و معنویت و اخلاق و وظیفه انسانی و نام خدا نبود؛ شما اینها را زنده کردید و برای عزت اسلام و عظمت دادن به نام خدا، سختی مبارزه را قبول نمودید.^۳

۳. مبارزه همه جانبه ملت ایران با شیطان بزرگ

مسئله اصلی، مسئله تقابل دو حرکت است؛ تقابل حق و باطل است: **جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ**؛ ...^۴ حق وقتی که آمد، باطل به طور طبیعی، به خود می‌لرزد. اینها استکبارند، اینها استعمارند و تنفس اینها، تغذیه اینها با خون ملتها است؛ حالیکه قدرتی پیدا شده است در دنیا که با این پدیده ظالمانه مخالف است، مخالفت می‌کند، زیر بار آنها نمی‌رود، تا آنجایی که بتواند صدا را به گوش ملتها می‌رساند، تا امروز هم موفق بوده. ما در این چهل سال تا امروز موفق بودیم. شما ببینید در کدام کشورها در بین ملتها، فریاد مرگ بر آمریکا

۱. ۱۳۹۱/۴/۴

۲. دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۳/۲/۳۱

۳. دیدار جمعی از اینارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۷۰/۷/۱۷

۴. سبأ: ۴۹

بلند می‌شود؟ این سابقه نداشت. حرکت عظیم ملت ایران، این‌ها را می‌ترساند، قدرتمندان مادی ظالم زورگو را می‌ترساند، کمپانی‌های بین‌المللی مکنده خون ملت‌ها را می‌ترساند؛ می‌بینند که به پایان راه رسیده‌اند.^۱

وقتی جوانهای ما رفتند لانه جاسوسی آمریکا را گرفتند و ضربه تحقیرآمیزی را به آمریکا زدند، امام گفتند «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول». انقلاب اول هم انقلاب بود، انقلاب عظیم و بی‌نظیری بود، اما در این حرکت دوم، ملت ایران نشان داد که لایه بعدی سلطه و گرفتاری و بلا را می‌شناسد و با آن مقابله و مبارزه می‌کند.^۲ اینکه [امام] فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید، پشتش یک منطق محکم وجود دارد. آن منطق این است که اساس سیاست آمریکا بر افزون‌طلبی و دست‌اندازی است. تاریخ آمریکا در این ۲۵۰ سالی که از عمر آن می‌گذرد، این را نشان می‌دهد... سیاست کلی آمریکا این است که امنیت داخلی‌اش را به وسیله دست‌اندازی به کشورهای جهان و تصرف مناطق نفوذ فراوان تأمین کند؛ این جور عمل می‌کنند؛ این سیاست آنها است.^۳ دل استکبار جهانی، با اسلام انقلابی و اسلام به پا خاسته و اسلام عزت‌طلب صاف نخواهد شد. مسلمان تا مسلمان است، در چشم آنها مبغوض و مورد کینه است؛ «وما نقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحميد»، «ما نقموا الا ان امنوا». آنها از ایمان شما ناراحتند؛ علتش هم واضح است: چون ایمان یک ملت به پا خاسته اسلامی، منافع ظالمانه استکبار را تهدید می‌کند.^۴

یکی از سردمداران دولتهای قبلی‌شان شرم نکرد و گفت: «ملت ایران باید نابود شود». چقدر حماقت می‌خواهد که کسی چنین حرفی بزند؟! ولی این‌ها گفتند. این از دشمنی است. این از کثرت کینه است که در حرفهایشان، در افواهشان و در چهره‌هایشان خود را نشان می‌دهد.^۵ همه دنیا می‌دانند که شیطان بزرگ، امریکاست؛ این یک حرف متکی به دلیل است. این عنوان «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک نام‌گذاری بی‌دلیل نبود. شما به تاریخ سی، چهل سال گذشته نگاه کنید؛ بیشترین کارشکنی را نسبت به نهضتهای مردمی و مستقل، آمریکا کرده است. بیشترین ترور شخصیت‌های مؤمن پاک‌دامن را در دنیا، دستگاه جاسوسی سیای آمریکا کرده است. بیشترین حمایت را از رژیم‌های ضد مردمی در دنیا، آمریکا کرده است.

۱. ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

۲. دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

۳. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۵/۸/۱۲

۴. خطبه‌های نمازجمعه ۱۳۷۰/۱/۱۶

۵. آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۸/۱۱

بیشترین فروش اسلحه و سلاحهای مرگبار را در دنیا امریکا کرده است. بیشترین چپاول و غارت را نسبت به ثروت‌های ملت‌ها، امریکا کرده است. این‌ها شیطنت است؛ پس بزرگ‌ترین شیطان‌هاست... این شیطان بزرگ که همه ملت‌ها نمی‌گویم همه دولت‌ها و حکومت‌ها- شیطنتش را قبول دارند، جمهوری اسلامی را به شیطنت متهم می‌کند! ما افتخار می‌کنیم که منفورترین شیطانهای دنیا، با ما با این لحن حرف بزند. ما از تعریف و تجلیل سردمداران رژیم امریکا هرگز خشنود نمی‌شویم.^۱

ما با دشمنان، با استکبار سرِ آشتی نداریم و با برادران مسلمان بنای بر دشمنی و عداوت نداریم؛ بنای بر دوستی و رفاقت و برادری داریم؛ چون معتقدیم باید *أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ وَرُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ* بود؛ این درس امام بزرگوار ما است؛ این خط مسلم جمهوری اسلامی است. ما در حمایت از مظلوم نگاه به مذهب طرف مقابل نمی‌کنیم؛ و نکردیم؛.. *كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِمَظْلُومٍ عَوْنًا*...^۲ این خط ما است.^۳ ملت ایران ملتی است که سرسختی خود را در راه دفاع از آرمانهای خود و از منافع خود آن‌چنان نشان داده است که میل و رغبت خود [را] به سلامت و صلح و همزیستی با برادران مسلمان و همه آحاد بشر؛ این دو با یکدیگر موازی هستند.^۴ آنچه ما با آن مخالفیم عبارت است از حاکمیت ظلم و طغیان و استکبار؛ «آمریکا» که می‌گوییم یعنی این؛ مخصوص آمریکا هم نیست... هر کشور دیگری هم همین رفتار را داشته باشد این [طور] است. ما با هیچ ملتی به عنوان ملت مخالفی نداریم؛ با هیچ نژادی، با هیچ ملتی؛ ما با استکبار مخالفیم، با ظلم مخالفیم، با طغیان علیه ارزشهای انسانی و الهی مخالفیم. امروز آمریکا مظهر اینها است؛ مظهر ظلم است، مظهر استکبار است، لذا است که در دنیا هم منفور است.^۵

مبارزه و جهاد به یک معنا تمام‌نشده است - چون شیطان همیشه در دنیا هست - به یک معنا با موقعیتهای مختلف، شکل جهاد تغییر پیدا می‌کند. اگر کشورها و ملت‌هایی، بتوانند همت کنند و جامعه بشری را و جامعه جهانی را از زیر بختک استعمار و استکبار بیرون بکشند، مشکل حل خواهد شد. یعنی عمده مشکل بشریت این است. امروز دستگاه‌های استکباری و در رأس آنها آمریکا، مثل بختک افتاده‌اند روی جسم بشریت و روی فکر بشریت - مثل

۱. دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر ۱۳۸۰/۱۱/۳

۲. نهج/نامه ۴۷

۳. ۱۳۹۴/۵/۲۶

۴. مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۰۷/۱۳

۵. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

جان بشریت - او را احاطه کرده‌اند، او را میفشردند، او را آشفته می‌کنند، زندگی‌اش را پریشان می‌کنند؛ [اگر] بشریت بتواند خودش را از زیر این سایه سنگین، از زیر این کابوس بیرون بکشند، آن وقت نفس راحتی خواهد کشید. البته کار آسانی نیست، کار دشواری است، مبارزات طولانی و بلندمدت می‌خواهد. ملت ایران گام‌های بلندی را در این راه برداشته است.^۱

گفتار پنجم: ظرفیت‌های مبارزه ملت ایران

یک کشور بزرگ، یک کشور واقع در منطقه حساس جغرافیا، یک کشور دارای منابع و معادن سرشار... با ملتی مقاوم و شجاع و پر استعداد... با یک سابقه تاریخی بسیار غنی... [با] خصوصیات منحصر به فرد.^۲

۱. تنوع ظرفیت‌ها و استعدادهای کشور

نکته مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.^۳

کشور ما دارای ظرفیت‌های بسیاری است که کمتر کشوری در دنیا پیدا می‌شود که این همه ظرفیت داشته باشد؛ هم ظرفیت جغرافیایی، هم ظرفیت اقلیمی، هم ظرفیت نیروی انسانی، هم ظرفیت منابع زیرزمینی، هم ظرفیت امکانات روی زمین. ظرفیت‌های این کشور که برای اقتصاد کشور و پیشرفت کشور فوق‌العاده مهمند بسیار زیادند. البته ما از این ظرفیت‌ها درست استفاده نکرده‌ایم.^۴ یک چنین موقعیت سوق‌الجیشی فوق‌العاده‌ای - این‌ها را دیگران دارند

۱. دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۳/۳/۴

۲. دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۳/۲/۳۱

۳. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۴. همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

میگویند- خب [اینکه] یک کشوری با این خصوصیات که اهمّیتش به این [حد است]، بیاید در مقابل زورگوییِ اینها بایستد، برایشان سخت است؛ [اینکه] یک نظام اسلامی، یک نظام دینی، یک نظام ایمانی، مبتنی بر ارکان اسلامی و افکار اسلامی شکل بگیرد، برای اینها غیر قابل تحمّل است؛ [لذا] دشمنی می کنند، مخالفت می کنند، معارضة می کنند.^۱

الحمدلله جنس حکومت اسلامی و جامعه اسلامی و جمهوری اسلامی جنس جوری است؛ سردار نظامی خوب داریم، مردان علمی جوان پُرانگیزه و خوب داریم، فرهنگ سازان پُرهمّت و باغیرت و هنرمند بسیار خوب داریم، مردم آماده به کار و حاضر به کار در همه میدانها هم داریم که هر جایی که اسلام و حکومت اسلامی و نظام اسلامی نیاز داشته باشد، زن و مرد آماده هستند و حضور پیدا می کنند؛ این جنس جور جمهوری اسلامی به فضل و لطف الهی است.^۲ اقلیم ما اقلیم متنوعی است. کشور ما کشور وسیعی است. همه چیز، متناسب با نیازهای ما وجود دارد. طبیعت خوب داریم، معدن خوب داریم، مردم خوب داریم، استعداد خوب داریم، مسئولان دلسوز مردمی هم در سه قوه داریم، نیروهای مسلح پای کار و آماده و شجاع هم داریم، روحانیت فاضل و دلسوز و علاقه مند هم داریم، دانشگاه ها و مدارس پر جمعیت هم داریم - چهار میلیون جمعیت دانشجو، و میلیونها جمعیت دانش آموز - اینها امکانات ماست، استعداد ماست؛ عزم و اراده و امید هم در ملت ما وجود دارد.^۳

۲. ظرفیت نیروی انسانی جوان و مستعد

اتّفاق کم نظیری که افتاده، این است، کشوری که از جوانترین کشورهاست، یکی از بزرگترین انقلاب های تاریخ و جوانترین انقلاب موجود جهان و مستقل ترین نظام سیاسی در همه دنیا را تجربه می کند. این تقارن، تقارن شگفت آوری است. این جمعیت عظیم جوان در کشوری زندگی نمی کند که نظام سیاسی آن تابع امریکا و کمپانیهای مالی بزرگ جهان و شرکتهای چند ملیتی یا تابع فلان کشور و فلان سیاست است؛ بلکه در کشوری زندگی می کند که نظام سیاسی اش جوان پسند است. جوان مایل به استقلال است. جوان طبیعتاً سرش را بالا می گیرد و مایل نیست که اسیر و دنباله رو باشد. نظام سیاسی امروز کشور شما، نظامی است که سرش را بالا گرفته، در مقابل هیچ کس آن را خم نکرده و از توپ و تشر امریکاییها و تهدیدهای گوناگون هم در طول این بیست و دو سال لحظه ای بیم به دل راه نداده است. کشور ما با یک

۱. دیدار نخبگان علمی جوان د بزرگداشت ۴ هزار شهید گلستان ۱۳۹۵/۰۷/۲۸

۲. دیدار مذاحان ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

۳. ۱۳۹۱/۷/۱۹

انقلاب نو و جوان مواجه است؛ لذا به یک سرعت عمل همراه با برنامه‌ریزی صحیح در جهت خودسازی و پیشرفت احتیاج دارد تا بتواند زبان دشمنان را کوتاه کند و حضور خود را - چه از جنبه علمی و چه از جنبه عملی - بر همه آنها تحمیل نماید.^۱

نسل جوان از لحاظ کمیت، متراکم و گسترده؛ از لحاظ روحیه، دارای روحیه ایمان؛ از لحاظ آمادگی، آماده کارهای بزرگ و از لحاظ استعداد، یک مجموعه بسیار با استعداد است. اینکه من بارها گفته‌ام متوسط استعداد جوانان ایرانی از متوسط استعداد های جوانان دنیا بالاتر است، محصول یک کاوش و بررسی علمی و یک امر مسلم است. این استعداد، این کمیت فراوان و این توانایی‌ها، می‌تواند کشوری مثل ایران را در راههای تکامل و تعالی و ترقی کمک بزرگی کند.^۲

ظرفیت کشور، خیلی حقیقت درخشان و مهمی است. ظرفیت‌های کشور، فوق‌العاده است. ظرفیت منابع انسانی ما جزو ظرفیتهای ممتاز در سطح جهان است؛ این ظرفیت را باید بالفعل کرد و باید به کار گرفت؛ ما داریم این را مشاهده می‌کنیم... من این را به تجربه و با آشنائی با بخشهای مختلف دریافتم که هیچ موردی نیست که در کشور زیرساخت آن آماده باشد و جوان ما نتواند آن مورد را خلق کند و به وجود بیاورد. همه بخشهای گوناگون علمی، از ظریف‌ترین‌ها و دقیق‌ترین‌ها تا کلان‌ترین‌ها، اینچور است؛ مگر زیرساختش آماده نباشد.^۳ این، هم باید مورد توجه مسئولین کشور قرار بگیرد که بدانند اینجا منبع عظیم و جوشان استعدادهای انسانی است، و هم از ناحیه خود مردم - و بخصوص جوانان و مربیان جوانان - مورد توجه قرار بگیرد که بدانند هرکدام از آنها مثل یک چشمه جوشانی، می‌توانند این سرزمین و سراسر کشور را با وجود خود و با فیضان خود سیراب کنند.^۴

یکی از امکانات و ظرفیتهای مهم، موج جمعیتی است که بعضی‌ها مخالفاند. بعضی‌ها میگویند جمعیت کشور چرا باید این تعداد باشد و چرا باید بیشتر بشود؟ این خطا است. هشتاد میلیون جمعیت در یک کشور، آبرو برای این کشور است؛ این کشور هشتاد میلیون جمعیت دارد... این موج جمعیتی یکی از امکانات است.^۵

۱. دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت ۱۳۸۰/۲/۱۲

۲. دیدار جوانان در مصالای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

۳. دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

۴. ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

۵. اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

۳. ظرفیت‌های مادی متنوع و متراکم

ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است.^۱

وسعت سرزمین کشور ما و همسایگی با آب‌های بین‌المللی آزاد، از فرصت‌های این کشور است؛ ما از اینها به‌طور کامل استفاده نمی‌کنیم؛ یکی از دو حاشیه خلیج فارس متعلق به ما است، بخش عمده‌ای از دریای عمان متعلق به ما است. همسایگان متعدد؛ با پانزده کشور ما همسایه هستیم و این یک امکان و یک ظرفیت بسیار مهم برای کشور است. کشور ما از لحاظ جغرافیایی در جای حساسی قرار گرفته است؛ نقطه اتصال شرق و غرب و شمال و جنوب است و این از لحاظ جغرافیایی مهم است. منابع طبیعی باارزشی در کشور ما وجود دارد که امروز بدون اینکه ارزش افزوده‌ای داشته باشد، به خارج فروخته می‌شود؛ یکی از آنها نفت و گاز است... در موجودی نفت و گاز بر روی هم، در دنیا اولیم؛ یعنی هیچ کشوری به‌قدر ایران عزیز ما مجموعاً نفت و گاز ندارد؛ در گاز اول، در نفت چهارم و در مجموع اینها - حجم مجموع نفت و گاز- اول در همه دنیا [هستیم]. این خیلی ظرفیت مهمی است؛ امکان بسیار مهمی است؛.. فلزات فراوان و باارزش، مراتع، جنگل‌ها و امکانات فراوان دیگر.^۲

از بیست و چهار نوع ماده معدنی فلزی، دوازده نوع آن در ایران وجود دارد که تا الان شناخته شده؛ ممکن است بیشتر هم باشد که بعدها شناخته شود. از پنجاه نوع ماده معدنی غیرفلزی که در دنیا شناخته شده، سی و شش نوع آن در ایران وجود دارد؛ یعنی تنوع معادن فلزی و غیرفلزی. اینها امکانات طبیعی باارزشی است که ما در کشور داریم. تنوع اقلیمی و آب و هوای مختلف در کشور ما خودش یک فرصت بزرگ است. دریاها در جنوب و شمال، از فرصت‌های بسیار باارزش است. موقعیت مهم جغرافیایی و ارتباطی در اتصال شرق و غرب عالم، از لحاظ بازرگانی و بسیاری فعالیت‌های دیگر، از موقعیت‌های باارزش است. جمعیت جوان و با استعداد ما، یک فرصت دیگر است. مایه تأسف است که بعضیها از کثرت افراد جوان

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۲. دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

در کشور ما به‌عنوان یک نعمت یاد نمی‌کنند؛ در حالیکه این بزرگترین سرمایه است.^۱ اگر از این ظرفیتها استفاده نکنیم، واقعاً کفران نعمت کرده‌ایم؛ خدای متعال [می‌فرماید]: «الَّذِينَ يَكْفُرُوا بِاللَّهِ كُفْرًا»^۲، ۳/۲

۳. ظرفیت‌های معنوی و ثروت‌های فرهنگی

ظرفیت‌های مادی مثل معادن، جنگل‌ها، موقعیت جغرافیایی، تنوع اقلیمی، تا برسیم به مسئله تاریخ و هویت ملی و امثال اینها. این‌ها همه ظرفیت‌های بسیار مهم و اساسی است که در کشور ما بعضی از این ظرفیتها اختصاصی است؛ یعنی هیچ کشور دیگری از آنها برخوردار نیست، ما برخورداریم بحمدالله. این‌ها ظرفیت‌های مادی است، لکن در کنار اینها، ظرفیت‌های معنوی [هم] هست.^۴

هر کشوری یک ثروتی دارد: بعضی‌ها ثروت‌های اقلیمی دارند؛ بعضی‌ها ثروت‌های جغرافیایی دارند؛ بعضی‌ها ثروت‌های زیرزمینی دارند؛ بعضی‌ها ثروت‌های انسانی-انسان‌های باهوش، برجسته-دارند؛ بعضی‌ها نفت دارند؛ بعضی‌ها عقل دارند پول ندارند، بعضی پول دارند عقل ندارند؛ از این قبیل در دنیا ملت‌هایی داریم. نقطه‌قوت هر کشوری بایستی برای او عزیز و محترم باشد، از آن محافظت کند. ما نقطه‌قوت خیلی داریم، حالا نقطه‌قوت‌های طبیعی زیاد داریم-که حالا این حرفها جایش در این جلسه نیست؛ زمین داریم، زیر زمین [منابع] داریم، روی زمین [منابع] داریم، انسان داریم، هوش داریم، همه چیز داریم- لکن یکی از مهم‌ترین ثروت‌های ما، ثروت فرهنگی ما است؛ ما ثروت فرهنگی داریم. ثروت فرهنگی چیست؟ مثلاً میل به جهاد و اعتقاد به جهاد، یک ثروت فرهنگی است؛ یعنی شما وقتی در بین ملت ایران حرکت کنید و گردش کنید، جز عده معدودی، در بقیه مردم کشورمان یک انگیزه حرکت در راه دین هست؛ حالا اندازه‌اش مختلف است؛ کم دارد، زیاد دارد. یکی همین‌قدر انگیزه دارد که اگر چنانچه در مقابل دوربین تلویزیون قرار گرفت به نفع کشور و به نفع آرمانهای انقلاب و اسلام شعار بدهد؛ خیلی خب، خیلی خوب است، این انگیزه وجود دارد. یکی بیشتر از این انگیزه دارد، یکی تا آنجا انگیزه دارد که جانش را حاضر است بدهد و فدا بکند؛ این حس مجاهدت‌طلبی

۱. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۵/۱۵

۲. سوره ابراهیم، بخشی از آیه ۲۸ «آیا به کسانی که نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند نتگریستی؟»

۳. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به‌مناسبت هفته دولت ۱۳۹۷/۶/۷

۴. دیدار با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۹۹/۲/۲۸

و مجاهدت‌پذیری و اعتقاد به مجاهدت یک ثروت فرهنگی است؛ این در کشور ما وجود دارد، در خیلی از کشورها نیست.^۱

گفتار ششم: پیروزی نهایی جبهه حق

راه نظام جمهوری اسلامی، راه خدا است؛ هدف‌ها، هدف‌های الهی است؛ تکیه‌گاه، اراده الهی است؛ و اینچنین راهی هیچ وقت به بن‌بست منتهی نخواهد شد. این را همه باید بدانند و مطمئن باشند که به توفیق الهی و به اذن‌الله بن‌بستی در راه ما وجود نخواهد داشت.^۲

۱. پیروزی تضمین شده ملت ایران

پیروزی این جریان عظیم انقلابی در ایران، تضمین شده است. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: **إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ؛** اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غلبه نمی‌کند. **خُب، یاری کردن خدا چه جوری است؟** **إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛** (محمد ۷) اگر شما یاری کردید دین خدا را، جهت‌گیری الهی را، منطق خدایی را، راه خدا را، خدا هم شما را نصرت خواهد کرد و یاری خواهد کرد؛ این همان چیزی است که امروز وجود دارد. این جریان عظیم انقلابی در کشور دارند اهداف الهی را دنبال می‌کنند، ایجاد جامعه اسلامی را دارند دنبال می‌کنند، تحقق شریعت الهی را در کشور دارند طلب می‌کنند و دنبال می‌کنند؛ پس کار خدا است، راه خدا است، نصرت خدا است؛ وقتی نصرت خدا شد، خدای متعال هم نصرت خواهد کرد، و وقتی خدای متعال نصرت کرد، **فَلَا غَالِبَ لَكُمْ؛** هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد.^۳

ما الان می‌توانیم با همه توان ادعا بکنیم که جمهوری اسلامی با همه چالش‌هایی که در مقابل او به وجود می‌آورند، می‌تواند پنجه بیندازد و بر همه آن‌ها می‌تواند غالب بشود؛ چون این را تجربه کرده‌ایم. **وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛** اگر ایمان در دل و در

۱. دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

۲. دیدار مسئولان و کارکنان قوه قضائیه ۱۳۹۲/۴/۵

۳. ۱۳۹۸/۹/۶

عمل وجود داشته باشد، کوه‌ها در مقابل یک جامعه، یک مجموعه، یک انسان قوی، هموار خواهد شد و قدرت مقاومت نخواهد داشت. یکی از فواید جنگ برای ما این بود. خب، این‌ها حقایقی است.^۱

انقلاب، قائم به ایمان‌های آحاد مردم است؛ مخالفین با انقلاب، مخالفین با نظام برآمده از انقلاب، با مردم روبه‌رو هستند، با مردم طرفند. سرّ اینکه آن‌ها موفق هم نمی‌شوند، همین است؛ و الا هیچ نظام سیاسی‌ای نیست که نشود آن را با روشهای سیاسی یا امنیتی متزلزل کرد؛ یک قوی تری می‌آید، آن را متزلزل می‌کند. اما نظامی که متکی به مردم است، مخالفینش هرچه از لحاظ امنیتی و نظامی و ثروت و اقتصاد و این‌ها قوی‌تر هم باشند، نمی‌توانند این نظام را متزلزل کنند؛ سرّش هم این است که این نظام متکی به مردم است، متکی به ایمان‌هاست، متکی به همان عاملی است که اصل این نظام را به وجود آورده است؛ این خیلی چیز مهمی است.^۲

عمل صالح بر اساس ایمان، ایمان راسخ و ایمان درست، ایمان همراه با بصیرت، و تداوم و استقامت، اگر چنانچه بود، پیروزی قطعی است. این‌هایی که پیروز نمی‌شوند، یکی از اینها را ندارند: یا ایمان نیست، یا ایمان درست نیست، یا استقامت نیست، یا بصیرت نیست؛ در نیمه‌راه بار را بر زمین گذاشتن است؛ طبعاً به نتیجه نمی‌رسند. ملت ایران این شرایط را فراهم کرد؛ ایمان او درست بود، چون راهنمای او راهنمای صادقی بود، راهنمای ماهر و خبیری بود؛ یک فقیه آگاه به مسائل جهان، و بریده از مطامع و منافع مادی شخصی، و آگاه به کتاب و سنت؛ راه را به مردم نشان می‌داد، مردم هم با بصیرت حرکت کردند؛ فهمیدند که چه کار باید بکنند؛ آن کار را انجام دادند، وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ حالا هم همین جور است.^۳

۲. شکست قطعی دشمنان ملت ایران

بدانید که دشمن ملت ایران محکوم به شکست است؛ علت هم این است که دشمن ملت ایران در راه باطل دارد حرکت می‌کند، در راه غلط دارد حرکت می‌کند. اگر گذشتگان رؤسای آمریکا زیر پوشش‌هایی، کارهایی می‌کردند، حالا که دیگر علنی و بدون پوشش، فسادهای خودشان، انحراف‌های خودشان، جنگ‌افروزی خودشان، فتنه‌سازی خودشان،

۱. شب خاطره دفاع مقدس ۱۳۹۶/۳/۳

۲. دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۸۸/۱۰/۲۹

۳. دیدار مردم قم، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

طمح ورزی خودشان به داشته‌ها و ثروتهای دیگران را دارند نشان می‌دهند. راه باطل است، راه شیطان است؛ و این راه شیطان، همان است که خدای متعال فرمود: **أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا**؛ کسی که خدا او را لعنت می‌کند و از درگاه خودش دور می‌کند، نصرتی نخواهد یافت، نصرت‌کننده‌ای نخواهد یافت؛ واقع قضیه هم همین است. ولی شما نصرت‌کننده دارید و آن نصرت‌کننده خداوند عزیز و حکیم است و ان‌شاءالله شما را نصرت خواهد کرد و به مقصودتان خواهد رساند.^۱

کید شیطان ضعیف است. دشمن، در مقابل یک ملت مؤمن و متحد و یکپارچه و مطیع امر خدا، کوچک است. هر چه ظاهر دشمن پر زرق و برق باشد، باطن او ضعیف است. امریکا بر حسب ظاهر، قوی و قدرتمند است. قدرت او، قدرت مادی است و در مقابل مردم مادی، کارساز است. قدرت مادی در کار خود پیش می‌رود، اما وقتی طرف مقابل او مردم مادی باشند؛ نه مردمی خدایی و خداجو و مؤمن. اگر در مقابل قدرتهای بزرگ مادی، یک ملت خداجو و مؤمن قرار بگیرد، او هر چه هم قوی باشد، کاری از پیش نخواهد برد.^۲

۳. پیروزی‌های مقطعی نشانه صدق وعده پیروزی نهایی

با اعتمادی که ما به وعده الهی داریم - و وعده الهی حق است و صدق است - بدون تردید خدای متعال این ملت را، هم در این مرحله، هم در همه مراحل آینده، بر دشمنانش پیروز خواهد کرد. خدا را شکر می‌کنیم که ما را دچار سوءظن به خودش نکرد؛ **«الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ»**؛ ما را از اینها قرار نداد. ما به وعده الهی حسن ظن داریم، به وعده الهی اعتماد داریم. از طرفی می‌بینیم که خدای متعال وعده نصرت داده است، از طرفی هم انسان این مردم را مشاهده می‌کند؛ حضورشان، علاقه‌شان، همتشان، اخلاص این جوانها، پاکی این جوانها، پدر و مادرهای مؤمن و علاقه‌مند در سطح کشور، در همه قشرها، با همه شکلها و ظواهر. انسان مشاهده می‌کند که این ملت، ملتی است که بحمدالله در صحنه است.^۳

آنچه از موفقیتها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده‌های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده‌ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل

۱. دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

۲. دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۹۷/۹/۲۱

۳. ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

کنید، در جایی که گمان آن را نمی‌برید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتفاق افتاد: ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان دریغ نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ‌کس تصوّر آن را نمی‌کرد! چه کسی خیال می‌کرد در این منطقه بسیار حسّاس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله با آن رژیم بشدت حمایت‌شونده از سوی قدرتهای بین‌المللی، یک حکومتی به‌وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصوّری می‌کرد؟ هیچ‌کس. اگر کسی بگوید من می‌دانستم این‌جوری می‌شود، مگر از طُرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمی‌داد، اما این اتفاق افتاد. بدانیم آن وعده اصلی، آن کار بزرگ هم اتفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد افتاد.^۱

تأمین دنیا و آخرت مردم امر دشواری است، اما ثمره شیرینی دارد و خداوند متعال در قرآن کریم با نشان دادن آثار تقوا طریق پیمودن این راه دشوار را معرفی کرده است و تأکید نموده که در این راه کامیابی قطعی است و خداوند بندگان را کمک خواهد کرد. همان طور که در ماجرای طَبس دیدیم که خداوند با آمریکائیا چه کرد و یا در جنگ تحمیلی چه کسی باور می‌کرد که همه قدرتهای دنیا به ما حمله نظامی بکنند و آخرش حتی نتوانند یک وجب از خاک ما را بگیرند و اینها همه نشانه این است که وعده خدا قطعی است.^۲

۴. پیروزی قطعی به شرط ایستادگی در مبارزه

مبارزه زحمت دارد؛ اما حق بر باطل، پیروز است.^۳ هر جا ملت‌ها حرکت کنند، ایستادگی کنند، صبر و مقاومت نشان بدهند، پیروزی قطعی است؛ همه‌جا همین‌جور است. اشکال کار مبارزاتی که به شکست می‌انجامد، این است که یا ملّتها طاقت ندارند و ایستادگی نمی‌کنند، یا رهبرانی که بتوانند اینها را درست اداره کنند ندارند.^۴ اگر در یک ملّت، در یک قوم و جمعیت، قدرت و قوّت چشم‌پوشی از زندگی باشد، این قوم شکست‌بخور نیست.^۵ وقتی امید بود، توکل بود، اعتماد به نفس بود، اتّکاء به قدرت الهی بود، آن وقت یک ملّت، شکست‌ناپذیر می‌شود؛ یک انسان، تبدیل می‌شود به یک عنصر لایزال از لحاظ اقتدار، از لحاظ

۱. دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث» ۱۳۹۳/۳/۲۱

۲. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت با رهبر انقلاب ۱۳۷۳/۰۶/۹

۳. گلزار شهدای هویزه ۱۳۷۵/۱۲/۲۰

۴. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۲/۰۸/۱۳۹۴

۵. دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع ۱۳۹۵/۹/۱

حرکت، از لحاظ پیشرفت... یک ذره از این احساس در ملت ایران به وجود آمده، چهل سال است که در مقابل قدرتهای پُرووی وقیح بی شرم متکبر دنیا، با قدرت تمام ایستاده است. آنچه من و شما در این مقوله داریم، یک اندکی از بسیار است؛ هرچه بیشترش کنیم، این اقتدار و این توانایی بیشتر می شود.^۱ اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رؤفانه و پدرانۀ حضرت بقیة اللہ (ارواحنا فدا) به ملت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت می کند. نمی توانند ملت ایران را شکست بدهند.^۲ با یک نگاه عمومی به طول تاریخ اسلام وقتی نگاه کنیم... وجود مقدس خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) نوح کشتیان این امت است. بله، این امت در طول تاریخ خود فراز و نشیبهایی داشته؛ گاهی به گل نشسته، گاهی دچار ذلت شده، گاهی با مشکلات غیرقابل توصیفی مواجه شده، دست به گریبان شده؛ این ناشی از این است که سوار کشتی نشده. اگر واقعاً متمسک بشویم، متوسل بشویم بر کشتی نجات اسلام، همراه پیغمبر باشیم، مسلماً پیروزی نصیب ماست. البته دریا طوفان دارد، سختی دارد، مشکلات دارد، گاهی هراسهای بزرگ دارد، اما وقتی کشتیان، بنده برگزیده خداست، معصوم است، آن وقت دیگر بیمی وجود ندارد... نوح این کشتی اوست، پشتیان این امت اوست، واسطه فیض الهی به یکایک آحاد ما، به دلای ما، به جانهای ما، به ذهنهای ما، به جسمهای ما، به حیات فردی و اجتماعی، وجود مقدس خاتم الاوصیاء و در رتبه قبل از او، وجود مقدس خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) است.^۳

۵. بار خدا زمین نمی ماند

عقیدهی من این است که بار خدا، زمین نمی ماند. بنده از قبل از انقلاب به طلبه ها و رفقای جوانی که با من بودند، مکرر در مکرر میگفتم این را شما بدانید که وقتی ارادهی الهی تعلق گرفت، بار خدا زمین نمی ماند. قرآن، ناطق به این است: «من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه.» خدا دست دیگری، پشت دیگری و بر و دوش و بازوی ستبر دیگری را مأمور برداشتن این بار و حمل آن خواهد کرد. ولی بالاخره، کار به تأخیر می افتد. در این شکی نیست که وقتی ما بخواهیم باری را بر زمین بگذاریم، تا دیگری بیاید و آن بار را بردارد، وقفه ای ایجاد میشود. البته، وقفه در راه خدا، نارواست. استفاده از این فرصت و

۱. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

۲. دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان ۱۳۸۴/۰۶/۲۹

۳. دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور و خانواده های آنان ۱۳۹۱/۰۶/۲۸

موقعیت هم که خدا به ما داده است تا بتوانیم این بار را برداریم، بزرگ‌ترین کار ماست. اصلاً بزرگ‌ترین افتخار این است که خدا ما را بنده‌ی خودش بداند و از ما بخواهد که این بار را برداریم.^۱ هدف الهی، ثابت و قطعی و تخلّف‌ناپذیر است. اگر ما عمل نکنیم، دیگران می‌آیند و عمل می‌کنند: «من یرتدمنکر عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه». خدای متعال این راه و این سرمنزل و این سرنوشت را قطعی قرار داده است. آنچه قطعی نیست، عبارت است از زمان و مردمی که سعادت بردن این گوی را از این میدان داشته باشند. این بسته به اراده‌ی من و شماست.^۲

نصرت اسلام و نصرت مسلمین در نهایت قطعی است، منتها ما وظیفه‌ای داریم؛ هم افراد وظیفه دارند، هم جماعات وظیفه دارند، هم نخبگان سیاسی کشورها وظیفه دارند، رؤسای دولت‌های اسلامی وظیفه دارند؛ هرکدام به وظیفه‌ی خودشان عمل کردند، پیش خدای متعال مأجورند، عمل هم نکنند «فَسَوْفَ یَأْتِی اللّهُ بِقَوْمٍ یُّحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ»، بار خدا زمین نخواهد ماند، این راه ادامه پیدا خواهد کرد. امیدواریم ان‌شاءالله ما جزو کسانی باشیم که این بار را هرگز بر زمین نگذاریم.^۳

من و شما کاره‌ای نیستیم؛ دست قدرت الهی است. من و شما وسائلی هستیم که اگر عقل به خرج بدهیم، اختیار خودمان را به کار بیندازیم، وارد میدان بشویم، از ما برای حصول این هدف استفاده خواهد شد و افتخار و شرفش برای ما می‌ماند. اما اگر ما هم نباشیم: «فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه». اینجور نیست که، بار خدا بر زمین نمی‌ماند، پیش خواهد رفت؛ یک حرکت طبیعی، ناموس طبیعت است، ناموس تاریخ است. «سنة الله التي قد خلت من قبل». با تعبیرات مختلف در جاهای مختلف قرآن آمده: «ولن تجد لسنة الله تبديلا». این سنت الهی است. «ولو قاتلکم الذین کفروا لولوا الابدان ثم لا یجدون ولیا ولا نصیرا سنة الله التي قد خلت من قبل». این، یک جایش است. «ولن تجد لسنة الله تبديلا»؛ یعنی اگر شما بیائید توی میدان، بر دشمنان پیروز خواهید شد؛ یعنی این سنت الهی است؛ حالا این پیروزی ممکن است یک روزه و یک ساله نباشد، اما در نهایت پیروزی است. این پیروزی قطعاً حاصل خواهد شد. شکست و انهزام در جبهه حق معنی ندارد؛ مگر آن وقتی که اهل حق توی میدان نیایند؛ کار لازم را نکنند؛ این است دیگر. بنابراین، کار، کار خداست: «و ما رمیت اذ رمیت».^۴

۱. دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور ۱۳۷۳/۰۴/۲۲

۲. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۱/۳/۹

۳. دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۵/۰۲/۱۶

۴. ۱۳۸۸/۶/۱۶





فصل دوم عرصه های عظمت ملت ایران

ملت بزرگ ایران! شما امتحانهای بسیار خوبی را در این دوران طولانی دادید:
امتحان اتحادتان، امتحان آگاهیتان، امتحان همراهی و همکاریتان با مسئولین،
امتحان حضورتان در صحنه های گوناگون^۱.

مدخل

مسئله اصلی ما، مسئله مردم است؛ حضور مردم، میل مردم، اراده مردم، عزم راسخ مردم. این را باید عرض کنیم؛ در همه تحولات و جنبشهای گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است. یعنی گسترش یک تحول، گسترش یک فکر، گسترش نفوذ یک مصلح اجتماعی، وابسته به این است که با مردم چقدر ارتباط داشته باشد. هرچه ارتباط او و آن جریان و آن جنبش و آن تحول با مردم بیشتر باشد، امکان موفقیت او بیشتر است؛ اگر از مردم منقطع شد، دیری نخواهد پایید، کاری نخواهد کرد... در طول تاریخ ما، هیچ حادثه‌ای مثل حادثه پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن نبوده است که مردم در آن، نقش مستقیم داشته باشند. در انقلاب اسلامی مردم آمدند؛ همه مردم، همه قشرهای مردم، از شهری و روستائی، از زن و مرد، از پیر و جوان، از تحصیلکرده و بیسواد، همه و همه در کنار هم حضور پیدا کردند. با اینکه متکی به قدرت و زور هم نبودند، سلاح هم نداشتند، اگر هم داشتند، به کار نمی‌بردند، اما در عین حال توانستند یک رژیم تا دندان مسلح متکی به قدرتهای استکباری را بکلی از پا در بیاورند و انقلاب را پیروز کنند.

منتها نکته اساسی در انقلاب ما این بود که نقش مردم با پیروزی انقلاب تمام نشد؛ و این از حکمت امام بزرگوار ما و ژرف‌نگری آن مرد حکیم و معنوی و الهی بود. او ملت ایران را بدرستی شناخته بود، ملت ایران را باور کرده بود، به سلامت و صداقت و عزم راسخ و توانائیهای ملت ایران ایمان داشت. همان روزها بعضیها بودند که می‌گفتند خیلی خوب، انقلاب پیروز شد، مردم برگردند برونند خانه‌هاشان. امام محکم ایستاد و کارها را به مردم سپرد... نقش مردم بعد از پیروزی انقلاب تمام نشد. در خصوصیات اداره کشور، این نقش ادامه پیدا کرد... مردم خودشان هستند که تصمیم می‌گیرند، شرکت می‌کنند، انتخاب می‌کنند؛ کار دست مردم است. حضور مردم، یک چنین حضور برجسته‌ای است.

در طول این سالهای متمادی، دولت‌های گوناگون و ذائقه‌های سیاسی گوناگون بر سر کار آمدند - چه در مجلس با سلائق سیاسی مختلف، چه در قوه مجریه - بعضی‌ها حتی با اصول نظام زاویه هم داشتند؛ لیکن ظرفیت عظیم نظام، بدون اینکه ناشکیبائی نشان بدهد، توانسته است همه این مسائل را از سر بگذراند؛ توانسته است همه این مشکلات را در خود حل و هضم کند؛ به خاطر حضور مردم، به خاطر ایمان مردم، به خاطر پابندی مردم به نظام

اسلامی؛ یعنی خودشان را صاحب کشور دانستن. در گذشته همیشه می گفتند کشور صاحب دارد؛ منظورشان این بود که فلان امیر و فلان حاکم و فلان سلطان صاحب کشور است! مردم نقشی نداشتند، کاره‌ای نبودند. امروز به برکت انقلاب اسلامی، مردم می دانند کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور هم خود مردمند.

ما وقتی تجربه سی و دو ساله انقلاب را بازخوانی می کنیم، ژرف ژرفائی حکمت امام و تدبیر امام را درمی یابیم؛ چرا؟ چون هر نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی، با این آرمانهای بلند، با این ضدیت و مخالفتی که با استکبار و بی عدالتی بین المللی دارد، با ایستادگی ای که در مقابل شیاطین قدرت در سرتاسر جهان دارد، دشمن های گردن کلفتی دارد. چالش ایجاد می کنند، مشکل به وجود می آورند. اگر اینچنین نظامی بخواهد بماند، باید یک نیرو و ظرفیت عظیمی از او نگهداری کند، تا بتواند ایستادگی کند، تا بتواند پیشرفت کند و متوقف نماند. در انقلاب اسلامی، با تدبیر امام - که از متن اسلام گرفته شده بود - این نیروی نگهبان عبارت است از اراده مردم، عزم مردم، حضور مردم.

لذا نظام اسلامی چالشها را درنوردید و بر چالشها پیروز شد. به اطمینان کامل می شود گفت که جمهوری اسلامی تا امروز بر همه چالشهای سخت و نرم که در مقابل او قرار گرفت، پیروز شده است و به عون الهی، به فضل الهی، به هدایت الهی، بر هر چالش دیگری هم در آینده پیروز خواهد شد.

یکی از چالشهای بزرگی که همان اول انقلاب به سراغ کشور آمد، همین جنگ تحمیلی هشت ساله بود. شوخی نیست؛ هشت سال! جنگی را بر این کشور تحمیل کردند. هر نظامی باشد، با ناآمادگی ای که در اول انقلاب به طور طبیعی هست، در یک چنین چالشی شکست می خورد؛ اما کشور عزیز ما، نظام مقدس جمهوری اسلامی شکست نخورد؛ پیروز شد. جنگ به وسیله مردم اداره شد. هم ارتش و هم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و هم نیروهای گوناگون، متکی به مردم بودند؛ به ایمان مردم، به عشق مردم، به صفای مردم. از خط مقدم تا همه صفوف عملیاتی، تا پشت جبهه و پشتیبانی، مردم با صفا و صداقتی مثال زدنی و فراموش نشدنی، برای فداکاری آمادگی داشتند... جنگ را مردم اداره کردند؛ مردم پای کار بودند.

یکی دیگر از چالشهای بزرگ، همین چالش فشارهای اقتصادی و تحریمها بود. امروز سخن از تحریم میگویند؛ تحریم برای ما چیز تازه ای نیست. از سال اول پیروزی انقلاب، تحریمهای یکجانبه از طرف آمریکا و کشورهای اروپائی شروع شد و در طول جنگ، این تحریمها و محدودیتها به اوج خود رسید... در همه زمینه های اقتصادی به دنبال ایجاد تحریم بودند؛ غرضشان هم

این بود که ملت ایران را به زانو در بیاورند، نظام را به زانو در بیاورند؛ اما نظام جمهوری اسلامی به کمک صبر و بصیرت شما مردم، همه آن سیاستها و سیاستگذاران را به زانو درآورد. ما توانستیم از همین محدودیتها به عنوان یک فرصت استفاده کنیم... .

یکی دیگر از چالشها - که البته این چالش پیچیده‌تری بود - چالش‌های فتنه‌انگیزی بود که در فتنه‌ای مثل هجدهم تیر سال ۷۸ و فتنه سال ۸۸، با فاصله ده سال، این‌ها در تهران راه انداختند. امیدوار بودند که بتوانند با این فتنه، نظام را شکست بدهند؛ ضربه وارد کنند؛ اما بعکس شد... حضور مردم اینجوری است. مسئله هسته‌ای، یکی دیگر از چالشهاست. آن حصار مستحکمی که توانست به مسئولان جرأت بدهد، قدرت بدهد و آنها در مقابل زورگوئی و تحمیل دشمنان در قضیه هسته‌ای بایستند، اراده مردم بود، پشتیبانی مردم بود؛ پایگاه اقتدار مردمی بود که توانست این موفقیت بزرگ را نصیب کشور کند. یکی از صحنه‌های بسیار مهم دیگری که مردم عزیز ما در آن نقش ایفاء کردند و کسی هم تصور نمی‌کرد که این صحنه اینجور برای نقش‌آفرینی ظرفیت داشته باشد، عرصه علم و فناوری است. کی خیال می‌کرد جوانان ما اینجور وارد این میدان شوند؟ بمجرد اینکه نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری با نخبگان و زبندگان دانشگاهی مطرح شد، آنچنان حرکت عظیمی به وجود آمد که شد یک گفتمان عمومی، شد یک حرکت همگانی.^۱

گفتار اول: عرصه مقاومت و ایستادگی

به ما حمله نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند! ... روزبه روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزبه روز قوی تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است.^۱

۱. میدان مبارزه همگانی با استبداد وابسته

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جانمایه پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.^۲

انقلاب اسلامی که بزرگترین تحول و تغییر قدرت در طول تاریخ ما بود و اساس سلطنت و حکومت فردی را به حکومت مردمی تبدیل کرد، با نیروی مردم انجام گرفت؛ این جا دیگر رویارویی دو قدرت و جنگ قدرت و این حرفها نبود. مردم آمدند و وارد عرصه شدند و روحانیت هم پیشگام و پیشتازشان واقع شد؛ مردم بودند که با قدرت عظیم و خدائی خود توانستند قدرت را از دست خودکامگان و پادشاهان و طاغوتها و مستبدان فردگرا خارج کنند و به دست مردم بدهند؛ حکومت شد مردمی. تا آن جایی که ما شناختیم و فهمیدیم، این تنها حادثه ای است که در طول تاریخ کشور ما اتفاق افتاده است.^۳

خدای متعال تفضل کرد، رهبری امام بزرگوار را به این ملت به عنوان یک موهبت بزرگ داد، امام بزرگوار ملت را آگاه کرد، بصیرت بخشید، سختی ها را خودش تحمل کرد، زندان

۱. دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۷/۹/۴

۲. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران

۳. دیدار مردم شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

رفت، تبعید شد، دست برداشت؛ بتدریج این آگاهی و بصیرت همه‌گیر شد، تا در سالهای ۵۶ و ۵۷ به شکل یک حرکت عمومی در میان ملت ایران درآمد. این حرکت هدفش و آماج حمله‌اش فقط دستگاه سلطنت نبود، آمریکا هم بود. ملت می‌فهمیدند، می‌دانستند که پشت سر این جنایاتی که دارد علیه آنها و علیه کشور در داخل انجام می‌گیرد، آمریکا است؛ این را فهمیدند. امام بزرگوار ما در سال ۴۲، در اوایل شروع نهضت اسلامی فرمود: رئیس‌جمهور آمریکا مبعوض‌ترین افراد امروز در ایران است. این معنا را القا کرد به افکار عمومی؛ تبیین کرد برای مردم که هرچه هست زیر سر آمریکا است؛ شرارت‌ها زیر سر آمریکا است. خب، این مبارزه به نتیجه رسید.^۱

انقلاب ما یک حرکت عظیم مردمی علیه حکومتی بود که تقریباً تمام خصوصیات یک حکومت بد را داشت؛ هم فاسد بود، هم وابسته بود، هم تحمیلی و کودتایی بود و هم بی‌کفایت بود.^۲ ملت ایران با حضور خودشان، با عزم راسخ خودشان توانستند یک بنای پوسیده و فاسد چندهزارساله را واژگون کنند. هزاران سال این کشور جویری اداره شده بود که مردم در آن هیچ نقشی نداشتند؛ سلطنت‌ها، قدرت‌های مهاجم، قدرت‌های بیگانه [حاکم بودند]. حتی در دوران اسلام هم -که اسلام، مظهر رحمت است- رفتار حکامی که از طرف خلفا به ایران می‌آمدند، رفتار سخت و از روی استبداد و مثل پادشاه‌ها، مثل سلاطین معمولی بود. مردم هیچ نقشی در اداره کشور نداشتند؛ هزاران سال بر کشور ما این جویری گذشته. در این دوره اخیر که دوره پهلوی [بود] و اندکی قبل از آن، دوره قاجار، وضع از این هم بالاتر بود؛ [یعنی] نه اینکه مردم نقش نداشتند، لگدمال [هم] می‌شدند، ثروت کشور به غارت می‌رفت، به کیسه بیگانه می‌رفت؛ فساد سر تا پای اداره حکومت را گرفته بود؛ این وضعیّت قبل از پیروزی انقلاب بود. ملت ایران به رهبری امام بزرگوار -که نقش این رهبر هم نقشی است که اصلاً قابل مقایسه‌ی با هیچ رهبری در طول تاریخ طولانی ما نیست و به نظر من در دنیا بی‌نظیر است - و پشت سر این رهبری، اراده کردند، تصمیم گرفتند، از گلوله نترسیدند، از ظاهر قدرتمند رژیم پهلوی نترسیدند، آمدند وسط میدان، آن بنا را ویران کردند، بنای مردم‌سالاری را به جای آن گذاشتند و کشور شد مردم‌سالار.^۳

۱. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۴/۸/۱۲

۲. جلسه پرسش و پاسخ جوانان به مناسبت روز انقلاب اسلامی و جوانان ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

۳. ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

۲. میدان مقابله با ترورهای کور و تجزیه‌طلبی دهه شصت

بعد از انقلاب هم شما شاهد بودید و دیدید کسی که در مقابل توطئه دشمن، ایستادگی و مقاومت کرد، خود مردم بودند. بسیج مردم، جوانان مؤمن مردم، در مقابل فتنه‌گری و اختلاف افکنی و تحریکات و تجزیه‌طلبی و خباثت‌های گوناگون بیگانگان، که با تحریک یک عده آدم‌های غافل انجام می‌گرفت، ایستادند و مبارزه کردند. این عظمت و رشد روحی مردم است و این خیلی با قیمت و ارزشمند است.^۱

دهه ۶۰ یعنی دهه اول پیروزی انقلاب و دهه حیات بابرکت امام بزرگوار. برادران و خواهران عزیز! دهه ۶۰، یک دهه مظلوم است؛ دهه تعیین‌کننده در سرنوشت ایران و ایرانی، دهه فوق‌العاده مهم و حساس و درعین حال ناشناخته و اخیراً به‌وسیله برخی از بلندگوها و صاحبان بلندگوها مورد تهاجم؛ دهه ۶۰ را مورد تهاجم قرار می‌دهند. دهه ۶۰، دهه آزمونه‌های بزرگ و دهه پیروزی‌های بزرگ است. دهه ۶۰، دهه خشن‌ترین تروریسم در کشور است. در طول چند سال، هزاران نفر از آحاد مردم، از مسئولین، از قشرهای مختلف به‌وسیله تروریست‌ها به شهادت رسیدند؛ از کاسب معمولی تا جوان دانشجو تا فعال سیاسی تا شخصیت‌های بزرگی که در انقلاب تعیین‌کننده بودند. البته من عدد معین نمی‌کنم، [لکن] تا هفده هزار هم گفته‌اند؛ هفده هزار انسان با شرف با شخصیت ارزشمند در این تروریسم دهه ۶۰ فدا شدند، که در میان اینها شخصیت‌هایی مثل شهید مطهری و شهید بهشتی حضور دارند؛ یعنی این آدم‌هایی که امثال اینها در طول زمان، کمتر در یک کشوری به‌وجود می‌آید و می‌توانند تعیین‌کننده سرنوشت کشورها باشند.

دهه ۶۰، دهه جنگ تحمیلی است؛ یعنی هشت سال از این دهه اول انقلاب و دهه حیات مبارک امام بزرگوار، صرف یک جنگ تحمیلی بر ملت ایران شد؛ شما ببینید چقدر این دشوار است! دهه ۶۰ دهه سخت‌ترین تحریم‌ها است؛ همه چیز را تحریم کردند؛ تحریم‌های پی‌درپی، علیه کشور، علیه مراکز اقتصادی ما، علیه دولت ما؛ و دهه افتخارات بزرگ است؛ دهه مبارزه با تجزیه‌طلبی است؛ از اطراف کشور گروه‌هایی را تحریک کردند، پول دادند، سلاح دادند، برای اینکه اینها را به جان نظام جمهوری اسلامی بیندازند و تجزیه‌طلبی کنند. دهه ۶۰، دهه یک چنین حوادث بزرگی است که در کشور اتفاق افتاد. و در دهه ۶۰، ملت ایران و جوانهای ما آن‌چنان محکم ایستادند که بر همه اینها پیروز شدند. این خیلی مسئله مهمی است. من توصیه می‌کنم به کسانی که اهل فکرند، اهل تأملند و راجع به دهه ۶۰ قضاوت می‌کنند، جای

شهید و جلاد عوض نشود! در دهه ۶۰، ملت ایران مظلوم واقع شد؛ تروریست‌ها و منافقین و پشتیبان‌های آن‌ها و قدرتهایی که آنها را به وجود آورده بودند و دائماً در آن‌ها می‌دمیدند، به ملت ایران جفا کردند، بدی کردند؛ ملت ایران در موضع دفاع قرار گرفت، اما دفاع کرد و پیروز شد و بحمد الله آن توطئه‌های آنها را خنثی کرد. این [درباره] دهه ۶۰. جوانهای ما ایستادند، امام بزرگوار با آن چهره نورانی، با آن قلب خداپاور، با آن عزم راسخ ایستاد و بر همه این مشکلات فائق آمد.^۱

خب، کشور ما کشور قومیت‌های متنوع است. سعی کردند این قومیت‌ها را به جان هم بیندازند... تحریک می‌کردند، آتش را روشن می‌کردند، روی آتش نفت می‌ریختند، از طرق مختلف سعی می‌کردند آتش را گسترده کنند؛ اما به دست ملت ایران و عمدتاً به دست خود احاد آن کسانی که می‌خواستند آنها را در مقابل انقلاب اسلامی قرار بدهند، آتش خاموش شد.^۲ حادثه هفتم تیر یک محنت واقعی بود؛ حقیقتاً یک ضربه و یک حادثه تلخ و تکان دهنده‌ای بود برای کشور و برای نظام. در قلب دستگاه مدیریت کشور، شخصیتی مثل شهید مظلوم مرحوم آیه‌الله بهشتی و دیگر بزرگان، فعالان از قوه قضائیه، از مجلس شورای اسلامی، از دولت، از نخبگان سیاسی، از نخبگان علمی، یک چنین حادثه‌ای به وجود بیاید، یک چنین فاجعه‌ای رخ بدهد، واقعاً محنت بود. منتها در اینجا یک نکته‌ای وجود دارد که در طول تاریخ، این نکته قابل مشاهده و لمس است و آن این است که هرگاه ملتی، جماعتی، فردی در مقابل یک محنتی که بر آن جمع یا بر آن فرد یا بر آن ملت وارد می‌شود، صبر و بصیرت به خرج داد، آن محنت برای او تبدیل می‌شود به نعمت. راز پیروزی حق، پیروزی کلمه حق، انتشار حق، انتشار توحید در طول تاریخ در میان بشر همین نکته است... مردم ما در قضیه هفت تیر این هنر را به خرج دادند: به جای اینکه ناامید شوند، به جای اینکه اعتماد به نفس خودشان را از دست بدهند، به جای اینکه از دشمن بترسند و در مقابل دشمن زانو بزنند، به جای ضعف و انکسار و انزهام، ملت ما به خاطر بصیرتی که داشتند و به طور دائم به وسیله امام بزرگوار در آنها تزریق می‌شد و در میان مردم دامن زده می‌شد، صبر کردند، ایستادگی کردند و موج را علیه دشمن برگرداندند... مردم ما باید این را حفظ کنند. این را باید ما به عنوان یک درس - درسی که آن را عمل کردیم، آن را به تاریخ پس دادیم - حفظ کنیم.^۳

در باب حادثه هفت تیر آنچه که بیش از همه اهمیت دارد این است که در این حادثه

۱. مراسم بیست‌وهشتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) ۱۳۹۶/۳/۱۴

۲. ۱۳۹۱/۷/۱۹. ۲

۳. دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۹۰/۴/۶

عزیزترین و برجسته‌ترین عناصر انقلاب در معرض فداکاری قرار گرفتند و فدا شدند... نکته بعدی این است که این نظام اینقدر جواهر نخبه را به صحنه آورد و به پای انقلاب ریخت و اینها را از دست داد، اما نظام تکان نخورد. آنهایی که این ترورها را طراحی می‌کردند، قصدشان اشخاص نبود. در درجه اول قصدشان بی‌پایه کردن و تهی کردن و نخبه‌زدائی کردن از انقلاب بود، می‌خواستند انقلاب را با این ترورها، با این فقدانها به شکست بکشانند؛ اما اینجور نشد و عکس این شد. یعنی پایه اصلی نظام که عبارت است از ارتباط مردم و نظام، بیشتر شد. این‌ها همه عبرتهای انقلاب ماست.^۱

هفتم تیر حادثه کوچکی نبود؛ مدیران برجسته مؤثر حاضر در نظام را - ۷۲ نفر را - یکجا نابود کردن، به حسب ظاهر. که شخصیتی مثل شهید بهشتی در میان اینها است؛ شهید بهشتی جزو نوادر زمان بود، جزو کسانی بود که نظیر او را انسان در نسلهای پیاپی کمتر پیدا می‌کند. چنین کسی را، تعداد قابل توجهی از وزرای کارآمد را، از نمایندگان مجلس را، از فعالان سیاسی و انقلابی را یکجا از مردم بگیرند، خب اثر طبیعی و معمولی این حادثه چیست؟ شکست ملت، شکست انقلاب، قاعدتاً این باید باشد؛ اما درست بعکس شد. درست عکس این حادثه، عکس آنچه دشمن از این حادثه انتظار داشت به وقوع پیوست. ملت متحد شد؛ مسیر انقلاب در یک مسیر واقعی قرار گرفت، در مسیر صحیح قرار گرفت؛ دشمنان ملت افشا شدند، رسوا شدند. بعضی از کسانی بودند که مباشر این جنایت بزرگ بودند و سالهای متمادی در بین مردم، در بین جوانها با تبلیغات، خودشان را جور دیگری - طرفدار آزادی، طرفدار ارزش‌ها - معرفی کرده بودند، این‌ها افشا شدند؛ معلوم شد یک مشت تروریست فاقد هرگونه مبنای ذهنی و اعتقادی و انقلابی‌اند. ... امام بزرگوار جریان اصیل انقلاب را با بهره‌گیری بجا و مناسب از این حادثه [تعیین کرد]، آن مسیر را در مقابل ملت ایران قرار داد، و راه انقلاب را - که همان اوایل داشت منحرف می‌شد و می‌خواستند آن را به شرق و غرب بچسبانند - تعیین کرد، انقلاب را نجات داد؛ این، برکت این حادثه بود... از آثار این حادثه، نشاط معنوی و ابتهاج معنوی مردم بود. از آثار این حادثه، نشان دادن قدرت و قوت و رسوخ انقلاب، در اعماق جامعه بود؛ دشمنان حساب کار خودشان را کردند؛ دیدند این حادثه‌ای که در هر کشوری اتفاق می‌افتاد آن نظام را متلاشی می‌کرد، به استحکام بیشتر ملت ایران منتهی شد؛ فهمیدند که با این انقلاب نمی‌شود خشن برخورد کرد، جواب نمی‌دهد؛ این را احساس کردند. از جمله آثار مهم این حادثه در طول زمان تا امروز... این است که یک ملتی

که هفده هزار شهید ترور داده است - غیر از شهدایی که در دفاع مقدّس داده - درعین حال مستحکم ایستاده است در خدمت انقلاب، در راه انقلاب، در مواجهه با دشمنان انقلاب. عظمت این انقلاب، عظمت این ملت با این شهادتها ظاهر شده.^۱

۳. مقاومت در میدان دفاع مقدّس

وقتی جنگ تحمیلی شروع شد، مردم ما مشغول کارهایشان بودند. تا احساس تهدید شد، جوان از دانشگاه، از بازار، از کارخانه، از روستا، از شهر، از داخل زندگهای راحت، بیرون آمد و به استقبال خطر رفت، برای دفاع از هویت خود؛ «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر»؛ عده‌ای شهید شدند، عده‌ای جانباز شدند، اکثریت عظیمی هم هنوز هستند - توی صحنه‌اند - و روزبه‌روز بیشتر می‌شوند.^۲

جنگ تحمیلی و دفاع مقدّس ما آغاز شد؛.. امام در یک چنین شرایطی توانست آغاز جنگ را و بعد تداوم این حرکت را در زیر چشم خود و اراده خود به پیش ببرد و اداره کند... یک تشخیص اساسی و حیاتی امام داد و آن این بود که این مسئله مهم را فقط ملت ایران می‌تواند حل کند... همچنان که ملت ایران انقلاب را به پیروزی رساند، جنگ را هم ملت ایران باید به پیروزی برساند. امام این را تشخیص داد و بر اساس آن عمل کرد و این حرکت عظیم مردمی ... را به وجود آورد. دشمن جنگ را به راه انداخت با هدف اینکه نظام جمهوری اسلامی را، نظام اسلامی را ساقط کند و یک دستگاه حکومت وابسته ضعیف و زبونی را بر سر کار بیاورد و سلطه خودش را بر کشور ایجاد کند؛ و دشمن شکست خورد... .

ملت ایران پیروزی درخشانی به دست آورد. اولاً یک وجب از خاک کشور را نتوانستند جدا کنند؛ ثانیاً نتوانستند انقلاب و نظام را یک قدم به عقب برانند. و نظام بعد از جنگ و در پایان این هشت سال بسیار قوی‌تر و تواناتر از قبل از شروع جنگ بود و نشاط و توانایی‌اش بیشتر بود؛ این‌ها پیروزی‌های بزرگی است که اتفاق افتاد. در جنگهایی که در دوره پادشاهان، در دوره طواغیت در این یکی دو قرن اخیر اتفاق افتاد، ایران همیشه شکست خورده؛.. در جمهوری اسلامی، کشور سربلند ایران توانست در مقابل دنیای قدرتمند مقابل خودش، یعنی شرق و غرب و اروپا و آمریکا و شوروی و مرتجعین و همه بایستد و بر اینها پیروز بشود؛.. دفاع مقدّس، مظهر بروز هویت والا و برجسته ملت ایران بود که نتوانستند جنگ را به پیروزی برسانند... . در دفاع مقدّس برای حضور مردمی یک مدل‌سازی جدیدی انجام گرفت. نحوه حضور

۱. دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران ۱۳۹۴/۰۴/۰۶

۲. دیدار مردم دامغان ۱۳۸۵/۸/۱۹

مردمی یک نحوه شگفت‌آوری است و بر اساس این حضور، بُروز استعدادها [است] اولاً همه آحاد ملت ایران، آن‌هایی که مایل بودند در این عرصه شرکت کنند، هر که بود، هر چه بود، توانست در یک شبکه زنده، کارآمد، داوطلبانه و پُرشور جای خودش را پیدا کند. فرض بفرمایید یک رزمنده سیزده چهارده ساله که حالا مثلاً با دست‌کاری در شناسنامه موقف شده بود خودش را به جبهه برساند، جایش مشخص بود؛ یعنی می‌توانست جای خود را پیدا کند، بیکار نماند؛ فرض بفرمایید که آب بیاورد، خبر ببرد، پیام‌رسان باشد و از این قبیل کارها. یک پیرمرد هفتادساله هم که می‌رفت جبهه، او هم همین جور؛ او هم می‌توانست کار خودش را پیدا کند. توقعی که از یک پیرمرد در جبهه وجود داشت، کاملاً مشخص بود، معلوم بود؛ هیچ کس بیکار نمی‌ماند؛ نه آن بچه سیزده‌ساله بیکار می‌ماند، نه آن پیرمرد هفتادساله بیکار می‌ماند. یا فرض بفرمایید یک دختر دانش‌آموز هشت نه ساله، ده ساله -دبستانی- که می‌خواست در این کار، او هم شرکت کند، جای خودش را پیدا می‌کرد؛ برمیداشت نامه می‌نوشت به برادر رزمنده ناشناس و این نامه را در بسته‌های غذایی و هدایای مردمی‌ای که می‌فرستادند می‌گذاشت و می‌فرستاد. مکرراً اتفاق افتاده بود که رزمنده در میدان جنگ فرض کنید که این بسته غذایی را باز می‌کرد می‌دید یک نامه در آن هست، می‌خواند می‌دید بله، یک بچه‌ای، یک دختر هفت هشت ساله‌ای، ده‌ساله‌ای نوشته «برادر رزمنده! خسته نباشید، من دعایتان می‌کنم و مانند اینها»؛ یعنی یک دختر بچه هم می‌توانست در اینجا حضور داشته باشد؛ یک بانوی محترم هم می‌توانست با چرخ خیاطی خودش، با وسایل طبخ خودش، با مرتب‌سازی خودش، با ترشی انداختن خودش، با نان پختن خودش، با لباس شستن خودش به پشت جبهه کمک کند... همه می‌توانستند جای خودشان را پیدا کنند و مشغول بودند. پزشک جراح مشخصاً می‌توانست آنجا حضور داشته باشد و حضور داشت و ما دیدیم. کاسب جزء، روحانی مسجد، کارگر کارخانه، شاعر و سرودخوان، راننده و صاحب‌کار و ریخته‌گر، کشاورز روستایی، کارمند اداری و انواع و اقسام گروه‌های مردمی می‌توانستند در این شبکه عظیم مردمی حضور پیدا کنند؛ این یک مدل جدید بود. این در دنیا هیچ سابقه‌ای ندارد... نمونه چنین بسیج مردمی عظیمی اصلاً وجود ندارد. این مدل جدید بود؛ مدل‌سازی جدید که همه می‌توانستند همکاری کنند، همه می‌توانستند هم‌افزایی کنند همه [کمک] می‌دادند. بعد، در این حرکت دسته‌جمعی چه استعدادهایی ناگهان پیدا بشود. فرض کنید فلان جوان از روستایی در فلان نقطه کشور -مثلاً روستایی در کرمان- بیاید داخل شهر و بپیوندد به اینها، بعد بشود مثلاً حاج قاسم سلیمانی؛ یعنی یک چنین حرکت عظیمی [بوده]... جوانی از مجموعه یک روزنامه، که

مشغول فعالیت مطبوعاتی است، برود جبهه و بعد از مدت کوتاهی بشود مثلاً شهید حسن باقری، نابغه اطلاعات جنگ؛ و از این قبیل موارد عجیبی و بروز [چنین] استعدادهایی مشاهده شد و چهره‌های ماندگار جنگ و شهدای بزرگی از جنگ از این قبیلند... این مدل ابتکاری از حضور مردم همیشه می‌تواند مطرح باشد. امروز هم ما می‌توانیم. اگر همت بکنیم و با نگاه درست به مردم و مسائل نگاه کنیم، می‌توانیم از این مدل استفاده کنیم. البته وضع جنگ یک وضع دیگری است، وضع اقتصاد یک وضع دیگری است. صاحبان فکر، صاحبان اندیشه می‌توانند به این [مدل] به صورت یک ابزار اقتدار ملی نگاه کنند و آن را دنبال نکنند. آن وقت نقش پشت جبهه در این مدل به قدر جبهه اهمیتی پیدا می‌کرد؛ چون همه که نمی‌توانند تفنگ دست بگیرند؛ رغبت‌ها و تمایلات و توانایی‌ها مختلف است؛ بعضی‌ها پشت جبهه می‌توانند نقش بیافرینند و نقش آفرینند. اولاً کمک‌های مالی، آذوقه‌رسانی‌ها که مهم بود و بسیار تأثیر داشت، تا رسیدگی به مجروحان، تا بدرقه باشکوه شهیدان. بنده بارها گفته‌ام اگر از شهدا یک چنین تکریمی و احترامی نمی‌شد، شوق شهادت این جور در دلها مشتعل نمی‌شد، آن طوری که شد. وقتی جنازه شهید - یا یک نفر یا بیشتر - وارد یک شهر می‌شد آن حضور مردمی و استقبال مردمی و بدرقه او تا آرامگاه، خود یکی از حوادث بسیار مهم و مراسم تأثیرگذار بود. حمایت‌های فرهنگی و تبلیغاتی، از شعر و شعار تا خنثی‌سازی عملیات روانی دشمن - که دشمن دائم مشغول عملیات روانی بود، در شهرهای کشور و روستاهای کشور هم کسانی دائم مشغول خنثی‌سازی اینها بودند - تا پذیرایی و اسکان جنگ‌زده‌ها، تا ماندن مردم برخی از شهرهای زیر موشک‌باران دشمن مثل دزفول؛ یکی از موارد افتخارآمیز پشت جبهه، همین ماندن مردم اهالی بعضی از شهرها است؛ چه در کردستان، چه در خوزستان و در سایر استانها؛ در بعضی از شهرها مردم در شهر ماندند با اینکه شهر محل تهاجم شدید پیوسته دشمن بود.^۱

ملت، در این جنگی که در زمان شما و ما اتفاق افتاد، چشم همه دنیا را به خودش متوجه کرد؛ ایران را سربلند کرد و قدرت اسلام را نشان داد. با این که فقط یک کشور همسایه نبود که به ما حمله می‌کرد؛ بلکه پشت سر آن امریکا بود، شوروی آن روز بود، دیگر قدرتهای مسلح عالم بودند؛ اما در عین حال، به خاطر ایمان به خدا، رهبری امام بزرگوار - آن انسان فوق‌العاده - و فداکاری جوانان و گذشت خانواده‌ها، توانست یک حرکت همراه با افتخار را در این حادثه انجام دهد. این، برای یک ملت، سرنوشت‌ساز است. یعنی عبور کردن از یک امتحان به شکل صحیح و

۱. ارتباط تصویری با شرکت کنندگان در آیین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس ۱۳۹۹/۶/۳۱

خوب، ملت را عزیز، قوی و متکی به نفس می‌کند و خودباختگی را از او دور می‌سازد.^۱ دفاع مقدس جهاد بزرگ دینی و ملی ملت ایران بود. ملت ایران روح اعتماد به نفس ملی را به وسیله هشت سال دفاع قدرت‌مندانه توانست در خود تقویت کند، توانست استعدادها را در خود شکوفا کند، توانست ظرفیتهای ناشناخته خود را بشناسد. جوانهای ما در جنگ تحمیلی، چه در نیروهای مسلح- ارتش و سپاه- و چه در بسیج عظیم مردمی- بسیج مستضعفان- توانستند چهره‌ای را از ایران نشان بدهند که ده‌ها سال بود- شاید بشود گفت دویست سیصد سال بود- که از ایران چنین چهره‌ای دیده نشده بود. اگر شما می‌بینید امروز ملت ما و جوانان ما با ظرفیت عظیم استعداد خود در میدانهای دانش و فناوری حضور دارند، بخش عمده‌ای از این مرهون دفاع مقدس است. آنجا بود که ملت ایران آگاه شدند، دانستند که چه ظرفیتی دارند، چه قدرتی دارند.^۲

دفاع مقدس ما، دوران جنگ هشت‌ساله پر ماجرای این کشور، داستان ایستادگی ملت ایران و ایستادگی جوانان ما در مقابل خبائتها و دشمنیهای کفر و استکبار جهانی است.^۳ هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه زمانی نیست؛ گنجینه عظیمی است که تا مدت‌های طولانی ملت ما می‌تواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه‌گذاری کند. حادثه عظیم این هشت سال، مجموعه‌ای است از صفات والا، فرهنگ‌های پسندیده و برگزیده و ممتاز، عقاید و معارف والائی که ملت ما در طول تاریخ ارث برده یا استعدادش را در خودش حفظ کرده بوده، که با انقلاب اسلامی این استعدادها بروز کرد. ... بالاخره آنچه که در جمع‌بندی دفاع مقدس، انسان می‌تواند بگوید، این است که این هشت سال، مظهري از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آن‌ها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دین‌داری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.^۴ دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعماق جوهره خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد، و نشان داد.^۵

۱. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۱/۷/۲۹

۲. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۸/۰۶/۲۹

۳. یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۱/۶

۴. دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس ۱۳۸۸/۰۶/۲۴

۵. دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت ۱۳۸۴/۶/۳۱

۴. مقاومت خاموش و دشوار آزادگان

سالهای مجاهدت خاموش و دشوار آزادگان عزیز ما در اسارتگاههای عراق از جمله مقاطع فراموش نشدنی، تاریخ پرشکوه ما است. لحظه، لحظه آن روزها و شبهای فراموش نشدنی، سرشار از درس و خاطره و افتخار است. ملت ما از این گنجینه پربار خواهد توانست همچون ذخیره‌ای فرهنگی برای تقویت ایمان و مقاومت و امید برای نسلهای آینده بهره گیرد. شهیدان مظلومی که در آن دوران پرمراتر جان باختند در شمار سرافرازترین شهدای دوران جنگ تحمیلی قرار دارند. و یاد گرامی عالم مجاهد بزرگوار مرحوم حجة الاسلام آقای سیدعلی اکبر ابوترابی، که اردوگاههای اسارت را به مدرسه بزرگی از تقوا و آگاهی و استقامت تبدیل کرده بود همواره در چشم ملت ایران گرامی و پایدار است.^۱

هر ملتی لحظاتی در زندگی خود دارد که در آن، همه مردم امتحان می‌شوند. همان طور که یک فرد در سختیها و لحظات حساس دچار امتحان است، یک ملت هم همین طور است. اگر ملتی از امتحانها سربلند بیرون آمد، می‌تواند به خود، به قدرت و تواناییهای خود و به آینده‌اش اعتماد کند. ما ملتی هستیم که به برکت اسلام عزیز و ایمان اسلامی، از خیلی از این گذرگاههای امتحان، با سربلندی عبور کرده‌ایم. کمتر ملتی را این طور سراغ داریم. گذشته تاریخی را کاری ندارم. در دوره‌های قبل تاریخ، فرازونشیبها زیاد بوده؛ لیکن آنچه که در روزگار ما و به برکت اسلام پیش آمد، یکسره افتخارآمیز بود. یکی از آنها، همین مسئله اسارت فرزندان ماست که شما عزیزان باشید.

ملت ما خوب امتحانی دادند. اسرا هم حقیقتاً آزادمردی نشان دادند. این که ما به اسرایمان «آزادگان» می‌گوییم، بی‌وجه نیست. شما که برگشتید، آبرومند و سربلند برگشتید؛ دین و اعتقاد و دلبستگی‌تان به امام و اسلام و انقلاب را حفظ کردید؛ پیش دشمن، آبروی ملت را حفظ نمودید و ملت را سرشکسته نکردید. این‌ها خیلی ارزش دارد. امروز هم که برگشته‌اید، بحمدالله پیروز برگشته‌اید.

ما نامه‌هایی از بعضی از آزادگان در طول این دو سال بعد از آتش‌بس تا امروز داشته‌ایم که به خانواده‌هایشان می‌نوشتند. وقتی خانواده‌ها می‌فهمیدند که ما مخاطب هستیم، نامه‌ها را می‌آوردند و به ما می‌دادند. من هم برای خیلی از این نامه‌ها جواب می‌نوشتم. می‌نوشتند

۱. پیام به کنگره بزرگداشت آزادگان و حجت‌الاسلام ابوترابی ۱۳۸۱/۰۵/۲۴

که شما برای آزادی ما، به دشمن باج ندهید. این را اسیر می‌نوشت. این، برای یک ملت، خیلی مهم است که اسیرش در دست دشمن، به جای این که مثل انسانهای بیایمان، مرتب التماس کند که بیایید من را آزاد کنید، نامه بنویسد که من می‌خواهم با سربلندی آزاد بشوم؛ نمی‌خواهد به خاطر آزادی من، پیش دشمن کوچک بشوید. این‌ها را ما داشتیم. این‌ها جزو اسناد شرف ملی ماست و تا ابد محفوظ خواهد بود. از طرف خانواده‌ها و ملت هم همین‌طور بود. با این که پدران، مادران، همسران و فرزندان سخت می‌گذراندند، اما هرگز مشکلی برای مسئولان درست نکردند و فشار نیاوردند. می‌فهمیدند که مسئولان تلاش می‌کنند، تا اسرایشان با سربلندی و افتخار آزاد بشوند؛ همین کاری که خدای متعال پیش آورد، کمک کرد و شد. این هم کار خدا بود.^۱

خوشامد عرض می‌کنم به شما برادران عزیز؛ گوهرهای باز یافته از ذخیره ایمان در جمهوری اسلامی. در طول قرنهای متوالی، یک عنصر جامد بی‌ارزش تبدیل می‌شود به الماس؛ در صورتی که استعداد آن را داشته باشد. دوران اسارت، کوتاه شده قرنهایی است که انسانهای با استعداد را تبدیل کرده است به الماسهای درخشان: آزادگان. خوشوقتم از دیدار امروز، و متأسفم از اینکه کم توفیق پیدا کردیم شما عزیزان آزاده را در جلساتی شبیه این زیارت کنیم. به وسیله جمع شما در این جلسه معنوی و صمیمی و برادرانه، سلام عرض می‌کنم به همه آزادگان سراسر کشور؛ قریب چهل هزار آزاده باارزش و رنج‌دیده و تربیت شده در دوران سختی.

مسئله اسارت از ابعاد مختلفی قابل توجه است. یکی از ابعاد، همین خاطرات باارزشی است که دوستان بیان کردید... می‌توان حدس زد که آنچه در خلال بیانات و نوشته‌ها در مورد دوران اسارت گفته شده است، یک بخش کوچکی است از یک داستان بلند، و ما همچنان احتیاج داریم که این داستان بلند را بشنویم... ما باید از ذره ذره این بحر عمیق و وسیع - که زندگی آزادگان است - بیشتر از این مطلع باشیم، که مطلع نیستیم... این‌ها ذخائر ماست، این‌ها سرمایه‌های ماست؛ همین سرمایه‌هاست که اسلام را نگه داشت، شیعه را نگه داشت، جمهوری اسلامی را به قدرت و عزت رساند، ملت ایران را در دنیا سرافراز کرد. این یک بعد قضیه است... من عقیده دارم و تأکید می‌کنم که حتماً ماجراهای اسارت گفته شود، نوشته شود، به تصویر کشیده شود، کارهای هنری فاخر بر روی آن انجام بگیرد. این معنایش حمایت از یک قشر، دفاع از یک حادثه نیست؛ این معنایش امضاء کردن و محکم و قطعی کردن سند پیروزی ملت ایران است؛ و این کار باید انجام بگیرد... وقتی این با بیان هنری همراه شود، در

دلها و روحیه‌ها غوغا می‌کند.

... یک بعد هم، بعد ثواب الهی است... این لحظه‌لحظه‌ها پیش خدای متعال محفوظ است؛ لحظه‌هائی که قابل توصیف نیست، با هیچ بیانی نمی‌توان عمق آن را آشکار کرد، و شما سالها چنین ساعات و لحظاتی را گذرانیدید. یک دانه از مجاهدتهای شما، یک لحظه از لحظات سختی شما از دیوان الهی ساقط شده نیست... اجر آزادگان یک طرف، اجر خانواده‌ها - همسران، فرزندان، پدرها، مادرها، نزدیکان - یک طرف. ما گاهی که توفیق پیدا می‌کردیم در خانه شهیدی با پدر و مادر یا کسان اسیری ملاقات کنیم، انسان می‌فهمید که این خانواده اسیر چه حالی دارند، چه احساسی دارند؛ احساس آنها سخت‌تر و تلخ‌تر از احساس خانواده شهید بود. برادر یک اسیر مفقودالاثری به من گفت: شما دیدید که خانواده‌هائی که یک جوانی در جبهه دارند، شب عملیات چه حالی دارند؟ راست می‌گفت دیگر؛ شب عملیات که می‌شد و همه می‌فهمیدند امشب عملیات است، آن خانواده‌هائی که یک جوانی در جبهه داشتند، دلشان متلاطم بود. این برادر آن مفقودالاثری به من گفت که برای ما هر شب، شب عملیات است؛ هر شب دلمان متلاطم است که او در چه حالی است، در چه وضعی است و امروز چه خواهد شد. این سختیهائی است که خانواده‌ها تحمل کردند؛ لذا اجر آنها هم خیلی والا و بلند است.

خب، این فصل از ماجرا در زندگی ملت ایران گذشت و ملت ایران سود برد. یک ملت عزت‌ش، قدرتش، صدرنشینی‌اش در تاریخ، به مجاهدت فرزندانش بستگی دارد. این مجاهدت گاهی در جبهه است، گاهی در میدان اسارت است؛ با این قهرمانیهائی که شماها در میدان اسارت نشان دادید؛ این استقامتها، این ایستادگیها. خب، کسانی در همان دوران شهید شدند؛ شهید تندگویان و بسیاری از شهدای دیگری که از اسارت برنگشتند؛ اکثر هم با سرافرازی برگشتند. امیدواریم خدای متعال اجر شما را محفوظ بدارد و آن کسانی که در این دوران تأثیرگذار بودند، خدمتگزار بودند، دیگران را هدایت کردند، و در رأس همه، سید بزرگوار عزیز ما مرحوم آقای ابوترابی، ان‌شاءالله خداوند درجاتشان را عالی کند.^۱

آزادگان، بهترین سربازان انقلابند. آزادگان، آزموده‌ترین فرزندان این ملتند. آزادگان، شایسته‌ترین افراد برای دفاع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامیند. آزادگان، مورد امید و اعتماد این نظام به حساب می‌آیند و باید برای کارهای آینده هم به حساب بیایند. اگر دشمنی، درمقابل انقلاب یا در مقابل نظام جمهوری اسلامی قد علم کند، اول کسی که باید مشت بر

سینه او بزند، آزاده است؛ چون آزاده بیشتر از همه، برای حفظ این نظام رنج کشیده است. او بیشتر از همه تجربه کرده است؛ خودش را بهتر می‌شناسد و محنت‌پذیری خود را در روزهای سخت آزمایش کرده است.^۱

۵. صبر بر مصیبت عظمی رحلت امام رحمه الله

از عوامل رشد یک ملت این است که از حادثه‌یی که ممکن است به نظر دشمن یک عامل ضعف به حساب آید، از همان حادثه به عنوان عامل قوّت استفاده کند. از سالهای پیش، تحلیل همه دشمنان ما این بود که با رحلت امام بزرگوار - که رکن اساسی و سنگین‌ترین وزنه انقلاب و عمود حقیقی خیمه نظام به حساب می‌آمدند - انقلاب نابود می‌شود و وحدت ملت مخدوش می‌گردد و جمهوری اسلامی دچار ضعف و یا انحلال خواهد شد!

حقیقتاً اگر کسی با ابزارهای مادی و با چشم ظاهری تحلیل می‌کرد، همین نتیجه قهری و طبیعی را به دست می‌آورد. در این تحلیل، فقدان امام رحمه الله عامل تمام شدن همه چیز به حساب می‌آمد. ملت ما در این امتحان بزرگ، عکس این مطلب را ثابت کرد و از آن حادثه‌یی که عامل ویرانی به حساب می‌آمد، در جهت ثبات و وحدت و پیشرفت استفاده کرد. بنابراین، با هوشیاری و ایمان مخلصانه ملت، فقدان امام رحمه الله به عامل قوّت در نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد. امروز رشد و بینش مردم ما، حتی از مسلمانان صدر اسلام و زمان پیامبر اکرم (ص) نیز بیشتر است؛ زیرا آن‌ها نتوانستند بعد از رحلت آن بزرگوار، وحدت و تحرک و ایمان خود را حفظ کنند؛ اما ملت ما توانست این کار را بکند.^۲

رجال لاتلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله واقام الصلوة و ايتاء الزكوة يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و الابصار. ليجزىهم الله احسن ما عملوا و يزیدهم من فضله و الله يرزق من يشاء بغير حساب. در تاریخ پُرماجرای انقلاب، هیچ روزی مانند دوازدهم بهمن نبود که در آن، مردی از دودمان پیامبران و بر شیوه آنان، با دستی پُر معجزه و دلی به عمق و وسعت دریا، در میان مردمی شایسته و چشم به راه، چون آیه رحمت فرود آمد و آنان را بر بال فرشتگان قدرت حق نشانید و تا عرش عزت و عظمت برکشید. و هیچ روزی چون چهاردهم خرداد نبود که در آن، طوفان مصیبت و عزا، بر این مردم تازیانه غم و اندوه فرود آورد. ایران یک دل شد و آن دل در حسرتی گدازنده سوخت، و یک چشم شد و آن چشم در مصیبتی عظیم گریست. در آن روز، خورشیدی غروب کرد که با طلوع آن، هزار چشمه نور در زندگی ملت ایران جوشیده بود؛ روحی عروج کرد که با

۱. دیدار جمعی از آزادگان ۱۳۷۱/۰۵/۲۶

۲. سخنرانی در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم آذربایجان ۱۳۶۸/۳/۳۰

نَفَس روح‌اللهی‌اش، پیکر ملت را جان بخشیده بود؛ حنجره‌یی خاموش شد که نَفَس گرمش، سردی و افسردگی از جهان اسلام زدوده بود؛ لبانی بسته شد که آیات الهی عزت و کرامت را بر مسلمین فروخوانده و افسونِ یأس و ذلت را در روح آنان باطل ساخته بود. آن روز، روز عزای بزرگ عالم اسلام شد. سوزش آن غم، به ملت ایران منحصر نماند. در سراسر جهان، هر جا دل روشن و جان بیداری بود، مصیبت‌زده شد... .

آنچه پس از حیات پُربرکت امام و در این یک سال، برای ما و همهٔ دلسوزان امت اسلام بیشترین اهمیت را داشته، میراث عظیم و تاریخی و بی‌نظیر او -جمهوری اسلامی و سلامت و توان و شتاب و جهت‌گیری صحیح آن در راه و خط امام- بوده است... با رحلت امام خمینی رحمه الله، طیف وسیع دشمنان اسلام که در صفوف مقدّم معارضة با جمهوری اسلامی بودند، این امید را پنهان نکردند که جمهوری اسلامی در غیاب پدیدآورنده و پرورانندهٔ خود، نیروی دفاع و رشد را از دست بدهد و چون کودک بی‌صاحبی، احساس ضعف و درماندگی کند، یا بکلی از پای درآید و یا به‌ناچار به زیر دامان این و آن پناه گیرد! در محاسبات تنگ‌نظرانهٔ دشمنان که همه بی‌استثنا اسیر محاسبات صددرصد مادی و از فهم روابط معنوی و برکات ایمان و تقوا بی‌نصیبند، نمی‌گنجید که معجزهٔ الهی در طلیعهٔ قرن پانزدهم هجری -یعنی حکومت صلاح و دین و حیات دوبارهٔ ارزشهای اسلامی- آن قلّه مرتفعی باشد که دست آلودهٔ بندگان هوی و هوس به آن نرسد و دیپلماسی زر و زور از به دام افکندن آن عاجز بماند!

اما ارادهٔ الهی این بود، و همان شد که ارادهٔ الهی بود. نظام اسلامی، رشد و کارایی خود را در این مصیبت و ابتلای عظیم الهی نشان داد و ملت عالیقدر و مسئولان دلسوز و اهل حل و عقد، به پاداش صبر بر این مصیبت عظمی، استحقاق درود و رحمت حق را یافتند و به کمک خداوند و توجهات حضرت ولی‌الله اعظم (ارواحنا فداه) توانستند با گشودن گره‌هایی که به‌طور طبیعی در صورت ارتحال امام پدید می‌آمد، از امتحانی بزرگ سربلند بیرون آیند. نظام اسلامی که قلب تپندهٔ خود را از دست داده بود، به برکت ایمان و توکلش و به برکت درسهای جاودانی که مردمش از آن استاد و مرشد خود آموخته بودند، نه فقط از حرکت و حیات و نشاط بازماند، بلکه با نشان دادن کارآزمودگی و حکمت و سرعت عمل، اعتبار خود را مضاعف ساخت.

ابراز وفاداری ملت در آن عزاداری بی‌نظیر که در مقیاس جهان و تاریخ فوق‌العاده بود، حل مسألهٔ رهبری، اعلام حضور عاشقانهٔ همه‌جایی و همگانی مردم در دفاع از راه امام و از میراث معنوی امام در برابر رهنان کمین‌گرفته و رستاخیز شگفت‌انگیز و به‌یادماندنی چهل‌روزهٔ ایران و آن‌گاه تصویب ملّی اصلاحات قانون اساسی و شرکت در انتخاب رئیس‌جمهور گزیده و تشکیل

دولت و جریان یافتن همهٔ امور کشور در عین تازگی و جاودانگی داغ رحلت امام و یاد ماندگار او، همه و همه اعتباری افزونتر از پیش به ایران و ایرانی و انقلاب و نظام اسلامی بخشید. درست در آن هنگام که از حادثهٔ ارتحال امام، نفس دنیا در سینه‌اش حبس شده و خواب از چشم دوست و دشمن در سطح جهان گرفته شده بود، ایران اسلامی نمایشی قهرمانانه داد و با عنایات خداوندی، سنگین‌ترین آزمون خود را به سرافرازی طی کرد و کشتی انقلاب از گردابی خطیر، با آرامش و اطمینان عبور کرد. و این خود آیت دیگری از شمول الطاف الهی بر ملتی شد که قدم در راه خدا نهاده و به نصرت او قیام کرده است. دوستان، یعنی توده‌های مسلمان و مستضعفان بسیاری از مناطق عالم، جانی و امیدی دوباره گرفتند و به پایه‌های نظام سلطهٔ جهانی، ضربه‌ی دوباره - پس از ضربهٔ آغاز پیروزی انقلاب - وارد آمد. یعنی حادثه‌ی که می‌پنداشتند انقلاب را درهم خواهد پیچید، به انقلاب اوج و حیات بخشید و امام ما - آن برافروزندهٔ مشعل انقلاب - با رحلت خود، یک بار دیگر شعلهٔ انقلاب را برافروخته کرد. «فرحمه‌الله حیّا و میّتا والسّلام علیه یوم ولد و یوم قادالامّة و یوم ارتحل و یوم یبعث حیّا»^۱.

۶. میدان مقاومت فرهنگی

آمریکا امروز متمرکز شده بر جنگ اقتصادی با ما؛ جنگ نظامی نیست و نخواهد شد اما جنگ اقتصادی هست. الان متمرکزند روی جنگ اقتصادی؛ چرا؟ چون از جنگ نظامی مأیوسند. حتی از جنگ فرهنگی هم مأیوسند. ببینید؛ در دههٔ ۷۰ که دههٔ دوم انقلاب ما بود، یک حرکت فرهنگی خباثت‌آلودی علیه کشور ما شروع شد - که بنده همان‌وقت مسئلهٔ تهاجم فرهنگی را مطرح کردم، مسئلهٔ شبیخون فرهنگی را مطرح کردم، برای اینکه جوانها حواسشان باشد، چشمشان باز باشد، مردم بدانند - یک حرکت وسیع فرهنگی علیه کشور ما در دههٔ ۷۰ شروع شد؛ حالا شما نگاه کنید؛ متولّدین دههٔ ۷۰، امروز دارند می‌روند به‌عنوان مدافع حرم جان می‌دهند، سر می‌دهند و نیرو می‌دهند؛ نعششان برمیگردد! چه کسی این را حدس می‌زد؟ در همان دورانی که آن تهاجم وسیع فرهنگی بود، این گلها در بوستان جمهوری اسلامی شکفته شدند، این نهالها رویدند، حجی‌ها درست شدند؛ پس ما در جنگ فرهنگی پیروز شدیم و دشمن در جنگ فرهنگی شکست خورد.

یک جنگ فرهنگی راه انداختند در دههٔ ۷۰ و بخشی از دههٔ ۸۰، برای اینکه افتخارات دفاع

۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

مقدّس را به فراموشی بسپزند، و اصرار داشتند بر این؛ [اما] جمهوری اسلامی یک فنّاوری نرم را به وجود آورد، یعنی حرکت عمدهٔ راهیان نور. راهیان نور یک فنّاوری است؛ یک فنّاوری قدرت نرم است. میلیون‌ها جوان راه افتادند رفتند در جبهه‌های جنگ، در آن کانون معرفت و قدس، در آن کانون فداکاری، آنجا دیدند که چه وضعیتی بوده است و چه اتفاقاتی افتاده است؛ [برایشان] شرح دادند و در ماجرای دفاع مقدّس قرار گرفتند. بله، جمهوری اسلامی این است؛ مدافع حرم تربیت می‌کند؛ راهیان نور راه می‌اندازد؛ معتکفین در مساجد را -که تقریباً همه هم جوانند، به‌عنوان یک نماد عالی تضرّع و قداست- به وجود می‌آورد؛ این‌ها که [قبلاً] نبود؛ پس ما در جنگ فرهنگی بر دشمن پیروز شدیم.^۱

علیه کشور ما در زمینهٔ هجوم فرهنگی خیلی کار دارد می‌شود؛ مال امروز هم نیست، حالا امروز هم که فضای مجازی آمده است و حجم چند برابر شده، لکن از سابق هم به وسیلهٔ رادیوها، به وسیلهٔ تلویزیون‌ها، با وسایل گوناگون علیه مسائل فرهنگی در جمهوری اسلامی تلاش می‌شده و کار می‌شده. علی‌رغم همهٔ اینها یک مجموعهٔ عظیم جوان -نه یک مجموعهٔ کوچک، نه یک اقلیت- پایبند به مبانی دینی، به مبانی اعتقادی و مبانی فرهنگی جمهوری اسلامی‌اند؛ این نشان‌دهندهٔ آن است که ما در جهاد فرهنگی هم از دشمن قوی‌تر هستیم. مسائل گوناگونی [هست] که بعضی از آنها را شماها اشاره کردید، بعضی را هم اشاره نکردید. تظاهرات دینی‌ای که این سالها دارد انجام می‌گیرد -مسئلهٔ راه‌پیمایی اربعین، مسئلهٔ اعتکاف، مسئلهٔ عزاداری‌های حسینی، بعد در این اواخر مسئلهٔ تشییع عظیم بی‌نظیر شهید عزیزمان، شهید سلیمانی، و از این قبیل چیزها- همه نشان‌دهندهٔ این است که جمهوری اسلامی در نبرد و مبارزهٔ فرهنگی هم با جبههٔ استکبار با همهٔ تلاشی که او دارد می‌کند، عقب‌مانده نیست و کارهای بزرگی انجام شده و پیشرفتهای بزرگی صورت گرفته.^۲

محیط جوانی در کشور ما امیدبخش است؛ نه اینکه بنده خبر نداشته باشم که حالا یک‌مشت جوان‌هایی هستند که راه‌های غلطی می‌روند، کارهای بدی می‌کنند؛ چرا، آن‌ها را هم بنده اطلاع دارم اما سرجمع وقتی که نگاه می‌کنم به محیط جوانی کشور، از خدای متعال سپاسگزاری می‌کنم. با این همه عوامل انحراف، با این همه انگیزه، با این جبههٔ وسیع دشمنی و تمرکز روی جوان‌ها، ما یک مجموعهٔ بزرگ جوان داریم که مؤمن‌اند، متدینند، انقلابی‌اند، اهل توسل‌اند، اهل شور و عشق به معنویت‌اند؛ این چیز کمی نیست؛ این چیز خیلی مهمی

۱. دیدار اقشار مردم ۱۳۹۷/۰۵/۲۵

۲. ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

است؛ خیلی چیز بزرگی است. عده‌ای اهل قرآن‌اند، عده‌ای اهل اعتکاف‌اند، عده‌ای اهل پیاده‌روی اربعین‌اند، عده‌ای اهل ایستادگی در میدان‌های انقلاب و در مظاهر انقلاب‌اند. این خیلی باعظمت است، خیلی باارزش است؛ دشمن با همه اینها مخالف است.^۱

اینکه بنده بارها تکرار می‌کنم که جوان امروز، از جوان اول انقلاب و دوران جنگ اگر جلوتر نباشد، بهتر نباشد، عقب‌تر نیست- و من معتقدم که جلوتر است- به‌خاطر این است که امروز با این‌همه ابزارهای تبلیغی، با این‌همه شگردهای گوناگون فروریختن پایه‌های ایمان، جوان انقلابی ایستاده است. البته بله، یک عده‌ای هم هستند که معتقد نیستند، پابند نیستند، آن را هم میدانیم، نه اینکه غافل باشیم اما این خیل عظیم جوانان مؤمن، جزو معجزات انقلاب است. این جوان امروز [است]؛ جوانی که نامه می‌نویسند به بنده- از این نامه‌ها یکی و دوتا و ده‌تا هم نیست، زیاد است- و التماس، گریه که اجازه بدهید ما برویم در دفاع از حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) بجنگیم؛ از زندگی راحت، از زن و بچه بگذریم. نامه می‌نویسند- واقعاً نامه گریه‌آلود است- که [ما] پدرمادر را راضی کردیم، شما اجازه بدهید ما برویم بجنگیم؛ این وضع جوان امروز است.^۲

۰۷. میدان مقاومت در جنگ اقتصادی

در این مدتی که این مشکلات تحریم و تبعات تحریم و مانند اینها بوده، مردم واقعاً خوب ایستادند، انصافاً ایستادگی کردند و مشکلات را تحمل کردند و از خودشان استقامت نشان دادند.^۳ در مقابل تحریم‌های شدید و به قول خودشان بی‌سابقه آمریکا و اروپا، ملت ایران، هم در عرصه سیاسی، هم در عرصه اقتصادی یک واکنش محکم و مقتدرانه‌ای از خود نشان داد.^۴

این خطای محاسباتی دشمن هنوز ادامه دارد؛ یعنی تا امروز هم آمریکایی‌ها در زمینه مسائل ایران دچار خطای محاسباتی‌اند و واقعاً دستگاه محاسباتی سیاسی‌شان کار نمی‌کند؛ نمی‌فهمند، مسائل ما را درک نمی‌کنند و ملت ما را نمی‌شناسند؛ ملت ایران را هنوز نمی‌شناسند و لذا پی‌درپی خطا می‌کنند... با این تحریم‌های شدید و به اصطلاح بی‌سابقه و همه‌جانبه که خودشان می‌گفتند در تاریخ چنین تحریمی وجود ندارد و راست هم می‌گفتند، خیال می‌کردند

۱. دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

۲. دیدار خانواده شهید بیلاقی ۱۳۹۶/۱۰/۲۴

۳. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم (ص) و امام صادق علیه‌السلام ۱۳۹۹/۸/۱۳

۴. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۸ ۱۳۹۸/۱/۱

ایران را از پا درمی‌آورند؛ خب محاسبات غلط بود دیگر؛ خطای محاسباتی بود و امید بیهوده‌ای داشتند. یکی از همان احمق‌های درجهٔ اولی که یک وقتی در اینجا به آنها اشاره کردم، دو سه سال پیش گفته بود که «ما عید ژانویهٔ ۲۰۱۹ را در تهران جشن خواهیم گرفت»؛ امیدشان این بود که در عید ژانویهٔ ۲۰۱۹ بساط [جمهوری اسلامی] جمع شده و آنها می‌آیند اینجا جشن می‌گیرند. حالا خود آن شخص که به زباله‌دان تاریخ رفت، رئیسش هم با لگد و با افتضاح از کاخ سفید اخراج شد و هر دو به زباله‌دان تاریخ رفتند [اما] جمهوری اسلامی بحمدالله سربلند ایستاده است.^۱

تحریمی که آمریکایی‌ها علیه ملت ایران به کار گرفته‌اند، قطعاً یک جنایت است؛... هدف اینها از این کار چیست؛ یک هدف کوتاه‌مدت دارند، یک هدف میان‌مدت دارند، یک هدف بلندمدت دارند، و یک هدف جانبی. هدف کوتاه‌مدت آن‌ها این است که مردم را به ستوه بیاورند؛ ملت ایران به ستوه بیایند، خسته بشوند، آشفته بشوند و در مقابل دستگاه حکومت بایستند... هدف میان‌مدت آن‌ها این است که با این تحریم از پیشرفت کشور مانع بشوند؛ عمدتاً پیشرفت علمی. این‌ها را گفته‌اند، این‌ها حدسیات من و تحلیل من نیست... حتی گفته‌اند و تصریح کرده‌اند که این شهادتهایی هم که انجام گرفت -شهادای هسته‌ای و مانند اینها- برای این بود که پیشرفت علمی کشور ایران عقب بیفتد... هدف بلندمدت‌شان هم به ورشکستگی کشاندن کشور است، به ورشکستگی کشاندن دولت است؛ یعنی متلاشی کردن اقتصاد کشور و فروپاشی اقتصاد کشور، که طبعاً اگر اقتصاد یک کشوری بکلی از هم فرو پاشید و متلاشی شد، ادامهٔ حیات برای او ممکن نیست، هدف نهایی‌شان این است و می‌خواهند این کارها را هم بکنند. هدف جانبی‌ای هم دارند که می‌خواهند به این وسیله رابطهٔ جمهوری اسلامی را با دستگاه‌ها و نیروهای مقاومت در منطقه قطع کنند... این‌ها هدفهای دشمن است که اصلاً وارد شده برای اینکه این کارها را انجام بدهد؛ البته باید گفت «شتر در خواب بیند پنبه‌دانه»؛ دنبال این است که این سه هدف را -کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت- در کنار هم انجام بدهد که الحمدلله ناکام شده. البته تحریم مشکلاتی ایجاد کرده؛ در این شکی نیست. همهٔ مشکلات هم مربوط به تحریم نیست... اما آنچه آن‌ها می‌خواستند نشده و نخواهد شد؛ آن چیزی که آنها در ذهنشان بوده نشده، این خواب آشفتهٔ این دشمن خبیث تعبیر نشده. اتفاقاً همین تعبیر نشدن این خواب و تحقق نیافتن مقاصد اینها را هم خودشان اعتراف می‌کنند... و میگویند فشار شدید تحریم و شدت عملی که آمریکا به خرج داد، به

۱. دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

مقصود نرسید و نتوانستند آن کاری که در مورد ایران می‌خواستند انجام بدهند انجام بدهند. این نکته اول؛ بنابراین تحریم یک جنایتی بود با این هدفها و دشمن به این هدفها بحمدالله نرسیده و نخواهد رسید... .

خب گفتیم شکی نیست که تحریم یک جنایتی است از طرف آمریکا، ضربه‌ای است که آمریکا حواله کرده به ملت ایران؛ لکن ایرانی زیرک، از این حمله از این دشمنی، حُسن استفاده را کرده و سود برده؛ یعنی کارهایی کرده که به کوری چشم دشمن و بر خلاف نظر دشمن تحقق پیدا کرده. مردم ما، جوانهای ما، مسئولین ما، دانشمندان ما، فعالان سیاسی و اجتماعی ما این تحریم را وسیله‌ای قرار دادند برای اینکه اتکاء به نفس ملّی را افزایش دهند. میدانید دیگر که تحریمهای ثانویه یعنی آمریکا به همه شرکتها، به همه کشورها، به همه افراد می‌گوید که شما حق ندارید مثلاً فلان جنسی را که ایران لازم دارد به او بدهید؛ خب طبعاً آن چیزی که ما لازم داریم از خارج بیاوریم، به دست ما نمی‌رسد؛ این موجب شد که کسانی در داخل، در موارد متعدّد -یک مورد و دو مورد نیست، صدها مورد است- وقتی که دیدند دستشان به خارج نمی‌رسد، به فکر بیفتند که در داخل تولید کنند... بنابراین ما از همین تحریم هم توانستیم به توفیق الهی و به مدد الهی استفاده کنیم در خدمت شکوفایی علمی کشور... .

خب، گفتیم که تحریم اثر نکرد؛ یعنی به اهداف مورد نظر دشمن نرسید؛ دلیلش چیست؟ دلیلش کارهای مهمی است که در دوران تحریم در کشور انجام گرفت؛ فرض بفرمایید، چند هزار شرکت دانش‌بنیان در کشور درست شد؛ این کار مهمی است؛ پیدا است که حرکت علمی کشور و حرکت اقتصادی کشور با قدرت بیشتری در جریان است. ما قبل از این تحریمهای شدید، این چند هزار شرکت دانش‌بنیان را نداشتیم؛ یا فرض بفرمایید پالایشگاه ستاره خلیج فارس که به وسیله سپاه درست شد؛ کار بسیار عظیمی است، کار بزرگی است؛ این در دوران تحریم انجام گرفت، و با وجود تحریم انجام گرفت، که مردم دنیا تعجب می‌کنند؛ یا کارهای بسیار بزرگی که در بخشهای نظامی شده؛ یا کارهای بسیار بزرگی که در پارس جنوبی شده... یا طرحهای عظیم احیای اراضی خوزستان و ایلام که یکی از کارهای مهم است... این کارها همه در دوران تحریم انجام گرفت. یا طرحهای وزارت نیرو... همچنین طرحهای وزارت راه و بعضی طرحهای دیگر و بالاخره تولیدات شگفت‌آور دفاعی ما که اینها واقعاً عجیب است، اینها را خودشان هم اعتراف کردند که ایران در دوره تحریم توانست یک چنین مصنوعات دفاعی را به وجود بیاورد. و به نظر من یکی از چیزهایی که در این زمینه در این فهرست می‌گنجد و قرار می‌گیرد، عبارت از تمرین جداسازی اقتصاد کشور از نفت است... و ان‌شاءالله این یک

تمرینی است که ما بتوانیم این [کار] را بعداً ادامه بدهیم.^۱
 دشمنان ما، مخالفین ما، همان کسانی که این تحریمها را تحمیل کرده‌اند و امیدوار بودند که ایران را به خاطر این تحریمها به زانو دریاورند، همان‌ها دارند اقرار می‌کنند، اعتراف می‌کنند که نتوانسته‌اند و کشور سر پای خودش ایستاده؛ این نشان‌دهنده این است که بنیة کشور خیلی قوی است.^۲

دشمنان ما و در رأسشان آمریکا به امید اینکه بلکه بتوانند از این راه به جمهوری اسلامی ضربه‌ای وارد کنند، تحریم‌ها را تشدید کردند؛ به قول خودشان تحریمهای بی‌سابقه. راست هم می‌گویند؛ این تحریمهایی که اینها بر جمهوری اسلامی تحمیل کردند بی‌سابقه است، منتها مهم این است که جمهوری اسلامی فلز محکمی دارد؛ این را بعضی از ناظرین جهانی هم گفته‌اند که اگر این تحریمها و این فشارها به هر کشور دیگری وارد می‌شد، تأثیرات مهمی روی آن‌ها می‌گذاشت لکن جمهوری اسلامی به اتکاء مردم، به توفیق الهی، به همت مسئولینی که در گوشه و کنار کشور مشغول کارند، استحکام دارد و آلا فشار [هست].^۳

همه دنیا فهمیدند که این تحریمها برای فشار بر ایران، برای عقب‌نشینی در قضیه هسته‌ای و قضایای دیگر است. خب، وقتی ما عقب‌نشینی نکردیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ این تحریمها برای این است که ایران را وادار به عقب‌نشینی کنند، ایران هم که عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ نتیجه این می‌شود که هیبت غرب و هیبت تهدیدهای غرب در چشم این ملت‌های منطقه که قیام کردند، می‌شکند و عزت ملت ایران و قدرت ملت ایران در چشم اینها زیاد می‌شود.^۴

۱. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

۲. ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۹/۴/۲۲

۳. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۲/۲۴

۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

گفتار دوم: عرصه بصیرت و دشمن شناسی

یک آگاهی انقلابی، یک کمال سیاسی، در ملت ایران به توفیق الهی به وجود آمده است که می‌توانند تفکیک کنند بین نظام انقلابی «امت و امامت» و بین تشکیلات دیوان‌سالاری.^۱

۱. میدان فتنه‌ها و تحریف‌ها

فتنه ۷۸ و به اختیار در آمدن عمده قوای حیاتی کشور

دشمنان ما تصور می‌کردند با رحلت امام، آغاز فروپاشی این نظام مقدس کلید زده خواهد شد. آن‌ها خیال می‌کردند امام که رفت، بتدریج این شعله خاموش خواهد شد، این چراغ خاموش خواهد شد. بعد، مراسم تشییع جنازه امام، آن احساسات مردم، آن حرکت عظیم مردم در حمایت از کاری که خبرگان کردند، این‌ها را مایوس کرد. یک برنامه‌ریزی ده‌ساله کردند- این تحلیل من است، این به معنای اطلاع نیست؛ تحلیلی است که قرائن آن را برای ما اثبات می‌کند- ده سال بعد امیدوار بودند که نتیجه بدهد. سال ۷۸ که آن حوادث پیش آمد... آن کسی که این حوادث را خنثی کرد، مردم بودند. روز بیست و سوم تیر سال ۷۸ مردم آمدند در خیابانها، توطئه دشمن را که سالها برایش برنامه‌ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند.^۲ در فتنه هجدهم تیر، پنج روز بعد از اینکه فتنه‌گران فتنه خود را شروع کردند، مردم آن حرکت عظیم ۲۳ تیر را، نه فقط در تهران، بلکه در سایر شهرها به راه انداختند.^۳ من به شما عرض کنم که امروز عمده قوای حیاتی این کشور، در اختیار اسلام و انقلاب است. اساسی‌ترین پایه‌های قدرت در این کشور یعنی مردم دل‌بسته اسلام و انقلاب و راه امام و ارزشهای الهی و اسلامی‌اند. جوان این‌طور است؛ دانشجو این‌طور است؛ قشرهای غیر جوان این‌طورند؛ روحانیون این‌طورند؛ کسبه و متوسطین این‌طورند؛ کارگران و اکثریت قشرهای مختلف مردم این‌طورند؛ دستگاه اداره‌کننده کشور این‌طور است.^۴ آن روز که به قضایای تأسّفبار و گریه‌آور تیرماه سال گذشته نگاه می‌کردیم، می‌دیدیم که

۱. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

۲. بیست و دومین سالگرد امام خمینی رحمه الله ۱۴/۰۳/۱۳۹۰

۳. اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰

۴. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۹/۲۶

مطبوعات آن روز چه می‌نوشتند... تیتراهایی انتخاب و درج می‌شد که معنایش تشویق به ناامنی و لازمه واضح و روشن آن، ناتوانی دستگاه در استقرار امنیت بود. چه دشنامی از این بالاتر؟! چه ضربه‌ای از این بدتر و ناجوانمردانه‌تر؟! این خودش عامل ناامنی می‌شود... مردم به وحدت جواب می‌دهند؛ مردم در میدانند؛ مردم از ما جلویند عزیزان من! من به شما صریح بگویم؛ من به خودم و به آن مقداری که شعاع دیدم در مسائل کشور به من اجازه می‌دهد تا نگاه کنم، می‌بینم که مردم از ما جلویند... آن جایی که محلّ حضور مردم است، حضور آنها استوار، مقتدر، عازم و بیملاحظه است. باز از همه قشرها آمدند و خیابانها را پر کردند و مثل یک شطّ خروشان، همه این زباله‌ها و زیادیها را شستند و با خودشان بردند. بنابراین مردم اهل وحدتند و همه آنها می‌آیند و در مظهر وحدت شرکت می‌کنند؛ اما متأسفانه دستجات و جناحهای سیاسی و رؤسایشان و تعداد معدودی آدم، پُرادّعا و کم‌عمل و حرف‌ناپذیر و حق‌ناپذیرند.^۱

اشتباه [دشمنان در حادثه ۱۸ تیر] این بود که نسبت به نیروهایی هم که برایشان کار می‌کردند، اشتباه کردند! این‌ها آنجا نشسته بودند و خیال می‌کردند عوامل مزدورشان توانسته‌اند یک شبکه منسجم قوی از اراذل و اوباش درست کنند، که وقتی این اراذل و اوباش به خیابان آمدند، دیگر هیچ کس جلودارشان نیست! اینجا هم اشتباه کردند... نفهمیدند که با یک حضور بسیج و با یک حضور مردمی، همه این‌ها دوباره مثل حشراتی به لانه‌های خودشان خواهند خزید. حالا را با ۲۸ مرداد سال ۳۲ اشتباه گرفته بودند؛ چون آن روز هم همین اوباش و اراذل و چاقوکش‌ها و امثال این‌ها به خیابانها آمدند و همه چیز را از خود کردند. بعد که آن‌ها کار را تمام کردند، آن وقت ارتش شاه هم آمد و وارد شد! خیال کردند که حالا هم این‌گونه است؛ فکر بسیج و فکر مردم و فکر این نیروهای انقلابی را دیگر نکرده بودند.^۲

توطئه‌های ۸۲

در تابستان سال ۸۲ دستگاه‌ها و سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل تا آن‌جا که توانستند تلاش کردند تا زمینه آشوب‌های اجتماعی را در کشورمان فراهم کنند، اما با هوشیاری و اقتدار ملت ایران و دستگاه‌های خدمتگزار ملت، توطئه‌ها نقش بر آب شد.^۳

من بارها عرض کرده‌ام که دشمن از دشمنی خود دست نمی‌کشد، مگر وقتی که احساس کند دشمنی بی‌فایده است. امروز شما ملت ایران در نظر مستکبران عالم ملتی هستید

۱. دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها ۱۳۷۹/۱۱/۲۵

۲. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۷/۵/۸

۳. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۳/۱/۱۳۸۳

که به وقت، بجا و به هنگام، آنچه را که نشانه اقتدار ملی است، به ظهور می‌رسانید و نشان می‌دهید؛ این را شناخته‌اند. همین آگاهی و هوشیاری و آمادگی شما، توطئه‌های چندساله فرهنگی و سیاسی دشمن را باطل کرد و از بین برد. خوابها دیده بودند؛ توطئه‌ها کرده بودند؛ ولی آگاهی شما، توطئه‌های دشمن را نقش بر آب کرد. امروز دشمنان ملت ایران که هدفشان این بود که کشور را به تلاطم و آشوب دچار کنند و برادرکشی به راه بیندازند؛ هدفشان این بود که در بین مسئولان جنگ و اختلاف ایجاد کنند، به بن‌بست رسیده‌اند.^۱

فتنه ۸۸ و به وجود آمدن فصل جدید بصیرت ملی

دشمن بداند با چه حقیقتی روبه‌رو است؛.. خیال نکنند با یک تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال ۱۳۵۷، یک کاریکاتور از آن انقلاب، می‌توانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه‌داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمی‌شود این ملت را شکست داد... با تقلید از رهبر عزیز و عظیم‌الشأن انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه وجود غرق در قرآن بود، نمی‌شود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است؛ این مردم آگاهند؛ جوانهای ما آگاهند.^۲

همه ملاحظه کردید، کشور در برهه‌ای از زمان در معرض یک آزمون سیاسی بسیار تعیین‌کننده‌ای قرار گرفت و همان طور که بعضی از دوستان اشاره کردند، هاضمه نظام و کشور توانست حوادث را در درون خودش هضم کند و فائق بیاید... تا حدود زیادی انتظار حوادثی از این قبیل هست، به دلایل گوناگون: رسالتی که برای نظام فائلیم، رسالتی که برای اسلام فائلیم، معنایی که برای جمهوری اسلامی در ذهنمان داریم، تعریفی که جمهوری اسلامی از خودش برای ما در طول این سی سال کرده، هوشمندی مردم‌مان و جوانانمان که به تجربه رسیده، وجود آزادی‌ناگزیر که به حکم اسلام باید این آزادی در کشور باشد و ما به آن اعتقاد داریم... این حوادث چندان خلاف انتظار نیست.^۳

من در همین فتنه ۸۸ به بعضی دوستان قرائن و شواهد را نشان دادم؛ حداقل از ده سال، پانزده سال قبل از آن، برنامه‌ریزی وجود داشت. از بعد از رحلت امام برنامه‌ریزی وجود داشت؛

۱. دیدار زائرین و مجاوران ۱۳۸۳/۱/۲

۲. مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۱۳۸۸/۰۵/۱۲

۳. دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۸/۰۶/۰۸

اثر آن برنامه‌ریزی در سال ۷۸ ظاهر شد؛ مسائل کوی دانشگاه و آن قضایائی که اغلب یادتان هست، بعضی هم شاید درست یادشان نباشد. قضایائی که سال گذشته پیش آمد، یک تجدید حیاتی بود برای آن برنامه‌ریزی‌ها. البته سعی کردند با ملاحظه وقت و جوانب گوناگون، این کار را انجام دهند؛ که خوب، بحمدلله شکست خوردند، باید هم شکست می‌خوردند.^۱ همه کسانی که در عرصه سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آن‌ها خوش‌بین هم بودند، تجدید نظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در بیست و دوی بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - یک فصل پرافتخار و پرعبرت برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد. آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم.^۲ مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه سال ۸۸ کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبه‌های سیاسی و اجتماعی که می‌تواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.^۳ ملت ایران از یک امتحان عبور کرد، از یک فتنه عبور کرد. این معنایش فقط این نیست که حالا همه فهمیدند ملت ایران قوی است؛ بلکه معنای مهمتر آن این است که با این حرکت، با این قدرت بر عبور از فتنه و محنت، این ملت یک وضع جدیدی پیدا کرد؛ یک توانائی تازه‌ای در او به وجود آمد.^۴

فتنه ۹۶ و به اوج رسیدن بصیرت ملت

حرف همیشه ملت ما همین است؛ حرف ملت عزیز ما، قشرهای ما، شهرهای مختلف ما، جوانهای ما، حرف انقلاب و نظام اسلامی و ایستادگی در مقابل زورگویی و زیر بار تحمیل قدرتها نرفتن است. حرف ملت در تمام این سالهای متمادی یک حرف بود و امروز که چهل سال از آن روزها می‌گذرد، ملت ما همان منطق، همان مسیر، همان هدف را دنبال می‌کند؛ منتها امروز پخته‌تر است، باتجربه‌تر است، واردتر است. از لحاظ انگیزه هم اگر نگوییم امروز

۱. دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴

۲. اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹/۰۱/۰۱

۳. اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۷/۲۷

۴. دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان ۱۳۸۹/۸/۲۶

جوانهای ما پُرانگیزه‌تر از آن روز هستند، حدّ اقل مثل همان انگیزه‌ها را دارند، علاوه بر اینکه پُر تعدادترند؛ یعنی امروز تعداد جوانهای مؤمن پُرانگیزه‌ای که حاضرند در میدانهای خطر سینه سپر کنند، چندین برابر جوانهای ما در آستانهٔ انقلاب و در سالهای اول انقلاب است؛ این خطّ مستمرّ این کشور است. خب، بنده همیشه این حرفها را البته می‌زنم، همیشه هم یک شواهدی، قرائنی وجود دارد، لکن آنچه این روزها اتفاق افتاد، شواهد روشن و واضحی بر این قضیه بود. همین‌طور که عرض کردیم، ملت ایران در اقصی نقاط کشور، در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، از روز نهم دی - که این آتش‌بازی‌ها و این شیطنت‌کاری‌های افرادی که بعد عرض خواهیم کرد، تازه شروع شده بود- در همه‌جای کشور این حرکت را آغاز کردند، بعد که دیدند نه، مزدوران دشمنان دست‌بردار نیستند، آن‌وقت پی‌درپی، روزهای متوالی این راه‌پیمایی تکرار شد؛ از روز سیزدهم در قم، در اهواز، در همدان، در کرمانشاه، تا روز چهاردهم، روز پانزدهم، روز شانزدهم، روز هفدهم در شهرهای مختلف، در شهرهای بزرگ، و باز در مشهد، در شیراز، در اصفهان، در تبریز. این‌ها حوادث معمولی نیست؛ این‌ها هیچ‌جای دنیا وجود ندارد؛ من این را از روی اطلاع عرض می‌کنم. این حرکت عظیم منسجم مردمی در مقابل توطئهٔ دشمن، با این نظم، با این بصیرت، با این شور، با این انگیزه در هیچ‌جای دنیا نیست؛ و این چهل سال است که ادامه دارد، بحث یک سال و دو سال و پنج سال و مانند اینها نیست؛ نبرد ملت با ضدّ ملت است، نبرد ایران با ضدّ ایران است، نبرد اسلام با ضدّ اسلام است؛ این [نبرد] ادامه داشته و البته بعد از این هم خواهد بود؛ منتها سرگرم شدن ملت ایران به مبارزه و ایستادگی و استقامت، موجب نشده است که از بقیهٔ ابعاد و زوایای زندگی غافل بشوند، [بلکه] همین جوانهای شما، بچه‌های شما پیشرفتهای علمی را به وجود آورده‌اند، همین مأموران شما کارهای بزرگ [برای] آبروی ملت ایران در کشور و در منطقه انجام داده‌اند. یعنی ملت نشان داد که یک ملت زنده است، یک ملت بانشاط است، یک ملت باخدا است، و خدا هم کمک می‌کند.

خب، در واقع همهٔ حرکاتی که دشمن در این چهل سال در مقابل ما انجام داده است، پاتک انقلاب است. انقلاب ریشهٔ دشمن را از لحاظ سیاسی در کشور کند، و دشمن حالا مرتّباً پاتک می‌کند و در هر دفعه هم شکست می‌خورد؛ اقدام می‌کند و نمی‌تواند؛ نمی‌تواند پیش ببرد؛ به‌خاطر ایستادگی، به‌خاطر این سدّ محکم مردمی و ملی؛ این بار هم ملت، با قدرت تمام به آمریکا و به انگلیس و به لندن‌نشین‌ها می‌گوید: این دفعه هم نتوانستید، باز هم نخواهید توانست. میلیاردها دلار هزینه کردند... سال‌ها شبکه‌سازی کردند، مزدورپروری

کردند برای اینکه بتوانند از درون، کار را مشکل کنند. [قبلاً] نمی‌گفتند؛ مسئولین امروز آمریکا که خب ساده‌لوحی‌شان در امور سیاسی آشکار است، لو دادند خودشان را و گفتند «از بیرون نمی‌شود با ایران دست‌وپنجه نرم کرد، از درون باید خرابش کنیم»؛ یعنی همین کاری که چند سال است دارند می‌کنند: شبکه‌سازی، مزدورسازی؛ بعد برای مخارجش سرکیسه کردن دولتهای وابسته، بیایند اینجا و سراغ فلان دولت ثروتمند پول‌دار خلیج فارس بروند و سرکیسه کنند آنها را برای اینکه بتوانند مخارجشان را اینجا و جاهای دیگر روبه‌راه کنند؛ زباله‌های فراری از ایران را بازیافت کنند، آن‌ها را دوباره وارد میدان کنند، اگر بشود بازیافتشان کرد؛ هزاران شبکه مجازی راه انداختند، ده‌ها کانال تلویزیونی به راه انداختند، کانال‌های ماهواره‌ای به راه انداختند؛ جوخه‌های ترور و انفجار درست کردند و به داخل مرز فرستادند، چه از جنوب شرقی، چه از شمال غربی؛ بمباران دروغ و تهمت و شایعه را روی سر این ملت ریختند، شاید بتوانند افکار این مردم را، بخصوص جوانان نارس ما را عوض کنند - جوان عزیز ما، این جوانی که نه امام را دیده، نه انقلاب را دیده، نه دوران دفاع مقدس را دیده، نه شهدای نامدار بزرگ ما را دیده، روی ذهن اینها [می‌خواستند] اثر بگذارند؛ نتیجه‌اش چه می‌شود؟ [می‌شود] شهید حججی؛ این شهید عزیز اخیر نجف‌آباد و شهدای دیگری که در این دو سه روز شهید شدند؛ این‌ها همه همین جوانها بودند- و تطمیع کسانی در داخل؛ نفوذ در برخی از ارکان؛ [البته] خودشان مستقیم هم وارد می‌شوند، شما دیدید - بعداً عرض خواهم کرد - دخالت‌های مسئولان آمریکایی را در این چند روز به‌وسیله همین شبکه‌های اینترنتی و امثال اینها؛ [اما] باز هم نتوانستند؛ با همه این تلاشها ناکام ماندند.

من لازم است از ملت عزیزمان تشکر کنم؛ هزار بار باید تشکر کنم، نه یک بار. ملت، حقیقتاً یک ملت رشید، وفادار، بابصیرت، باهمت، زمان‌شناس، لحظه‌شناس [است] که می‌دانند لحظه حرکت کی است... واقعاً وفاداری ملت، لحظه‌شناسی ملت، [اینکه] بدانند هر زمانی چه کار می‌خواهند بکنند [قابل تشکر است]. خب، دیگران این پیامها را می‌گیرند؛ بله در تبلیغاتشان، صدها نفر اخلاک‌گر و تخریب‌کننده را هزاران نفر نشان می‌دهند، [اما] حرکات میلیونی ملت را در تظاهرات به‌عنوان یک گروه [کوچک] یا چند هزار نفر معرفی می‌کنند! در تبلیغات این‌جوری می‌گویند، اما می‌فهمند؛ صاحبان سیاستهایشان می‌بینند، [ولی] به رو نمی‌آورند؛ یعنی ملت کار خودش را می‌کند، تأثیر خودش را می‌گذارد، رعب خودش را در دل سیاست‌گذاران دشمن نفوذ می‌دهد با این حرکت عظیمی که انجام می‌دهد. ملت بصیرتشان را واقعاً به اوج رساندند؛ حقیقتاً این ملت به اوج رساندند بصیرت خودشان را و در این چند

روز انگیزه خودشان را خوب نشان دادند.^۱

این جمله‌ای که شما در اینجا آوردید [و خواندید] که «انقلابین پاک علمای قیخ ایل اولوب مأمنی‌میز» یک واقعیت است؛ چهل سال است که مأمّن مردم، پرچم برجسته و بلند انقلاب است. این حرف زبان شما، حرف دل ملت ایران است؛ درست گفتید. و این در حالی است که مردم از برخی از مسائل جاری کشور، انتقاد هم دارند، نه اینکه انتقاد ندارند؛ ما کاملاً در جریان انتقادهای مردم، گله‌های مردم، شکوه‌های مردم هستیم؛ به ما هم میگویند؛ به دیگران هم میگویند، به ما منتقل می‌شود؛ اما وقتی پای انقلاب و پای نظام در میان است، مردم این جور وارد میدان می‌شوند و حرکت می‌کنند. یک آگاهی انقلابی، یک کمال سیاسی، در ملت ایران به توفیق الهی به وجود آمده است که می‌توانند تفکیک کنند بین نظام انقلابی «امت و امامت» و بین تشکیلات دیوان‌سالاری؛ [با اینکه] در یک جا انتقاد دارند، اما از اصل نظامی که به وسیله انقلاب به وجود آمده است، با همه وجود دفاع کنند. اینکه میگوییم انتقاد داشته باشند، نه فقط انتقاد از دولت یا قوه قضائیه یا مجلس؛ نه، ممکن است کسی از شخص این حقیر هم انتقاد داشته باشد. این انتقاد هیچ منافاتی ندارد با ایستادگی پای نظام اسلامی، نظام انقلابی، نظام «امت و امامت»؛ نظامی که با انقلاب این ملت و با فداکاری این ملت به وجود آمده است و صدها هزار شهید در راه این نظام در طول این چهل سال به قربانگاه رفته‌اند.^۲

فتنه تحریف حقایق و آدرس غلط رفع تحریم

به موازات تحریم -این را درست توجه کنید- یک جریان تحریف هم هست؛ .. تحریف حقایق، واژگون نشان دادن واقعیات؛ چه واقعیات کشور ما، چه واقعیات مرتبط با کشور ما؛ این هم یکی از کارهایی است که آنها انجام می‌دهند. هدف از این تحریف دو چیز است، دو کار را می‌خواهند انجام بدهند: یکی، ضربه به روحیه مردم است که حالا من عرض می‌کنم که چه جوری می‌خواهند به روحیه مردم ضربه بزنند؛ یکی [هم] آدرس غلط دادن برای رفع مشکل تحریم است. این تحریف در این زمینه‌ها است و با این دو هدف دارد انجام می‌گیرد. پول زیادی هم دارند خرج می‌کنند برای اینکه این حقایق را تحریف کنند. الان هم ملاحظه می‌کنید که همین رؤسایشان، وزیرشان، رئیسشان، دیگران، خودشان را دارند خفه می‌کنند از بس به اینجا و آنجا سفر کنند، علیه ایران حرف بزنند، مصاحبه کنند، در هر قضیه‌ای اسم

۱. دیدار مردم قم ۱۳۹۶/۱۰/۱۹

۲. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

ایران را یک جوری بیاورند؛ واقعاً دارند خودشان را خفه می‌کنند، و این جریان تحریف است که وجود دارد.

اما آن مسئلهٔ اوّل که تضعیف روحیهٔ مردم و ضعیف کردن نشاط و تحرّک و امید مردم است، از اوّل انقلاب بوده. از اوّل انقلاب، خطّ ثابت دشمن همین بود که خطاب به مردم ایران، به وسیلهٔ تلویزیون‌ها، رادیوها -البته آن وقت محدودتر بود، حالا که دیگر وسیع هم شده و انواع و اقسام راه‌های ارتباطی وجود دارد- به مردم ایران تفهیم کنند که بیچاره شدید، دیگر مثلاً کارتان تمام است و هیچ کاری از عهدهٔ کسی برای شما بر نمی‌آید، اوضاعتان خراب است و غیره؛ از اوّل انقلاب -یعنی از اوایل انقلاب، که حالا یک مقداری اوّل انقلاب گیج بودند، [بعد] به خود آمدند و جریان تبلیغی را علیه کشور پیش گرفتند- یکی از هدفها همین بوده که به مردم ایران بگویند با قطع ارتباط با آمریکا، با گسستن پیوندی که بین ایران استعماری دوران پهلوی با آمریکا بود، پدر ملت ایران درآمده. این را از اوّل [دنبال می‌کردند]؛ الان هم همین است؛ الان هم دارند همین را دنبال می‌کنند، اوضاع را بد جلوه می‌دهند، با صدها زبان، با صدها وسیله. اگر نقطهٔ قوتی در کشور باشد که مطلقاً انکار می‌کنند؛ یا به سکوت برگزار می‌کنند یا انکار می‌کنند. خب، کارهای خوبی در کشور دارد انجام می‌گیرد؛ مطلقاً [حتّی] یکی از اینها در تبلیغات خارجی دشمنان ما منعکس نیست. نقطهٔ ضعفی اگر وجود داشته باشد، آن را ده‌برابر می‌کنند، گاهی صدبرابر می‌کنند که این نقطهٔ ضعف را بزرگ کنند؛ برای چیست؟ برای این است که روحیهٔ مردم تضعیف بشود؛ امید مردم، بخصوص امید جوانها؛ چون وقتی امیدوار باشند، تحرّک جوانها، تحرّک فوق‌العاده است، جوانها پیشتازند، پیش‌رانند؛ اگر چنانچه امید از آنها گرفته شد، متوقّف می‌شوند، مثل ماشینی که بنزینش تمام می‌شود، این جور [متوقّف] می‌شوند. این‌ها هست، هدفشان این است، می‌خواهند جوانهای ما را ناامید کنند، نشاط را از آنها بگیرند، تحرّک را از آنها بگیرند و جوری بشود که جوانها تحرّک و پیشتازی و پیشگامی خودشان را نداشته باشند. این هدف اینها است و البته در بعضی‌ها اثر هم می‌کند. در داخل هم کسانی همین حرفهای آن‌ها را تکرار می‌کنند؛ یک خبری را فرض بفرمایید در نوشته یا اظهارات فلان کسی که جزو مجموعه‌های سیاسی است انسان می‌شنود، دو روز بعد می‌بیند که یا در فضای مجازی، یا در فلان روزنامه در کشور ما همان منعکس می‌شود. از این کارها متأسّفانه هست در داخل.

در آن بخش دوّم، [یعنی] آدرس غلط دادن، آدرس دادن‌شان این جوری است که می‌گویند «اگر می‌خواهید تحریم برطرف بشود، در مقابل آمریکا کوتاه بیایید»؛ خلاصهٔ حرف این است

که باید کوتاه بیايید در مقابل آمریکا، باید ایستادگی نکنید، که حالا من بعداً درباره این، با تفصیل بیشتری صحبت خواهم کرد. این هم جریان تحریف. البته من به شما عرض بکنم که بله، بعضی‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند، و همان مطلبی را که آنها می‌گویند تکرار می‌کنند؛ چه در مورد ضعفهای کشور که ده‌برابر می‌شود، چه در مورد کم نشان دادن و کوچک نشان دادن نقطه‌قوت‌ها و پیشرفتهای کشور، چه در مورد آدرس غلط دادن. خب این در بعضی‌ها اثر می‌کند اما در اکثر مردم، در غالب ملت ایران اثر نمی‌کند. [غالب مردم] شناخته‌اند آمریکا را، شناخته‌اند دشمن را، می‌دانند که اینها دروغ می‌گویند، می‌دانند که اینها مغرضانه حرف می‌زنند؛ پس جریان تحریف هم به نتایج مورد نظر آنها نرسیده. و من به شما بگویم که اگر جریان تحریف شکست بخورد، جریان تحریم قطعاً شکست خواهد خورد؛ زیرا که عرصه، عرصه جنگ اراده‌ها است؛ وقتی جریان تحریف شکست خورد و اراده ملت ایران همچنان قوی و مستحکم باقی ماند، قطعاً بر اراده دشمن فائق می‌آید و پیروز خواهد شد.^۱

۲. میدان جهاد علمی

عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ‌ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.^۲

یکی از ارکان و ستونهای اصلی ایستادگی کنونی ملت ایران عبارت است از پیشرفتهای علمی کشور؛ که به دنبال این پیشرفتهای علمی، پیشرفتهای عملی و اجرائی هم در موارد بسیاری بوده. ایستادگی ملت ایران، در دنیا یک حادثه باشکوه است. ما توی قضیه قرار داریم. آن کسانی که از بیرون نگاه می‌کنند، عظمت این ایستادگی را بیشتر احساس می‌کنند... یک

۱. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

۲. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران

رکن مهم این ایستادگی، علم است. این علم است که به ما اعتماد به نفس داده. اگر امروز نفت ما را شرکتهای خارجی باید می‌آمدند استخراج و پالایش می‌کردند، گاز ما را باید آنها لوله‌کشی می‌کردند، اگر نظام سلامت ما وابسته به متخصصین خارجی و عمدتاً فرنگی بود، اگر تغذیه ما دست آنها بود، اگر کشت و صنعت ما دست اسرائیلیها بود، اگر صنعت هسته‌ای ما در صورتی که بنا نبود در آرزوی آن بمیریم و یک چیزی وجود می‌داشت، در اختیار فرانسه و آلمان و دیگران بود، ما امروز این اعتماد به نفس را نداشتیم، قدرت این ایستادگی نبود، این عزت و این شرف وجود نمی‌داشت. اگر ما برای ساختن یک سد، برای ساختن یک نیروگاه، برای ساختن یک بزرگراه، برای ساختن یک تونل، برای ساختن سیلوه‌های گندم، دستمان به سمت صنعتگران و دانشمندان شرق و غرب دنیا دراز بود، ملت ما احساس عزت نمی‌کرد؛ مسئولین کشور هم آبروی اظهار وجود در قبال استکبار جهانی را نداشتند؛ نه چنین اعتماد به نفسی وجود داشت، نه چنین قوت اراده‌ای وجود داشت، نه چنین عزمی وجود داشت.^۱

از حدود ده سال، دوازده سال پیش یک حرکت علمی جدید و رو به گسترشی در کشور آغاز شد و این حرکت ادامه پیدا کرد و رو به تزاید گذاشت... رو به عمق و توسعه پیش رفته. تقریباً می‌شود گفت که در همه زمینه‌های علمی هم این حرکت وجود داشته است - در بعضی کمتر، و در بعضی بیشتر - این همان چیزی است که ما دنبالش بودیم؛ این همان **مجاهدت علمی** است که برای نظام جمهوری اسلامی و برای کشور ما لازم بود.^۲ در بعضی از حوزه‌ها، مثل حوزه هسته‌ای، حوزه نانو، حوزه سلولهای بنیادی، حوزه هوافضا، حوزه زیست‌فناوری، وضع ما درخشان است. کارهایی که دارد انجام می‌گیرد، کارهای درخشانی است که در دنیا به شکل معدودی وجود دارد. در بین این همه کشور دنیا - کشورهای به اصطلاح پیشرفته و غیر پیشرفته - بعضی از این کارها فقط در پنج کشور یا در ده کشور یا در پانزده کشور، بیشتر وجود ندارد. به ما هم که هیچ کمک علمی نکردند. در مراکز علمی پیشرفته دنیا به روی دانشجوهای ما بسته است؛ این‌ها از درون جوشیده است.^۳

در خیلی از زمینه‌ها نقش جوانان مؤمن و دین‌دار و حزب‌اللهی در پیشرفت‌های علمی، برجسته است؛ این را هم دانسته باشند. دشمنان در تبلیغات خود می‌خواهند وانمود کنند که عناصر دین‌دار در این میدان‌ها عقب‌اند؛ درحالی‌که این‌طور نیست. عناصر دین‌دار و جوانان مؤمن ما در بسیاری از این میدان‌ها پیش‌تازند و کار آن‌ها برجسته است. خیلی از کارهای

۱. دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها؛ ۱۳۹۰/۶/۲

۲. دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۲/۵/۱۵

۳. ۱۳۹۱/۳/۱۴

بزرگی که صورت می‌گیرد، جوانان ما آن‌ها را در محیطی از توجّه و ذکر و سجده شکر انجام داده‌اند. این‌ها بسیار باارزش است.^۱

از اول انقلاب، یکی از بمباران‌های شدیدی که شده، این بوده که وقتی اسلام بر یک کشوری حاکم شد، مردم که متعبد و متعهد به اسلام شدند، دیگر راه علم و تمدن بسته شد؛ این جزو تهمت‌هایی بوده که از اول به ما می‌زدند. خب، اوایل کار هم که ما راهی برای رد این تهمت نداشتیم. سالهای دهه شصت ما نمی‌توانستیم کاری بکنیم که این را نشان بدهیم. آنجا هنری که جوان‌های ما به خرج می‌دادند، مجاهدت بود، ایمان بود. خب، دنیا قبول کرد؛ گفت بله، ایمانشان خوب است؛ اما در یک چنین جامعه‌ای، فعالیت علمی و پیشرفت علمی و تمدن و پیشرفت زندگی امکان ندارد. این جوان‌ها این را باطل کردند؛ این دانشمندان ما، چه این شهید، چه آن شهدایی که قبل از ایشان به شهادت رسیدند، این را باطل کردند. جوان‌هایی که عرصه‌های علمی را تصرف کردند و در آنجا حرف نو به میدان آوردند و هویت پیش‌رونده خودشان را و استعداد برتر خودشان را و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالای خودشان را نشان دادند، برای نظام جمهوری اسلامی آبرو درست کردند... این جوان‌های شما این کار را کردند.^۲ یک نویسنده، یک دانشمند صهیونیست [درباره] یک موشکی که آن وقت ما آزمایش کرده بودیم، در یک نشریه صهیونیستی یک چیزی نوشته بود که برای من عین مقاله را آوردند؛ نوشته بود که من با ایران دشمنم اما در مقابل این مردی که این موشک را ساخته سر تعظیم فرود می‌آورم؛ این‌ها با وجود تحریم، با وجود این همه مشکلات، بسته‌بودن درهای مراودات علمی، با وجود همه اینها یک چنین شاهکاری را درست کرده‌اند؛ این قضاوت دشمنان ما است.^۳

۳. میدان دفاع از حرم

یک روز در کشور خودمان جنگ بود، تهران بمباران می‌شد، دزفول بمباران می‌شد، اهواز بمباران می‌شد، مردم با پوست و گوشت خودشان جنگ را حس می‌کردند، خب یک عده‌ای می‌رفتند البته همان روز هم همه نمی‌رفتند، یک عده‌ای می‌رفتند، اما یک عده‌ای می‌رفتند خانواده‌ها صبر می‌کردند یک عده‌ای جوان‌ها می‌رفتند به شهادت می‌رسیدند خب خیلی هم خوب بود، خیلی هم با ارزش بود، شهدا هم خیلی مقام عالی دارند، اما امروز یک

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۲/۰۸/۲۳

۲. دیدار خانواده شهید مصطفی احمدی روشن ۱۳۹۰/۱۰/۲۹

۳. دیدار نخبگان و استعدادها برتر علمی ۱۳۹۸/۷/۱۷

جنگی یک جایی وجود دارد که مردم آن را با پوست و گوشت خودشان حس نمی‌کنند اما در عین حال می‌روند، ببینید این خیلی مهم است. حس نمی‌کنند جنگ را اما می‌روند چرا؟ برای خاطر اینکه می‌فهمند که قضیه چی است. این عمق فهم و این تحلیل درست قضایا این خیلی چیز مهمی است این معجزه انقلاب است.^۱

دو سه خصوصیت در اینها [مدافعین حرم] هست که ممتاز است. یکی این است که اینها غیرت و تعصب دفاع از حریم اهل بیت (علیهم‌السلام) را دارند... دوّمین خصوصیت بصیرت است. کسانی که این بصیرت را ندارند با خودشان می‌گویند: اینجا کجا، سوریه و حلب کجا؟ این بر اثر بی‌بصیرتی است. [حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام] فرمود که *فَوَاللَّهِ مَا غَزِيَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا* «نباید منتظر ماند که دشمن بیاید داخل خانه آدم، بعد آدم به فکر دفاع از او و خانه بیفتد. دشمن را باید در مرزهای خودش سرکوب کرد.»^۲

افتخار جمهوری اسلامی امروز این است که ما در مجاورت مرزهای رژیم صهیونیستی نیرو داریم؛ [حالا یا] نیروهای خودمان یا نیروهای حزب الله یا نیروهای مقاومت یا نیروهای امل. اینکه اینها این قدر ناراضی‌اند و می‌گویند جمهوری اسلامی چرا دخالت می‌کند، به خاطر این است. ما امروز آنجا، بالاسر اینها نیرو داریم. این برای اسلام و برای جمهوری اسلامی خیلی افتخار بزرگی است. جوان‌هایی که رفتند در سوریه یا در عراق و به شهادت رسیدند، این بصیرت را داشتند، می‌فهمیدند که دارند چه کار می‌کنند. یک عده اینجا در خانه نشسته‌اند نمی‌فهمند که قضیه چیست؛ این بچه‌ها قضیه را فهمیدند و رفتند دفاع کنند.^۳

از جنبه دنیوی هم شهدای مدافع حرم، فضای کشور را تغییر دادند؛ در این چند سال مفاهیم انقلاب را زنده کردند. عده‌ای می‌خواستند مفاهیم انقلابی را کهنه و کم‌رنگ کنند؛ فداکاری این دل‌های مشتاق جوانهای شما که بلند شدند و رفتند در هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر از شهر و خانه خودشان مبارزه کردند و جنگیدند، و همسر عزیزشان، پدر و مادر مهربانشان، فرزندان و نور چشمانشان را گذاشتند و رفتند، برکت پیدا کرد؛ خدای متعال به این فداکاری بچه‌های شما برکت داد و موجب شد که در کشور بتوانند فضای جدیدی را به وجود بیاورند. درحالی که کشور ما هشتاد میلیون جمعیت دارد و تعداد شهدای حرم، زیاد هم نیست اما همین تعداد کم توانستند بر فضای عمومی این کشور هشتاد و چند میلیونی تأثیر بگذارند. یک نمونه‌اش را شما در همین تشییع جنازه‌ها دیدید -عکس‌های تشییع جنازه بچه‌های شما

۱. منزل خانواده شهدای مشهد ۱۳۹۶/۵/۱۹

۲. دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۵/۰۹/۰۱

۳. گزیده‌ای از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

در شهرهایتان را برای من آورده‌اند- هر جا که اینها تشییع جنازه شدند، این جمعیت عظیم مردم حضور پیدا کردند. خیلی از آنهایی که در آن تشییع جنازه آمدند، شاید این جوان را اصلاً ندیده بودند و نمی‌شناختند اما آمدند؛ دل‌ها کشانده می‌شود، دل‌ها دست خداست؛ مثل آهن‌ربا جذب می‌کند، همان‌طور که امام حسین جذب کرده است. شهادت حسین بن علی (سلام‌الله‌علیه) فوق همه شهادتهاست؛ ببینید چطور بعد از هزار و دویست - سیصد سال دل‌ها را مثل مغناطیسی می‌کشاند. اربعین را ببینید، این راه‌پیمایی را ببینید، این اشتیاق جوانها به قبر آن بزرگوار و زیارت آن بزرگوار را ببینید، این مجالس روضه‌خوانی و سینه‌زنی را ببینید؛ این‌ها جاذبه است، این برکتی است که خدا به آن فداکاری داده است. بچه‌های شما هم همین‌جور؛ خدای متعال به خون بچه‌های شما، به شهادتشان، به فداکاری‌شان برکت داد و توانستند در کشور اثر بگذارند.^۱

واقعاً یکی از معجزات انقلاب اسلامی همین شتافتن جوانهای ما در این دوره برای مقابله و مواجهه با دشمنان عنود و خبیث در خارج کشور بود؛ این یکی از معجزات انقلاب است... این جوان شما که از اینجا بلند می‌شود می‌رود در خان‌طومان، در زینبیه، در حلب می‌جنگد و به شهادت می‌رسد، او جلوی چشم آمریکا است، او جلوی چشم رژیم صهیونیستی است، این را می‌بینند؛ این انگیزه را، این شجاعت را، این نیروی عظیم را مشاهده می‌کنند، حساب می‌کنند، از ملت ایران حساب می‌برند. خدمت بزرگی که جوانهای شما و خانواده‌های شهیدان و خود شهیدان به انقلاب و به کشور ایران می‌کنند این است که برای انقلاب و برای ملت ایران آبرو درست می‌کنند.^۲

امروز مسئله شهادت دفاع از حریم اهل‌بیت مطرح است؛ این از آن ماجراهای عجیب تاریخ است. ما در دوران جنگ جوان‌ها را تشویق می‌کردیم به اینکه بروید به میدان جنگ، اجابت می‌کردند و می‌رفتند؛ امام یک سخنرانی می‌کردند، خیل جوان‌ها راه می‌افتادند می‌رفتند [اما] امروز ما چنین تشویقی نمی‌کنیم، درعین حال این انگیزه چقدر قوی است، این ایمان چقدر شفاف است که این جوان از ایران، از افغانستان، از کشورهای دیگر راه می‌افتد، بلند می‌شود از همسر جوانش، از کودک خردسالش، از زندگی راحتش می‌گذرد، می‌رود در یک کشور غریب، در یک خاک غریب، در راه خدا مجاهدت می‌کند و به شهادت می‌رسد. این چیز کوچکی است؟ قدم‌به‌قدم تاریخ انقلاب اسلامی از این شگفتی‌های تاریخ‌ساز به خود دیده

۱. گزیده‌ای از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

۲. گزیده‌ای از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

است؛ این‌ها شگفتی است.^۱

این شهدای ما، همین جوانهای شما، همین عزیزان و امثال اینها اگر نمی‌رفتند و دفاع نمی‌کردند، امروز دشمنان اهل‌بیت، حرم حضرت زینب را با خاک یکسان کرده بودند، سامرا را با خاک یکسان کرده بودند، اگر دستشان می‌رسید کاظمین و نجف و کربلا را هم با خاک یکسان کرده بودند؛ این کارها را آنها در تاریخ کردند، ما خبر داریم. بزرگان آنها و گذشتگان آنها، همان کسانی هستند که تقریباً دویست سال قبل، کربلا را غارت کردند؛ مردم را قتل‌عام کردند؛ رفتند حرم امام حسین، داخل حرم مطهر حسین بن علی (علیه‌السلام) - که آن قبه، خانه عرش الهی است، مهبط ملائکه الهی است - ضریح حضرت را شکستند، صندوق چوبی را شکستند، آتش زدند، رویش قهوه درست کردند و نشستند قهوه خوردند؛ این‌ها همان‌ها هستند. اگر این جوانهای شما نبودند، اگر نمی‌رفتند و دفاع نمی‌کردند، قضیه همان قضیه بود، مسئله همان مسئله بود. این‌ها رفتند از مرز ولایت دفاع کردند، از مرز دین و حریم اهل‌بیت دفاع کردند و به شهادت رسیدند.^۲

کسانی که در سوریه به شهادت می‌رسند، این‌ها در واقع دشمن را از کشور دور نگه می‌دارند؛ دشمنی که اگر در سوریه و عراق جلوی او گرفته نشود، به تهران و تبریز و اصفهان و مشهد می‌آید. این شهیدان علاوه بر اینکه از مرقد مبارک حضرت زینب دفاع می‌کنند، شهیدانی هستند که دشمن را از حریم کشور دور نگه می‌دارند.^۳

۱. دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای هفتم تیر، مدافع حرم و فاطمیون ۱۳۹۵/۰۴/۰۵

۲. گزیده‌ای از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

۳. گزیده‌ای از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

گفتار سوم: عرصه حضور در صحنه‌های عمومی

[انقلاب] مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.^۱

مسئله حضور ملت ایران در صحنه‌های مختلف اداره کشور، یک پدیده بسیار برجسته و ممتاز است. خطاست اگر خیال کنیم که حضور ملت ایران، فقط در صحنه انتخابات نمایان و نشان‌دار است. بله، انتخابات در نظام جمهوری اسلامی همیشه... یک مقطع درخشان برای ملت بوده است و نشان‌دهنده عمق اعتقاد این ملت و این نظام به دخالت مردم در سرنوشت خود محسوب شده است؛ ولی عمق، برکات، گستره و آثار حضور ملت ایران بیش از این‌هاست. امروز اگر در صحنه داخلی و پیشرفتهای گوناگون علمی و فنی و اجتماعی و اقتصادی‌ای که در کشور مشاهده می‌شود و همچنین در صحنه بین‌المللی، عزت ملت ایران و برجستگی و شاخص شدن سیاست‌های این ملت در منطقه و سطح جهان یک پدیده مهمی است و همه تحلیلگران و چشم‌های بینا و کاوشگر را به خود جلب کرده است، همه این‌ها محصول حضور مردم در صحنه‌های گوناگون است... حضور مردم در صحنه، معنایش این است که آحاد مردم - پیر و جوان، قشرهای مختلف، مرد و زن در هر نقطه‌ای از کشور - مسائل اساسی کشور را مسائل خودشان بدانند؛ مسائل علمی و پیشرفت علمی و فنی را مسئله اساسی خودشان به حساب آورند؛ پابندی کشور و نظام و مسئولان به ارزشهای اساسی انقلاب را به عنوان یک خواست حقیقی خودشان همه جا مطرح و مطالبه کنند؛ این‌ها حضور مردم در صحنه است. حضور مردم در صحنه یعنی بی‌تفاوت نبودن؛ سرنوشت کشور را رها نکردن؛ بی‌رغبت نبودن نسبت به حوادثی که در کشور می‌گذرد؛ این معنای حضور در صحنه است. وقتی یک ملت - پیر و جوانش، بزرگ و کوچکش، قشرهای مختلفش - نسبت به مسائل گوناگون کشور خود دارای

انگیزه و فکر است، آن فکر را بر زبان می‌آورد، بر آن پای می‌فشارد و از آن دفاع می‌کند، این ملت، ملت زنده‌ای است و آینده آن تضمین شده است.

مشکل ملت بزرگ ما - قبل از پیروزی انقلاب اسلامی - فقط در این نبود که بیگانگان، مسئولان سیاسی کشور را بدون اطلاع آن‌ها روی کار می‌آوردند و کنار می‌گذاشتند؛ این البته مصیبت بزرگی بود، اما مسئله این بود که مردم از جریانات کشور پیشرفت کشور، مقایسه کشور با کشورهای دیگر، اندازه‌گیری میزان سرعت حرکت کشور به سوی اهداف، بکلی بی‌خبر و بیگانه بودند. اگر کسی اهل کار بود، برای خودش اهل کار بود؛ دنبال کار خودش بود؛ کار کشور، مسئله آحاد مردم محسوب نمی‌شد. نتیجه هم همان شد که ملاحظه می‌کردید؛ جوان‌ها هم یا در تاریخ می‌خوانند یا از بزرگترها می‌شنوند؛ بعضی هم که یادتان هست، و می‌دیدید که کشور به دست عده معدودی - که خود آن‌ها بازیچه سیاستهای بین‌المللی بودند - چگونه اداره می‌شد. ملت به یک ملت عقب‌افتاده در زمینه‌های گوناگون تبدیل شده بود؛ چون مردم کاری به کار کشور و مسائل کلان آن نداشتند؛ خبر هم از آن‌ها نداشتند که در کشور چه می‌گذرد، چه سیاستی بر کشور حاکم است، چه آینده‌ای در انتظار کشور است، چه کسانی دارند در کشور دخالت می‌کنند؛ مردم به این‌ها توجهی نداشتند و کسی هم آن‌ها را وارد میدان معرفت و علم نمی‌کرد. نتیجه هم همان بود که می‌دیدیم: یک عده در رأس کارهای کشور قرار می‌گرفتند که نه به ایمان مردم، نه به دنیای مردم و نه به آخرت آنان هیچ دل‌بستگی نداشتند. دل‌بستگی آن‌ها به زندگی شخصی خودشان و به خاطر حفظ زندگی شخصی، به بند و بست با اربابهای خارجی منحصر می‌شد؛ این وضع زندگی ملت ما در پیش از انقلاب بود.

انقلاب صفحه را برگرداند؛ مردم شدند صاحب کشور، صاحب اختیار کشور و تصمیم‌گیر در مسائل کشور. حضور مردم در صحنه به این معناست. بعضی نگویند که مردم را فقط برای انتخابات می‌خواهند؛ نه، انتخابات یک نشانه است. انتخابات یک مقطع از مقاطع حضور مردم است. مطالبه خواستها، مطالبه هدفها، دل‌بستگی به این اهداف، دغدغه اینکه چقدر پیش رفتیم و تا کجا پیش رفتیم و چه خواهیم کرد؛ با مشکلات چگونه دست و پنجه نرم خواهیم کرد؛ امروز این دغدغه‌ها در بین مردم ما عمومیت دارد. مردم نسبت به مسائل خاورمیانه حساسند. امروز شما در باره مسئله عراق، در باره مسئله لبنان، در باره مسئله مردم مظلوم فلسطین و در باره مسائل مسلمانان، جوان و پیرتان نسبت به این مسائل حساسید، سؤال دارید، استفهام دارید و انگیزه دارید. دنبال این انگیزه، اقدام است. این، خاصیت حضور مردم

در صحنه است و این خدمت بزرگی است که انقلاب اسلامی به کشور ما کرد و این ملت یک ملت زنده است. نشانه زنده بودن هم پیشرفت کردن در میدانهای مختلف است. و می بینید که ملت ایران در طول مدت انقلاب، در میدان مختلف به سرعت پیشرفت کرده است. همان ملتی که سرنوشت خود او را هم دیگران دور هم می نشستند و برایش تصمیم گیری می کردند و ملت ایران حتی در تعیین رؤسای خود و مدیران کشور دخالتی نداشت؛ همان ملت، امروز به جایی رسیده است که نقش او در مسائل منطقه تعیین کننده است. اینکه دیگر حرف ما نیست. این حرف مستکبران و قدرت مداران دنیا و صاحبان امر و نهی در مسائل جهانی است که اعتراف می کنند بدون حضور و خواست ایران، مسائل مهم منطقه خاورمیانه قابل حل شدن نیست؛ باید نظر ایران را خواست؛ باید نظر ملت ایران را دانست. عملاً هم آنجایی که ملت بر یک چیزی پافشاری می کند، همه دستگاه های قدرت جهانی - بر روی هم - نمی توانند در مقابل خواست ملت ایران حرف خودشان را پیش ببرند.^۱

هرچه در طول سالهای متمادی، بدخواهان این ملت و این کشور خواسته اند که مردم را از حضور در صحنه های عمومی کشور دور کنند، موفق نشده اند و علی رغم آن ها، مردم شرکت گسترده و افتخار آفرینی در تعیین سرنوشت کشور داشته اند و این موجب تحسین هر بیننده ای است.^۲ هر وقت پیغامی به یک مجموعه ای از دوستانمان می دهیم، همیشه بنده می گویم هیچ نگران نباشید، از ملت ایران نگران نباشید؛ ملت ایران می داند چه کار دارد می کند، بلد است چه کار بکند و دارد می کند کار خودش را.^۳

۱. میدان انتخابات

در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی، جلوه بالای مردم سالاری در این کشور... یک نمونه بی نظیر [است]؛ انتخابات های جمهوری اسلامی با مشارکتهای بالا - بالاتر از متوسط و میانگین جهانی و بعضاً بسیار بالاتر؛ شرکت ۷۰ درصدی، ۷۲ درصدی؛ انتخابات های ما از این قبیل است - جلوه مردم سالاری است.^۴

خدای متعال به فضلش، نعمت را بر مردم ما تمام کرده است. من اصرار دارم تکرار کنم

۱. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۵/۹/۲۲

۲. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۰/۳/۲۰

۳. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

۴. مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله) ۱۳۹۳/۳/۱۴

که آنچه در این انتخابات سی‌میلیونی برای ملت ایران پیش آمد، ستاره درخشانی بر پیشانی ملت ایران شد. شما در کدام یک از دموکراسی‌های دنیا این را سراغ دارید که هشتاد و هشت درصد از حائزان شرایط در انتخابات طبق آماري که به ما داده‌اند پای صندوقهای رأی حاضر شوند؟ این کسانی که در دنیا دم از حقوق مردم و دموکراسی و آزادی می‌زنند و آن را به رخ این و آن می‌کشند و همه را متهم می‌کنند و هرکسی را که با آن‌ها همسو نباشد و به آن‌ها انتقاد داشته باشد، به خودرأیی متهم می‌کنند، مگر در انتخاباتشان چقدر از مردم شرکت می‌کنند؟ من گفتم، آمار مقایسه‌ای آوردند و انتخابات ما را با انتخابات دو دوره ریاست جمهوری امریکا و نیز با انتخابات انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی مقایسه کردند، دیدم که هیچ‌کدام این طوری نیست. نه اینکه به این اندازه نیست، نزدیک به این هم نیست؛ یعنی چهل و نه درصد، پنجاه درصد، پنجاه و چهار درصد، شصت درصد بودند. این‌ها کجا، و هشتاد و هشت درصد یا هشت و نه درصد در کشور ما کجا؟^۱

بنده دوست ندارم در سخنرانی‌ها و خطابه‌ها نسبت به مخاطبان خودم با مبالغه حرف بزنم یا تملق آن‌ها را بگویم؛ اما در این قضیه انتخابات، خطاب به شما مردم عزیز عرض می‌کنم که هرچه با مبالغه صحبت بکنم، زیاد نیست؛ حتی اگر بوی تملق هم بدهد، ایرادی ندارد. کار بزرگی کردید. انتخابات ۲۲ خرداد یک نمایش عظیمی بود از احساس مسئولیت ملت ما برای سرنوشت کشور؛ نمایش عظیمی بود از روح مشارکت‌جوی مردم در اداره کشورشان؛ نمایش عظیمی بود از دل‌بستگی مردم به نظامشان. حقیقتاً مشابه این حرکتی که در کشور انجام گرفت، من امروز در دنیا و در این دموکراسی‌های گوناگون - چه دموکراسی‌های ظاهری و دروغین و چه دموکراسی‌هایی که واقعاً به آراء مردم مراجعه می‌کنند - نظیرش را سراغ ندارم. در جمهوری اسلامی هم جز در همه‌پرسی سال ۵۸ - فروردین ۵۸ - هیچ نظیری دیگر برای این انتخاباتی که در جمعه گذشته شما انجام دادید، وجود ندارد؛ مشارکت حدود ۸۵ درصد؛ چهل میلیون تقریباً جمعیت. انسان دست مبارک ولی‌عصر را پشت سر حوادثی با این عظمت می‌بیند. این نشانه توجه خداست. لازم می‌دانم از اعماق دل نسبت به شما مردم عزیز در سراسر کشور ابراز ادب و ابراز تواضع کنم که واقعاً جا دارد... البته بین مردم اختلاف سلیقه هست، اختلاف رأی هست؛ عده‌ای کسی را قبول دارند، حرفی را قبول دارند؛ عده دیگری کس دیگری را قبول دارند، حرف دیگری را قبول دارند؛ این‌ها هست، طبیعی هم هست، لیکن یک تعهد جمعی را انسان در بین همه این‌ها، با اختلاف آراءشان، احساس می‌کند؛ یک تعهد

جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان... این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزله سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب این جور مردم بیایند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار اظهار وفاداری کنند! این یک جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی یک نَفَس تازه کردن، یک حرکت از نو، یک فرصت بزرگ. این انتخابات، مردم‌سالاری دینی را به رخ همه مردم عالم کشید. همه کسانی که بدخواه نظام جمهوری اسلامی هستند، دیدند مردم‌سالاری دینی یعنی چه. این یک راه سوم است. در مقابل دیکتاتوری‌ها و نظام‌های مستبد از یک طرف، و دموکراسی‌های دور از معنویت و دین از یک طرف دیگر، این مردم‌سالاری دینی است؛ این است که دل‌های مردم را مجذوب می‌کند و آن‌ها را به وسط صحنه می‌کشانند. این، امتحان خودش را داد.^۱

مردمی که... پای صندوق‌های رأی آمدند، به هر کسی رأی دادند، همه‌شان یک کار مشترک انجام دادند؛ این کار مشترک، خیلی با ارزش است. این کار مشترک را باید دید و باید به دنیا نشان داد؛ این کار مشترک، اعتماد به نظام بود، اظهار اعتماد به نظام اسلامی بود. بله، بعضی‌ها به زید رأی دادند، بعضی‌ها به عمرو، بعضی‌ها به بکر، بعضی‌ها به خالد، لکن همه اینها یک کار مشترک کردند. آن کار مشترک همین بود که به این صندوقی که نظام جمهوری اسلامی آنجا گذاشته بود اعتماد کردند و به این حرکت عظیمی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر شده است اعتماد کردند و برای انتخاب مسئول اجرائی کشور وارد عرصه و صحنه شدند؛ این خیلی مهم است.^۲

۲. میدان بزرگداشت ارزش‌های انقلابی

امروز ملت ایران جزو پیشروان این حرکت است. جامعه‌سازی می‌کنیم، نظام‌سازی می‌کنیم، حرکت عمومی و مردمی داریم. سی و سه سال از انقلاب می‌گذرد. در هیچ جای دنیا جشن یادبود و سالگرد انقلاب، اینجور مردمی نیست. این تنها انقلاب ماست که در هر بیست و دوی بهمنی، جشن را مردم می‌گیرند. در سرتاسر کشور میلیون‌ها انسان به خیابانها می‌آیند، تظاهرات می‌کنند، شعار می‌دهند؛ این در هیچ انقلابی وجود نداشته. انقلاب‌های بزرگی بوده؛ بعضی از اینها را ما در زمان خودمان شاهد قضایایش بودیم، بعضی‌ها را هم در تاریخ خواندیم: سالگرد انقلابها بیایند، چند نفر آنجا بایستند، یک گروهی هم جلویشان رژه برونند،

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۸/۳/۲۹

۲. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

سلام نظامی بدهند. سالگرد انقلابها اینجوری برگزار می‌شد. یک جشنی بگیرند، یک عده‌ای دعوت بشوند، بخورند و بنوشند. برگزاری سالگرد انقلاب به وسیله خود مردم، مخصوص انقلاب اسلامی است^۱

امسال عوامل مؤثر در سیاستهای استکباری، لحنشان نسبت به ملت ایران بی‌ادبانه‌تر و توهین‌آمیزتر بود. چون در زمینه مسائل هسته‌ای مذاکرات انجام گرفته بود، سیاستمداران آمریکا اظهار نظر کردند که معلوم می‌شود ملت ایران از حرف خود برگشته است، از اصول خود صرف نظر کرده است! با این زمینه، لحنشان نسبت به ملت ایران، لحن بی‌ادبانه و توهین‌آمیز بود؛ مردم اینها را شنیدند، دانستند. وقتی دشمن با چهره واقعی خود یا نزدیک به چهره واقعی خود در میدان حضور پیدا می‌کند، مردم انگیزه بیشتری و همت بلندتری برای حضور پیدا می‌کنند؛ مردم چون دیدند آمریکایی‌ها نسبت به آنها بی‌ادبی می‌کنند و نسبت می‌دهند که از نظام جدا شده‌اند، خواستند در بیست و دوم بهمن نشان بدهند که نسبت به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و پرچم برافراشته اسلام با همه وجود دل بسته‌اند. این نشان‌دهنده حساسیت مردم ما و غیرت مردم ما در برابر دشمنی و شرارت دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان ایران است.^۲

من واقعاً زبانم قاصر است از اینکه از مردم عزیزمان، از ملت بزرگ ایران تشکر کنم و توصیف کنم این حضور امسال را در ماجرای بیست و دوم بهمن؛ در گزارشهای دقیقی که به بنده داده‌اند که این گزارشها دقیق است، در اغلب نزدیک به همه مراکز استان - حالا در هزار شهر راه‌پیمایی بود؛ آن طور که محاسبه کردند در اغلب نزدیک به همه مراکز استان - جمعیت امسال از سال گذشته بیشتر بود؛ در اغلب نزدیک به همه! در شهرهایی، مردم در سرما و برف و باران آمدند راه‌پیمایی کردند؛ در جاهایی مثل اهواز، مردم در طوفان خاک آمدند راه‌پیمایی کردند؛ این‌ها شوخی است؟ ۳۶ سال از انقلاب می‌گذرد، کجای دنیا سالگرد انقلاب به وسیله مردم آن‌هم با این عظمت و با این شکوه برگزار می‌شود؟ این به خاطر این است که کار، دست مردم است. نگاه انقلاب و نظام در مسئله بیست و دوم بهمن و بزرگداشت مراسم انقلاب به سوی مردم است؛ کار به مردم محول می‌شود، مردم این‌جوری حرکت می‌کنند. این یک قاعده کلی است. در هر مسئله‌ای از مسائل خرد و کلان کشور که ما حضور مردمی را داشتیم، این معجزه را مشاهده کردیم.^۳

۱. دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۹۰

۲. حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۹۳

۳. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۲۹/۱۱/۱۳۹۳

ملت ایران بحمدالله نشان داده است که در این میدانها با عزم راسخ می ایستد؛ این را نشان دادیم. ملت ایران در قبال این تجاوز، در قبال این خیانت و دشمنی دچار رودربایستی با کسی نمی شود؛ دچار ملاحظه این قدرت و آن قدرت و این شخصیت و آن شخصیت نمی شود؛ حرف خود را صریح میزند. دیدید روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان، ملت ایران در آن هوای داغ، با زبان روزه، مرد و زن در سرتاسر کشور به عرصه جامعه و خیابانها آمدند و صدای بلند خود را به گوش دنیا رساندند. این یک کار لازم و واجبی بود که ملت ایران از عهده اش برآمد؛ هر کار دیگری هم لازم باشد، این ملت ملت مستحکم و ایستاده ای است.^۱

اینکه ما بیاییم این حوادث [تشییح جنازه سردار سلیمانی و ابومهدی] را تقویم کنیم، قیمت گذاری کنیم، قدر آنها را بدانیم و ببینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است؛ در صورتی تحقق پیدا می کند که ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز - و به ابومهدی - شهید عزیز - به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمیّت این قضیه روشن خواهد شد. قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد. سپاه قدس را به عنوان یک مجموعه و سازمان اداری صرفاً نبینیم؛ بلکه به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه های بزرگ و روشن انسانی مشاهده کنیم. اگر این جور شد، آن وقت این اجتماع مردم، این تجلیل و تعظیم مردم، تکریم مردم معنای دیگری پیدا می کند... خب، با این نگاه، ما می توانیم ملت ایران را و معنویات ملت را و باطن ملت را کشف کنیم. این کسانی که به خیابان آمدند، میلیون ها انسانی که در تهران و در قم و در کرمان و در خوزستان و [دیگر شهرها] آمدند زیر جنازه این عزیزان راه رفتند، و کسانی که از دور دیدند و اشک ریختند، و کسانی که در شهرهای مختلف توانستند از دور برای اینها عزاداری بکنند - که واقعاً ده ها میلیون جمعیت ملت ما در این آزمون بزرگ شرکت کردند - می شود باطن اینها را، حقیقت اینها را تشخیص داد. ملت از هر جناح و حزب، از هر مجموعه، از هر قوم، از هر خصوصیت جغرافیایی، در این جهت مثل همد؛ طرفدار انقلابند، طرفدار حاکمیت اسلامند، طرفدار ایستادگی در مقابل ظلمند، طرفدار «نه» گفتن به همه مطامع دولتهای استکباری و استعماری اند.

ملت ایران نشان داد که از خطّ مجاهدت شجاعانه دفاع می کند، ملت ایران نشان داد که به نمادهای مقاومت عشق می ورزد، ملت ایران نشان داد که طرفدار مقاومت است، طرفدار تسلیم نیست. آن کسانی که سعی می کنند چیز دیگری را از ملت بزرگ ما به مردم و به افکار

بیگانگان یا افکار عمومی داخل نشان بدهند، با صدق و صفا با مردم رفتار نمی‌کنند؛ ملت این است، ملت طرفدار ایستادگی است، طرفدار مقاومت است، ملت طرفدار ایستادگی در مقابل زورگویی دشمنان است... ملت ایران در این قضیه خود را نشان داد، باطن خود را نشان داد، قاعده و زیربنای فکری خود را ملت ایران نشان داد؛ احساسات صادقانه خود را ملت ایران نشان داد؛ این فریاد انتقامی که از مردم شنیده شد در سرتاسر کشور، در واقع این فریاد انتقام، سوخت حقیقی موشک‌هایی بود که پایگاه آمریکایی را زیر و رو کرد.^۱

شهادت او [سردار سلیمانی]، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه دنیا کشید. عده‌ای می‌خواستند وانمود کنند که انقلاب در ایران از بین رفته است، مرده است، تمام شده -البته عده‌ای هم سعی می‌کنند که این اتفاق بیفتد- [اما] شهادت او نشان داد که انقلاب زنده است؛ دیدید چه خبر شد در تهران؟ دیدید چه خبر شد در شهرهای دیگر؟.. شهید سلیمانی چشمهای غبارگرفته را باز کرد با این شهادت. دشمنان در مقابل عظمت ملت ایران احساس خضوع کردند؛ ممکن است به رو نیاوردند اما چاره‌ای ندارند. آن دشمنی که سعی می‌کند این مجاهد عظیم‌القدر را و این سردار فرمانده مبارزه با تروریسم را به عنوان یک تروریست معرفی کند، آمریکایی‌های بی‌انصاف، آمریکایی‌های دروغ‌گو، آمریکایی‌های هجوگو که واقعاً ارزشی برای حرف‌هایشان نمی‌شود قائل شد، این‌ها سعی می‌کردند این جوری عمل کنند؛ ملت ایران زد توی دهن این‌ها.^۲

ملت ایران [در تشییع شهید حاج قاسم سلیمانی] عظمت خودش را نشان داد، اتحاد خودش را نشان داد، انگیزه و حضور خودش را نشان داد... ده‌ها میلیون انسان در شهرهای مختلف از یک شهیدی تشییع کنند؛ این عظمت ملت ایران را نشان داد، قدردانی ملت ایران را، بصیرت ملت ایران را نشان داد.^۳ این تشییعی که در ایران شد، تشییع عجیب و واقعاً فراموش‌نشده‌ای؛ و همچنین تشییع میلیونی‌ای که در عراق شد؛ در نجف، در بغداد ایشان تشییع شد، تشییع میلیونی عجیبی؛ ایشان و شهید ابومهدی مهندس با همدیگر تشییع شدند. در واقع این تشییع، و بعد بزرگداشت‌ها، ژنرال‌های جنگ نرم استکبار را متحیر کرد... البته آنچه در شهادت او اتفاق افتاد، اولین سیلی سختی بود که به آمریکا زده شد و تا آن زمان، مهم‌ترین سیلی به آمریکا همین حرکت مردمی عظیمی بود که انجام گرفت؛ بعد هم که خب برادرها یک سیلی‌ای زدند؛ لکن سیلی سخت‌تر عبارت است از غلبه نرم‌افزاری بر هیمنه پوچ

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

۲. دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۳. دیدار مردم آذربایجان شرقی. ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

استکبار؛ این سیلی سخت به آمریکا است که باید زده بشود. بایستی جوانان انقلابی ما و نخبگان مؤمن ما [با] همت، این هیمنه استکباری را بشکنند و این سیلی سخت را به آمریکا بزنند، این یک؛ یکی هم اخراج آمریکا از منطقه است که این همت ملت‌ها و سیاستهای مقاومت را می‌طلبد که بایستی این کار را انجام بدهند؛ این، سیلی سخت است^۱ در روزگاری که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی با انواع و اقسام ابزارها و وسایل، با پول، با سیاست، با سلاح علیه امت اسلامی دارند کار می‌کنند، خداوند متعال ناگهان حادثه راه‌پیمایی اربعین را این جور عظمت می‌دهد، این جور جلوه می‌دهد. این آیت عظمای الهی است، این نشانه اراده الهی بر نصرت امت اسلامی است، این نشان می‌دهد که اراده خدای متعال بر نصرت امت اسلامی تعلق گرفته است.^۲

۳. میدان مواسات و کمک مؤمنانه

ملت ما رفتارهای زیبا دارد. رفتار ملت ما در این قضیه سیل شمال و جنوب، یک رفتار بسیار زیبا بود. آن‌هایی که مطلعند که چه اتفاق افتاد -چه در منطقه گلستان، چه در منطقه خوزستان، چه در خرم‌آباد، چه در ایلام که اینها جاهای مهم سیل بود- حضور مردم را و فداکاری مردم را مطلع هستند، می‌دانند که چه شکوه و حماسه زیبایی مردم آفریدند.^۳ بحمدالله تلاش مردمی در این قضیه (سیل) تلاش خیلی خوبی بود. این، بار اول هم نیست؛ در همه حوادث طبیعی و بلایای طبیعی -که حوادثی [است] که ظاهر بلا دارد، اگر چه باطنش ممکن است نعمت و عطای الهی باشد- ملت ایران حقیقتاً جانانه وارد میدان می‌شوند؛ ما این بارها و بارها آزموده‌ایم. این روح همبستگی در میان مردم ما و حالت بسیج‌شوندگی برای خدمت به هم‌میهنان یک چیز استثنائی است؛ مشوق مسئولین دولت هم هست، کمک‌کار آنها هم هست. در این قضیه هم همین جور بود.^۴

تازه‌ترین نمونه این ظرفیتهای مهم ملی و مبتنی بر ایمان انقلابی و مذهبی، همین حضور به‌هنگام و فداکارانه ملت در موج اول بیماری کرونا است. این شوخی بود؟ مجموعه‌های درمانی، مبارزان صف مقدم بودند؛ پشت سر اینها آحاد عظیمی از مردم، جوان‌ها، در جاهای مختلف و

۱. دیدار دست اندر کاران مراسم سالگرد شهید سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی ۱۳۹۹/۹/۲۶

۲. دیدار جمعی از موبدداران عراقی ۱۳۹۸/۶/۲۷

۳. دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب ۱۳۹۸/۲/۳۰

۴. ۱۳۹۸/۰۱/۱۴

به شکل‌های گوناگون وارد میدان شدند و خدمت کردند و کار کردند و کار اینها آن روز مؤثر بود در کاهش آلام ملت ایران در مقابل این بیماری خطرناک. یا در نهضت کمک مؤمنانه؛ از مردم خواسته شد که وارد عرصه کمک به آحاد ضعیف جامعه بشوند. البته اگر ما هم نمی‌گفتیم، خود مردم وارد شده بودند؛ قبل از گفتن ما هم وارد شده بودند، بعد هم به شکل فراگیر در همه کشور، شما دیدید چه کارهای بزرگی انجام گرفت، چه خدمات باارزشی به خانواده‌های ضعیف شد که در آستانه ماه مبارک رمضان، این حرکت عمومی مردم انجام گرفت.^۱

ملت ایران در این آزمون [کرونا]، خوش درخشید؛ ملت ایران در آزمون کرونا، در این بیماری عمومی که در واقع باید گفت این وبای مدرن، خوب درخشیدند... اینها نشانه عمق فرهنگ اسلامی و رسوخ فرهنگ اسلامی در مردم ما است، در دل مردم ما است. بر خلاف خواسته و ادعای کسانی که بخصوص در این یکی دو دهه اخیر متأسفانه تلاش کردند که فرهنگ ایرانی تحقیر کنند، فرهنگ اسلامی - ایرانی را تحقیر کنند، برای اینکه مردم را متوجه فرهنگ غربی و سبک زندگی غربی بکنند، خوشبختانه این احساس تفکر اسلامی و فرهنگ اسلامی و زنجیره ارزشهای اسلامی در مردم بسیار احساس قوی و راسخی است.^۲

مفهوم «مواسات» یک مفهوم کلیدی است در مجموعه و منظومه‌ی ارزشی و معرفتی اسلام، که این مفهوم با یک قدری تبیین در جامعه، یک نهضت در همین ایام به وجود آورد: نهضت کمک مؤمنانه؛ و یک کار بزرگ انجام گرفت؛ یعنی مردم مواسات را از جایگاه یک مفهوم معتبر و مثلاً ارزشمند شرعی که همه قبول داشتند، آوردند به مرحله‌ی عمل، و شما دیدید در سرتاسر کشور چقدر کار انجام گرفت، چقدر ارزش خلق شد با کارهایی که جوانها کردند، مردم کردند، گروه‌ها کردند، دستگاه‌های دولتی کردند، دستگاه‌های نهادی انقلابی انجام دادند؛ یک حرکتی راه افتاد، یک نهضتی انجام گرفت، گره‌هایی را باز کرد، کارهایی را راه انداخت.^۳

۱. مراسم عید قربان ۱۳۹۹/۵/۱۰

۲. مراسم عید قربان ۱۳۹۹/۵/۱۰

۳. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

گفتار چهارم: عرصه اتحاد و همدلی

ملت ایران در خیلی از امور صدایشان صدای واحد است، خواستشان خواست واحد است.^۱

ملت ایران به فضل پروردگار، به حول و قوهی الهی، با روحیهی ایمان، با روحیهی اتحاد و انسجام و وحدتی که به برکت دین در خدمت و در اختیار آنها است، توانسته‌اند این راه را طی کنند؛ باز هم در آینده به توفیق الهی همین جور خواهد بود. توطئه‌ای که در کشورهای دیگر کردند، در اینجا این توطئه‌ها اثر ندارد. یا به عنوان اختلافات مذهبی مردم را به جان یکدیگر انداختند، یا به عنوان اختلافات قومی برادران را در مقابل هم قرار دادند، یا با عنوان اختلافات حزبی این کار را کردند؛ هیچکدام از این سلاحهای خطرناک و زهرآگین، در ایران اسلامی کاربرد ندارد؛ مذاهب گوناگون در کنار هم، اقوام گوناگون دست در دست هم، و گروهها و جریانات مختلف در اساسی‌ترین مسائل با وحدت نظر با یکدیگر، پیش میروند. و من توصیه‌ام به مسئولان کشور، به نخبگان سیاسی، به برگزیدگان و برجستگان دینی، به آنهایی که منطقه‌ی نفوذ کلمه‌ای در میان مردم دارند، این است: تا آنجا که میتوانند، بر روی این اتحاد و انسجام باارزش ملت ایران تکیه کنند؛ ایمان به خدا و اتحاد، دین و اتحاد کلمه؛ این دو چیز است که میتواند کشورها را، ملتها را روی پای خودشان نگه دارد؛ قدرت مقاومت به آنها بدهد؛ و ملت ایران بحمدالله از این دو برخوردار است.^۲

در کشور ما خوشبختانه ملت متحدند؛ این خیلی دستاورد مهمی است؛ از این باید صیانت کرد؛ نگذاریم از بین برود.^۳ کدام کشور مثل کشور ما ملتی منسجم و متحد دارد؟ اقوام کشور، مذاهب کشور، شهرهای کشور، مناطق گوناگون کشور، همه در یک جهت، در یک هدف، با یک عواطف، با یک احساسات، با یک امید دارند حرکت میکنند، زندگی میکنند.^۴

ملت ایران این حرکت عظیمی را که موجب حیرت بینندگان جهانی شد، به کمک سه عنصر اساسی انجام داد: یکی اتحاد؛ یکی، حضور و یکی آگاهی. ملت ایران با اتحاد خود، با حضور خود، با آگاهی خود این گام بلند را برداشت و تمدنی جدید، حرکتی جدید، جریانی نو

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

۲. دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۲/۰۵/۱۸

۳. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

۴. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۰۲/۲۵

در اندیشه‌ی سیاسی دنیا به وجود آورد... این کار بزرگ به برکت این سه عنصر بود: اتحاد ملی؛ دلها به هم نزدیک شد، حنجره‌ها یک فریاد را به گوش همه رساندند، مردم سراسر کشور از اقوام مختلف، با مذاهب مختلف، دنبال جمهوری اسلامی و برافراشته شدن پرچم اسلام با یکدیگر هم‌دست و هم‌پیمان و هم‌سخن شدند. این یکپارچگی در آغاز انقلاب توانست آن چنان فشاری بر دشمن وارد بیاورد که کمر رژیم طاغوت را بشکند. بعد از آن هم تا امروز در آزمونهای گوناگون، همین وحدت ملت ایران بوده است که سخن آخر را به گوش دشمنان رسانده است و دشمن را از اینکه بتواند در صفوف ملت ایران رخنه کند، مأیوس کرده است. این وحدت را باید حفظ کرد...^۱

پیش‌بینی‌ها از قبل از انقلاب این بود که چون در مجموعه ملت ایران، اقوام مختلف حضور دارند و زبانهای مختلف رایج است، پس، زمینه اختلاف زیاد است؛ اما خلافتش ثابت شد و همه دیدند که ملت ما یک ملت متحد و متفق است. شما ببینید در مراسم گوناگون و در صحنه‌هایی که جای ابراز عقیده نسبت به یک مسأله سیاسی است- مثل مراسم «روز قدس» که پریروز برگزار شد و شما ملاحظه کردید که چه غوغایی در سراسر ایران، چه در شرق و غرب و چه در مرکز بود- ملت یکپارچه ما چگونه وحدت خود را به نمایش می‌گذارند! اقوام مختلف، در هر جا که هستند- فارسشان، ترکشان، کردشان، عربشان، بلوچشان و ترکمنشان- همه یکسان حرکت می‌کنند، یک شعار می‌دهند و یک حرف را می‌زنند. این همه، نشانگر وحدتی عجیب و بزرگ است. نوبت انتخابات هم که می‌رسد، مردم همین‌طور شرکت می‌کنند. نوبت دفاع مقدس هم که می‌رسد... مردم همین‌گونه از همه جا شرکت می‌کنند؛ همه شهید می‌دهند؛ همه برای خدا وارد میدان می‌شوند و همه حول یک احساس و وظیفه مشترک، اقدام می‌کنند. حتی در دوران دفاع مقدس، در بین داوطلبان ما... هم‌میهنان غیر مسلمان هم شرکت داشتند. مسیحیانی بودند که داوطلبانه به میدان جنگ رفتند و جانشان را هم در این راه فدا کردند. این‌ها را دیدیم، شناختیم و می‌شناسیم. یعنی وحدت عجیبی در میان ملت ما وجود دارد؛ با اینکه دشمن هم برای از بین بردن آن خیلی کار کرده است.^۲

بعضی از بخشهای کشور ما قومیت‌های مشخصی زندگی می‌کنند... گاهی اوقات حرکات اینها به نفع انقلاب و به نفع نظام جمهوری اسلامی، برجسته‌تر از جاهای دیگر است؛ این را هم دیده‌ایم.^۳

۱. دیدار مردم بیجار ۱۳۸۸/۰۲/۲۸

۲. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

۳. دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج ۱۳۹۴/۵/۳۱

امروز بحمدالله ملت ایران این بصیرت، این آگاهی، این معرفت والا را یافته است که بداند مصلحت آینده کشورش بستگی دارد به اتحاد اسلامی، با ملتهای مسلمان و با کشورهای دیگر. البته تلاش می کنند کسانی، کوشش می کنند، سعی می کنند، اختلال ایجاد کنند، بدبینی ایجاد کنند، وسوسه بکنند لکن ملت بحمدالله این را ملت ما امروز فهمیده است. این فریاد امام بزرگوار ما - از قبل از پیروزی انقلاب، بعد هم از آغاز تشکیل نظام اسلامی به مسئله وحدت - کار خود را کرد، مردم ما آگاه شدند؛ این وظیفه همه است.^۱

در مسائل سیاسی، در مسائل فکری، در مسائل عقیدتی اختلاف زیاد است اما مردم با وجود این اختلافات، وحدت خودشان را حفظ کردند.^۲ بحمدالله ملت، ملت با اتحادی است؛ ملت هوشیاری است. ملت ایران واقعاً هوشیارند. یک جاهائی ما دیده ایم و تجربه کرده ایم که از احساسات خودشان صرف نظر کرده اند، تحریکات دشمن را بی اثر گذاشته اند؛ برای خاطر حفظ اتحاد.^۳ ملت ما یک ملت متحد و متفق است. شما ببینید در مراسم گوناگون و در صحنه هایی که جای ابراز عقیده نسبت به یک مسأله سیاسی است... ملت یکپارچه ما چگونه وحدت خود را به نمایش می گذارند!.. این همه، نشانگر وحدتی عجیب و بزرگ است... وحدت عجیبی در میان ملت ما وجود دارد؛ باینکه دشمن هم برای از بین بردن آن خیلی کار کرده است.^۴ این وحدتی که خوشبختانه در زیر تابوت پیکر مطهر شهید سلیمانی و شهدای همراه ایشان در بین مردم دیده شد باید محفوظ بشود، محفوظ بماند.^۵

۱. دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

۲. دیدار مردم بیجار ۱۳۸۸/۰۲/۲۸

۳. ۱۳۸۷/۰۲/۰۴

۴. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

۵. دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

گفتار پنجم: عرصه ایثار و شهادت

یک کشور، یک نظام، یک تمدن، بدون فداکاری و قربانی دادن و خون دادن که به جایی نمی‌رسد.^۱ اگر این شهادتها نبود، اگر این فداکاری‌ها نبود، این نظام باقی نمی‌ماند؛ این نهال، مورد تهاجم طوفانهای سخت بود. علت اینکه این نظام باقی ماند و این نهال از بین نرفت و بحمدالله به این درخت تناور تبدیل شد، فداکاری‌ها و ایثارگری‌ها و شهادت‌طلبی‌ها و وارد میدان شدن‌ها بود؛ این را باید نگه داشت.^۲

آنچه که ملتها را، هم در تاریخ و هم در دوران خودشان، در میان ملت‌های عالم سربلند می‌کند، مجاهدت است، تلاش است. این تلاش، البته شکلهای گوناگونی دارد؛ هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به معنای تعاون اجتماعی میان افراد، همه لازم است؛ اما در رأس همه این تلاشها، آمادگی برای جان‌فشانی است که یک ملت را در میان ملت‌ها سرفراز می‌کند. اگر در میان هر ملتی کسانی وجود نداشته باشند که آماده باشند از جان خود، از راحت خود، در راه رسیدن به آرمانها صرف‌نظر کنند، آن ملت به جایی نخواهد رسید. کاری که انقلاب برای ما مردم ایران انجام داد، این بود که این راه را در مقابل ما روشن کرد؛ آحاد ملت ما فهمیدند و احساس کردند که باید در راه آرمانهای بلند، مجاهدت کنند و در مقابل دشمنان این آرمانها بایستند؛ و ایستادند.^۳

این مجموعه ایثارها، امروز کشور ما را به این‌جا رسانده است. مگر تصوّر می‌شد که کوچک و بزرگ ملتی تنها، بدون هیچ پشتوانه جهانی و بدون هیچ کمک قابل ذکر از سوی هیچ گوشه‌ای از قدرتهای عالم، بتواند این‌گونه در میدان جهاد مقدّس و دفاع از خود و سازندگی و استقلال و مبارزه با همه نوع فشارهای دشمنان قلدر ایستادگی کند و روزبه‌روز دشمنان را متعجّبتر نماید؟ مگر ممکن بود که بدون این گذشته‌ها و این ایثارها و این فداکاریها، ما به این‌جا برسیم؟ هر کدام از شما که این‌جا هستید؛ چه آزادگان عزیز، چه آنهایی که هنوز در بندند، چه خانواده‌هایتان، چه فرزندان‌تان، چه پدران و مادران‌تان، چه همسران‌تان، چه خانواده‌های شهدا، چه خانواده‌های جانبازان، چه فرزندان شهدا، و همه کسانی که به نحوی رنجها را بر جسم و جان خودشان تحمّل کردند، ایثارگران و پشتیبانی‌کنندگان، هر کدام به سهم خودشان در وجود آمدن این ذخیره عظیم و تمام نشدنی و بی‌نظیر ملت ایران سهیم هستند. هر کدام

۱. دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۸۸/۴/۷

۲. ۱۳۹۵/۰۹/۱۵. ۲

۳. یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۱/۶

از شما اگر این فداکاری ای را که کردید، نمی کردید؛ این صبری را که کردید، نمی کردید؛ این مجموعه ای که امروز در اختیار ملت ایران است، به وجود نمی آمد و این موفقیتها هم عاید انجام نمی شد. این، درس قرآن است.

در تاریخ عالم، عمر ملتها یک ساعت است. به نظر ما طولانی می آید؛ اما وقتی که به گذر جریان تاریخ نگاه می کنید، هر کدام از این ملتها ساعتی هستند و می آیند و می روند. این ساعت را طولانی کردن، خوب کردن و با افتخار به وجود آوردن، به دست آحاد ملتهاست. قرآن، این را به ما درس داده است. تجربه آن هم سخت است؛ لذا ملتها غالباً تجربه نمی کنند و توسریش را می خورند و سختیهایش را هم تحمل می کنند. اما ملت ما این تجربه را انجام داد. این را قدر بدانید؛ خیلی عظیم است.^۱

در همین شهر کرمانشاه برای من نقل کردند که جعفرآباد بمباران شده بود، یک خانواده ای زیر آوار مانده بودند. بچه های فرمانداری رفتند کمک کردند، اینها را از زیر آوار بیرون آوردند. پیرمرد پدر این خانواده بعد برای تشکر به فرمانداری آمده بود. تشکر می کرد که به من کمک کردید. مسئولین فرمانداری به او گفتند شما فهرست خسارتهاتان را بدهید که ما به شما کمک کنیم و جبران خسارتهاتان بشود. در این نقل، این پیرمرد گفت: حیف است از تو همشهری! مگر من برای جیفه دنیا اینجا آمده ام؟ ببینید، او کرمانشاهی است ها! این تعبیر، همان تعبیر برگذشت و پر اغماضی است که یک انسان والا انجام می دهد. از این نمونه ها در این شهر شما و استان شما فراوان است. در همه مناطق عملیاتی غرب و جنوب غربی و شمال غربی، از این نمونه ها می شود پیدا کرد. اینها چیزهایی است که در ملت های دیگر پیدا نمی شود. یک نمونه های برجسته اینچنین را، آن هم با این فراوانی، نمی شود پیدا کرد.^۲

[یک نگاه،] نگاه به کشور است، نگاه به جامعه اسلامی است، نگاه به جمهوری اسلامی است. در این نگاه، جمهوری اسلامی بدون تردید مدیون شهدا و خانواده های آنها است. اگر شهیدان شما، این جوانهای شما نبودند و نمی رفتند و فداکاری و جانبازی نمی کردند -چه اینها، چه آنهایی که در دوره دفاع مقدس رفتند، چه آنهایی که گاهی در خیابانها شهید می شوند- وضع کشور این گونه که شما می بینید نبود. ناامنی و تسلط دشمن و نابسامانی آنچنان کشور را می انباشت که هیچ کس از عهده علاج آن بر نمی آمد. آن کسی که نگذاشته است کشور به آن وضعیّت دچار بشود، همین جوانهای شما هستند؛ همین کسانی هستند

۱. دیدار جمعی از اینارگران و خانواده های شهدا ۱۳۷۶/۵/۲۹

۲. اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰

که جانیشان را کف دستشان می‌گیرند و به میدان جنگ می‌روند. حالا گاهی میدان جنگ، منطقه غرب کشور و خوزستان و کردستان و اینها است که با حکومت بعثی صدام می‌جنگند؛ گاهی هم چه در عراق، چه در سوریه با داعش می‌جنگند؛ گاهی هم با ضدانقلاب می‌جنگند؛ بالاخره جانیشان را کف دستشان می‌گیرند، آنجایی که احساس می‌کنند وجود آنها مورد نیاز است، حضور پیدا می‌کنند؛ این خیلی باعظمت است، خیلی مهم است.^۱

همه حاضر نیستند فداکاری کنند؛ آن کسانی که فداکاری می‌کنند برجستگان امتند؛ از اول هم همین جور بوده است. بعضی‌ها به اسلام، به خدا، به پیغمبر عقیده دارند اما حاضر نیستند در دسر و مشکل قبول کنند؛ این‌ها با کسانی که در راه خدا مجاهدتهای بزرگ و سنگین را تحمل می‌کنند یکسان نیستند.^۲

ملت ایران به شهیدان خود افتخار می‌کند. ما به ارادت و اخلاص به خانواده‌های شهیدان افتخار می‌کنیم و معتقدیم شهدا در خط مقدم حرکت کردند؛ پشت سر آنها بلافاصله پدران و مادران و همسرانند؛ ایستادگی کردند، ایثار کردند. امروز به برکت این ایثار، حرکت عظیم انقلابی ملت ما برقرار است و ان‌شاءالله روزبه‌روز مستحکمتر و باثبات‌تر خواهد بود.^۳

بارها من این را گفته‌ام؛ در زیارت خانواده‌های شهدا، اغلب اوقات مادران شهید را شجاع‌تر و مقاوم‌تر از پدران شهید یافتیم. مگر محبت مادر را می‌شود با محبت پدر مقایسه کرد؟ روح لطیف زنانه، آن هم نسبت به جگرگوشه، این را پرورش بدهد، بزرگ کند مثل دسته گل، بعد راضی بشود که او برود میدان جنگ و به شهادت برسد؛ بعد برای اینکه جمهوری اسلامی دشمن شاد نشود، بر جنازه او گریه هم نکند! که بنده مکرر به این خانواده‌های شهدا گفتم گریه کنید؛ چرا گریه نمی‌کنید؟ گریه ایرادی ندارد. گریه نمی‌کردند، می‌گفتند می‌ترسیم جمهوری اسلامی دشمن شاد شود. «زن مگو، مرد آفرین روزگار». زنهای ما اینها هستند؛ امتحان خوبی دادند.^۴

ما در دوران مبارزه با طاغوت در ایران و همچنین بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، برجستگی نقش زنان را به طور واضح و ملموس مشاهده کردیم و دیدیم. اگر در جنگی که هشت سال بر ما تحمیل شد، زنان ما، بانوان کشور ما در میدان جنگ، در عرصه عظیم ملی حضور نمی‌داشتند، ما در این آزمایش دشوار و پر محنت پیروز نمی‌شدیم. زن‌ها، ما را پیروز کردند، مادران شهدا، همسران شهدا، همسران جانبازان، همسران اسرا و آزادگان ما؛ مادران اینها با

۱. گزیده‌ای از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم

۲. گزیده‌ای از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم

۳. ۱۳۹۱/۷/۲۲

۴. ۱۳۹۱/۲/۲۳

صبر خود یک فضایی را در یک منطقه محدودی به وجود آوردند، که آن فضا جوانها را، مردان را، به حضور مصممانه تشویق می‌کرد؛ و این در سراسر کشور گسترده شد و گسترده بود. نتیجه این شد که فضای کشور ما یکسره فضای مجاهدت شد، فضای فداکاری و گذشت شد؛ گذشت از جان. و پیروز شدیم. امروز در دنیای اسلام هم همین است؛ در تونس، در مصر، در لیبی، در بحرین، در یمن، در هر نقطه دیگر. اگر زنها در صفوف مقدم حضور خودشان را تقویت کنند و ادامه بدهند، پیروزی‌ها یکی پس از دیگری نصیب آنها خواهد شد. در این هیچ تردیدی نیست.^۱

نکته دوم، راجع به این جوانهای عزیزی است که در راه امنیت کشور جانشان فدا شد. خب، ظاهر قضیه این است که بیست سی نفر جوان به شهادت رسیدند. ما که خیلی شهید داده‌ایم اما این نکته قابل تأمل است و ما را باید آگاه کند، هشیار کند که امنیت به چه قیمتی به دست می‌آید. ببینید! این‌هایی که از امنیت موجود کشور در کارشان، کاسبی‌شان، هنرشان، ورزششان، درس خواندنشان، در همه کارشان استفاده می‌کنند، آن وقت بعضی از همین استفاده کننده‌ها که نمک خوردند، نمکدان را می‌شکنند! این امنیتی که ما در آن زندگی می‌کنیم، به این قیمت به دست می‌آید؛ به قیمت خون جوانان ما و بهترین جوانهای ما. درود خدا بر این جوانهای اصفهانی؛ درود ملائکه الهی بر آنها؛ درود خدا بر مردم شهیدپرور اصفهان که پرپر روز آن تشییع جنازه عجیب را برای این جوانها به راه انداختند. مردم اصفهان هم جزو پیشگامان این نهضت و این حرکتند. این خیلی کار مهمی است.

ما یادمان نرود که امنیت چه جوری حفظ می‌شود؛ امنیت مرزهای ما، امنیت داخل کشور، امنیت جاده‌ها، امنیت شهرها، امنیت عجیب این‌همه جمعیت در روز بیست و دوم بهمن. با این جمعیت عظیم در بیست و دوم بهمن، این مراسمها با امنیت به پایان برسد، چیز کوچکی است؟ این چیز کمی است؟ چه کسانی هستند اینهایی که امنیت را حفظ می‌کنند برای ما؟ قدرشان را میدانیم؟ آن‌ها را می‌شناسیم؟ درود خدا بر سپاه پاسداران و بقیه عناصر حافظ امنیت؛ بر نیروی انتظامی، بر ارتش و دیگران که این جور فداکاری می‌کنند و جانبازی می‌کنند. این انقلاب، این عزت ملی، این امنیت، با این جان‌فشانی‌ها به دست آمده.^۲

۱. ۱۳۹۱/۴/۲۱

۲. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۷/۱۱/۲۹





فصل سوم

دستاوردهای عظمت ملت ایران

این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله ملت ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود... محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملّتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزّت، متدیّن، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فنّاوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است.^۱

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مدخل

پیشرفت جزو ذات حرکت ملت ایران شده است.^۱ ما همیشه می‌گوییم، بارها گفتیم که ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به‌طور کامل تحقق ببخشیم، این قطعی است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به‌طور کامل در این کشور به‌وجود بیاوریم اما خیلی از راه را جلو آمدیم. نباید اینها ندیده گرفته بشود. یک‌روزی همه ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی [می‌شد] و احیاناً سرریز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصی نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند. این حرکت عظیم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی، حرکت به سمت اخلاق اسلامی [وجود دارد]. حالا می‌شنویم گاهی اوقات راجع به اخلاق حرف زده می‌شود، انتقاد می‌کنند؛ بله؛ با آن اخلاق اسلامی مطلوب، امروز ما فاصله داریم، در این شکی نیست؛ اما ما خیلی پیش رفتیم، راه زیادی را ملت ایران طی کردند، این‌ها را ندیده نگیرند. پیشرفتهای علمی را بعضی‌ها نابخردانه انکار می‌کنند؛ چرا انکار می‌کنید؟ این ملت پیشرفت علمی کرده است، اینکه ادّعی ما نیست، این را دشمنان ما، پایگاه‌های علمی بین‌المللی دارند شهادت می‌دهند؛ آن‌وقت یک عده‌ای بیایند انکار کنند، ملت را تحقیر کنند؛ این‌ها خطا است، ندیدن آن حرکت عظیم و پیشرفت بزرگی که نظام مقدّس اسلامی برای این کشور پیش آورده است، بی‌انصافی است، خطا است. بله، البته راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما به آرمانهایمان هنوز نرسیده‌ایم؛ آرمانهای اسلامی خیلی بالاتر از این حرفها است. در صدر اسلام هم همین حرکت وجود داشت؛ آنجا هم میانه‌راه بودند. شما خیال نکنید در صدر اسلام، در زمان پیامبر مکرم و خلفای آن حضرت، مردم به نهایت آرمانها رسیدند؛ نه، مهم این است که یک کشور حرکت بکند؛ ملت ما در حال حرکت است. این حرکت را با حرفهای نسنجیده، با اظهارات ناپخته و غلط خراب نکنند. کاری نکنند که در ملت از این حرکت عظیمی که شروع کرده است و با امید دارد پیش می‌رود، تردید ایجاد کند.^۲

ملت ایران اثبات کرده که بدون تکیه به آمریکا، هم می‌شود پیشرفت علمی پیدا کرد، هم می‌شود پیشرفت اجتماعی پیدا کرد، هم می‌شود نفوذ بین‌المللی پیدا کرد، هم می‌شود عزت سیاسی در دنیای بشریت پیدا کرد. این را جمهوری اسلامی اثبات کرده و آنها از این ناراحتند؛

۱. دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۲/۵/۱۸

۲. دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

[اینکه] یک ملت و یک کشور و یک نظام با استغنائی از زورگویان و باج‌بگیران و سرگردنه‌بگیران بین‌المللی، با بی‌اعتنایی به آنها، حتی با مخالفت و دشمنی آنها بتواند خود را از مشکلات بیرون بکشد، عرض اندام بکند و حضور خود و نفوذ خود را علی‌رغم آنها و به‌کوری چشم آنها، بر آنها تحمیل بکند است که آنها را عصبانی کرده است. عصبانی شده‌اند؛ عصبانی بشوند و به‌تعبیر شهید عزیزمان مرحوم شهید بهشتی، از عصبانیت بمیرند.^۱

انقلاب و کشور در حال پیشرفت است؛ این چیزی است که بنده به‌عنوان رجزخوانی نمی‌گویم؛ من این را از روی اطلاع عرض می‌کنم که کشور در حال پیشرفت است، انقلاب و مبانی انقلابی در حال پیشرفت است. بله، حرف ضدانقلابی از دهان خارج می‌شود، مطالبی گفته می‌شود اما آنچه در واقع قضیه وجود دارد عبارت است از اینکه کشور دارد به سمت مفاهیم انقلابی و آرمان‌های انقلابی و حقایق انقلابی حرکت می‌کند؛ حالا این حرکت ممکن است به آن سرعت و شتابی که موردنیاز است نباشد، اما هست، این حرکت وجود دارد. کشور در حال پیشرفت است؛ ما در زمینه‌های گوناگون پیشرفت داریم: در زمینه علمی پیشرفت داریم، در زمینه صنعتی پیشرفت داریم، در زمینه عزت سیاسی پیشرفت داریم، در زمینه رشد فکری پیشرفت داریم، در زمینه‌های معنوی پیشرفت داریم.^۲

ما از نقطه «هیچ» شروع نکردیم، بلکه از «هیچ همراه با نومی» شروع کردیم! انقلاب اسلامی از اینجا وارد میدان شد و بحمد الله امروز پیشرفت کرده است.^۳ ما از صفر شروع کردیم، راهی را که دیگران در طول ۱۰۰ سال، ۱۵۰ سال یا بیشتر رفتند، بنده مدعی نیستم که ما در طول ۴۰ سال توانستیم برویم اما مدعی‌ام که در طول این چهل سال مرتباً جلو رفتیم، مرتباً پیشرفت کردیم، مرتباً قوی شدیم؛ حرکت چهل‌ساله جمهوری اسلامی، این را بروشنی اثبات می‌کند. ما یک حرکت جدی استقلال صنعتی و استقلال سیاسی را در کشورمان شاهدیم.^۴

انقلاب و نظام اسلامی در این حدود ۳۸ سال کار بزرگی انجام داده است. من یک فهرستی در اختیار دارم از رؤس برنامه‌های انقلاب در طول این سال‌های ۳۸ گانه که چه تلاشی برای کشور انجام گرفته است؛ در صد سال هم این‌جور تلاشی به وسیله دولتهای توانا و فعال انجام نمی‌گیرد. نسبت به ماقبل انقلاب مقایسه می‌کنیم؛ در زمینه‌های زیربنایی - که این مسائل زیربنایی برای آینده کشور و پیشرفت کشور بسیار مهم است - در یک مواردی پیشرفت کشور

۱. دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۳/۲/۳۱

۲. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۷/۶/۱۵

۳. دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۲/۰۸/۱۱

۴. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۸/۱۲

در دوران انقلاب هزار درصد است، یعنی ده برابر؛ در بعضی از موارد دوهزار درصد تا شش هزار درصد، یعنی شصت برابر. تعداد دانشجوی، پیشرفت علمی، کارهای زیربنایی، مسائل فراوان عظیم فرهنگی، آبرو و عزّت ملی را مقایسه می‌کنیم با قبل از انقلاب، با دوران طاغوت، با دوران تسلّط آمریکا، با دوران محلّ استراحت بودن تهران برای عناصر صهیونیست... کشور پیشرفت کرده است، حرکت کرده است، جهش پیدا کرده. آن روز کشور به‌وسیله یک دولت توسری‌خور اداره می‌شد. حکومت طاغوت یک حکومت توسری‌خور بود؛ توسری‌خور آمریکا، توسری‌خور انگلیس، توسری‌خور دولتهای بزرگ؛ ملت را ذلیل کرده بودند، خوار کرده بودند، ظرفیتهای کشور را بکلی تعطیل کرده بودند، بعضی را هم به دشمن سپرده بودند؛ انقلاب آمد بسیاری از این ظرفیتهای را فعال کرد؛ امروز کشور عزیز است. امروز در سطح منطقه تقریباً در همه مسائل منطقه تا ایران نخواهد، تا ایران حضور نداشته باشد و اراده نکند کاری پیش نمی‌رود. ملت ایران نشان داده است ملت مقاومی است؛ همه اینها را دشمنان ما در تحلیل‌های خودشان میگویند؛ میگویند با ملت ایران نمی‌شود مواجهه و مقابله کرد؛ ملت مقاومی است، ایستادگی می‌کند، در مقابل دشمن تسلیم نمی‌شود؛ این عزّت است. این عزّت را مقایسه می‌کنند با دوران ذلّتی که آنها بر این ملت، بر این کشور تحمیل [کردند].^۱

ما در علوم پیشرفت داریم، در فناوری پیشرفت داریم، در مسائل گوناگون اجتماعی پیشرفت داریم، در مسائل گوناگون بین‌المللی پیشرفت داریم؛ تجربیات گوناگون، پی‌درپی برای جمهوری اسلامی یک ذخیره ارزشمند دارد به‌وجود می‌آورد. ما داریم جلو می‌رویم و پیشرفت می‌کنیم، علی‌رغم دشمن، به کوری چشم دشمن؛ آنها هستند که نتوانستند. آنها می‌خواستند این ریشه را قلع و قمع کنند، آنها حاضر نبودند نظام جمهوری اسلامی را تحمّل کنند [اما] امروز مجبورند نظام جمهوری اسلامی را تحمّل کنند. در مسائل گوناگون هم با طرق مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی - انواع و اقسام ترفندها - هر ضربه‌ای که بتوانند وارد می‌کنند لکن بی نتیجه است؛ جمهوری اسلامی، با قدرت در حال پیشرفت کردن است.^۲

۱. ۱۳۹۵/۱۱/۲۷.

۲. دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ۱۳۹۳/۱۱/۱۹.

۱. نهادینه شدن باور همگانی به خدا و مردم

سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت می‌داد، شجاعت می‌داد و استقامت می‌داد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه حرکت‌های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد... این سه باور، امام را زنده نگه داشت؛ جوان نگه داشت؛ فکر امام و راه امام و طریقه امام را برای این ملت، ماندگار و ثابت کرد؛ آن وقت همین سه باور بتدریج در مردم ما، در جوانان ما، در قشرهای گوناگون، همگانی شد؛ امید پیدا شد، اعتماد به نفس پیدا شد، توکل به خدا پیدا شد؛ این‌ها جای یأس را گرفت، جای تاریک‌نمائی را گرفت، جای بدبینی را گرفت؛ مردم ایران روحيات خودشان را تغییر دادند، خدای متعال هم وضع آنها را تغییر داد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَ حَتَّىٰ يَغَيِّرَ مَا بِنَفْسِهِمْ»؛ ملت ایران راه خود را، حرکت خود را، انگیزه‌های خود را اصلاح کردند، خدای متعال هم به آنها کمک کرد، به آنها نصرت داد و پشتیبانی کرد.^۱ این توکل خود را، امام مثل خونی در شریان ملت جاری کرد؛ ملت هم اهل توکل به خدای متعال شد، به نصرت الهی معتقد شد، و در این راه وارد شد.^۲

ملاحظه می‌کنید کشور شما، جامعه شما، زیر فشارهای گوناگون تاب‌آوری حیرت‌انگیزی دارد، ما حرف‌های این‌ها را می‌خوانیم، می‌بینیم، می‌شنویم. تاب‌آوری ملت ایران برای ناظران جهانی حیرت‌انگیز است؛ تعجب می‌کنند. این فشاری که غول وحشی آمریکایی وارد می‌کند، ملت‌ها [ی دیگر] طاقت یک‌پنجم این و یک‌چهارم این را هم ندارند، اما ملت ایران محکم ایستاده؛ این بیست و دوّم بهمنش و قبل از آن [هم] تشییع جنازه سردار آسمانی‌اش؛ اصلاً همه را متحیر می‌کند که این چه ملت مقاومی است. این به برکت همین معارف اهل بیت است، به برکت همین مجالس و محافل است، به برکت نام و یاد حسین بن علی و به برکت نام و یاد فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است.^۳

یکی از خصوصیات که در انقلاب ما بارز است، مطرح شدن مکرر مضاعف نام مبارک حضرت زهرا (سلام الله علیها) و نام مبارک حضرت بقیة الله مهدی صاحب‌زمان (صلوات الله علیه) است.

۱. مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۲/۰۳/۱۴

۲. مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۴/۳/۱۴

۳. دیدار مداحان اهل بیت علیه‌السلام ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

این دو نام مبارک، در تمام دوران انقلاب، به مناسبت‌های مختلف، بیش از سایر معارف الهی و معارف اسلامی و معارف شیعی تکرار شده است؛ این یک پدیده است. در دوران پیش از انقلاب، نه در محافل مذهبی، نه در محیط عمومی، نه در زبان شعرا و گویندگان و خواص و عوام و دیگران، اینقدر نام مبارک زهرا (سلام الله علیها) تکرار نمی‌شد. متدینین بودند، مجالس بود، محافل بود، گویندگان بودند، اسم مبارک هم برده می‌شد، اما نه اینجور، با این وسعت و با این عمق نگاه. هیچ کس هم این را به مردم یاد نداد. یعنی ما در شعارهامان، در حرفهامان، این قضیه را مطرح نکردیم. این یک پدیده الهی است، یک امر برخاسته و روئیده از دلها و عواطف و ایمانهاست. هیچ کس - نه امام بزرگوار، نه بزرگان انقلاب - در دوران دفاع مقدس به رزمندگان نگفت که رمز «یا زهرا» برای حملاتتان بگذارید، یا سربند «یا زهرا» ببندید؛ اما هرچه که شما نگاه می‌کنید، در طول دوران دفاع مقدس، اسم مبارک حضرت زهرا از همه نامهای مطهر و مبارک دیگر بیشتر مطرح است، بیشتر آورده می‌شود؛ همچنین نام مبارک حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه). این دو نام در انقلاب، به طور طبیعی، بدون دستور، بدون یک مطالعه قبلی، همین طور از دلها و از ایمانها و از عواطف روئیده است؛ این نشانه مبارکی است؛ نشانه توجه آن بانوی دو عالم، آن عنصر ملکوتی الهی بی نظیر در عرصه وجود از لحاظ نورانیت - بعد از پدر بزرگوار و امیرالمؤمنین (علیه السلام) - است. بعضی از اهل معنا هم این توجه ویژه را می‌گفتند. ما شنیدیم از بعضیها که می‌گفتند بانوی دو عالم توجه ویژه‌ای دارند. این خیلی باارزش است، این امیدبخش است؛ ما را در دلها مان، در اعماق جانمان، به دست یافتن به اهداف نهائی، مطمئن و خاطر جمع می‌کند؛ گام‌ها محکم و استوار برداشته می‌شود. وقتی انسان چشمش به هدف است، هدف را می‌شناسد، رسیدن به هدف برای او یک آرزوی خام به حساب نمی‌آید، امیدوار است، هم قدمها را محکم برمیدارد، هم راه را گم نمی‌کند و چپ و راست نمی‌شود. ملائكة الله به ما، هم در دفاع هشت‌ساله مان کمک کردند؛ ما این کمک را به چشم خودمان دیدیم. حالا یک آدم غرق در مادیات باور نمی‌کند، خب نکند؛ ما این کمک را دیدیم. امروز هم ملائكة الله دارند به ما کمک می‌کنند؛ امروز هم به کمک الهی است که ما ایستادیم. ما نیروی نظامیمان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ نیروی اقتصادیمان، امکانات مالی مان، امکانات تبلیغاتی مان، گستره فعالیت سیاسی مان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ اما در عین حال ما قوی تر از آمریکائیم. باینکه او پول دارتر است، او مسلح تر است، او امکانات تبلیغاتی اش بیشتر است، او امکانات مالی و سیاسی اش بیشتر است؛ اما در عین حال او ضعیف تر است

و ما قوی‌تریم. دلیل قوی‌تر بودن ما این است که در همه این میدانهای که ما و امریکا باهم مواجهیم، او قدم به قدم عقب‌نشینی می‌کند؛ ما عقب‌نشینی نمی‌کنیم؛ ما جلو می‌رویم. این، نشانه؛ این به برکت اسلام است؛ این به برکت کمک الهی و کمک ملائکه الله است. ما به این‌ها اعتقاد داریم، این‌ها را باور داریم، این‌ها را به چشم خودمان داریم می‌بینیم.^۱

بحمدالله نظام جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز در مواجهه با دشمنان به این وعده الهی مستظهر بوده است، اعتماد کرده است؛ به قول الهی و وعده الهی ما اعتماد کردیم، حسن ظن نشان دادیم؛ مثل بی‌ایمانان و کفار، سوء ظن به وعده الهی نشان ندادیم؛ لذا پیروز شدیم. در انقلاب پیروز شدیم، در دفاع مقدس پیروز شدیم، در مبارزات گوناگون اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و بین‌المللی بحمدالله تا امروز پیروز شدیم، بعد از این هم همین خواهد بود؛ این راه ملت ایران است.^۲

ما حسن ظن به خدا داریم، و خدای متعال با ما طبق حسن‌ظنمان عمل کرده است. در طول این سالها، خدای متعال طبق همان حسن‌ظنی که به او داشتیم، با ما عمل کرده. ما مشکلات فراوانی داشتیم. از همه این مشکلات پیروز بیرون آمدیم... هشت سال بر ما جنگ تحمیل کردند. ما را در مقابل دشمن عنود بد بسیار خبیثی مثل صدام حسین قرار دادند و با همه نیروها هم از او دفاع و حمایت کردند. ما الحمدلله توانستیم بر این حادثه فائق بیائیم.^۳ امروز ملت ایران به خودش اطمینان دارد؛ جوانهای ما با اطمینان به نفس کار می‌کنند؛ دستگاه‌های دانشگاهی ما، مجموعه‌های دانشگاهی ما مملو و سرشار است از فکر و ابتکار که امروز در زمینه علم دارد انجام می‌گیرد؛ در زمینه ساخت‌وساز هم همین جور است؛ در زمینه‌های گوناگون هم همین جور است؛ عقلانیت حرف اول را در کشور دارد میزند، منتها با توکل به خدای متعال، با اعتماد به خدای متعال.^۴

میدانید ملت ایران از مغاک چه ذلتی - که بر اثر تحمیل سلطه پادشاهان ستمگر در طول چند قرن بر او وارد آمده بود - به اوج عزت امروز رسید؟ امروز ملت ایران، هم عزیز است، هم مقتدر است، هم پیشگام و پیشرو است، هم به آینده خود امیدوار و مطمئن است و افق آینده به او لبخند میزند. در درون خود نیز افراد ما، جوانهای ما، پیران ما، قشرهای مختلف ما، احساس هویت می‌کنند؛ می‌دانند دنبال چه هستند؛ تلاش آنها با معنی است. این‌ها

۱. دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۸

۲. دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۳/۳/۶

۳. دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۹/۱۲/۱

۴. دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۵/۱۱/۱۹

همه باارزش است.^۱

مهم این است که جوانان ما معتقدند که می‌توانند به این هدف‌ها برسند؛ می‌توانند عدالت اجتماعی را به‌طور کامل تأمین کنند؛ می‌توانند پیشرفت و ثروت را به این کشور بیاورند؛ می‌توانند ما را به یک کشور پیشرفته و دارای قدرت متناسب با هویت تاریخی خودمان تبدیل کنند؛ این امید، امروز در کشور ما موج میزند و جوان‌های ما در این جهت در حرکت‌اند. ما از حال تخیل‌شده بیرون آمدیم، از حال خواب‌آلودگی بیرون آمدیم، این کار را نهضت امام بزرگوار ما و این مرد بزرگ انجام داده است.^۲

۲. توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت

اولین نقطه مثبت و نقطه قوت نظام این است که نظام ثابت کرده است که توانائی غلبه بر تهدیدها را دارد؛ این خیلی چیز مهمی است. ما در طول این سی‌و‌دو سال تهدیدهای فراوانی داشتیم- تهدید سیاسی، تهدید امنیتی، تهدید نظامی، تهدید اقتصادی- لازمه این تهدیدها این بوده است که نظام ضربه بخورد. البته آنها می‌خواستند نظام را ساقط کنند- حالا این، دور از دسترسشان بود- لاقلاً نظام را عقب نگه‌دارند، کشور را عقب نگه‌دارند. نظام بر همه این تهدیدها غلبه پیدا کرده است؛ یک نمونه‌اش جنگ تحمیلی بود، یک نمونه‌اش حرکات آمریکائی‌ها بود، یک نمونه‌اش تحریم‌های گوناگون بود. بعضی از اینها مستقیماً از طرف بیگانگان بود؛ مثل تحریم‌ها... تهدیدهایی هم بود که زمینه‌های داخلی داشت؛ اگرچه دشمن هم می‌توانست از آنها استفاده کند؛ مثل مسئله قومیت‌ها در کشور. نظام بر همه اینها غلبه کرد... در نظر بگیریم. نظامی تنها، بدون پشتیبان بین‌المللی، با دشمنی قدرتمندترین قدرتمندان مادی جهانی، در طول سی‌و‌دو سال با تهدیدهای متوالی و پی‌درپی مواجه بوده، اما بر همه این تهدیدها فائق آمده؛ این خیلی نقطه مهمی است. به نظر من نقطه قوت درجه اول نظام این است.^۳

بزرگ‌ترین دلیل برای اقتدار ملت ایران و قوت و قدرت ملت ایران، این است که چهل سال است که یکی از سفاک‌ترین و بی‌رحم‌ترین و رذل‌ترین قدرتهای دنیا یعنی آمریکا در مقابل ملت ایران مشغول کارشکنی و شرارت است و نتوانسته است به این ملت زیانی وارد کند و

۱. دانشگاه امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۱/۳/۳

۲. مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۴/۰۳/۱۴

۳. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۰/۰۵/۱۵

نتوانسته هیچ غلطی بکند و ملت ایران راه خودش را در پیش گرفته و پیش رفته و قوی تر شده؛ این نشانه قدرت ملت ایران است. اگر ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی مقتدر و قوی نبود، یک دهه تلاش که دشمنان می کنند کافی بود که این ملت را مغلوب کند و نظام محبوبشان را از آنها بگیرد؛ نظام در مقابل آنها ایستاده، روزه روز هم قوی شده. فقط هم آنها نبودند؛ در داخل کشور هم همین جور. من به شما عرض بکنم سه جریان معارض از روز اول انقلاب در مقابله با انقلاب اسلامی و حرکت امام بزرگوارمان پیدا شدند: یک جریان، جریان به اصطلاح لیبرال متمایل به غرب و آمریکا و دلبسته آمریکا و غرب بودند؛ یک جریان، کمونیست های اسلحه به دستی بودند که از هیچ چیز ابا نداشتند و پرهیز نمی کردند؛ یک جریان دیگر، منافقینی بودند با ظاهر اسلامی و باطن خُبث کفر و بی هویت که حتی حاضر شدند بروند زیر پرچم صدام بدنام سینه بزنند و آنجا پایستند و [از او] استفاده کنند. این ها سه جریان اساسی بودند در این کشور؛ هر سه جریان مغلوب و منکوب انقلاب اسلامی شدند و حالا با تملق به قدرتها، با خبرچینی و دادن خدمات جاسوسی به دولتهای امثال فرانسه و انگلیس و آمریکا و مانند اینها، در زیر سایه آنها استفاده می کنند. یک جریان هم البته جریان متحجر و مرتجع داخلی بود که آن هم به نوع دیگری در مقابل انقلاب و در مقابل حرکت انقلاب می ایستادند و مزاحمت می کردند که آنها البته خیلی قابل ذکر و قابل توجه نبودند و ملت از آنها عبور کرد؛ جریان مزاحم ارتجاع و تحجر و دین تراشی. جمهوری اسلامی به کمک ملت، با ابتکار و قدرت جوانان این ملت، توانست آن دشمنان خارجی و این دشمنان داخلی را به عقب نشینی وادار کند و آنها نه فقط نتوانند به جمهوری اسلامی آسیب برسانند بلکه نتوانند جلوی پیشرفت جمهوری اسلامی را بگیرند.^۱

ما از تحمیل جنگ سود بردیم؛ ما از این تهدید به مثابه بهترین فرصت ها استفاده کردیم. ملت ایران این تهدید را به معنای حقیقی کلمه تبدیل کرد به یک فرصت بزرگ، یک آزمایشگاه عظیم؛ یک میدان عظیم تجربه ها شد و خیلی برکات عاید شد.^۲

نظام جمهوری اسلامی از همه این دشواری ها و گردنه های سخت عبور کرده. مگر عبور نکردیم؟ مگر متوقف ماندیم؟ مگر توانستند به جمهوری اسلامی ضربه وارد کنند؟ مگر توانستند به آرمانها و اصول جمهوری اسلامی خدشهای وارد کنند؟ نتوانستند. این هم یک واقعیت است. این واقعیتها باید دائماً جلوی چشم ما باشد. یک واقعیت دیگر این است که

۱. مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه السلام) ۱۳۹۷/۴/۹

۲. دیدار دانشجویان دانشگاه های شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

ما در همین شرائط تهدید، پیشرفت کردیم. در طول این سالهای متمادی، ما در همه حوزه‌ها جلو رفتیم؛ در حوزه دانشهای پیچیده پیشرفت کردیم؛ در حوزه فناوریهای مورد نیاز کشور پیشرفت کردیم... خب، این‌ها الگوسازی در دنیای اسلام است؛ این یک واقعیتی است. ما متوقف نماندیم، ما دائم پیش رفتیم. نظام جمهوری اسلامی با همه این تهدیدهایی که وجود داشته است- از قبیل تحریم و غیرتحریم و تهدید و کارهای گوناگون پیچیده امنیتی و سیاسی و غیره- این پیشرفتهای را داشته است. این هم یک واقعیت است؛ این هم تحلیل نیست؛ این هم محسوساتی است که جلوی چشم همه ماست... کشور در مواجهه با چالشها و تهدیدها، در مقایسه با سالهای اول انقلاب، به مراتب قوی‌تر شده. امروز ما در مواجهه با تهدیدها، از روز اول خیلی قوی‌تریم؛ هم اعتماد به نفسمان بیشتر است، هم توکلمان به خدا الحمدلله کم نیست، هم تواناییهای عینی و موجود و محسوس و ملموس ما بیشتر از گذشته است. قدرت‌ها با همه توانشان دارند تلاش می‌کنند، اعتراف می‌کنند که نمی‌توانند پیش بروند؛ نتوانستند کار خودشان را پیش ببرند.^۱

پیشرفت در شرایط تحریم. یکی از نقاط مهم قوت کشور این است. در سخت‌ترین شرایط تحریم، کشور پیشرفت کرده. در چه چیزی پیشرفت کرده؟ یکی در مقوله علم و فناوری... ما در زمینه هسته‌ای پیشرفت کردیم، در زمینه فناوری زیستی پیشرفت کردیم، در فناوری نانو پیشرفت کردیم، در فناوری انرژی‌های نو پیشرفت کردیم، در صنایع هوافضا پیشرفت کردیم، در ساخت ابررایانه‌ها پیشرفت کردیم، در مسئله بسیار مهم سلول‌های بنیادی پیشرفت کردیم، مسئله شبیه‌سازی همین‌جور، در رادیو داروها همین‌جور، در نانوداروهای ضد سرطان همین‌جور؛ این‌ها همه جزو دانش‌های سطح بالای دنیاست.... این در حالی بود که درهای انتقال دانش از همه سوی دنیا روی ما بسته است.^۲

ما از تحریم به نفع پیشرفت خودمان استفاده کردیم. یک روزی بود که ما احتیاج به ابزارهای نظامی داشتیم؛ ساده‌ترین ابزار نظامی را به ما نمی‌فروختند و می‌گفتند: تحریم! ما توانستیم از این تحریم استفاده کنیم؛ امروز ملت ایران توانایی‌هایی به دست آورده که همان تحریم‌کنندگان دیروز، امروز از اینکه ملت ایران دارد به قدرت اول نظامی منطقه تبدیل می‌شود، دارند دست‌وپا می‌زنند! خب، این بر اثر تحریم شما بود. این تحریم به ما ضرر نزد؛ ما از این تهدید توانستیم یک فرصت به وجود بیاوریم. امروز هم همین‌جور است.^۳

۱. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

۲. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۰/۰۵/۱۵

۳. دیدار مردم شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

۳- احیاء عقلانیت صحیح

[انقلاب] بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه کشور و همه ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.^۱

یکی از مهم‌ترین خدمات انقلاب اسلامی، احیاء عقلانیت صحیح در کشور بود. اینکه شما جوان دانشجو می‌آیید مسائل منطقه را تحلیل می‌کنید، با نگاه موشکافانه مسائل را می‌بینید، دشمن را معرفی می‌کنید، حوادث منطقه را تحلیل می‌کنید و می‌ایستید، این نشان دهنده حیات عقلانی یک کشور است؛ این را انقلاب به ما داد. امروز بعضی‌ها باز دلشان می‌خواهد برگردند به همان شکل سابق. همان جریانهای غرب‌زده - جریان‌هایی که عاشق غربند، ملت را تحقیر می‌کنند، داشته‌ها را تحقیر می‌کنند، فرهنگ و هویت ملی را تحقیر می‌کنند به نفع مسلمان غربی - دلشان می‌خواهد که همانها دوباره بیایند و برای امور کشور، فرهنگ کشور، جهت‌گیری کشور، شاخص معین کنند و معرفی کنند.^۲

ملت، اسلام و انقلاب و نظام خود را دوست دارد. هرگاه مشکلاتی - چه مشکلات اقتصادی و چه مشکلات اجتماعی - در سطح جامعه وجود داشته باشد، دشمن سعی می‌کند اینها را به پای انقلاب بگذارد. ملت ایران هوشیارانه می‌داند که سهل‌انگاریها و کوتاهیهای که ممکن است بعضی از مسئولان در هر بخشی داشته باشند، به انقلاب ربطی ندارد.^۳

مردم ما به توفیق الهی، به هدایت الهی، به دستگیری الهی، مردم مؤمنی هستند؛ هم آگاهند، هم مؤمنند، هم حاضر در صحنه‌اند، پا به رکابند در هر جایی که لازم باشد. ماها باید خودمان را اصلاح کنیم. نخبگان و خواص سیاسی بایستی مراقب کار خودشان، حرف زدن خودشان باشند... مردم توطئه را می‌فهمند؛ مردم ما خیانت را درک می‌کنند... ملت بیدار است. در این تجربه طولانی سالهای گذشته، ملت ما آبدیده شده است. انواع و اقسام

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۲. دیدار دانشجویان ۱۳۹۳/۵/۱

۳. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۱/۱۱/۲۸

توطئه‌ها را مردم ما توانستند بشناسند و با آن مواجهه و مقابله کنند.^۱ ملت ما با ایمان و به نظام اسلامی علاقه مند است... این مردم به شخصها و به علی خامنه‌ای‌ها ارادتی ندارند؛ به اسلام ارادت دارند. اگر به اشخاص هم اظهار محبتی می‌کنند، به خاطر این است که آنها را نوکر اسلام، خدمتگزار مردم و در جهت خدمت به این انقلاب و نظام می‌دانند؛ و الا اگر همین اشخاص و امثال بنده یک قدم کج بگذارند و از راه مستقیم منحرف شوند، همین مردم از آنها روی برمی‌گردانند. این مردم عاشق اسلامند.^۲

۴- غلبه رویش‌ها بر ریزش‌ها

انبوه جوانانی که باروحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد.^۳ رویش‌های ما بر ریزش‌های ما رجحان دارند، غلبه دارند.^۴ انقلاب ماندگار خواهد شد. بدیهی است که ما، هم ریزش داریم، هم رویش داریم؛ بارها بنده گفته‌ام این را. کسانی هستند که یک روز انقلابی بودند، بعد فردا به خاطر یک عارضه‌ای، یا بحق یا بناحق، از انقلاب روبرمیگردانند. بعضی‌ها هستند که یک کار خلاف توقعشان انجام می‌گیرد -فرض کنید یک ظلمی در یک جایی بهشان می‌شود- حق با آنها است اما این موجب می‌شود که از انقلاب روبرگردانند؛ این کار ناحق است. بعضی‌ها هم به خاطر مسائل شخصی، مسائل خانوادگی و مسائل گوناگون، از انقلاب روبرمیگردانند. این می‌شود ریزش؛ این‌ها ریزش‌های انقلاب است. همه انقلابها ریزش دارند، همه نهضت‌های اجتماعی ریزش دارند اما در کنار این ریزش‌ها رویش [هم] هست. من اطلاعات کم نیست، من از خیلی جاها مطلعم؛ بنده وقتی نگاه می‌کنم، رویش‌ها را بیش از ریزش‌ها می‌بینم؛ این همه جوان مؤمن، این همه تحصیل کرده مؤمن، این همه افراد تحلیلگر

۱. دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲

۲. دیدار مردم استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۵

۳. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۴. همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۷/۱۲

مؤمن، این همه افراد کارآمد در مسائل فنی و در مسائل علمی، همه مؤمن؛ این‌ها رویشهای انقلاب است... این همه جوان مؤمن نویسنده، هنرمند، عالم، فنّاور، مبلّغ، سخنور؛ در عرصه‌های گوناگون، در مسائل داخلی در مسائل خارجی. این‌ها رویشهای انقلابند، رویش‌های سرسبز و آماده؛ این خیلی با ارزش است. بنابراین، اگر ما به وظایفمان در زمینه انقلاب عمل کنیم، معنای این، ماندگاری افزایش این رویشها و انبوه شدن این رویشها است.^۱

من به چشم می‌بینم و می‌توانم گواهی بدهم که جوانان انقلابی امروز ما، از جوانان انقلابی آغاز انقلاب، اگر از لحاظ ایمان و تقوا و استحکام عقیده بهتر نباشند، عقب‌تر نیستند.^۲ اینجور نیست که با روی گرداندن کسانی، این حرکت عظیم، این بنای معظم و شامخ تکان بخورد. با برگشتن یک عده‌ای از این قافله عظیم، هرگز این قافله از راه باز نمی‌ماند... «من یرتدمنکم عن دینه فسوف یأتی الله بقومٍ محبّهم و محبّونه» رویشهایی به وجود خواهد آمد. یکی از این رویشها، خود شما جوانها هستید. شما که دوران جنگ را ندیدید، شما که امام را ندیدید، شما که در عرصه‌های جنگ نبودید؛ اما امروز سرتاسر کشور اسلامی و انقلابی ما از روحیه ایستادگی و ثبات و افتخار و احساس عزت، لبریز است... جوانهای ما که آن روز نبودند، اما امروز هستند؛ این مژده است، این بشارت است... یک عده‌ای به بعضی از ظواهر نگاه می‌کنند، قضاوت‌های غلط می‌کنند؛ خیال می‌کنند که جوانها از دین برگشته‌اند. نخیر؛ جوان‌ها علاقه‌مند به این راهند، علاقه‌مند به آن چیزی هستند که ایمان به آن در دل آنها راسخ است؛ و این مربوط به اکثریت جوان این کشور است؛ و این از برکت خون شهداست؛ و این به برکت فداکاری عزیزان شما و جوانهای شماست.^۳

امروز در حدود ده هزار هسته گروه‌های جهادی در سرتاسر کشور مشغولند که اینها در واقع مژده آینده کشورند، سرمایه عظیمی هستند برای آینده کشور؛ مشغول کارند، مشغول تلاشند؛ شاید صدها هزار کار مهمّ مربوط به طبقات ضعیف را در نقاط دوردست کشور، این‌ها انجام داده‌اند و دارند انجام می‌دهند؛ کارهای ریز و درشت - به‌حسب نیازهایی که مردم دارند - این یک سرمایه عظیمی است برای کشور.^۴ صدها گروه، گروه‌های فعال از جوانهای خوش‌فکر - چه دانشجویان دانشگاهی، چه دانش‌آموختگان - مشغول کارهای مهمی در سطح کشورند... اینکه عرض کردم «صدها گروه جوان»، این یک واقعیتی است. بنده بعضی را از نزدیک می‌شناسم،

۱. دیدار مردم قم ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

۲. دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

۳. دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۲

۴. همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۷/۱۲

بعضی را از دور می‌شناسم؛ جوانهای جدی، فعال، خوش‌استعداد، مبتکر، با همت‌های بلند مشغول کارند، مشغول تلاشند در زمینه‌های گوناگون؛ زمینه‌های فکری، زمینه‌های عملی، زمینه‌های علمی، زمینه‌های فناوری؛ نه به فکر رئیس شدنند، نه به فکر مدیر شدنند، نه به فکر وزیر و وکیل شدنند؛ دارند کار می‌کنند؛ امروز این‌جوری است. این یک پدیده مبارکی است که امروز در کشور ما وجود دارد؛ و این ادامه پیدا خواهد کرد.^۱

یک مبارزه صحیح، منطقی و معقول و در عین حال قاطع، احتیاج دارد به چند چیز: یکی انگیزه برخاسته از ایمان است... این در جوانهای ما امروز به حد کافی وجود دارد... امروز جوانان ما انگیزه‌شان کمتر نیست؛ اگر بیشتر نباشد. علت هم واضح است؛ چون سی سال تجربه متراکم در تاریخ این ملت ثبت شده است. ذهن بیدار جوان، چشم باز جوان، ولو آن روزها را ندیده است؛ اما این تجربه‌ها را تحویل می‌گیرد. نسل به نسل تجربه‌های یک ملت غنی‌تر، عمیق‌تر و مفیدتر می‌شود... جوان کشور، توده ملت که اکثریت هم جوان هستند، این انگیزه عمیق را دارند. من به شما عرض کنم: اگر امروز حادثه‌ای مثل جنگ تحمیلی که در سال ۵۹ پیش آمد، در کشور ما بروز کند، هجوم جوانان به جبهه و داوطلبی آنها برای مواجهه با دشمن آشکار و رو به رو، از سال ۵۹ و ۶۰ بمراتب بیشتر خواهد بود. یک عنصر دیگری که لازم است، بصیرت است... هرگونه حرکت عمومی به یک بصیرت عمومی احتیاج دارد. البته من این را هم به شما بگویم: امروز بصیرت جوانهای ما هم از جوانان آن روزگار اول انقلاب و در اثنای انقلاب، یقیناً بیشتر است. خیلی چیزها را شما امروز میدانید، برای شما جزو واضحات است، که آن روزها باید برای جوانها، آن‌ها را شرح می‌دادیم، بیان می‌کردیم؛ اما امروز جوانهای ما اینها را می‌دانند؛ بصیرت بالاست.^۲

یکی از نقاط قوت و مثبت ما همین است که این ارزش‌ها به نسل‌های دوم و سوم منتقل شد. البته ریزش داشته‌ایم، توبه‌کار از انقلاب و پشیمان از انقلاب داشته‌ایم، اما رویش‌های ما بیشتر از ریزش‌های ما بوده است. نیروهای فرسوده ریزش پیدا کردند، اما نیروهای جوان و با طراوت بالا آمدند و رویش پیدا کردند.^۳ امروز ما صدها برابرِ اوایل انقلاب، انسان‌های متخصص و متعهد و کارآمد در بخشها و نقاط مختلف کشورمان داریم که اینها محصول دوران انقلابند؛ انسان‌های باایمانی که حاضرند همه وجود و توان علمی و انسانی خود را برای کشور و انقلاب و مردم نثار کنند. اوّل انقلاب، نیروهایی که در بخشهای مختلف دارای تخصص

۱. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۸/۱۲

۲. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا ۱۳۸۸/۰۸/۱۲

۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

باشند، بسیار محدود بودند؛ اما امروز در دانشگاهها و حوزه های علمیه و نیروهای نظامی و در بخشهای مختلف مدیریت کشوری ما، انسان های فراوانی از این قبیل هستند. این افزایش سرمایه است. امروز نسل جوان ما چند برابر نسل جوان این کشور در اول انقلاب است. این یک سرمایه است و باید به چشم افزایش سرمایه به آن نگاه شود.^۱

امام بزرگوار ما در یک حادثه مهم جنگی - که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید - در قضیه یکی از عملیات که پیروزی ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوانهاست. همه توقع داشتند که امام بگویند این پیروزی ای که شما به دست آوردید، فتح الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح الفتوح انقلاب ما تربیت این جوانهاست؛ که در آن شرائط دشواری که همه دنیا در مقابل ما با چهره دژم و سلاح آماده شلیک ایستاده بودند، اینها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند؛ عملیات طریق القدس بود. من همین را تکرار می کنم: فتح الفتوح انقلاب اسلامی اینهاست. پیشرفت واقعی این است که جوانهای ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه تعریف کنند؛ برای کشور آینده ای را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند. این چیزی است که امروز وجود دارد؛ این را باید تقویت کرد، این را باید پیش برد.^۲

۵- بازیابی هویت زن

خدا را عمیقاً شکر می کنم؛ واقعاً این یکی از بزرگترین افتخارات نظام اسلامی است که در سایه نظام اسلامی این همه زن فرزانه و تحصیل کرده و خوش فکر و ممتاز از لحاظ فکری و عملی در جامعه ما وجود دارند؛ خیلی نعمت بزرگی است و مایه افتخار است... تربیت این همه انسان والا، برجسته و خوش فکر یکی از بزرگترین افتخارات نظام اسلامی است. امروز وقتی ما نگاه می کنیم، نام زنان ما بر تارک کتابهای متعددی - کتاب های علمی، کتاب های پژوهشی، کتاب های تاریخی، کتاب های ادبی، کتاب های سیاسی، کتاب های هنری - گذاشته شده؛ جزو برترین نوشته ها و آثار مکتوب امروز نظام اسلامی - چه مقالات و چه کتابها - نوشته های بانوان

ما است، که این واقعاً مایه افتخار است. در تاریخ ما بی سابقه است؛ ما دوره‌های گوناگون را دیدیم، آشنا هم بودیم با فضای فرهنگی کشور؛ ما هرگز این همه انسان برجسته در زمینه‌های مختلف - چه در مسائل حوزوی، چه در مسائل دانشگاهی - نداشتیم. در کنار اینها، بُروز و ظهور کاملاً برجسته هویت و شخصیت مستقل زن ایرانی، در عرصه مجاهدتها، از جمله در دفاع مقدس و دنباله‌های آن تا امروز؛ این همه همسران شهدا، همسران جانبازان، مادران شهیدان، بازماندگان برجسته کسانی که رفتند جانشان را در راه خدا دادند و اینها با اراده محکم، عزم راسخ و با صبر، هر انسانی را در مقابل خودشان خاشع و خاضع می‌کنند. بنده که حقیقتاً هروقت با این زنان برجسته مواجه می‌شوم، در مقابل آنها احساس خضوع می‌کنم. بنده زیاد برخورد می‌کنم با مادران شهیدان، با همسران شهیدان، با همسران جانبازان: این بانوی فداکاری که یک عمر زندگی خودش را می‌گذارد برای مدیریت کردن و بهبود بخشیدن به زندگی یک معلول و جانباز، برای خاطر خدا؛ این چیز کوچکی نیست، این‌ها به زبان آسان است. آن مادری که دو فرزند، سه فرزند، چهار فرزند را در راه خدا داده و همچنان محکم ایستاده، به ما سفارش می‌کند که بایستید؛ محکم باشید! انسان واقعاً در مقابل این همه عظمت احساس خشوع می‌کند. این‌ها واقعیت‌های زنانه جامعه ما است که بسیار افتخارآمیز و مهم است. خب بحمدالله این، آن بخش روشن و درخشان مسئله زن در کشور [است].^۱

شخصیت اجتماعی زن، خیلی حائز اهمیت است. [در گذشته] در مسئولیتهای عمومی جامعه، نقشی برای زنان فرض نمی‌شد؛ خودشان هم نقشی را فرض نمی‌کردند؛ بخصوص در این سطح وسیعی که امروز مطرح است. الان شما ملاحظه کنید، همه زنان روستاها و شهرهای دورافتاده، به عنوان افرادی از مجموعه نگهدارنده این انقلاب و اصحاب و صاحبان آن، برای خودشان شأن قایلند. از این جهت، هیچ فرقی بین زن و مرد نیست؛ بلکه گاهی زنان، ایمان پُرشورتر و دید روشنتری نسبت به مسائل جامعه دارند و کشور و مسائل آن را متعلق به خودشان می‌دانند. چه زمانی چنین احساسی در بین زنان ما، آن هم در چنین سطح وسیعی از جامعه وجود داشت؟ این، به برکت انقلاب است. همان حالت خودآگاهی و احساس شخصیت اجتماعی که در مردان به وجود آمده است، می‌توان گفت که در زنان با جست بیشتری به وجود آمده است. قبلاً هیچ نبوده؛ ولی حالا به میزان خیلی بالایی هست... این چیزی است که انقلاب به زنان جامعه ما اعطا کرد و آنها را در صحنه جهاد، سیاست و تأثیر در سازندگی اساسی کشور وارد نمود. این، چیز خیلی مهمی است و جز با صدر اسلام،

با هیچ وقت دیگر قابل مقایسه نیست.^۱

در حقیقت باید گفت که بعد از انقلاب، از زن ایرانی تجلیل شده است. پیشقراول این تجلیل هم امام بزرگوار بود که با همه وجود برای زن ایرانی مسلمان ارزش و احترام قائل بود. همین بینش بود که موجب شد زنان کشور در انقلاب اسلامی سهم بزرگی را ایفا کردند.^۲ امروزه به برکت انقلاب اسلامی بحمدالله زنان ما در میدان های گوناگونی پیشرفت داشته اند. انقلاب کمک کرد تا زنان و دختران تحصیل کنند و معرفت و بصیرت پیدا نمایند. امروز زنان می توانند در همه مسائل، دوشادوش مردان باشند.^۳

انقلاب ما انقلاب زینبی است. از اول انقلاب، زنان یکی از برجسته ترین نقشها را در این انقلاب ایفاء کردند. هم در خود حادثه بزرگ انقلاب، هم در حادثه بسیار بزرگ هشت سال دفاع مقدس، نقش مادران، نقش همسران، از نقش مجاهدان اگر سنگین تر و دردناکتر و تحمل طلب تر نبود، یقیناً کمتر نبود. مادری که جوان خودش را، عزیز خودش را، دسته گل خودش را هجده سال، بیست سال - کمتر، بیشتر - پرورش داده، با آن محبت مادرانه او را به ثمر رسانده، حالا او را به طرف میدان جنگ می فرستد، که معلوم نیست حتی جسد او هم برخواهد گشت یا نه. این کجا، رفتن خود این جوان کجا؟ که خوب، این جوان، با شور و هیجان جوانی، همراه با ایمان و روحیه انقلابیگری، حرکت می کند و می رود. کار این مادر، از کار آن جوان اگر بزرگتر نباشد، کوچک تر نیست. بعد هم که جسد او را برمیگردانند، افتخار می کند که بچه من شهید شده. این ها چیز کمی است؟ این، حرکت زنانه، حرکت زینب گون در انقلاب ما بود.^۴

۶- استقرار ثبات و امنیت

[انقلاب] ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی اش را پدید آورد.^۵

۱. ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۲. ۱۳۷۶/۷/۳۰.

۳. دیدار مردم استان بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

۴. دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور ۱۳۸۹/۲/۱.

۵. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

تلاش ملت عزیز ما و هوشمندی و آگاهی و بصیرت مردم عزیز ما ... در سرتاسر کشور، موجب شده است که کشور ما از یک ثبات سیاسی مستمری برخوردار باشد؛ این نعمت بزرگی است. قدرتمندان زورگو و تجاوزگر، یکی از سلاح‌هایشان این است که در کشورهایی بی‌ثباتی ایجاد کنند، که نمونه آن را شما مشاهده می‌کنید؛ هم در منطقه خودمان، و هم در مناطق دیگر این دنیای بزرگ. می‌بینید که قدرتمندان هر جا توانسته‌اند، هر جا در کشوری طمع‌ورزیده‌اند، برای اینکه سلطه خود را در آن کشورها و در آن مناطق مستقر کنند، بین مردم آن کشور یا مردم آن کشور با کشور همسایه، بی‌ثباتی ایجاد کردند؛ ایجاد اختلاف کردند، ایجاد درگیری کردند، تا بی‌ثباتی در نظامها به وجود بیاید؛ از این بی‌ثباتی، کارخانجات اسلحه‌سازی استفاده کنند، کارتها و تراستها و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی حاکم بر دستگاه سیاسی غرب استفاده کنند. امروز یکی از سیاست‌های دستگاه‌های استکبار، ایجاد بی‌ثباتی است. آن وقت در یک چنین شرائطی، نظام جمهوری اسلامی به برکت ایمان شما مردم، به برکت بصیرتی که به فضل الهی در ملت ما وجود دارد، توانسته است به کوری چشم دشمنان، یک کشور با ثبات و استقرار به وجود بیاورد. خود آحاد ملت پشتوانه این ثبات و استقراری هستند که در کشور وجود دارد؛ و البته متقابلاً بیشترین فایده این ثبات و استقراری که در نظام سیاسی کشور هست، متوجه و عاید خود مردم است... دشمنان ما بارها کوشش کردند که با شیوه‌های گوناگون، این ثبات سیاسی را به هم بزنند. در اول انقلاب، با ایجاد درگیری‌های قومیتی در شرق و غرب کشور، شمال و جنوب کشور، سعی کردند نگذارند انقلاب اسلامی به آرامش دست پیدا کند و کشور را از تلاطم انقلاب بیرون بیاورد؛ اما موفق نشدند. بعد از آن سعی کردند با تهاجم یک همسایه دیوانه- صدام به معنای واقعی کلمه، یک انسان وحشی و دیوانه و افسارگسیخته و خطرناک بود- امنیت کشور را به هم بریزند؛ از داخل هم گروهکها کمکش کردند؛ همان گروهک‌هایی که بعد هم به دامان خود او پناه بردند. دیدید آنچه که آنها خواستند، صد و هشتاد درجه برخلاف میل آنها تمام شد. جنگ تحمیلی، حمله دشمن، نه فقط ثبات و استقرار کشور را به هم نزد، بلکه اتحاد ملت را بیشتر کرد.^۱

در دوره‌های قبل از جمهوری اسلامی، همیشه ایران تجزیه شد و همیشه از ایران گدندند. هیچ کدام از سلاطین پهلوی و قاجار، این افتخار را ندارند که بتوانند بگویند ما مرزهای ایران را حفظ کرده‌ایم. تنها جمهوری اسلامی بود که مردانه ایستاد و نگذاشت که متجاوزین یک قدم جلو بیایند. هشت سال جنگ مگر شوخی است؟! هشت سال جنگ و آن همه فداکاری! جوانان

ما در مقابل اتحاد شرق و غرب و «ناتو» مقاومت و ایستادگی کردند و میهن را نجات دادند.^۱ این کشوری است که در برابر حمله نیروهای معدود انگلیسی و غیر انگلیسی در جنگ جهانی [دوم، چند ساعت بیشتر نتوانست ایستادگی کند [اما] هشت سال همه نیروهای قدرتهای جهانی، یعنی آمریکا، شوروی، فرانسه، انگلیس، آلمان و دیگران و پولهای دولت‌های مرتجع، زیر اسم صدام با ایران جنگیدند - یعنی یک جنگ بین‌المللی به معنای واقعی کلمه- و بعد از هشت سال هیچ غلطی نتوانستند بکنند و به وسیله نیروهای نظامی و دفاعی و مردمی ما، از مرزها اخراج شدند؛ این چیز کمی نیست. این مال سالهای اول انقلاب است، مال دهه اول انقلاب است که یک چنین حرکت عظیمی انجام گرفت. امروز که خب بحمدالله وضع نیروهای نظامی ما بمراتب [بهتر است]؛ یعنی نمی‌شود گفت ده برابر؛ ده‌ها برابر از آن روز جلوتر هستند. امروز بحمدالله کشور ما یک قدرت بزرگ منطقه‌ای است از لحاظ دفاعی و یک نیروی پرتوان از لحاظ دفاعی در نگاه بین‌المللی است.^۲

۷- پیشرانی موتور علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌ها

[انقلاب] موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده آن روزبه‌روز فراگیرتر می‌شود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.^۳

۱. دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات ۱۳۷۵/۲/۱۳

۲. دیدار با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۹۹/۲/۲۸

۳. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

انقلاب چهرهٔ کشور را، چهرهٔ ایران را از یک کشور عقب‌ماندهٔ علمی که بکلی از لحاظ علمی در آخرین صف‌های کشورهای دنیا قرار داشت - کشور عقب‌ماندهٔ علمی، ... تبدیل کرد به یک کشور آزاد، کشور مستقل، کشور عزیز، برخوردار از موفقیت‌های بزرگ علمی در رشته‌های مهم حیاتی امروز. امروز ایران در رشته‌های مهمی در بین پنج کشور دنیا، شش کشور دنیا یا حداکثر ده کشور دنیا حضور دارد؛ این رشته‌ها، رشته‌های بسیار بااهمیتی است. کشور در این قسمت‌ها پیشرفت کرده و کشور مستقل، کشور آزاد، کشور آبرومندی است؛ این یکی از مهم‌ترین کارهایی است که انقلاب انجام داده^۱

چند نفر از دانشمندان برجستهٔ ما که من اینها را می‌شناختم، هم از لحاظ علمی برجسته‌اند، هم از لحاظ نیت، انسان‌های صادق‌النیه‌ای هستند، به من نامه نوشتند، گفتند آقا باور نکنیدها، باور نکنید! اینی که می‌گویید، این نمی‌شود، نشده! هم پیشرفت‌های هسته‌ای را، هم آن پیشرفت‌های مربوط به سلول‌های بنیادی را که جزو جلودارهای این حرکت علمی جدید چندین سالهٔ اخیر بود. باور نمی‌کردند، اما اتفاق افتاده بود و بود. گذشت زمان هم بیشتر نشان داد که بله، این پیشرفت‌ها واقع شده؛ یعنی حرکت علمی، حرکتی است که برای آن نسل گذشتهٔ ما که گفتم هم دانششان، هم خیرخواهی و نیت صادقانه‌شان برای ما معلوم است، قابل باور نبود؛ و من امروز به شما عرض می‌کنم این جوان‌های ما کارهایی دارند در زمینه‌های علمی و پیشرفت‌های علمی و اکتشافات و ساخت‌وسازهای علمی می‌کنند که باز شاید برای بعضی نسل‌های متوسط ما هم قابل باور نباشد، اگرچه حالا یواش یواش دیگر همه این پیشرفت را باور کردند.^۲

ما امروز قطب پزشکی و درمان هستیم، رتبهٔ علمی بالایی در دنیا داریم، صاحب‌رأی در مسائل منطقه هستیم، در زمینهٔ هسته‌ای دانش بالایی پیدا کرده‌ایم، در زمینهٔ نانو دانش بالایی پیدا کرده‌ایم، در زمینهٔ زیست‌فناوری دانش بالایی پیدا کرده‌ایم، در زمینهٔ دانش‌های مربوط به فضای مجازی رتبهٔ بالایی پیدا کرده‌ایم، این‌ها پیشرفت است. بسیاری از جوان‌های ما از شدت استعداد، واقعاً منتظر یک اشاره‌اند که اوج بگیرند. یک‌خرده ما مدیران در این زمینه کوتاهی داریم؛ وَاَلَا اگر یک‌خرده بیشتر همراهی کنیم با جوان‌ها، واقعاً پرواز می‌کنند در زمینه‌های علمی و فنی و خدماتی و کارهای گوناگون؛ همچنان که در زمینه‌های معنوی پرواز می‌کنند. ما در زمینهٔ امنیت، در زمینهٔ دفاع، در زمینهٔ کشاورزی، در زمینهٔ سلامت، در زمینهٔ علم، در زمینهٔ

۱. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

۲. دیدار نیروهای مسلح منطقهٔ شمال کشور و خانواده‌های آنان ۱۳۹۱/۰۶/۲۸

راه های مواصلاتی و امثال اینها، خیلی پیشرفت کرده ایم و پیشرفت‌مان الحمدلله خوب است؛ دهه پیشرفت و عدالت، پیشرفت خوب بود. این‌ها ناشی از انقلاب است.^۱

صنایعی که ملت ایران به دست خودشان ایجاد کرده اند، یک ماجرای شگفت‌انگیز است. آن روز ساده‌ترین چیزها را هم باید دیگران می‌آوردند و می‌ساختند. پول ما را می‌گرفتند، ما را تحقیر می‌کردند، اما برای ما نوع نازلش را تهیه می‌کردند! امروز جوان‌های ما پیچیده‌ترین و برجسته‌ترین فناوری‌ها را آورده اند در میدان دید عمومی قرار داده اند که نمونه‌هایش را شنیده‌اید و می‌دانید.^۲

پیشرفت هسته‌ای، افتخار فناوری کشور بوده است. پیشرفت هسته‌ای در کشور، مایه افتخار فناوری و دانش فنی کشور بوده، استعداد جوان‌های ما را تشخیص کرده؛ چیز کوچکی نیست... این یک نقطه قوت بسیار بزرگ برای کشور است؛ هم آبرو و مایه اعتبار است، هم در عمل، موجب پیشرفت کشور است.^۳

بعضی‌ها دائم می‌نویسند، می‌گویند و پیشرفت‌های علمی کشور را که مورد تأیید دستگاه‌های بین‌المللی است، انکار می‌کنند؛ بنده صد درصد این حرف را رد می‌کنم، صد درصد رد می‌کنم؛ خیر، پیشرفت‌های علمی کشور پیشرفت‌های واقعی است و آن‌طور که بعضی ادعا می‌کنند، پیشرفت‌های حبابی نیست؛ ما در نانو پیشرفت کرده ایم، در سلول‌های بنیادی پیشرفت کرده ایم، در هسته‌ای پیشرفت کرده ایم، در زیست‌فناوری پیشرفت کرده ایم، در بخش‌های مختلفی از پزشکی پیشرفت کرده ایم، در بسیاری از بخش‌های گوناگون پیشرفت کرده ایم؛ این پیشرفت‌ها واقعی است و وجود دارد.^۴

امروز کشور ما مثل دهه اول یا دهه دوم انقلاب نیست که زیرساخت‌های علمی و مورد نیاز را در کشور فاقد باشد. امروز جوان‌های ما و متخصصین ما و دانشمندان در هر رشته‌ای که وارد می‌شوند، می‌توانند کارهای بزرگ انجام دهند؛ لذا امروز در کشور آن چیزهایی که برای یک پیشرفت وسیع در زمینه ارتباطات، در زمینه مواصلات، در زمینه تحقیقات علمی، در زمینه ساخت‌وسازها مورد نیاز است، بحمد الله آماده است. ما از لحاظ راه‌های مهم و بین‌المللی، از لحاظ ساخت فرودگاه، از لحاظ ارتباطات بی‌سیم و باسیم، شبکه‌های ارتباطی، از لحاظ ساخت سدها، احتیاجی به دیگران نداریم. یک روزی بود که به خاطر کسی خطور هم نمی‌کرد که

۱. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

۲. دیدار مردم قم ۱۳۸۳/۱۰/۱۹

۳. مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۷/۳/۱۴

۴. دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۱۳۹۷/۳/۲۰

عناصر داخلی و متخصصین داخلی بتوانند سد بسازند، سیلو بسازند، بزرگراه بسازند، فرودگاه بسازند، کارخانه فولاد بسازند؛ در همه این چیزها چشم ملت ما به بیگانگان بود. بعد هم که بیگانگان دستشان قطع شد، ما از این جهت در کشور فقیر بودیم؛ اما امروز از این جهت توانائی زیادی داریم. جوانان ما کارخانه‌های پیچیده را می‌سازند، کارهای پیچیده علمی و فناوری را انجام می‌دهند، نیاز کشور را برآورده می‌کنند، به کشورهای دیگر هم به‌عنوان مستشار و به‌عنوان کسانی که تجارت علم و فناوری می‌کنند، کمک می‌رسانند. در این جهت، کشور وضعیت شاخصی پیدا کرده است؛ این پیشرفت کمی نیست. یک روزی جوان‌های ما حتی گلوله آر. پی. جی را نمی‌توانستند پرتاب کنند و نمی‌شناختند؛ امروز همان جوان‌ها موشک پرتابگر ماهواره می‌فرستند که چشم دانشمندان جهان را به خود جلب می‌کند، همه را متوجه می‌کند. یک روزی ما برای استفاده از نیروگاه‌هایی که در کشور داشتیم، احتیاج به متخصص داشتیم؛ امروز جوانان کشور ما خودشان آن‌چنان در صنعت پیشرفت کردند که پالایشگاه، نیروگاه و امکانات گوناگون را خودشان می‌سازند و تولید می‌کنند. یک روزی در زمینه مسائل زیست‌شناسی، کشور دچار فقر مطلق بود؛ امروز به پیشرفت در دانش‌های زیستی، از جمله همین مسئله سلول‌های بنیادی که بسیار در دنیا چیز مهمی است، دست پیدا کرده است. امروز این امکانات در کشور وجود دارد. این‌ها همه زیرساخت‌هایی است که پیشرفت‌های آینده بر اساس این زیرساخت‌ها آسان می‌شود... این‌ها زمینه یک جهش است برای اینکه کشور بتواند این شاء الله در طریق پیشرفت و عدالت حرکت کند.^۱

یک ظرفیت دیگری که در کشور وجود دارد، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛ نرم‌افزاری مثل این سیاست‌های اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه و امثال اینها؛ این‌ها زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است، این‌ها ظرفیت‌های یک کشور است.^۲ تجربه متراکم در قانون‌گذاری، در اجرا؛ این هم جزو نقاط درخشان کشور است.^۳ سی سال تجربه خدمتگزاری و مدیریت هم امروز متراکم، در اختیار مسئولان نظام جمهوری اسلامی است. استمرار حرکت این نظام و استقرار و ثبات نظام جمهوری اسلامی، این اهمیت را داشته است، این اثر بزرگ را گذاشته است که یک تجربه متراکم ذی‌قیمتی در برخورد با مسائل جهانی و منطقه‌ای و مسائل داخلی در کشور جمع شده است؛ این خودش

۱. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ۱۳۸۸ / ۰۱ / ۰۱

۲. دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳ / ۰۱ / ۰۱

۳. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۰ / ۰۵ / ۱۵

یک زمینه بسیار مهمی است، یک زیرساخت قابل توجهی است.^۱ نخبگان و مسئولان کشور در طول سال های گذشته در مواجهه با مشکلات گوناگون، تجربه های بسیار ذی قیمتی کسب کرده اند. این تجربه ها امروز در اختیار مردم است... تجربه مدیران، یک تجربه بسیار عمیق و وسیعی است.^۲

۸- استقرار مطالبه عمومی عدالت

شعار عدالت هم، شعار واقعی است و شعاری است که بحمدالله در کشور، ماندگار و مستقر است.^۳ [انقلاب] کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها به ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق ترین حاکمیت های جهان در جابه جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور و از مناطق مرفه نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است. آمار بزرگ راه سازی و خانه سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخار آفرین است؛ بی شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان ها است.^۴ یکی از نمونه های مهم عدالت اجتماعی، تقسیم و توزیع متناسب فرصت های کشور است.

۱. اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۹ / ۰۱ / ۰۱

۲. اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ۱۳۸۸ / ۰۱ / ۰۱

۳. اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۷ / ۱ / ۱

۴. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷ / ۱۱ / ۲۲

این همه مسکن سازی در روستاها، این همه جاده سازی به سمت شهرهای دور کشور و روستاها، راه های ارتباطی، ارتباطات گوناگون، نیروی برق، آب مناسب، تلفن، امکانات زندگی، این ها در سرتاسر کشور توزیع شده است.^۱

بنده در چند هفته قبل گفتم در بحث عدالت عقیم؛ عقیده من همین است، منتها دیگران -بدخواهان- جور دیگری استفاده کردند؛ معنای این حرف را این قراردادند که کشور در باب عدالت، هیچ حرکتی انجام نداده است؛ این خلاف واقع است. در باب عدالت کارهای بسیار زیادی انجام گرفته، کارهای بسیار خوبی انجام گرفته است، منتها این، آن عدالتی که ما دنبالش هستیم و آرزوی ملت مسلمان است نیست، با آن فاصله دارد؛ و الا اگر شما مقایسه کنید کشور ما را با دوران قبل از انقلاب یا با بسیاری از کشورهای دیگر، می بینید در اینجا فاصله طبقاتی کمتر است، توانایی های قشر ضعیف بیشتر است، عمومیت آموزش و پرورش و بهداشت و دیگر چیزها حتماً از بسیاری کشورهای دیگر بیشتر است.

من یک آماری اینجا نوشته ام که این را بد نیست بگویم. منشأ این آمار و کسی که این آمار را داده است، بانک جهانی است؛ یعنی آمار داخلی نیست. اینجا گفته می شود که پیش از انقلاب، ضریب جینی بالای ۵۰ بود. ضریب جینی، یک محاسبه ای است که برای نشان دادن شکاف طبقاتی و فاصله فقیر و غنی در کشورها انجام می گیرد؛ هرچه عدد این ضریب بالاتر باشد، شکاف طبقاتی بیشتر است؛ هرچه کمتر باشد، شکاف طبقاتی کمتر است. قبل از انقلاب، ضریب جینی بالای ۵۰ بوده است؛ در سال ۹۴ ضریب جینی در کشور ۳۸ بوده است؛ یعنی ما این مقدار -فاصله ۵۰ و ۳۸- توانسته ایم فاصله طبقاتی را کم کنیم.

[طبق] یک آمار دیگر -که این آمار هم مربوط است به بانک جهانی؛ آمار بانک جهانی است؛ جزو آمارهای بین المللی است- قشر فقیر مطلق، پیش از انقلاب ۴۶ درصد ملت ایران بودند، یعنی تقریباً نصف ملت ایران قبل از انقلاب جزو قشرهای فقیر مطلق بودند؛ امروز این عدد ۴۶ درصد، رسیده است به ۵/۹ درصد -البته در سال ۹۳؛ آمار بعد از آن را بنده ندارم- یعنی این مقدار، کار انجام گرفته.

یک نکته بسیار مهم در زمینه فساد هست؛ این را بگویم، این را همه توجه کنند، همه ملت ایران هم توجه کنند. بنده از قدیم با فساد و مفسد و مفسدین اقتصادی و غیرذلیل مبارزه می کردم و مخالفت می کردم، الآن هم عقیده ام قرص و محکم همین است؛ اما بعضی ها وقتی درباره فساد حرف می زنند، افراطی حرف می زنند، حواستان باشد! یک جوری حرف می زنند که

گویا همه فاسدند، همه مدیران را و همه دستگاه‌ها را فساد گرفته! نه آقا، این جوری نیست؛ یک تعداد کمی فاسدند. بله! فساد، کمش هم زیاد است و باید با آن مواجهه بشود؛ اما این یک حرف است، اینکه شما جوری حرف بزنی که شنونده خیال کند همه‌جا را فساد گرفته [حرف دیگری است]. بعضی‌ها تعبیرات فرنگی هم به کار می‌برند: فساد سیستمی؛ نه آقا! آن کسی که فساد را سیستمی می‌بیند، در مغز خودش فساد هست، در چشم خودش فساد هست. این همه مدیر پاک‌دست، این همه کارگزار مؤمن و پاک‌دست در سرتاسر کشور در همه دستگاه‌ها وجود دارند، دارند زحمت می‌کشند؛ چرا به اینها ظلم می‌کنید؟ چرا خلاف می‌گویید؟ چرا به نظام اسلامی ظلم می‌کنید؟ بله! در نظام اسلامی یک نفر هم نباید فاسد باشد؛ اما آنچه وجود دارد، مثلاً ده فاسد است، نه ده هزار فاسد؛ خب اینها خیلی تفاوت دارد؛ این را توجه داشته باشید. بعضی‌ها در حرف زدن، در نوشتن؛ حالا که دیگر فضای مجازی هم هست، راحت برمی‌دارند اینجا و آنجا می‌نویسند آقا همه را فساد گرفته نه آقا! این جوری نیست. بله! فساد هست، در دستگاه‌های مختلف هم هست. من دیدم مثلاً در فرض کنید مجلس یا جای دیگر بعضی‌ها را متهم می‌کنند؛ درست که دقت می‌کنید، می‌بینید آن‌هایی که مورد اتهام قرار گرفته‌اند یک چند نفر آدم‌اند؛ این چند نفر را نمی‌شود تعمیم داد. تازه اگر راست باشد؛ ممکن است همین هم که متهم می‌کنند دروغ باشد، خلاف واقع باشد، از روی ندانستن و بی‌اطلاعی باشد؛ اما اگر هم راست باشد، تازه می‌شود چند نفر در مقابل یک عده‌ی کثیر. توجه داشته باشید که افراط و تفریط در همه چیزها غلط است.^۱

۹- افزایش عیار معنویت و اخلاق

[انقلاب] عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان

را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است؛ و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌های دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.^۱

ما یک چرخش صد و هشتاد درجه‌ای فرهنگی نسبت به قبل از انقلاب و دوران طاغوت به شکل کلی داریم؛ جزئیات را بحث نمی‌کنیم. با نگاه کلان، یک چرخش به تمام معنا است.^۲ پدیده اعتکاف یکی از رویش‌های انقلابی است؛ ما اول انقلاب این چیزها را نداشتیم. این پدیده عمومی؛ این که ده‌ها هزار نفر در مراسم اعتکاف شرکت کنند، آن هم اغلب همه جوان، جزو رویش‌های انقلاب است.^۳ ما پیشرفت داریم. این همه جوان خوب در کشور هست؛ شما ببینید الآن در فضای مجازی چه خبر است! چقدر مُضَلَّاتُ الْفِتَنِ در این فضای مجازی و در ماهواره‌ها و در این تشکیلات وجود دارد و جوان در معرض همه اینها است، در عین حال شما ببینید راه‌پیمایی اربعین چه جوری است، اعتکاف چه جوری است، نماز جماعت‌های دانشگاه‌ها چه جوری است. این‌ها خیلی مهم است؛ چرا ما اینها را نباید ببینیم؟ این‌ها نشان‌دهنده این است که حتی معنویت که سخت‌ترین [بخش] است - آن بخش معنوی فرهنگ - دارد پیشرفت می‌کند. جلسات ماه رمضان را شما ملاحظه کنید... این‌ها را ما چرا نباید ملاحظه کنیم، چرا نباید ببینیم؟ این‌ها دیده بشود، تحلیل بشود و گفته بشود؛ این‌هایی که بلندگوهای پُرمخاطب

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۲. دیدار مسئولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۲/۰۴/۳۰

۳. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۴/۵/۲۸

در اختیاردارند، این‌ها را بایستی بیان کنند و بگویند.^۱

معنویت در این کشور به شدت موردتهاجم بود؛ سعی می‌شد معنویت ازاله شود؛ اما امروز چراغ معنویت در بین مردم روشن و پُرفروغ است. آن روزها جوان‌ها عمداً به فساد کشانده می‌شدند. شاید شما شنیده‌اید که رؤسای کشور و خانواده‌هایشان، مهم‌ترین شرکای باندهای مواد مخدر در این کشور بودند! اول بار آن‌ها هروئین را به این کشور آوردند و پخش کردند. فساد و اعتیاد و بدبختی را به دست خودشان ترویج می‌کردند. امروز شما می‌بینید که نظام، با همه وجود و با تلاش فراوان، در مقابل این مشکلات ایستاده که همه دنیا هم کار او را تصدیق می‌کنند اما آن روز برای مسئولان کشور کارهای نمایشی در درجه اول بود.^۲

این ملت میدان کار را میدان مسابقه می‌داند، معنویت او روز به روز بحمدالله بیشتر است. هر سال معنویت مردم ما و صفای آنها در ماه رمضان بیشتر است؛ این معنایش این است که ملت ایران به‌رغم آنف سیاست‌هایی که انسانها را می‌خواهند از معنویت دور کنند، به معنویت پایبند است، ایستاده است و در مقابل دنیای رونده به سمت فساد و انحطاط معنوی ایستاده است. و عامل این‌همه تلاش در سرتاسر کشور، عمدتاً جوانهای این کشورند؛ و این یک سرمایه معنوی بی‌بدیلی است که جوانهای کشور، روح معنویت در وجودشان باشد و این نگه‌دارنده هویت و استقلال و عزت و عظمت کشور است.^۳

روح معنویت و دلدادگی به ارتباط با ذات مقدس احدیت در مردم ما نهادینه است، عمیق است، ریشه‌دار است.^۴ با وجود این همه عوامل انحراف، بحمدالله ملت ما مؤمنند، خدادوستند، دین‌شناسند، به معنویت علاقه‌مندند. امروز جوانها در دنیائی که مادیگری بر آن حاکم است، غرق در حیرت و آشفتگی‌اند؛ دوری از معنویت آنها را دچار آشگفتی کرده است؛ نمی‌دانند چه بکنند؛ متفکرانشان هم مانده‌اند؛ و بعضی از آنها فهمیده‌اند که راه اصلاح کارهایشان مراجعه به معنویت است. ولی چه جور می‌توانند معنویت از دست‌رفته را، معنویت را که دو قرن است در کشورهای غربی دائماً با وسائل گوناگون کوبیده شده است، می‌خواهند برگردانند؛ کار آسانی نیست. اما ملت ما اینجور نیست. ملت ما در این مجرای عظیم معنویت حرکت کرد، با معنویت توانست یک انقلاب با این عظمت را به پیروزی برساند، با معنویت توانست در این دنیای مادی یک نظام اسلامی را که متکی به معنویت است، برافرازد، پایه‌های آن را محکم

۱. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۷/۶/۱۵

۲. جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

۳. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۹۷/۳/۲۵

۴. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۹/۶/۱۹

کند و آن را در مقابل تهاجمها و طوفانهای گوناگون حفظ کند. ملت ما یک جنگ هشت ساله تحمیلی را با تکیه به همین معنویت توانست با سرافرازی و پیروزی طی کند. امروز هم جوانهای ما اکثراً جوانهای مؤمن و معنوی هستند. حتی آن کسانی که بظاهر گرایش معنوی در سیمای آنها نیست، انسان در مواقع حساس می‌بینند دل‌هایشان متوجه خداست.^۱

بعد از پایان سالهای دفاع مقدّس که جوانهای ما با شوق و ذوق و علاقه در میدانهای نبرد حضور پیدا می‌کردند و خیلی‌هایشان به شهادت رسیدند و خانواده‌های آنها صبر می‌کردند، تصوّر این بود که بعد از گذشت آن سالها دیگر قضایا تمام شده است، دیگر آن روحیه‌ها نیست، دیگر آن آدمها نیستند، خیلی‌ها هم می‌گفتند آن یک دوره مخصوصی بود و گذشت؛ سالهای فعلی ما نشان داد که تصوّر آنها غلط بوده و جوانهای مؤمن، پُرشور، فداکار، باگذشت، که حاضرند با شجاعت تمام در راه دفاع از حق، دفاع از حقیقت، دفاع از حرم اهل‌بیت بایستند و حتی جان‌شان را کف دست بگذارند، وجود دارند.^۲

۱۰- استقرار مردم سالاری دینی

انتخابات عمومی در کشور ما جزو کم‌نظیرترین انتخابات‌ها در تمام دنیا و در کشورهای مختلف است. تقریباً همه سال‌ها و اخیراً هر دو سال یک‌بار، انتخابات انجام می‌گیرد. در انتخابات همه آزادند، همه شرکت می‌کنند، با شور و شوق هم ملت ما شرکت می‌کنند. شما ملاحظه کنید در این چهل سال، دولت‌هایی که با انتخاب مردم سرکار آمدند، دارای گرایش‌های مختلف بودند؛ یک‌وقت گرایش به نوع سیاستی داشتند، یک‌وقت گرایش به ضد آن داشتند؛ همه اینها را مردم انتخاب کردند. مردم‌سالاری در کشور ما مستقر است. ما در انتخابات‌های خودمان نگذاشتیم یک روز تأخیر بشود، حتی در دوران جنگ.^۳

مردم‌سالاری دینی در کشور تثبیت شده است؛ معنای آن این است که نظام جمهوری اسلامی توفیق یافته است که مردم‌سالاری را در کشور نهادینه کند؛ این چیز کمی نیست. کشوری که در طول قرنهای متمادی با حکام مستبد و دیکتاتور گذران می‌کرده است، آن چنان با مردم‌سالاری و شرکت مردم در انتخاب صاحبان قدرت، آشنا و در هم آمیخته شده است که بعد از گذشت ۳۵ سال از هیجانات اوّل انقلاب، مردم وقتی نوبت انتخاب می‌رسد،

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۸/۳/۲۹

۲. گزیده‌ای از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم

۳. دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

۷۲ درصد در انتخابات شرکت می‌کنند؛ قدر این را باید دانست. من به شما جوانها و به همه عناصری که صاحب فکرند در سرتاسر کشور عرض می‌کنم: این نعمت بزرگ را ناسپاسی نکنیم؛ همچنان که در سال ۸۸ این نعمت الهی را عده‌ای ناسپاسی کردند. همچنین اینکه گاهی شنفته بشود که انتخابات کشور را به عدم سلامت نسبت می‌دهند - یعنی تکرار حرف دشمنان ملت ایران - این هم ناسپاسی است. مردم‌سالاری در کشور به یک جریان عادی تبدیل شده است؛ لذاست مردم در سرتاسر کشور، در روستاها، در شهرها، خود را در مقابل صندوق رأی وظیفه‌دار می‌دانند، به صندوق رأی مراجعه می‌کنند.^۱

بافت عمومی کشور... در این انقلاب ذیسه‌مند، دینظرند، اراده و عزم آنها تأثیر می‌گذارد. اگر یک مسئولی هم بخواهد کجروی کند، بخواهد حرکت دیگری در قبال حرکت انقلاب به راه بیندازد، مردم او را حذف می‌کنند.^۲ اینکه شما توانسته‌اید در طول این سی سال از نهیب ابرقدرت‌ها نترسید، اینکه ابرقدرت‌ها هم غیر از نهیب نتوانستند ضربه اساسی به شما بزنند، اینکه جوانان کشور در ورود به میدانهای گوناگون این شجاعت و اخلاص را نشان می‌دهند، ناشی از مردم‌سالاری دینی است؛ این را باید خیلی قدر بدانیم.^۳

آزادی در این کشور تأمین شده است. بله، عده‌ای بی‌انصافی می‌کنند؛ از آزادی موجود استفاده می‌کنند و به‌دروغ می‌گویند آزادی وجود ندارد؛ رادیوهای بیگانه و تبلیغات بیگانه هم سخن آنها را بازتاب می‌دهند. واقع قضیه این نیست؛ امروز در کشور ما آزادی فکر هست، آزادی بیان هست، آزادی انتخاب هست؛ هیچ‌کس به‌خاطر اینکه فکرش و نظرش مخالف نظر حکومت است، مورد فشار و تهدید و تعقیب قرار نمی‌گیرد. هرکس ادعا کند که «من مورد فشار قرار گرفته‌ام چون عقیده‌ام در فلان مسئله برخلاف عقیده حکومت بوده»، هرکس این جور ادعایی بکند، دروغ گفته؛ چنین چیزی نیست. افراد متعدّد در رسانه‌های مختلف، افکار گوناگون ضد حکومت را - که عقیده‌شان است - ابراز می‌کنند و کسی هم با اینها کاری ندارد؛ بنا هم نیست که کسی متعرض اینها بشود. آزادی بیان هم هست؛ می‌توانند بگویند. بله، آزادی در همه‌جای دنیا چهارچوب دارد؛ آزادی یعنی «برخلاف قانون عمل کردن» وجود ندارد؛ آزادی یعنی «برخلاف دین و شریعت عمل کردن» وجود ندارد. چهارچوب آزادی در کشور ما، قانون اساسی ما و قوانین کشور و همه الهام گرفته از شریعت مطهر اسلام است؛ البته این هست. اینکه کسی توقع داشته باشد آزاد باشد و برخلاف قانون عمل کند، منطقی

۱. حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

۲. اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰

۳. دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا ۱۳۸۸/۱/۱

نیست و این وجود ندارد؛ بنابراین آزادی هست.^۱ در زمینه سیاسی پیشرفت کرده‌ایم. در زمینه سیاست داخلی، همین مدل جدید مردم‌سالاری دینی که ما به دنیا عرضه کرده‌ایم، همین انتخابات، همین دست‌به‌دست شدن قدرت اجرائی و قدرت تقنینی کشور، یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌ها است. مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری سالم است؛ بدون کارها و شگردها و خدعه‌هایی که در دنیا معمول است... این پیشرفت سیاسی ما است.^۲

مردم احساس می‌کنند که بر سرنوشت خود در مدیریت کشور و در برنامه‌های کلان کشور، آن‌ها هستند که تصمیم‌گیرند و نظارت می‌کنند و عمل می‌کنند؛ این مردم‌سالاری دینی است. یکی از خصوصیات این مردم‌سالاری این است که رابطه مردم و مسئولان به صرف رابطه قانونی منحصر نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر آن، رابطه عاطفی و ایمانی است؛ که ناشی از اعتقادات مردم، ناشی از بینش دینی مردم، ناشی از تعهد مردم به مبانی و اصول انقلاب است. این چیزی است که در دنیا ما نظیری برایش نمی‌شناسیم، که رابطه مردم با مسئولین، یک چنین رابطه مستحکم عاطفی و ایمانی و نشانه پایبندی به مبانی باشد؛ و همین است که مسئولین را هدایت می‌کند.^۳

۱۱- استقرار کامل استقلال سیاسی

انقلاب، استقلال کامل سیاسی را به کشور داد. امروز در میان این قدرت‌های بزرگ، یک قدرت وجود ندارد که بتواند ادعا کند خواست او، اراده او بر اراده ملت ایران اندک تأثیری دارد. این نکته بخصوص یعنی ایستادگی، استقلال، عزت سیاسی بیشترین جذابیت را برای ملت‌ها دارد. این که می‌بینید ملت‌ها نسبت به ملت بزرگ ایران احساس احترام می‌کنند، بخش عمده‌اش مربوط به این قسمت است: استقلال سیاسی.^۴

امروز کشور از استقلال برخوردار است و این خواسته عمومی این مردم در انقلاب بوده، یعنی واکنش ملت ایران به دو‌یست سال سلطه بیگانگان بر این کشور است. این را خوب است جوان‌های ما، اهل فکر و تحقیق ما، مورد توجه قرار بدهند. تا قبل از انقلاب، حدود دو‌یست

۱. دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

۲. دیدار مسئولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۲/۰۴/۳۰

۳. مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲/۰۵/۱۲

۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

سال قدرت‌های سلطه‌گر بر این کشور مسلط بودند و حکومت‌ها زیر سایه قدرت‌های بیگانه حکومت می‌کردند... لذا خواست عمومی ملت ایران این بود که از این حالت خارج بشود و استقلال پیدا کند. من می‌توانم عرض بکنم که امروز هیچ کشوری در دنیا، ملتی به استقلال ملت ایران ندارد؛ همه ملت‌های دنیا به نحوی از انحاء، نوعی ملاحظه‌کاری در مقابل قدرت‌ها دارند. آن ملتی که آرائش تحت تأثیر هیچ کدام از قدرت‌ها قرار نمی‌گیرد، ملت ایران است؛ بنابراین استقلال محفوظ ماند.^۱

ملت ایران ملتی است مستقل، آزاد، هوشمند و به‌شدت به هویت ملی و اسلامی خود علاقه‌مند؛ از هرگونه تهدیدی به‌شدت بیزار و متنفر و غیرپذیرای دخالت خارجیها و سلطه بیگانه؛ ملتی آقا و عزتمند که هر کس با این ملت از در صلح و مسالمت و دوستی و تعامل معمولی وارد شود، با ملتی خوب، پذیرا و علاقه‌مند روبه‌رو می‌شود؛ اما اگر کسی بخواهد به این ملت زور بگوید، تهدید کند، قصد سلطه بر آن را داشته باشد و دائم چنگ و دندان به آن نشان دهد، معلوم است که این ملت، ملتی نیست که زیر بار کسی برود.^۲

به نظر من اولین نعمتی که باید امروز ما خدا را به خاطر آن شکر کنیم، عزت و استقلال ملی است. یک روز در همین کشور، بالاترین مقام سیاسی آن برای تصمیم‌گیری‌های اساسی، منتظر اشاره سفیران انگلیس و امریکا بود. یک روز در همین تهران، رؤسای سه کشور متفق در جنگ بین‌الملل دوم، برای این کشور رئیس معین کردند؛ یکی را برداشتند، یکی را گذاشتند. در همین تهران، رؤسای دولت بدون اجازه کاخ سفید، معین نمی‌شدند؛ امینی بیاید، اقبال برود؛ فلان کس بماند، فلان کس برود؛ فلان وزیر در فلان‌جا نصب بشود یا نشود؛ سرنوشت ملت ما این بود. نفت را به فلان کشور بفروشید، در فلان پیمان بین‌المللی یا منطقه‌ای وارد بشوید یا حق ندارید وارد بشوید. برای ملتی با یک چنین مسئولان و سردمدارانی، غرور و عزتی باقی می‌ماند؟ بنابراین، اولین نعمت بزرگ الهی برای کشور، ملت و مسئولان ما، این است که عزت و استقلال ملی دارند. امروز هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند ادعا کند که بر نظام سیاسی کشور ما حاکم است و اشاره، تصریح، نهیب یا تهدید او می‌تواند اثری بر روی تصمیم‌گیری‌های ما بگذارد.^۳

ملت ما ثابت کرد که وابسته نبودن به آمریکا و قدرتهای بزرگ نه فقط موجب عقب‌افتادگی نیست، بلکه موجب پیشرفت است؛ دلیل واضح این است که شما این سی سال جمهوری

۱. دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

۲. دیدار مردم قم ۱۳۸۲/۱۰/۱۸

۳. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۰۳/۲۹

اسلامی را مقایسه کنید با سی سال بعضی از کشورهایی که در سایه آمریکا زندگی کردند، دل خودشان را به سالی دو سه میلیارد دلار کمک آمریکا خوش کردند و تسلیم آمریکا شدند؛ ببینید آنها کجایند، ما کجائیم؟ هستند کشورهایی که خودشان را به دم آمریکا بستند و دنباله‌رو آمریکایند. سی سال تجربه در مقابل ما است. ببینید سی سال جمهوری اسلامی چگونه گذشته است و جمهوری اسلامی و ملت ایران از کجا به کجا رسیده است، آن‌ها در چه وضعی هستند. هر کس این را مطالعه کند، خواهد فهمید که وابسته نبودن به قدرتهای بزرگ، برای یک ملت فرصت است، نه تهدید؛ و این فرصت را بحمدالله ملت ایران با قدرت خود، با شجاعت خود، با هوشمندی خود به دست آورده است.^۱

امروز ملت ایران در مقابله با دشمنان خود احساس قدرت می‌کند. این احساس قدرت، یک احساس کاذب نیست؛ یک احساس واقعی است؛ متکی به واقعیات است. این را دشمنان ما هم می‌دانند.^۲

الان آمریکایی‌ها که با ما دشمنند، با شخص این حقیر یا با چند نفر دولت‌مرد دشمن نیستند، بلکه با ملت دشمنند، چون ملت در اینجا همه‌کاره است؛ همه چیزهایی که آنها را خشمگین می‌کند و به غیظ و غضب وادار می‌کند، کارهای ملت است، عظمت ملت است.^۳ جمهوری اسلامی در چشم دشمنانش هیبت دارد؛ این هیبت ناشی از چیست؟ ناشی از امثال حقیر و مانند اینها است؟ ابداً، این ناشی از مردم است، ناشی از این حضور عظیم مردمی است، ناشی از این احساسات و عواطفی است که خودش را در همه عرصه‌ها و صحنه‌های حضور نشان می‌دهد؛ ... آن چیزی که مانع می‌شود دشمن اعمال دشمنی کند، ترس از حضور مردم است. می‌بیند که اگرچنانچه دشمنی بکند، نتیجه بعکس خواهد شد؛ برای خاطر اینکه یک کشور هشتاد میلیونی در مقابلش می‌ایستد. این شوخی است؟ هشتاد میلیون جمعیتیم ما؛ کشور باعظمت، با مردم آگاه و هوشمند، با نیروی انسانی قوی، با این همه جوان؛ این است که در چشم دشمن ابْهت ایجاد می‌کند، عظمت ایجاد می‌کند برای نظام جمهوری اسلامی. این را توجه داشته باشید.^۴

۱. حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۱/۱

۲. دیدار نیروهای مسلح استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۱

۳. دیدار با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

۴. دیدار با معلمان و فرهنگیان ۱۳۹۶/۲/۱۷

۱۲- تضعیف جبهه استکباری

این انقلاب و نظامی که به وجود آمد، از اوّل با دشمنی‌های سخت مواجه بود... قریب چهل سال است. هیچ غلطی نتوانستند بکنند. این نهال را آن وقتی که یک ترکه نازک بود روی زمین، نتوانستند بکنند، امروز تبدیل شده به یک درخت تناور؛ [مگر] می‌توانند بکنند؟ غلط می‌کنند. می‌گویند می‌خواهیم نظام جمهوری اسلامی را تغییر بدهیم؛ خب کی بوده که شما نخواست‌اید این کار را بکنید؟ همیشه خواسته‌اید، همیشه سرتان به سنگ خورده، همیشه دماغتان به خاک مالیده شده؛ بعد از این هم همین خواهد بود... جمهوری اسلامی را اینها نشناخته‌اند، ملت ایران را اینها نشناخته‌اند، مسئولین جمهوری اسلامی را نشناخته‌اند. ملت ایران آن ملتی است که از روز اوّل تا امروز، با همین جور توطئه‌ها و با همین جور حرفها مواجه بوده؛ آن‌ها خواسته‌اند به ملت ایران سیلی بزنند، [ولی] ملت ایران به آنها سیلی زده؛ آن‌ها خواسته‌اند نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند، [اما] یکی یکی در حسرت این آرزو به گور رفتند. شما ببینید از اوّل انقلاب، [تعداد] این کسانی که در آرزوی نابودی جمهوری اسلامی بودند و حالا از این دنیا با حسرت و با ناکامی رفتند در اعماق جهنّم، چقدر است. جمهوری اسلامی با اقتدار کامل [ایستاده]؛ بعد از این هم همین جور خواهد بود. این را همه بدانند -هم دشمن بدانند، هم دوستان با اخلاص بدانند، هم آن دوستانی که گاهی دلشان می‌لرزد بدانند- که جمهوری اسلامی مستحکم ایستاده است و بدانید آن‌ها نمی‌توانند به ما سیلی بزنند، ما به آنها سیلی خواهیم زد.^۱

این‌هایی که دشمنان ما هستند و مقابل ما هستند، خودشان هم اعتراف می‌کنند که رو به ضعفند و با وجود این، خوی استکباری را هم فراموش نمی‌کنند؛ یعنی همان روحیه استکباری که در طول این دو سه قرن اخیر، سه چهار قرن اخیر یاد گرفته‌اند که با دنیا و با همه از موضع بالا همیشه حرف بزنند، این را باز هم دارند و با همه این فضاحتها و عقب‌ماندگی‌ها، این روحیه استکباری را از دست نداده‌اند؛ لکن واقعش این است که از جهات مختلفی دچار افولند که خودشان می‌گویند.^۲

ما یک دشمنی از اوّل انقلاب تا امروز در مقابل خودمان مشاهده کرده‌ایم؛ از ساعات

۱. دیدار خانواده‌های شهدای مرزبان و مدافع حرم ۱۳۹۶/۳/۲۸

۲. گزیده‌ای از دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۸/۷/۴

اول انقلاب این دشمن ظهور پیدا کرد، حضور پیدا کرد و شروع کرد به مخالفت کردن، و این دشمن، دولت ایالات متّحده آمریکا بود؛ از همان اوّل -البته از وقتی که گنجی‌شان برطرف شد و آن ایّامی که نمی‌دانستند چه دارد اتّفاق می‌افتد گذشت- شروع کردند به مخالفت کردن، معارضه کردن. آمریکایی‌ها تا امروز که ما داریم اینجا صحبت می‌کنیم، انواع و اقسام دشمنی‌ها و ترفندها و حيله‌های گوناگون را برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی پیش برده‌اند، یعنی واقعاً هیچ نوع معارضه‌ای را شما سراغ ندارید که اینها نسبت به جمهوری اسلامی انجام نداده باشند؛ سازمان‌دهی کودتای نظامی کردند، قومیتها را تحریک کردند، صدام را به جنگ با ایران و حمله به ایران تحریک کردند؛ بعد در دوران جنگ به انواع و اقسام طُرق از او حمایت کردند، پشتیبانی کردند؛ تحریم کردند؛ در سازمان ملل علیه ما اعمال نفوذ کردند؛ تبلیغات شبانه‌روزی کردند؛ از هنر استفاده کردند؛ از هالیوود استفاده کردند برای ساختن فیلم علیه ما، نه یکی، نه دو تا؛ در برهه‌های مختلف حرکت نظامی کردند؛ هواپیمای ما را ساقط کردند؛ به برخی از مراکز ما در خلیج فارس حمله نظامی [کردند]؛ همه‌جور کاری را علیه جمهوری اسلامی انجام دادند؛ مخالفت‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی، فرهنگی؛ همه‌جور. هدف همه این کارها هم براندازی بود؛ حالا [اینکه] امروز این کلمه در تعبیرات مسئولین آمریکایی تکرار می‌شود، چیز جدیدی نیست؛ از روز اوّل هدفشان همین بود. حتّی همان رئیس‌جمهوری که تکرار می‌کرد و اصرار می‌کرد که هدف ما براندازی نیست، او هم هدفش براندازی بود که کاملاً این معنا واضح شد. خب در همه این قضایا هم مهم این است و جالب اینجا است که این همه علیه جمهوری اسلامی ضربه و حمله و نقشه و توطئه و مانند اینها [بود]، همه شکست خورده. شما امروز ملاحظه کنید، جمهوری اسلامی را مشاهده کنید، بعد از گذشت حدود چهل سال، با قدرت، با استقامت، با توانایی‌های گوناگون... دارد حرکت می‌کند، دارد پیش می‌رود؛ یعنی تمام آنچه آنها انجام دادند، همه نیرویشان را مصرف کردند، از طُرق مختلف استفاده کردند، همه اینها شکست خورده؛ مثل آن گربه معروف داستان «تام و جری»، در همه این تدابیر با حجم فراوان، بالاخره ناکام ماندند.^۱

افتخار جمهوری اسلامی امروز این است که ما در مجاورت مرزهای رژیم صهیونیستی نیرو داریم.^۲ ایجاد جنگ داخلی، ایجاد ناامنی، ایجاد بی‌ثباتی، ایجاد تروریسم، کاری است که متأسفانه امروز در این منطقه، سیاست قطعی آمریکا است. در مقابل این سیاست، نظام

۱. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲

۲. گزیده‌ای از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم

جمهوری اسلامی با قدرتِ تمام ایستاده است. عزیزان! برای هوشمندان عالم شگفت‌آور است که جمهوری اسلامی با اتکاء به خدای متعال و با تکیه به قدرتِ ملی توانسته است آمریکا را در عمده هدفهای خودش در این منطقه شکست بدهد. این حرفی نیست که ما اینجا بزنیم؛ این حرفی است که تحلیلگران سیاسی دنیا به آن اعتراف می‌کنند و از آن شگفت‌زده می‌شوند؛ این واقعیتی است. قدرت‌های استکباری بیش از آنچه در واقع توانایی و اقتدار داشته باشند، با تشر، با اخم، با ابراز قدرت، کار خودشان را پیش می‌برند. اگر ملّتی از این تشر نترسید، از این اخم جا نخورد، اگر ملّتی به قدرت خود اعتماد کرد، اطمینان کرد و با شجاعت قدم در میدان حق و عدالت گذاشت، ابرقدرت‌ها را به عقب‌نشینی وادار می‌کند و شکست می‌دهد. و این اتّفاق افتاده است؛ جمهوری اسلامی چهل سال است که آماج خرابکاری آمریکا و همدستان آمریکا است؛ در این چهل سال در جمهوری اسلامی چه اتّفاقی افتاده است؟ جمهوری اسلامی از یک نهال باریک تبدیل شده است به یک درخت برومند و پُرثمر.^۱

رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید که «حکومت ایران از قدرت آمریکا هراس دارد»؛ خب اگر ما از شما هراس داریم چطور دهه ۵۰ شما را از ایران بیرون ریختیم و دهه ۹۰ شما را از کلّ منطقه خارج کردیم.^۲ آمریکایی‌ها از ما عصبانی‌اند؛ علّت عصبانی بودن اینها هم همین‌طور که عرض کردم، یکی کوتاه شدن دستشان است؛ و امروز [هم] به‌خاطر این است که جمهوری اسلامی توانسته نقشه‌های آمریکا را در خاورمیانه به هم بزند؛ یعنی در این منطقه غرب آسیا که اینها خیلی با این منطقه کار داشتند و نقشه‌هایی داشتند. نقشه‌هایشان در لبنان، نقشه‌هایشان در سوریه، نقشه‌هایشان در عراق را جمهوری اسلامی توانسته به هم بزند. در شکست صهیونیست‌ها از حزب‌الله لبنان، این‌ها خب پشت قضیه بودند، همان‌وقت بود که وزیر خارجه آمریکا گفت که خاورمیانه در حال یک زایمان است؛ خیال می‌کردند که حالا دارد یک کار بزرگی انجام می‌گیرد.^۳

عصبانیت به‌خاطر این است که آمریکا یک نقشه‌ای برای این منطقه غرب آسیا... داشتند. محور اصلی این نقشه و قلب این نقشه عبارت بود از سوریه، لبنان، عراق؛ این سه کشور، سه محور و سه مرکزی بودند که این نقشه باید عمدتاً آنجاها پیاده بشود؛ چه جوری پیاده بشود؟ دولت‌هایی در این سه کشور بر سر کار بیایند که تسلیم مطلق و نوکر آمریکا باشند، هرچه آمریکا می‌خواهد اطاعت کنند و برای او عمل بکنند. نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این

۱. دانشگاه علوم دریایی امام خمینی رحمه‌الله نوسهر ۱۳۹۷/۰۶/۱۸

۲. دیدار بسیجیان ۱۳۹۶/۹/۱

۳. دیدار نخبگان جوان علمی ۱۳۹۶/۷/۲۶

است که تمام این منطقه می‌شود پانداژ رژیم صهیونیستی و در این منطقه همان از نیل تا فراتی که آنها گفته بودند به یک شکلی تأمین خواهد شد، ولو نه به شکل سیاست ظاهری، به شکل سلطه و نفوذ و تسلط معنوی و واقعی. این را می‌خواستند انجام بدهند. این‌ها می‌خواستند کاری بکنند که عراق، [این] کشور تاریخی باعظمت، با این همه افتخارات، تحت تسلط صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها قرار بگیرد؛ سوریه مرکز به این مهمی، کانون مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی، در واقع در اختیار رژیم صهیونیستی قرار بگیرد؛ لبنان هم که تکلیفش معلوم است. این‌ها این را می‌خواستند و این کار را می‌خواستند انجام بدهند.

حالا شما نگاه کنید به واقعیت، ببینید واقعیت با آنچه این‌ها می‌خواستند چقدر فاصله دارد! لبنان را نگاه کنید، نتوانستند هیچ غلطی بکنند؛ عراق را ملاحظه کنید، درست عکس آنچه آنها خواستند انجام گرفت؛ سوریه را ملاحظه کنید! البته در سوریه آمریکا و متحدینش جنایت‌های زیادی کردند، دست اینها تا مرفق به خون مردم سوریه آلوده است؛ در این شکی نیست؛ داعش را راه انداختند، همین تکفیری‌ها -جبهة النصرة و امثال اینها- را راه انداختند و مردم را به یک معنا قتل عام کردند، این کار را کردند لکن نتوانستند پیش ببرند. امروز شما نگاه کنید مسئله داعش، موضوع داعش در واقع دارد به پایان می‌رسد، تکفیری‌ها به‌طور کامل منزوی هستند، وضعی که آن‌ها می‌خواستند از بین برود تا به جای آن یک وضع دیگری به وجود بیاورند، استقرار بیشتری پیدا کرده، و درست نقطه مقابل آنچه آمریکا می‌خواستند تحقق پیدا کرده. وقتی آمریکایی‌ها نگاه می‌کنند، ایران را در این زمینه مؤثر و مقصر می‌دانند لذا عصبانی‌اند. خب به قول مرحوم آقای بهشتی «عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر!» خب حالا عصبانی باشند. مسئله این است، دعوا این است. اشتباه نباید کرد که کسی خیال کند که حالا مثلاً فرض کنید یک قدرت چنین و چنان در مقابل ایران قرار گرفته؛ خیر، آن عکس‌العملی که آنها دارند نشان می‌دهند، نشانه ضعف است، نشانه عقب‌ماندگی آنها است، و نشانه عصبانیت ناشی از شکست خوردگی آنها است. بینی‌شان به خاک مالیده شده.^۱

یکی از مظاهر شکست آمریکا این است که نتوانسته بر روحیه استقلال‌طلبی در ملت ما و بر روی جوانان ما اثر بگذارد. شما ببینید، امروز احساسات جوانان و نوجوانان عزیز ما در سرتاسر کشور احساسات استقلال‌طلبانه است. بعضی‌ها حتی به مبانی دینی هم خیلی پایبند نیستند اما نسبت به تسلط بیگانه احساس مقاومت می‌کنند؛ این نشان‌دهنده این است که آمریکا با این همه تبلیغات، با این همه تلاشی که انجام داده است، با این امپراتوری

خبری و رسانه‌ای که در دنیا راه انداخته، نتوانسته روی نسل جوان کشور ما اثر بگذارد؛ روحیه مقاومت آنها را و استقلال طلبی آنها را نتوانسته ضعیف کند و از بین ببرد. بجد این را من عرض می‌کنم -چون مشاهده می‌کنم- که امروز جوانهای ما از لحاظ انگیزه ایستادگی و مقاومت از جوان نسل اول انقلاب اگر جلوتر نباشند، عقب‌تر نیستند؛ امروز این را انسان دارد بدرستی مشاهده می‌کند. مخصوص جوانهای ما هم نیست، این بتدریج در بین جوانهای کشورهای دیگر هم تا آنجایی که ما اطلاع داریم، رسوخ پیدا کرده؛ بخصوص کشورهای همسایه ما.^۱

البته قدرتهای شیطانی دائم در حال توطئه و نقشه علیه ملت ایرانند؛ چون از ایستادن او، از اقتدار او، از استقلال او، از فکر بلند ابتکاری او برای زندگی ملی، در میان ملتها نگرانند. البته این قدرتها تلاش خودشان را می‌کنند و ان شاء الله همیشه هم شکست می‌خورند. رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که در این منطقه غرب آسیا هفت تریلیون دلار پول خرج کرده‌اند! خودش می‌گوید که صحبت میلیون نیست، صحبت میلیارد نیست، صحبت تریلیون است. «هفت تریلیون -هفت هزار میلیارد- دلار ما در این منطقه خرج کرده‌ایم و چیزی دستمان نیامد»، این را خود او می‌گوید؛ این معنایش شکست است؛ آمریکا در منطقه شکست خورده است. آمریکا در منطقه نتوانسته است، شیطان بزرگ با آن همه تلاش، با آن همه وسوسه و دمدمه نتوانسته است به مقصود خود در این منطقه برسد. پول را خرج کرده است، فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ؛ آیه قرآن است، پول را خرج می‌کنند اما سودی از آن نمی‌برند؛ بعد از این هم قدرتهای شیطانی در این منطقه هرچه پول خرج کنند، همین مطلب برایشان وجود دارد.^۲

اعتقاد من این است که در همه میدانهایی که آنها با ما پنجه درافکندند و مقابله کردند، ما پیروز شدیم. پیروزی به یکی از دو معنا؛ یا ما فائق آمدیم و غلبه کردیم، یا نگذاشتیم طرف مقابل پیروز شود و او را ناکام گذاشتیم.^۳

۱۳- تقویت جبهه مقاومت و ارائه الگوی مقاومت

آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع. در برابر طاغوتها امام مقاومت خودش را به همه دنیا کشید؛...

۱. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۰۸/۱۲

۲. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۹۷/۳/۲۵

۳. دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۹/۱۱

و به عنوان یک درس، به عنوان یک راه، برای ماها، برای ملت ایران، برای مبارزان، برای مسئولان کشور، این راه را نشان‌دار کرد و گذاشت تا از این راه حرکت کنیم. این مقاومت بتدریج از مرزهای جمهوری اسلامی فراتر رفت. نه اینکه ما بخواهیم این عنوان مقاومت را یا فکر مقاومت را صادر کنیم که بعضی‌ها -از سیاسیون، از دیگران- در گوشه و کنار اعتراض می‌کنند که چرا می‌خواهید انقلاب را صادر کنید. ما انقلاب را صادر نمی‌کنیم؛ انقلاب، فکر است، اندیشه است، راه است؛ اگر مورد پسند و قبول یک ملتی قرار بگیرد، به خودی خود آن ملت آن را می‌پذیرد... خود مقاومت مورد قبول ملتها قرار گرفت. امروز در منطقه ما، منطقه غرب آسیا، کلمه مشترک ملتها مقاومت است؛ مقاومت را همه قبول دارند. البته بعضی جرئت می‌کنند وارد میدان مقاومت بشوند، بعضی جرئت نمی‌کنند؛ اما آن کسانی هم که جرئت می‌کنند کم نیستند. همین شکستهایی که در این چند سال، آمریکایی‌ها در عراق و در سوریه و در لبنان و در فلسطین و مانند اینها داشتند، محصول مقاومت گروه‌های مقاومت است. جبهه مقاومت، امروز یک جبهه قوی است. البته این را ما انکار نمی‌کنیم که چون ما ملت ایران، مقاومت را دودستی چسبیدیم و پیش رفتیم و موفق شدیم، دیگران هم به مقاومت تشویق شدند. این را صاحب‌نظران غیر ایرانی، صاحب‌نظران سیاسی بین‌المللی هم گفته‌اند و تصریح کرده‌اند. یک چهره معروف بین‌المللی تحلیلگر -که آمریکایی هم هست، همه هم اسم او را شنیده‌اید- می‌گوید که یکی از مهم‌ترین علل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی همین است که جمهوری اسلامی مسیر مقاومت را در پیش گرفت و موفق شد، توفیق پیدا کرد، توانست بر موانع فائق بیاید؛ این یکی از علل دشمنی است.^۱

در قضیه مقاومت، آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند ریشه مقاومت را در غرب آسیا بکنند، مطمئن هم بودند که این کار را خواهند کرد؛ ما ایستادیم، ما گفتیم نمی‌گذاریم. امروز برای همه دنیا ثابت شده است که او می‌خواست و نتوانست، و ما خواستیم و توانستیم؛ این را همه در دنیا فهمیده‌اند. در مقابل ظلم باید ایستاد.^۲ در منطقه، جمهوری اسلامی -یعنی همین شما جوانها- توانستید آمریکای مستکبر را به زانو در بیاورید و شکست بدهید. تمام تلاشهایی که می‌کردند و نقشه‌هایی که کشیده بودند برای این [بود] که این منطقه را از تفکر انقلابی و اسلامی دور کنند؛ هدف همه اینها در واقع همین بود که این تفکر انقلابی را، تفکر مقاومت را که گسترش پیدا کرده در منطقه، این تفکر را از بین ببرند و دفن کنند، [ولی] بعکس شد!^۳

۱. مراسم سالگرد رحلت امام خمینی رحمه الله علیه ۱۳۹۸/۰۳/۱۴

۲. دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۶/۱۱/۱۹

۳. دیدار بسیجیان ۱۳۹۶/۹/۱

ما ملت ایران، امروز از لحاظ قدرت سیاسی، از لحاظ قدرت تأثیرگذاری بر تحولات دنیا و حضور در فعل و انفعالات منطقه خودمان، بلکه دیگر مناطق جهان، از اول انقلاب بمراتب قوی‌تریم. این مسئله، نمونه‌هایی دارد، شواهدی دارد؛ این را دشمنان ما می‌گویند. یکی از رؤسای رژیم جعلی صهیونیستی، که دشمن شماره یک ملت ایران و انقلاب ایران است، اعتراف می‌کند و می‌گوید - این‌ها عین عبارت اوست - امروز یک نیروی قدرتمندی وجود دارد که در خلاف جهت هدفهای ما پیش می‌رود و ایران رهبری این قدرت را به دست گرفته است. این سیاستمدارِ درمانده و حیرت‌زده اعتراف می‌کند و می‌گوید امروز پشت مرزهای ما خمینی خیمه زده است! یک سیاستمدارِ کهنه‌کار شناخته‌شده آمریکائی هم که ما با وضع او کاملاً آشنا هستیم، در یک جلسه‌ای مقایسه می‌کند آمریکای ۲۰۰۱ میلادی را با آمریکای ۲۰۱۱، می‌گوید - که این حرفها همه مال همین دو سه ماه اخیر است - کدام دیوانه‌ای وضعیت آمریکای ابرقدرت اول هزاره را به شرائط رقتبار آمریکا در سال ۲۰۱۱ - سال گذشته میلادی - تبدیل کرده است؟ بعد می‌گوید: این تحولاتی که اتفاق افتاده و به این وضع منتهی شده است، دامن‌زننده به این تغییر، ایران است. معنای این جملات این است که امروز ملت ایران توانسته است با حضور خود، با استقامت خود، با عزت خود، با صلابت خود، بر روی حوادث مهم جهان و حوادث مهم منطقه، این تأثیرات ژرف را باقی بگذارد.^۱

عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام می‌ترسانند؛ این‌ها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را می‌شکافیم و در مسئله دقت می‌کنیم، می‌بینیم که اینها همان اقلیتِ قلدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام می‌ترسند؛ از اسلام سیاسی می‌ترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع می‌ترسند؛ علت ترسشان هم این است که منافع آنها لطمه خواهد خورد. اسلام‌هراسی در واقع ترجمه هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند، مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سر کار آوردند و این نظام اسلامی را تثبیت کردند، پایه‌اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصوبیت و ایمنی دادند و روزبه‌روز قوی کردند؛ این، قلدرهای دنیا را می‌ترساند. اسلام‌هراسی‌ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغه آنها است، سراسیمگی آنها است؛ نشان می‌دهد که شما پیش رفتید؛ نشان می‌دهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به‌طور موفق تا اینجا پیش ببرد.^۲

۱. مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۱/۳/۱۴

۲. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

بنده بارها گفته‌ام، هر کاری که آمریکا و نظام سلطه همراه آمریکا، درباره ایران و علیه ایران و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی می‌توانستند انجام بدهند، انجام داده‌اند؛ هر کاری نکردند، چون نمی‌شده بکنند، یک دلایلی وجود داشته، به خاطر آن دلایل نمی‌شده انجام بدهند؛ هر کاری ممکن بوده انجام بدهند، انجام داده‌اند در دشمنی. و نتیجه این است که مشاهده می‌کنید؛ این درخت عظیم، این شجره طیبه، شجره طوبی، روزبه‌روز اقتدار پیدا کرده؛ این بنای مستحکم، هر روز مستحکم‌تر از گذشته خودش را به رخ دشمن می‌کشد. آن وقت اینجا است که واژه مقاومت معنا پیدا می‌کند؛ اینکه ما می‌گوییم «نیروهای مقاومت، جریان مقاومت، جبهه مقاومت»، یعنی این؛ یعنی یک حقیقتی به نام اسلام در دوران معاصر سر بلند کرده است که این حرکت عظیم اسلامی، صد سال پیش، پنجاه سال پیش نبود، امروز وجود دارد که گریبان نظام سلطه را محکم می‌گیرد و برای آزادی و عدالت اقدام می‌کند؛ این به وجود آمده؛ آن‌ها هر توانی که دارند، می‌خواهند در مقابل این به خرج بدهند که این را عقب برانند؛ اینجا است که «فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِرُّ»؛ هم دعوت لازم است، هم استقامت لازم است؛ مقاومت یعنی این.^۱

۱۴- عمق راهبردی و اعتبار بین‌المللی

یکی دیگر از نقاط مثبت ما در این مدت، ارتقای جهش وار در اثرگذاری در مسائل عمده منطقه و مسائل جهان است. امروز نظام جمهوری اسلامی، یک کشور اثرگذار است؛ «آری» و «نه» او در مسائل منطقه، حتی در مسائل جهانی اثر می‌گذارد؛ این برای کشور خیلی مهم است.^۲ ما یک عمق راهبردی در منطقه داریم که خیلی از ملتها و دولتهای منطقه طرفدار ما هستند، علاقه‌مند به ما هستند و حاضرند در خدمت هدفهای ما تلاش کنند.^۳ امروز کشور عزیز است. امروز در سطح منطقه تقریباً در همه مسائل منطقه تا ایران نخواهد تا ایران حضور نداشته باشد و اراده نکند کاری پیش نمی‌رود.^۴

امروز جمهوری اسلامی نقش غیرقابل‌انکاری در مسائل گوناگون منطقه و مسائل اساسی منطقه خود دارا است، که این را هیچ‌کس منکر نیست. مسائل منطقه ما، مسائل جهانی هم

۱. ۱۳۹۸/۰۹/۰۶

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۴/۱۱/۱۳۹۰

۳. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان ۱۰/۰۵/۱۳۹۹

۴. دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۹۵

هست؛ این هم ضمناً معلوم باشد.^۱ امروز بدون استثنا، در هر نقطه‌ای از دنیا -این را من با قاطعیت عرض می‌کنم- که یک ملّتی قیام کند، حرکت کند علیه مستبدی، علیه دولتی، علیه حکومتی، شعارش «مرگ بر آمریکا» است؛ یک‌روز شعار مرگ بر آمریکا فقط مال اینجا بود؛ امروز در منطقه غرب آسیا، در منطقه شرق آسیا، [حتّی] در خود اروپا، در منطقه آمریکای لاتین، در منطقه آفریقا، ملّت‌هایی که قیام می‌کنند، اولین شعارشان علیه آمریکا است.^۲

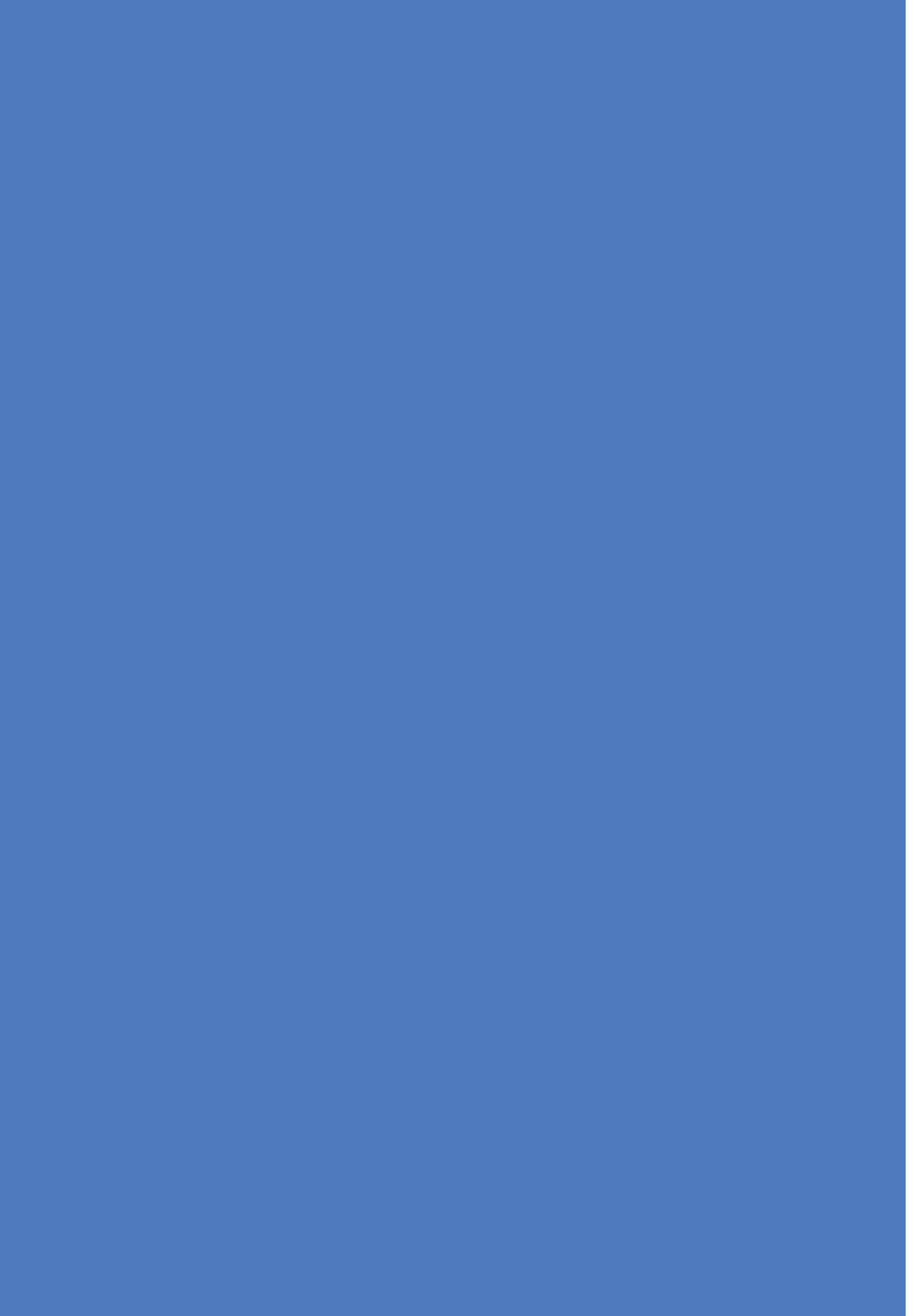
بنده موافق نیستم با این نظر که امروز وضع ما از لحاظ بین‌المللی وضع منفی است؛ به‌هیچ‌وجه. گاهی این مسئله در بعضی از اظهارات شنیده می‌شود، گفته می‌شود. نخیر، امروز وضع ما از لحاظ بین‌المللی بسیار خوب است. امروز جمهوری اسلامی در فضای سیاست بین‌المللی، به‌عنوان یک کشور محترم، اثرگذار، معتبر و متنفذ در دنیا شناخته شده است. این عزت بین‌المللی را که ناشی از عوامل خاص خودش است -حضور مردم، ایستادگی مردم، شعارهای روشن و واضح انقلاب در دست و زبان مردم و مسئولین- فلان حرکت یک دولتی در یک گوشه دنیا که حالا یک دهن کجی‌ای می‌کند، یک حرفی می‌زند، نمی‌تواند خدشه‌دار کند. این حرکت‌ها همیشه بوده. بعضی خیال می‌کنند اگر امروز فلان دولت مستکبر، چه در اروپا، چه در غیر اروپا، نسبت به جمهوری اسلامی یک حرفی می‌زند، یک چیزی می‌گوید، یک اظهارنظری می‌کند که اهانت‌آمیز به جمهوری اسلامی است، این معنایش تنزل رتبه جمهوری اسلامی است؛ نه، این‌ها هر وقت توانستند، کردند. آن زمانی هم که ما متأسفانه یک مقداری در مقابل دشمن کوتاه می‌آمدیم، از این کارها می‌کردند.

این جور نیست که ما حالا چون ایستادگی کردیم، چون استقامت به خرج دادیم، بگوییم اینها را سر لج آوردیم؛ نه. یک روزی در خطابه‌های مسئولینمان مناقب آمریکا ذکر می‌شد؛ همان روزها رئیس‌جمهور وقت آمریکا با سبک‌سری تمام، ایران را به‌عنوان محور شرارت معرفی کرد! یک روزی یکی از دولت‌های اروپائی نسبت به جمهوری اسلامی اظهار علاقه و ارتباط و اینها می‌کرد؛ همان دولت سر قضیه قهوه‌خانه میکونوس دادگاه تشکیل داد، مسئولین درجه یک کشور را در آن دادگاه متهم کرد! دولت‌های اروپائی با آنها همدست شدند، همه‌شان سفرای خود را از تهران فراخوانی کردند؛ این‌ها که یادمان نرفته. خواستند سیلی بزنند، البته سیلی سخت‌تری خوردند. از همین حسینیه آن‌چنان سیلی‌ای خوردند که بعد تا مدت‌ها دنبال علاجش بودند! هر وقت توانستند، آن‌ها درصدد سیلی زدن برآمدند. هر وقت ما کوتاه آمدیم،

۱. دیدار مسئولان نظام در روز دوازدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۲/۰۴/۳۰

۲. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۵/۸/۱۲

یک خرده‌ای سست برخورد کردیم، آن‌ها پرروتر شدند. نخیر؛ ایستادگی جمهوری اسلامی، تصریح به شعارهای انقلاب، تصریح به مبانی انقلاب، عزت ما را در دنیا بیشتر کرده است. امروز بحمدالله اعتبار بین‌المللی ما بسیار خوب است. متقابلاً دولت آمریکا- که دشمن قلدرِ صریحِ مقابل ما بود- امروز منفورترین کشور در منطقهٔ اسلامی است. در دنیا نظرسنجی می‌کنند- این را خودشان دارند اعلام می‌کنند- می‌گویند اعتبار و آبروی آمریکا در کشورهای اسلامی، در این منطقه، روزبه‌روز سقوط کرده و پائین رفته. البته اگر ملت‌های اروپا بفهمند که مشکلاتشان ناشی از آمریکا و ناشی از تسلط رژیم صهیونیستی بر سیاست‌های آن‌هاست، این افت محبوبیت آمریکا در اروپا هم به مراتب بیشتر خواهد بود و همهٔ این حرکات علیه آمریکا بسیج خواهد شد؛ و این چیزی است که در آیندهٔ نه‌چندان دوری اتفاق می‌افتد.^۱







فصل چهارم الزامات پایداری عظمت ملت ایران

ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایستهٔ ملت ایران در چشم جهانیان و عبورکرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است. اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنبالهٔ این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همهٔ میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرتهای گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیهٔ انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفتهٔ اسلامی بسازند.^۱

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مدخل

ملت ایران باید خود را قوی کند؛ این حرف من است. حرف، درباره اقتدار ملی است. من عرض می‌کنم به ملت عزیزمان که اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد، زور خواهد شنفت، به او زور می‌گویند؛ اگر ملتی قوی نباشد، باج‌گیران عالم از او باج می‌گیرند، از او باج می‌خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می‌شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد؛ چه نسبت به فرد، چه نسبت به ملت... مرگ در دنیایی که بر اساس افکار مادی اداره می‌شود، برای ضعیف امر طبیعی است... بعضی ملت‌ها هستند که تا قوی شدن، فاصله زیادی دارند؛ امیدی وجود ندارد که بخواهند در خود آن نیرویی را که بتوانند مقابله کنند با زورگویان و گردن‌کلفت‌های عالم، ایجاد کنند؛ اما ملت ما این جور نیست؛ ما اولاً استعداد قوی شدن، زیاد داریم؛ امکانات و ظرفیت‌ها هم زیاد داریم؛ ملت ما به سمت اقتدار ملی هم راه افتاده است و راه زیادی پیموده است... من وقتی نگاه می‌کنم، سه عنصر را پیدا می‌کنم... این سه عنصر اگر مورد توجه قرار گرفتند، یک ملت قوی می‌شود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ، و سومی علم و دانش.^۱

خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید؛ کشور را آماده کنیم برای اینکه نقش‌آفرینی کند. و این هم ممکن نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور؛ کشور را باید قوی کنیم. تقویت کشور متوقف است بر استفاده از همه ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که ما در داخل کشور و در بیرون کشور داریم. توجه بکنیم که ظرفیت‌های ما و توانایی‌های ما، فقط آن چیزهایی نیست که ما در داخل داریم؛ ما در بیرون کشور هم ظرفیت‌های مهمی داریم؛ طرف‌دارانی داریم، عمق راهبردی داریم؛ در منطقه، در کشور؛ بعضی به خاطر اسلام، بعضی به خاطر زبان، بعضی به خاطر مذهب شیعه؛ این‌ها عمق راهبردی کشور هستند؛ این‌ها جزو توانایی‌های ما هستند؛ از همه این توانایی‌ها باید استفاده کنیم... این‌ها کشور را قوی خواهد کرد.^۲

عزیزان من! اگر دشمن در ما وحدت را مشاهده کند، در ما احساس قدرت را ببیند - که ما احساس قدرت می‌کنیم - در ما عزم راسخ را ببیند، عقب می‌نشیند. دشمن اگر ببیند که ملت

۱. حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

۲. دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۶/۱۳

ایران و جوانهای مؤمن ایرانی احساس حضور می‌کنند، احساس وظیفه می‌کنند و قدرتمندانه در وسط می‌دانند، عقب‌نشینی خواهد کرد؛ اما اگر احساس کنند که ضعف هست، احساس کنند اختلاف هست، احساس کنند بین مسئولین کشور هم‌جهتی و هم‌سخنی وجود ندارد یا بین مردم و مسئولین کشور فاصله افتاده است، تشویق می‌شوند به اینکه شدت عمل خودشان را زیاد کنند.^۱ بایستی ملت ایران و دولت ایران و نظام جمهوری اسلامی کار را به جایی برسانند که طرف مقابل [دشمن] مأیوس بشود از اینکه بتواند ضربه اساسی وارد بکند. باید قوی بشویم؛ این را من بارها عرض کرده‌ام به ملت عزیزمان و به مسئولین هم در جلسات کاری، در جلسات خصوصی، در نگاه عمومی، مکرر مطرح کرده‌ام. بایستی این ابزارهای قدرت را -قدرت واقعی، نه قدرت پوشالی- در خودمان تقویت کنیم، ملت قوی بشود، کشور قوی بشود، [آنگاه] دشمن مأیوس خواهد شد.^۲

همه ما این را هم بدانیم که دشمنی این جبهه دشمنی که نام بردم، موسمی و فصلی نیست؛ این دشمنی، یک دشمنی ذاتی است، دشمنی همیشگی است، هر وقت بتواند ضربه بزند می‌زند. علاجش این است که ما خودمان را قوی کنیم؛ قوی از لحاظ نظامی، قوی از لحاظ امنیتی، قوی از لحاظ سیاسی، قوی از لحاظ اقتصادی. از جهات مختلف خودمان را قوی کنیم که دشمن نتواند ضربه بزند؛ و الا دشمنی او دشمنی ذاتی است. اینکه بعضی خیال کنند که اگر چنانچه ما یک قدم عقب رفتیم، یک کمی کوتاه آمدیم، آمریکایی‌ها دست از دشمنی برمی‌دارند، بسیار خطا است؛ خطای فاحشی است این فکر. اینکه بعضی فکر کنند که شما کاری نکنید که آمریکا عصبانی بشود -می‌گویند بعضی‌ها و در روزنامه‌ها می‌نویسند- درست نقطه مقابل فرمایش پروردگار عالم است: وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَرِعٍ أَخْرَجَ شَطَاةً فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ؛ رشد عناصر مؤمن، این نهالهای برومند، این جوانهای مؤمن، اصلاً برای این است که «لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»، تا دشمن عصبانی بشود؛ از همین هم بیشتر عصبانی‌اند. عصبانی‌اند از جوانهای عرصه علم، از جوانهای عرصه جهاد، از جوانهای عرصه خدمت، از جوانهای عرصه نظامی؛ از اینها عصبانی‌اند.^۳

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ... اِهْمِيَّتِ آيَاتِ اللَّهِ... موسی پیامبر عظیم‌الشان الهی مأمور است که آیات‌الله را به یاد مردم بیاورد. بعد می‌فرماید: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ. آیات‌الله آیه‌اند، نشانه‌اند، دلیل راهند. برای

۱. همایش ده‌هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

۲. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم (ص) و امام صادق علیه‌السلام ۱۳۹۹/۸/۱۳

۳. دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

چه کسانی؟ برای کسانی که این دو صفت را دارند: صَبَّارند و شکورند... خب، ایّام الله مهم است؛ بنده می‌خواهم درباره‌ی ایّام الله صحبت کنم؛ برای چه کسانی؟ برای مردمی که صَبَّارند و شکورند. صَبَّارند یعنی یکپارچه اهل استقامت و صبرند، به اندک چیزی از میدان خارج نمی‌شوند، ایستادگی می‌کنند. شکورند، یعنی اوّلاً نِعْمت را می‌شناسند، ابعاد پنهان و آشکار نِعْمت را می‌بینند؛ ثانیاً قدرشناس نعمتند، یعنی ارزش این نِعْمت را، وزن این نِعْمت را، قیمت این نِعْمت را می‌دانند؛ ثالثاً بر اساس آن احساس مسئولیت می‌کنند، بر اساس این نعمتی که خدا داده، احساس مسئولیت می‌کنند؛ ملّتی، جمعیتی، قومی که بی‌صبر نیستند، مسئولیت‌ناشناس نیستند.

این آیات، آیات سوره ابراهیم است، مکی است؛ یعنی در آن وقتی که مسلمانها در اوج مبارزات و ایستادگی و مقاومت در مقابل جریان کفر قرار داشته‌اند، در آن وقت این آیات نازل شده است، به آنها مژده می‌دهد، به مردم می‌گوید که بدانید که خدای متعال ایّام‌اللّهی دارد، آن ایّام‌الله را به شما نصیب خواهد کرد؛ باید شما شکرگزار ایّام‌الله باشید. اگر واکنش درست و شاکرانه نشان دادید از آنچه که خدای متعال به شما داده است، خدای متعال به شما پیروزی‌های بیشتری را در آینده خواهد داد... .

این دو هفته‌ای که بر ما گذشت، دو هفته پُرماجرا و استثنائی بود؛ ماجراهای تلخ، ماجراهای شیرین، حوادث درس‌آموز در این دو هفته برای ملّت ایران پیش آمد. یوم‌الله یعنی چه؟ یعنی آن روزی که دست قدرت خدا را انسان در حوادث مشاهده می‌کند؛ آن روزی که ده‌ها میلیون در ایران، و صدها هزار در عراق و بعضی کشورهای دیگر به پاس خون فرمانده سپاه قدس به خیابانها آمدند و بزرگ‌ترین بدرقه جهان را شکل دادند، این یکی از ایّام‌الله است. آنچه اتّفاق افتاد، کار هیچ عاملی جز دست قدرت خدا نمی‌توانست باشد. آن روزی هم که موشکهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پایگاه آمریکایی را در هم کوبید، آن روز هم یکی از ایّام‌الله است. ما این دو روز را جزو ایّام‌الله در همین چند روز گذشته، در همین دو هفته گذشته، در مقابل چشم خودمان ما ملّت ایران مشاهده کردیم؛ این‌ها روزهای نقطه عطف تاریخند، روزهای تاریخ‌سازند، روزهای عادی نیستند اینها. این که یک نیرویی، یک ملّتی، این قدرت را دارد، این توان روحی را دارد که به یک قدرت متکبّر زورگوی عالم این جور سیلی بزند، نشان‌دهنده دست قدرت الهی است، پس آن روز جزو ایّام‌الله است؛ روزها تمام می‌شوند، لکن تأثیرات این روزها در زندگی ملّتها باقی می‌مانند؛ در روحیه ملّتها، در منش ملّتها، در مسیر ملّتها، آثاری که این روزها باقی می‌گذارند آثار ماندگار و بعضاً جاودانه است.

خب، حالا جامعه ایرانی به نظر ما یک جامعه صبار و شکور است؛ ملت ما ملت پُراستقامتی است و ملت شکرگزاری است. در طول این سالهای متمادی، ملت ایران همواره سپاسگزار الطاف الهی در طول این سالها بوده است. ما ملت صبار و شکور باید از این آیات درس بگیریم. گفتیم اولین مسئله این است که ابعاد مادی و معنوی این پدیده را شناسایی کنیم. من عرض می‌کنم پس از ۴۱ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، این جمعیت بی‌نظیر را کدام دست قدرتی به میدان آورد؟ این اشک و عشق و شور را چه کسی پدید آورد؟ کدام عاملی می‌توانست یک چنین معجزه‌ای را نشان بدهد جز دست قدرت الهی؟ آن کسانی که دست قدرت خدا را نمی‌توانند در این حوادث ببینند و تحلیل‌های مادی در این مسائل می‌کنند، عقب می‌مانند. باید دست قدرت خدا را دید. بُعد معنوی و بسیار مهم این حادثه همین است که خدای متعال این کار را می‌کند. وقتی خدای متعال یک چنین حرکتی را در ملت به وجود می‌آورد، انسان باید احساس کند که اراده الهی بر پیروزی این ملت است. این نشان‌دهنده این است که اراده الهی بر این است که این ملت در این راه و در این خط حرکت کند و پیروز شود. نشان‌دهنده معنویات و باطن این ملت هم هست. این عشق و این وفا و این ایستادگی و در این بیعت بزرگ با خط امام، مردم با این حضورشان در میدان با خط امام بیعت کردند؛ بیعتی با این عظمت، آن هم بعد از گذشت بیش از سی سال از رحلت امام بزرگوار این جور با امام، مردم بیعت می‌کنند، این جور امام زنده است... .

اما اینکه ما بیاییم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت‌گذاری کنیم، قدر آنها را بدانیم و ببینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است؛ در صورتی تحقق پیدا می‌کند که ما به حاج قاسم سلیمانی -شهید عزیز- و به ابومهدی -شهید عزیز- به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمیّت این قضیه روشن خواهد شد. قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد. سپاه قدس را به عنوان یک مجموعه و سازمان اداری صرفاً نبینیم؛ بلکه به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی مشاهده کنیم. اگر این جور شد، آن وقت این اجتماع مردم، این تجلیل و تعظیم مردم، تکریم مردم معنای دیگری پیدا می‌کند... خب، با این نگاه، ما می‌توانیم ملت ایران را و معنویات ملت را و باطن ملت را کشف کنیم. این کسانی که به خیابان آمدند، میلیون‌ها انسانی که در تهران و در قم و در کرمان و در خوزستان و [دیگر شهرها] آمدند زیر جنازه این عزیزان راه رفتند، و کسانی که از دور دیدند و اشک ریختند، و کسانی که در شهرهای مختلف توانستند از دور

برای اینها عزاداری بکنند - که واقعاً ده‌ها میلیون جمعیتِ ملتِ ما در این آزمون بزرگ شرکت کردند - می‌شود باطن اینها را، حقیقت اینها را تشخیص داد. ملت از هر جناح و حزب، از هر مجموعه، از هر قوم، از هر خصوصیت جغرافیایی، در این جهت مثل همنده؛ طرفدار انقلابند، طرفدار حاکمیت اسلامند، طرفدار ایستادگی در مقابل ظلمند، طرفدار «نه» گفتن به همهٔ مطامع دولتهای استکباری و استعماری‌اند.

ملت ایران نشان داد که از خطّ مجاهدتِ شجاعانه دفاع می‌کند، ملت ایران نشان داد که به نمادهای مقاومت عشق می‌ورزد، ملت ایران نشان داد که طرفدار مقاومت است، طرفدار تسلیم نیست. آن کسانی که سعی می‌کنند چیز دیگری را از ملت بزرگ ما به مردم و به افکار بیگانگان یا افکار عمومی داخل نشان بدهند، با صدق و صفا با مردم رفتار نمی‌کنند؛ ملت این است، ملت طرفدار ایستادگی است، طرفدار مقاومت است، ملت طرفدار ایستادگی در مقابل زورگویی دشمنان است... ملت ایران در این قضیه خود را نشان داد، باطن خود را نشان داد، قاعده و زیربنای فکری خود را ملت ایران نشان داد؛ احساسات صادقانهٔ خود را ملت ایران نشان داد؛ این فریاد انتقامی که از مردم شنیده شد در سرتاسر کشور، در واقع این فریاد انتقام، سوخت حقیقی موشکهایی بود که پایگاه آمریکایی را زیر و رو کرد.

... خب حالا که ملت ایران این حادثه را شناخت، قدر و قیمت آن را دانست؛ حالا باید چه کار کنیم؟ من در یک کلمه عرض می‌کنم: ملت عزیز ایران باید هم‌متشان این باشد که قوی بشوند. تنها راه در پیش پای ملت ایران عبارت است از قوی شدن؛ باید تلاش کنیم قوی بشویم؛ ما از مذاکره هم ابائی نداریم؛ البته نه با آمریکا، با دیگران؛ اما نه از موضع ضعف، از موضع قوت، از موضع قدرت. ما بحمدالله دارای قدرتییم و به توفیق الهی قوی‌تر هم خواهیم شد. البته قدرت فقط قدرت نظامی نیست؛ قدرت، قدرت نظامی نیست؛ اقتصاد کشور باید قوی شود، وابستگی به نفت بایستی تمام بشود، نجات پیدا کنیم از وابستگی اقتصادمان به نفت؛ جهش علمی و فناوری باید ادامه پیدا کند؛ پشتوانهٔ همهٔ اینها هم حضور مردم عزیزمان در صحنه است. باید ملت ایران و مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملت باشد، با اتحاد، با حضور، با صبر و استقامت و با کار سخت و پرهیز از تنبلی؛ این اگر [محقق] شد، به توفیق الهی، به فضل الهی، ملت ایران در آیندهٔ نه چندان دوری آنچنان خواهد شد که دشمنان حتی جرئت تهدید هم پیدا نکنند.^۱

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

علاج مشکل ما با دشمنان قوی پنجه بی‌رحم بین‌المللی این است که باید قوی بشویم.^۱ ما مکرر عرض کرده‌ایم ایران باید قوی بشود؛ اگر قوی بشود، دشمن مایوس می‌شود، توطئه‌های دشمن در نطفه خفه می‌شود و به نتیجه نمی‌رسد؛ این نتیجه قوی شدن است... آنچه برای ما مهم است این است که ما، هم خودمان را در خط مستقیم الهی، در صراط مستقیم الهی حفظ کنیم، هم نگذاریم حرکتان کُند بشود؛ این مهم است. حرکت نظام اسلامی و جامعه اسلامی به سمت اهداف والای اسلامی از دُور نباید بیفتد. الان هم حرکت هست؛ نه اینکه کمبود نیست، نه اینکه بدعملی نیست، نه اینکه سوء مدیریت نیست؛ چرا، این‌ها هم هست؛ اگر نبود، حرکت ما بهتر بود، بیشتر بود، جلوتر می‌رسیدیم، بهتر می‌رفتیم، گره‌ها را راحت‌تر باز می‌کردیم؛ اما با اینکه این ضعفها وجود دارد، حرکت وجود دارد.^۲

از سه زاویه و نگاه کلی به موقعیت کشور می‌شود نگاه کرد؛ یک زاویه عبارت است از اینکه یک حقیقت روشنی وجود دارد و آن اینکه جمهوری اسلامی امروز طرف یک مبارزه وسیع و عظیمی در سطح جهانی است؛ یک مبارزه جدی که یک طرف آن، نظام جمهوری اسلامی است، یک طرف جبهه کفر و ظلم و استکبار است... از طرف دیگر، مبارزه جبهه کفر و استکبار با جمهوری اسلامی برای این است که یک الگو به وجود نیاید... ما از این کارشکنی‌ها نمی‌توانیم صرف نظر کنیم، یا اینها را ندیده بگیریم؛ این‌ها وجود داشته، الان هم وجود دارد. بنابراین یکی از زاویه‌های دید ما نسبت به موقعیت کشور، به این قضیه بر می‌گردد که بدانیم جمهوری اسلامی درگیر یک چنین نبرد سیاسی، نبرد فکری، نبرد نرم و جنگ نرم و احياناً برخوردهای سخت با جبهه وسیع ظلم و کفر و استکبار است.

زاویه دید دیگر به موقعیت کشور این است که ما توجه کنیم، ظرفیت کشور برای مقابله بالا است؛ ما برای مقابله با همین جبهه وسیعی که قدرتمند هم هست، و از قدرتهای ظاهری برخوردار است، از ظرفیتهای بسیار بالایی برخورداریم... ما به موقعیت کشور اگر بخواهیم از این زاویه دید نگاه کنیم، باید اعتراف کنیم و قبول بکنیم که ظرفیت کشور برای مواجهه با دشمن -چه در زمینه مسائل نظامی، چه در زمینه مسائل علمی، چه در زمینه مسائل اجتماعی، چه در زمینه مسائل فرهنگی و غیره- ظرفیت بسیار بالایی است و ما راحت می‌توانیم با این جبهه مواجهه و مقابله کنیم و بر او پیروز بشویم؛ یعنی این امید به پیروزی یک امید موهومی نیست، یک امید متکی به این واقعیت روشن است.

۱. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

۲. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

یک زاویه دید دیگر هم وجود دارد و آن احساس قدرت و عزّتی است که در کشور نهادینه شده، که این خیلی چیز مهمّی است؛ یعنی در کشور یک احساس نهادینه شده‌ای در عموم تقریباً وجود دارد. حالا بعضی‌ها منفی‌بافی می‌کنند و ضعفهایی را که در وجود خودشان هست، به کشور، به جامعه، به نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند لکن واقعیت قضیه این است که خوشبختانه در کشور یک احساس عمومی عمیقی وجود دارد و آن، احساس عزّت و قدرت است... پس شرایط کشور، این‌ها است. آن جبهه‌بندی هست، آن دشمنی هست، آن ظرفیتهای هست و این احساس عزّت و قدرت هم در کشور وجود دارد^۱

بنده قبلاً مکرّر راجع به «ایران قوی» صحبت کرده‌ام؛ یعنی ما باید تلاش کنیم کشور را قوی کنیم. خب، کشوری و ملّتی که می‌بیند دشمنی‌های دشمنان و زیاده‌خواهان و مستکبران را، راه کار و علاجش این است که خودش را قوی کند. این قوّت کشور و «ایران قوی» یک شعار عمومی است، این را همه قبول دارند؛ آن کسی که بنده را هم قبول ندارد، شعار «ایران قوی» را قبول دارد. مسلّمأ ایران قوی بهتر از ایران ضعیف و ناتوان و توسری‌خور است؛ ایران قوی، ایران عزیز و دارای عزّت. خب حالا این قوّت را چه کسی به ایران می‌بخشد؟ همان طور که عرض کردیم، ملّت؛ ملّت هستند که این قوّت را به کشور می‌بخشند.^۲

۱. ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

۲. دیدار نوروزی ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

گفتار اول: افزایش نورانیت دل و ارتباط با خدای متعال و اهل بیت علیهم السلام

جامعه اسلامی و انقلابی ما اگر چنانچه از ذکر الهی و یاد الهی و خشوع در مقابل پروردگار و تضرع در مقابل پروردگار غافل بشود، مطمئناً ضربه خواهد خورد، سیلی خواهد خورد؛ مطمئناً ناکام خواهد شد. ما به آن اهداف والا، به آن خواسته‌های مطلوب، در صورتی می‌رسیم که بتوانیم یک تلاش مؤمنانه و صادقانه‌ای را دنبال بکنیم؛ و آن جز با توجه به خدای متعال و افزایش نورانیت دل و ارتباط دل با خدای متعال ممکن نیست.^۱

با توجه به خدای متعال «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» فضل خدا را بخواهید در همه امورتان؛ در امور شخصی، در امور اجتماعی، در امور سیاسی، در امور بین‌المللی. و خدای متعال پاسخ خواهد داد. وقتی شما اطمینان به فضل الهی و برکات الهی پیدا کردید، اولین خاصیتش این است که احساس قدرت می‌کنید، احساس نیرومندی می‌کنید، ضعف و ترس و مانند اینها از شما دور می‌شود؛ خیلی با عظمت است، خیلی با ارزش است. احساس دیگری که در شما به وجود می‌آید، چون متکی به خدا، متکی به قدرت لایزال، متکی به نعمت بی‌زوال هستید، ایجاد امید است، در شما امید به وجود می‌آید، امید رشد می‌کند، دل شما روشن می‌شود به نور امید؛ وقتی امید بود، توکل بود، اعتماد به نفس بود، اتکاء به قدرت الهی بود، آن وقت یک ملت، شکست‌ناپذیر می‌شود؛ یک انسان، تبدیل می‌شود به یک عنصر لایزال از لحاظ اقتدار، از لحاظ حرکت، از لحاظ پیشرفت... اینکه ما را توصیه می‌کنند به دعا کردن، به تضرع کردن، برای این است که گم نکنیم خودمان را، خطا نکنیم؛ خودتان را کوچک نشمرید، ضعیف نشمرید؛ اگر متکی به منبع لایزال قدرت و ثروت باشید، آن وقت دیگر هیچ احتیاجی به کسی ندارید؛ اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هَبَةِ الْوَهَّابِينَ بَهْتِكَ وَكَفِنَا وَحَشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصَلَّتِكَ؛ همه دنیا هم که رو برگردانند، شما قدرتمندید. یک ذره از این احساس در ملت ایران به وجود آمده،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

چهل سال است که در مقابل قدرتهای پُرووی و قیج بی‌شرم متکبر دنیا، با قدرت تمام ایستاده است. آنچه من و شما در این مقوله داریم، یک اندکی از بسیار است؛ هرچه بیشترش کنیم، این اقتدار و این توانایی بیشتر می‌شود.^۱

یکی از مهمترین خصوصیات انقلاب اسلامی ایران این است که در طول این سی و دو سال، با وجود راهی دشوار و طولانی، با این همه مزاحمت، با این همه معارضة، با این همه سیاستهای برخورد گوناگون، با شکلهای مختلف و از جوانب مختلف، این خط مستقیم در انقلاب مطلقاً زاویه پیدا نکرده است... و این به برکات معنوی الهی است که از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) و نام مبارک زهرای اطهر و نام مبارک حضرت بقیة‌الله و توجهات این بزرگوار برای ما حاصل شده؛ این‌ها را باید نگه داریم؛ این‌ها را باید دودستی برای خودمان حفظ کنیم. این توجه را، این توسل را، این توجه به اهل بیت (علیهم‌السلام) را، این از خدا دانستن را، به خود غره نشدن را باید برای خودمان نگه داریم.^۲

انسان وقتی به مسائل نگاه می‌کند و می‌خواهد از یک افق بالاتری مسائل را بررسی کند، متحیر می‌ماند: این چه قدرت الهی است که اینجور دل‌های ما را، جان‌های ما را به سمت اهداف خودش حرکت می‌دهد؟ کار خداست. خدا با شماست. این خداست که شما را هدایت می‌کند. این خداست که دل‌های من و شما را متوجه به راه درست می‌کند. بایستی ارتباط خود را با خدا حفظ کنیم، مستحکم کنیم. خاصیت یک حرکت الهی همین است: همت‌های مردم، کارهای مردم، عزم و اراده مردم، حضور مردم، در کنار توجه به خدا، در کنار دل‌های آماده برای تضرع؛ این‌ها خیلی مهم است. ارتباط خود را با خدا قوی کنیم. نگذاریم دل‌های ما متمایل به سمتی شود که ما را از راه خدا دور کند؛ «رَبَّنَا لَئِنْ غَلَبْنَا بَعْدَ ذَٰلِكَ نَؤْتِيهِمْ لَنُؤْمِنَنَّ لَهُمْ فَاغْرِبْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ»؛ این دعائی است که قرآن به ما یاد می‌دهد.^۳

ببینید! معیت الهی این قدر اهمیت دارد. اینکه می‌گویند: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ، این معیت را باید قدر دانست. اگر من و شما بتوانیم این معیت الهی را حفظ کنیم، بدانید آمریکا که هیچ، اگر ده برابر قدرت آمریکا هم کسانی در دنیا نیرو داشته باشند، این نیرویی که خدا با او است، بر آنها غلبه خواهد کرد.^۴ اگر مؤمن باشیم، اگر در ذیل عنایت توکل به خدا و امید به خدا عقلانیت را به کار بیندازیم، آن وقت این باب برای ما باز خواهد شد؛ نه

۱. دیدار افشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

۲. دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت علیه‌السلام ۱۳۹۰/۳/۳

۳. دیدار جمعی از مردم استان گیلان ۱۳۸۹/۱۰/۸

۴. دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳

اینکه عقلانیت را تعطیل کنیم، نه اینکه محاسبات مادی را کنار بگذاریم؛ نه، همه اینها لازم است و ما هم همیشه تأکید می‌کنیم، اما در کنار این، یک جایی بگذارید برای مدد الهی... در این ۳۷، ۳۸ سالی که از اوّل انقلاب گذشته، در همه مسائل انقلاب همین جور بوده و ما همیشه مدد الهی را مشاهده کرده‌ایم.^۱

دشمنان ملت ایران، دشمنان گردن کلفتی هستند. همه زورگوها، همه چپاولگرها، همه سرمایه‌دارهای بزرگ، همه باندهای قدرت، همه مافیاهای ثروت و پول، در مقابل شما هستند. شما راه اینها را زدید، برای اینها مشکل درست کردید. ملت ایران در این سی سال خیلی اثرگذار حرکت کرده... این دشمنها امروز درصدد این هستند که ملت ایران را از محتوای برانگیزاننده آن - که همین ایمان روشن مستدل باشد - خالی کنند. انواع شیوه‌ها را به کار می‌برند؛ ترویج‌های باطل می‌کنند، سرگرمی درست می‌کنند، سرگرمی‌های فکری درست می‌کنند، سرگرمی‌های شهوانی درست می‌کنند، سرگرمی‌های سیاسی درست می‌کنند، فتنه درست می‌کنند؛ این‌ها همه یک سیاست است. خوب، در مقابل اینها چه کار باید کرد؟ باید این ایمان را که مایه قیام و ایستادگی و ثبات ملت ایران است، تقویت کرد. یکی از عواملی که می‌تواند این کار بزرگ را انجام دهد، همین گسترش معارف اسلامی و معنوی و انقلابی به شکل روشن و پراکندن هرچه بیشتر محبت اهل بیت در دلها و در روح‌های انسان‌هاست؛ این مسئولیتی است که امروز همه ما داریم.^۲ توصیه بعدی که بسیار توصیه مهمی است، توصیه به توسّلات و توجّهات به پروردگار و درخواست کمک الهی است؛ این یک امر لازمی است و قرآن کریم به ما دستور می‌دهد: *قُلْ مَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛* در یک جای دیگر: *وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ؛* در یک جای دیگر: *وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً؛* و موارد متعدّدی در قرآن هست که ما را دستور می‌دهند در مقابل حوادث گوناگون... دست توسّل بلند کنیم به خدای متعال و از خداوند متعال بخواهیم.^۳

آنچه یک ملت از این طریق و از طرق معنوی به دست می‌آورد، یک پشتوانه‌ای می‌شود، ذخیره‌ای می‌شود برای اینکه بتواند در همه میدانهای زندگی، با اراده‌راسخ و با عزم مقاوم در مقابل مشکلات پیش برود؛ بن‌بست‌ها را باز کند، کارهای بزرگ انجام دهد. پشتوانه همه اینها، این معنویت است. کسی مثل امام بزرگوار ما که یک‌تنه وارد شد و توانست به برکت عزم و اراده‌راسخ و ایمان و توکل، همه ملت را بسیج کند و این حرکت عظیم را راه بیندازد، بیش از هر چیز متکی بود

۱. دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۵/۱۱/۱۹

۲. دیدار جمعی از مداحان ۱۳۸۹/۳/۱۳

۳. بیانات پس از کاشت نهال در آستانه روز درختکاری ۱۳۹۸/۱۳/۱۲

به همان جوشش قلبی، معنوی، روحی، توکل، معرفت، عبادت. تا آخر عمر هم این بزرگوار با وجود پیری و ناتوانی و شکستگی، نیمه شب برمیخاست، اشک می‌ریخت... شب با آن حالت، آن وقت روز مثل شیر غرّانی می‌آمد توی میدانها، قدرت‌ها را شکست می‌داد، ضعف‌های ملت را برطرف می‌کرد، اراده‌های همه ما مردم را تقویت می‌کرد و راه می‌انداخت؛ به برکت آن پشتوانه معنوی. یک‌یک شما مردم عزیزمان - بخصوص جوانها، بخصوص جوانها - می‌توانید به همان منبع و معدن عظیم قدرت، با توکل، با ارادت، متصل شوید و استفاده کنید و استفاضه کنید و نورانی شوید و نقش ایفا کنید.^۱

در این راه عظمت و عزّتی که ملت ایران در پیش دارد، توجّه به خدا و توکل به خدا و ارتباط با خدا، یک نقش بزرگ و اساسی دارد. عده‌ای غافلند، همه‌اش روی محاسبات مادی محض محاسبه می‌کنند؛ در محاسباتشان معنویت و کمک الهی و توکل به خدا و حسن ظنّ به وعده الهی کأنّهی هیچ راهی ندارد. خب این محاسبات مادی را مستکبرین عالم هم دارند می‌کنند، بهتر از شما هم می‌کنند، چرا روز به روز عقب می‌روند؟ چرا دچار این همه مشکلات می‌شوند؟ چرا مجبور می‌شوند ظلم کنند؟ چرا مجبور می‌شوند لشگرکشی کنند... این به خاطر قطع ارتباط با مبدأ هستی است؛ این به خاطر قطع ارتباط با معدن نور و عظمت است؛ فَتَصِلْ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ، وَتَصِيرَ أَرْوَاحًا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكِ؛ این‌ها لازم است. امروز برای ملت ایران این زمینه آماده است.^۲

یک نکته اساسی در اینجا وجود دارد که همه ما باید به آن توجه کنیم... و آن، احساس تکلیف است؛ اخلاص نیت و عمل برای خداست. این اگر شد، همه مشکلات حل خواهد شد، همه راهها گشاده خواهد شد؛ این اگر شد، رحمت الهی و کمک الهی شامل حال خواهد شد؛ «ان تَقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»... این اگر شد، توهم غلط انهزام در مقابل دشمن و تسلط دشمن از بین خواهد رفت. توکل به خدا، ارتباط با خدا - که ناشی از این نیت خالص است - همه مشکلات را حل می‌کند. انقلاب هم همین جور پیروز شد. اگر امام بزرگوار ما - که حقیقتاً رهبر به تمام معنی‌الکلمه بود - این توکل را، این اخلاص را نداشت، قطعاً این انقلاب پیروز نمی‌شد. اگر مردمی که آمدند توی میدان، نخبگانی که مردم را کشاندند وسط میدان، این اخلاص را، این کار برای خدا را نمی‌داشتند، کار پیش نمی‌رفت. در دوران دفاع مقدس هم همین جور بود... راز اصلی این است: دنبال تکلیف باشیم، دنبال کسب رضای الهی باشیم.^۳

۱. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۲/۲۵

۲. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۳/۲۲

۳. دیدار نمایندگان مجلس نهم ۱۳۹۱/۳/۲۴

گفتار دوم: اطمینان به نصرت الهی و نقاط امیدبخش

انقلاب از روز اول تا امروز هر قدمی برداشته است، قدمی بوده است که نوید قدم بعدی را به ما می‌داده؛ هرگز در دالان یأس و ناامیدی قرار نگرفتیم؛ همیشه فرج در مقابل ما بود.^۱ یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه روشن، این نقطه امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمی‌رود. این خوشبختانه در کشور ما، برای جامعه ما، برای مردم ما، کاملاً در دسترس است؛ نقطه روشن عبارت است از ظرفیتهای ملی‌ای که ما اینها را شناخته‌ایم؛ یعنی امروز حتی شما جوانها ظرفیتهای ملت خودتان را شناخته‌اید پس ما این نقطه امید را داریم. البته نقاط امید زیاد است؛ یکی‌اش این است. یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه مقابل ما است بنده به طور قاطع می‌گویم - البته یک عده‌ای فوراً بنا می‌کنند توجیه و تأویل و انکار و مانند اینها، لکن بنده قاطعاً این را می‌گویم، می‌توانم این را ثابت هم بکنم که حالا وقتش نیست - امروز تمدن غربی دچار انحطاط است، یعنی واقعاً در حال زوال است: «عَلَى سَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارِيه فِي نَارٍ جَهَنَّمَ»؛ لب گودال است؛ این جوری است. البته حوادث و تحولات جوامع بتدریج اتفاق می‌افتد؛ یعنی زود احساس نمی‌شود. حتی خود اندیشمندان غربی این را احساس کرده‌اند و بر زبان می‌آورند و می‌گویند. این هم یکی از نقاط امید ما است. تمدن غربی، تمدن مادی در مقابل ما قرار دارد و رو به فرسودگی است. این هم یکی از نقاط امیدبخش است؛ و بعد هم وعده تخلف‌ناپذیر خدا که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ». خب، «وَمَنْ أٰصَدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيْلًا»؟ چه کسی از خدا راستگوتر است؟ وعده چه کسی از خدا درست‌تر است؟ خدا می‌گوید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛ اگر شما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدن اسلام و جامعه اسلامی و تحقق دین خدا پیش رفتید، خدا شما را یاری می‌کند.^۲

۱. دانشگاه امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۲/۳/۶

۲. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

در همه دنیا سعی کردند سردار بزرگوار عزیز ما را متهم کنند به تروریست... خدای متعال صفحه را درست بعکس آنچه که آن‌ها می‌خواستند ترتیب داد؟ نه فقط در اینجا در ایران، در کشورهای مختلف مردم به روح این شهید بزرگ درود فرستادند و پرچم آمریکا و صهیونیست‌ها را آتش زدند. آیا دست خدا را بوضوح نمی‌شود دید؟ آیا «لَا تَحْزَنَنَّ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» را که درباره پیغمبر، در نهایت شدت، در غار ثور تنها، بی‌کس، به همراهش می‌گوید «لَا تَحْزَنَنَّ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» خدا با ما است؛ این را نشان نمی‌دهد؟ آیا این فرمایش حضرت موسی را به قوم بنی‌اسرائیل که ترسیده بودند می‌گفتند «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» الان است که نیروهای فرعون بیایند ما را محاصره کنند و از بیخ و بن کار ما را تمام بکنند، حضرت موسی فرمود، «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» آیا اینجا «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي» را انسان نمی‌شود ببیند؟ ملت ایران نمی‌تواند احساس کند که «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»، خدا با ما است؟ خدا دستهای قدرت خود را در این کشور، در این جامعه، در میان این ملت فعال کرده است. خود این شهادت بزرگ هم یکی از آیات قدرت الهی است.^۱

امروز هم آن پرچمی که در منطقه‌ی آسیا، در مناطق اروپا و آمریکا، در هر نقطه از عالم در مقابل انقلاب ایستاده، همان پرچم است؛ همان پرچمی است که در مقابل ابراهیم و موسی و عیسی برافراشته شده بود. آن‌ها نابود شدند و موسی و عیسی و ابراهیم زنده‌اند. علت زنده بودن آنها هم این است که خدای متعال به حضرت موسی فرمود: **إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى**؛ نترسید، نترسید، واهمه نکنید، دچار اشتباه در محاسبه نشوید، خدا با شما است. فرمود: **إِنِّي مَعَكُمْ**. دو نفر انسان غیرمسلم در مقابل جمعیت عظیم نیروی فرعون، علی‌الظاهر هیچ چیزی نیستند اما در باطن همه قدرت متعلق به اینها است، چون قدرت متعلق به خدا است و خدا می‌گوید من با شما هستم: **إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى**؛ می‌بینم، می‌شنوم، میدانم چه اتفاقی دارد می‌افتد. مسئله ما این است. آن کسی که باور ندارد، نگاه کند به این چهل سال. در این چهل سال، دشمنان ما که مرکز قدرت مادی دنیا بودند، با همه وجود آمدند در مقابل این انقلاب و این حرکت ایستادند و ضربه زدند و همه تلاششان را به کار گرفتند. واقعا همه تلاششان را و هر کاری می‌توانستند کردند. [حالا] بعد از چهل سال، آن‌ها ضعیف‌تر از روز اولند، ما قوی‌تر از روز اولیم. این نشان‌دهنده این است که «إِنِّي مَعَكُمْ»، خدای متعال با ما است، «**أَسْمَعُ وَأَرَى**»؛ اما یک شرط دارد: شما با خدا باشید: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**.^۲ عنصر چهارم از منطق مقاومتی که امام بزرگوار پایه‌گذاری کرد در نظام جمهوری اسلامی،

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

۲. دیدار مداحان ۱۳۹۷/۱۲/۰۷

این بخشی قرآنی وعده الهی است. خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرفداران حق، پیروز نهایی اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت می‌کند. ممکن است قربانی بدهند اما در نهایت شکست نمی‌خورند؛ آن‌ها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند. از مثالهای آیات کریمه قرآن، من دو سه آیه را اینجا ذکر می‌کنم؛ جوانهای عزیز که اهل قرآنند، به اینها مراجعه کنند، روی آنها فکر کنند. *أَمْرٌ يُدَوِّنُ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ*؛ خیال می‌کنند دارند زمینه‌سازی می‌کنند، توطئه برای جبهه حق و مقاومت درست می‌کنند، [اما] نمی‌دانند که توطئه علیه خود آنها دارد چیده می‌شود طبق طبیعت و سنت الهی. آیه دیگر: *«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ»* تا آخر آیه. آیه دیگر: *إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ*؛ آیه دیگر: *وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرْهُ*. آیات فراوان قرآن همه همین عاقبت را نوید می‌دهند به آن کسانی که در راه مقاومتند.^۱

اگر بر روی نقاط مثبت و نقاط قوت تکیه می‌کنم، برای این است که ثابت شود ملت ایران این توانائی‌ها را به کار برد و علی‌رغم میل بدخواهان که می‌خواستند ثابت کنند ملت ایران نمی‌تواند، ملت ایران ثابت کرد که می‌تواند. از نقاط ضعف بی اطلاع نیستیم، نقاط ضعف هم داریم؛ اما در جمع‌بندی نهائی، نقاط قوت بسیار بیشتر از نقاط ضعف است.^۲

امروز مردم ما باید امید داشته باشند؛ اگر امید بود، حماسه خواهد بود... حماسه از دل می‌جوشد، حماسه با عقل هدایت می‌شود، حماسه با ایمان پشتیبانی می‌شود؛ این‌ها که دستوری نیست. اگر چنانچه دل از امید خالی شد، فکر از منطق صحیح تهی شد، حماسه به وجود نمی‌آید. ما در ذهنها تردید ایجاد کنیم، در دلها یأس تزریق کنیم، حماسه به وجود می‌آید؟ معلوم است که نه. حماسه‌آفرینی این است: فضای بدبینی به وجود نیاید؛ فضای سوء ظن به وجود نیاید؛ فضای امید، فضای خوشبینی، فضای نگاه به چشم‌اندازها به وجود آید؛ چشم‌اندازهائی که قطعی است، یقینی است، حقیقی است، تلقینی نیست. مثلاً در اوائل دهه ۶۰ - سی سال قبل از این - اگر چنانچه ما می‌گفتیم آینده چنین و چنان خواهد شد، ممکن بود بعضیها بگویند بله، این‌ها دارند تلقین می‌کنند؛ اما امروز که دیگر این حرفها نیست؛ امروز که داریم می‌بینیم حرکت عمیق و وسیع پیشرونده انقلاب و کشور را به سوی اهداف؛ هم اهداف مادی، هم اهداف معنوی؛ هم اهداف سیاسی، هم اهداف اجتماعی؛ هم اهداف داخلی، هم اهداف بین‌المللی؛ این‌ها جلوی چشم ما است؛ مگر کسی می‌تواند منکر

۱. مراسم سالگرد امام رحمة الله علیه ۱۳۹۸/۰۳/۱۴

۲. دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی بمناسبت تحویل سال ۱۳۹۱/۰۱/۰۱

شود؟ آن وقت این چشم‌اندازی را که امروز ما برای خودمان ترسیم می‌کنیم، کسی بیاید در آن تردید آفرینی کند، یأس آفرینی کند، ناامیدی به وجود بیاورد؛ همچنین در حرکت و جهاد مداوم که نیاز یک کشور و یک امت و یک تاریخ است.^۱

ما در تشخیص هدف‌ها و تعیین راه به این هدف‌ها، هرگز دچار تردید نشدیم؛ در راه خودمان شک نکردیم؛ خدا را شکر می‌کنیم. خدای متعال هیچگاه دل‌های ما را خالی از نور امید نگذاشت. و در واقعیت دیدیم که این امیدها، امیدهای واهی نبود؛ امیدهای درستی بود. یک روزی بود که وقتی کسانی به صحنه نگاه می‌کردند، بظاهر هیچ چیز امیدبخشی در صحنه به چشم نمی‌آمد؛ اما مردمان بصیر - در رأس همه، امام بزرگوار - به ما امید می‌دادند، نوید می‌دادند. گاهی ما تعبداً گوش می‌کردیم، اما قادر به تحلیل نبودیم. تعبداً قبول می‌کردیم، بعد می‌دیدیم همین جور شد؛ بعد می‌دیدیم همین امید الهی، همین نوید آسمانی تحقق پیدا کرد. و امروز وقتی به تجربه سی و دو ساله انقلاب نگاه می‌کنیم، پی‌درپی موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی را می‌بینیم.^۲

مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به وسیله شیطان‌های انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم... یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنت‌های الهی را، سنت‌هایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمی‌شود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: *لَنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ*، دیگر از این واضح‌تر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این غیر قابل تغییر است: *وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا*؛ اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد. این را قرآن گفته است، با این صراحت که وعده الهی است؛ ما هم در عمل آن را تجربه کرده‌ایم. بدانید این قطعه تاریخ انقلاب در تاریخ ممتدی که در طول نسل‌های آینده، مورد بحث قرار خواهد گرفت، یکی از برجسته‌ترین مقاطع تاریخی است. در دنیای مادی، در دنیای تسلط ابرقدرت‌ها، در دنیای ستیزه‌گری همه‌جانبه با اسلام و معارف اسلامی و ارزش‌های اسلامی، یک نظامی به وجود بیاید برپایه اسلام، آن هم درست در نقطه‌ای که بیش از همه جای دنیا تأثیر عوامل آن قدرتهای منحرف کننده نفوذ داشتند و حضور داشتند. [این]

۱. دیدار جمعی از مداحان ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

۲. جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۱

چیز عجیبی است؛ من و شما عادت کردیم. این همان «لَنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» است. وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ دچار تزلزل هم نمی‌شوید، کما اینکه نشدیم. ملت ایران دچار تزلزل نشد؛ این همه فشار، این همه توطئه، این همه آزار، این همه ناجوانمردی، ملت ایران منصرف نشد. این یکی از سنت‌های الهی است... نظام جمهوری اسلامی آن کلمه طیب است، مثل شجره طیبه باقی مانده است، مستحکم‌تر شده است. امروز نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام، به‌عنوان یک حکومت، به‌عنوان یک مجموعه سیاسی با سی سال قبل از لحاظ استحکام قابل مقایسه نیست... این عوامل را باید دید؛ در محاسبات ما این عوامل باید به حساب بیاید. همه عوامل سعادت و شقاوت و پیشرفت و پسرفت و به موفقیتهای دست یافتن و نیافتن، در چهارچوب عوامل مادّی متعارفی که اهل مادّه، اهل محسوسات، به آنها دل خوش می‌کنند، محدود نمی‌ماند؛ این عوامل در کنارش وجود دارد.^۱

بعد از آغاز جنگ تحمیلی هم ده‌ها بار - حالا اگر ریزه‌ایش را بخواهیم حساب کنیم، بیش از این حرفها شاید بشود گفت؛ هزارها بار، اما حالا آن رقمهای درشت را آدم بخواهد حساب کند - ما نصرت الهی را دیدیم؛ کمک الهی را دیدیم. یکی‌اش همین آمدن اسرا بود... خدای متعال صحنه‌ای درست کرد و این احمق قضیه حمله‌اش به کویت پیش آمد، احساس کرد که اگر بخواهد با کویت بجنگد - البته جنگش با کویت به قصد تصرف کامل کویت بود - احتیاج دارد به اینکه از ایران خاطرش جمع باشد؛ این هم با بودن اسرا امکان‌پذیر نیست. اول نامه نوشت به رئیس جمهور وقت و به نحوی به بنده، چون از این طرف جواب درستی نگرفت، بنا کرد اسرا را خودش آزاد کردن، که دیگر آنهایی که یادشان است، یادشان هست. یکهو خبر شدیم که اسرا از مرز دارند می‌آیند؛ همین طور پشت سر هم گروه گروه آمدند، تا تمام شد. این کار خدا بود، این نصرت الهی بود. و دیگر همین طور از این قضایا تا امروز.^۲

ما به یک قول متعارف معمولی از سوی آدمی که کار بدی از او ندیده‌ایم، اعتماد می‌کنیم؛ قرضی از او می‌خواهیم، کاری دست او داریم، او به ما وعده می‌کند که بسیار خوب، من این کار را برای شما انجام می‌دهم. ما معمولاً اعتماد می‌کنیم، راه می‌افتیم مقدمات کار را فراهم می‌کنیم، در حالی که او یک انسانی بیش نیست؛ ممکن است پشیمان بشود، ممکن است کسی بیاید رأی او را بزند، ممکن است فراموش کند، ممکن است آن امکانی که به وسیله او می‌خواست به ما کمک بکند، از دستش برود؛ ده جور یا ده‌ها جور احتمال تخلف این وعده

۱. ۱۳۹۳/۴/۱۶

۲. دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر ۱۳۸۸/۵/۱۸

هست، لیکن ما اعتماد می‌کنیم. خوب، خدای متعال چقدر وعده کرده است به مؤمنین؛ وعده نصرت، وعده هدایت، وعده تعلیم؛ «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَ كَرَامَتَهُ»، وعده حفظ و صیانت، وعده کمک در امور دنیا؛ این همه خدای متعال به ما وعده کرده. البته این وعده‌ها مطلق نیست؛ شروطی دارد، شروطش هم خیلی شروط دشواری نیست، از دست ماها بر می‌آید. دلیلش هم این است که جاهائی که به این شروط عمل کردیم، خدای متعال به ما کمک کرد؛ نمونه‌اش جنگ تحمیلی.^۱

ظرفیته‌ها را شناسایی کنیم، توانایی‌ها را احصاء کنیم، تجربه‌ها را مدنظر قرار بدهیم و از همه اینها بالاتر، نصرت الهی را فراموش نکنیم. ما برای اعلاء کلمة الله داریم تلاش می‌کنیم، ما دنبال قدرت مادی و این چیزها نیستیم؛ ما می‌خواهیم اسلام سربلند بشود، ما می‌خواهیم شریعت اسلامی در جامعه تحقق پیدا کند؛ ما می‌خواهیم در دنیایی که مادیگری و فساد و انحرافهای گوناگون از غرایز بشری آن را فرا گرفته، یک حکومتی، یک جامعه‌ای، یک کشوری درست کنیم که با احکام دین اداره بشود؛ دنبال این هستیم. تا یک حدودی هم موفق شده‌ایم، در یک مواردی هم ناموفقیت داریم که تلاش می‌کنیم ان شاء الله در آن بخشهایی هم که موفق نبوده‌ایم موفق بشویم؛ هدف ما این است. با این هدف، نصرت الهی قطعی است؛ خدای متعال وعده کرده و وعده الهی هرگز خلاف در نمی‌آید.^۲

همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید می‌دهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است. در آن هنگامه دشوار که فرمان به آب افکندن صندوق حامل نوزاد داده شد، خطاب الهی وعده فرمود که: «أَتَارَادُوهَ الْيَكُوجَ عَلَوُهَ مِنَ الْمَرْسَلِينَ». تحقق وعده اول که وعده کوچکتر و مایه دلخوشی مادر بود، نشانه تحقق وعده رسالت شد، که بسی بزرگتر و البته مستلزم رنج و مجاهدت و صبر بلندمدت بود: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ تَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ». این وعده حق، همان رسالت بزرگ است که پس از چند سال تحقق یافت و مسیر تاریخ را تغییر داد. نمونه دیگر، یادآوری قدرت فائقه الهی در سرکوب مهاجمان به بیت شریف است، که خداوند به وسیله پیامبر اعظم، برای تشویق مخاطبان، به امثال امر: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» به کار می‌برد و می‌فرماید: «أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ». یا برای تقویت روحی پیامبر محبوبش و باور وعده: «مَا وَدَّعَكَ رَبِّكَ وَمَا قَلَىٰ»، از یادآوری نعمت معجزگون: «أَلَمْ يَجْعَلْ

۱. دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر ۱۳۸۸/۵/۱۸

۲. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲

یتیمافاوی. وجودک ضالاً فهدی» بهره می‌گیرد. و چنین نمونه‌هایی در قرآن بسیار است. آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیسم را در یکی از حساسترین کشورهای این منطقه بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگر پی‌درپی فرا خواهد رسید؛ و فرا رسید. واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف می‌کنند، همه در سایه اعتماد به وعده الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه ضعیفانی که در مقاطع اضطراب‌انگیز، ندای: «انّالمدرکون» سر می‌دادند، نهیب زده‌اند که: «کلا انّ معی ربّی سیه‌دین»^۱.

یکی از شیوه‌های دشمن ناامید کردن جوانهای ما است؛ اینکه ما نمیتوانیم، نمیشود در مقابل اینها ایستاد؛ که همین‌طور می‌بینید متأسفانه عده‌ای بلندگوی دشمن شده‌اند که همین چیزها را در فضای جامعه پراکنند که نمیشود در مقابل اینها ایستاد؛ چرا نمیشود؟ جمهوری اسلامی در مقابل زیاده‌خواهی دشمنان ایستاده است و در همه‌ی موارد بر دشمن پیروز شده! چطور شما می‌گویید نمیشود؟ ملت ایران توانست نظام پادشاهی را که شجره‌ی خبیثه‌ی دیرپایی بود در این کشور، قلع کند و دور بیندازد؛ درحالی‌که آمریکا پشتیبانش بود، اروپا پشتیبانش بود، همین مرتجعین منطقه پشتیبانش بودند. در دنیایی که کفر و الحاد و بی‌اعتقادی و بی‌مبالاتی در آن موج می‌زند، توانست یک حکومتی را بر اساس ارزشها به وجود بیاورد؛ توانست این حکومت را حفظ کند؛ توانست این نظام جمهوری اسلامی را با همه‌ی ابعادش در این کشور نگهداری کند و نگهداری کند و حفظ کند و روزبه‌روز توسعه بدهد؛ توانست عوامل و عناصر قدرت و اقتدار را برای این نظام به وجود بیاورد. یکی از عناصر اقتدار علم است، یکی از عناصر اقتدار توانایی‌های نظامی است، یکی از عناصر اقتدار توانایی نفوذ در افکار و اندیشه‌های ملتهای دیگر است؛ اینها را توانست به وجود بیاورد برای خودش، چطور شما می‌گویید نمیتواند؟ بعد از این هم همین است؛ بعد از این هم به توفیق الهی انقلاب اسلامی خواهد توانست به همه‌ی اهداف والایی که ترسیم کرده است برسد؛ به‌وسیله‌ی شما جوانها، به‌وسیله‌ی نسل مؤمنی که امروز در کشور بحمدالله پراکنده است و وجود دارد. ما میتوانیم؛ ما تجربه کرده‌ایم که میتوانیم. توانستن فقط به صرف یک اعتقاد نیست، فقط اعتقاد به غیب نیست، [بلکه] به چشم خودمان مشاهده کرده‌ایم که میتوانیم. بعضی‌ها آیه‌ی یأس می‌خوانند که [باید] ملاحظه‌ی قدرتها را بکنیم و رودربایستی [دارند] در مقابل قدرتها؛

نه، شما ملاحظه کردید این چند توطئه‌ی پی‌درپی که در این منطقه، آمریکا و صهیونیسم و ارتجاع عرب و دیگران به وجود آورده بودند، همه با اقتدار جمهوری اسلامی نابود شد، از بین رفت؛ یکی از آنها همین مسئله‌ی گروه تکفیری غیر انسانی داعش بود که خب بحمدالله با همّت جوانان، با همّت مردان مؤمن، با همّت کسانی که نیروی مقاومت را قبول داشتند، نابود شد، از بین رفت؛ خب این کار کوچکی نیست، کار خیلی بزرگی است! در خود بعضی از این کشورهای مجاور ما هم گاهی باور نمیشد که میتوان این چنین عملی را، این چنین حرکتی را انجام داد، امّا خب وادار شدند، وارد میدان شدند، موفّق شدند، باور کردند.^۱

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكُفْرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ؛ این آیه قرآن است؛ خدا، مولای شما است؛ شما مولایی دارید که همه عالم وجود تحت قدرت او است؛ این مولای شما است و کافرین ندارند. در جنگ بدر وقتی که کفار بنا کردند شعار دادن و بتهای خودشان را اسم آوردن، پیغمبر فرمود به مسلمانها بگوئید: اللَّهُ مَوْلَانَا وَلَا مَوْلَى لَكُمْ؛ خدا مولای ما است، پشتیبان ما است، قدرت ما متّکی به قدرت او است و شما ندارید این را؛ همین جور هم شد. الان ۳۷ سال، ۳۸ سال است که دارند از همه امکانات استفاده می‌کنند برای اینکه این رویش مبارک را، این جمهوری اسلامی را، این انقلاب مجسم را شکست بدهند و نتوانسته‌اند؛ اَللَّهُ مَوْلَانَا. ملت ایران در صحنه است؛ به یک عده آدمهای کنارنشسته نقزن غرزن یا پیرو شهوات نگاه نکنید؛ ملت در صحنه است، ملت در میدان است. در میان این ملت، زمره عظیمی حضور دارند که حاضرند جانشان را فدا کنند؛ این همان چیزی است که قدرت خدا را می‌آورد پشت سر انسان؛ این یعنی جنگ نامتقارن.^۲

جبهه مقابل ما در طول این سالها ضعیف‌تر شده است. یعنی اگر ما دو نماد اصلی این جبهه را آمریکا و رژیم صهیونیستی بدانیم، و غرب را دنبال سر اینها بدانیم، واضح است که اینها ضعیف‌تر شده‌اند. امروز رژیم صهیونیستی به مراتب ضعیف‌تر از بیست سال قبل و سی سال قبل است. بعد از حوادث شمال آفریقا و مسئله مصر، رژیم صهیونیستی به شدت تضعیف شده است؛ هم از درون دچار مشکل است، هم از بیرون مشکلات بی‌نهایتی دارد. آمریکای امروز هم آمریکای زمان ریگان نیست؛ اینها به مراتب عقب رفتند. در عراق وضعشان آنجوری شد؛ در افغانستان روز به روز وضعشان بدتر شده است؛ در سیاستهای خاورمیانه‌ای شان شکست خوردند؛ در جنگ سی‌وسه روزه، عاملشان که رژیم صهیونیستی است، شکست

۱. دیدار بسیجیان ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

۲. ۱۳۹۵/۳/۳۰

خورد؛ در جنگ بیست و دو روزه، عاملشان که رژیم صهیونیستی است، نتوانست در مقابل یک میلیون و اندی انسان بی‌دفاع کاری از پیش ببرد. این‌ها واقعیت‌های خیلی مهمی است. بنابراین اینها ضعیف شده‌اند. این‌ها نسبت به بیست سال قبل و سی سال قبل به مراتب ضعیف‌ترند. این هم یک واقعیت دیگر است.

یک واقعیت دیگر این است که رژیم‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی درگیر بحراند؛ همین چند دولت غربی، خودشان و اطرافیان‌شان دچار بحراند. با این بحران اقتصادی‌ای که در اروپا وجود دارد، اتحاد اروپا جداً در تهدید است، یورو جداً مورد تهدید است. آمریکا هم به نحو دیگری؛ کسری بودجه فراوان، قرض فراوان، فشار مردم، حرکت ضد وال‌استریت، حرکت - به قول خودشان - نود و نه درصدی. این‌ها حوادث مهمی است. البته وضع اروپا از آمریکا بدتر است؛ چند دولتشان سقوط کردند. الان در چندین کشور اروپائی بی‌ثباتی وجود دارد.

مشکلات آنها با مشکلات ما فرق هم می‌کند. مشکلات اقتصادی و بحران اقتصادی اروپا با مشکلات اقتصادی‌ای که ما احیاناً دچارش می‌شویم، متفاوت است. مشکلات ما مثل مشکلات یک گروه کوهنورد است که دارد در راهی حرکت می‌کند. راه سختی است و البته مشکلاتی دارد؛ گاهی آب می‌خواهند، گاهی غذا می‌خواهند، گاهی مشکلات دارند، گاهی به یک مانعی برخورد می‌کنند؛ اما دارند طرف بالا می‌روند. مشکلات ما از این قبیله است. مشکلات اروپائی‌ها مثل اتوبوسی است که زیر بهمن گیر کرده. سال‌ها خود آنها بدون اینکه بدانند، مقدمات این مشکل را فراهم کردند. این فاصله‌های طبقاتی، این غلبه سازوکارها در مسائل مادی، این تقویت زورمندان مادی، این نفوذپذیری از صهیونیست‌های پول‌پرست و مال‌پرست، آن‌ها را دچار مشکلاتی کرده؛ این بهمنی است که روی سرشان افتاده. بنابراین مشکلات آنها با مشکلات ما خیلی متفاوت است. این هم یک واقعیت است.^۱

انصافاً رژیم آمریکا بشدت دچار انحطاط سیاسی و انحطاط مدنی و انحطاط اخلاقی است. این هم تحلیل نیست... این را خودشان می‌گویند؛ این حرف سخنگویان خودشان و نویسندگان خودشان و صاحبان فکر از داخل خود آمریکا است؛ آن‌ها این حرف را می‌زنند. در این چند سال چند کتاب نوشته‌اند، با تیراژهای بالا در داخل آمریکا منتشر شده که برخی پرده‌ها را این کتابها بالا می‌زنند. یکی از این کتابها را که به فارسی ترجمه شده، بنده خواندم؛ پُر از شواهد همین انحطاط است؛ یعنی واقعاً [اگر] کسی آن کتاب را بخواند، [می‌بیند که] اوّل تا آخر کتاب نشان‌دهنده انحطاط نظام سیاسی آمریکا با حرکات رئیس‌جمهور آمریکا

است. این امپراتوریِ این جوریِ دیری نخواهد پایید؛ معلوم است که وقتی کار یک سیاست، کار یک رژیم به اینجا رسید، این دیگر خیلی عمر طولانی نخواهد کرد و منهدم خواهد شد. البته بعضی‌هایشان هستند که اگر سرِ کار بیایند زودتر منهدم می‌کنند، بعضی هستند که اگر سرِ کار بیایند ممکن است یک خرده دیرتر منهدم بشود؛ لکن به هر حال این حقیقت است.^۱ دلم می‌خواهد به این نکته شما جوانان عزیز درست توجه کنید - [چون] کارهای آینده این کشور دست شماها است، به اینها باید توجه کنید - حالا بحث چالش ایران و آمریکا را می‌گذاریم کنار، در یک نگاه وسیع‌تر وضعیت آمریکا را وقتی که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که قدرت آمریکا و اقتدار و هیمنه آمریکا در دنیا رو به افول و رو به زوال است؛ در طول سالها دائماً دارد کم می‌شود. آمریکای امروز از آمریکای چهل سال قبل که انقلاب پیروز شد، بمراتب ضعیف‌تر است؛ قدرت آمریکا رو به افول است؛ نکته مهم این است. بسیاری از سیاسیون معتبر دنیا و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» آمریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است. قدرت نرم چیست؟ قدرت نرم این است که یک دولتی بتواند خواسته خود و نظر خود و عقیده خود را به اطراف بقبولاند و آنها را اقناع کند به نظر خود؛ این قدرت در آمریکا امروز رو به ضعف کامل و رو به فرسودگی کامل است؛ در زمینه‌های مختلف. حالا زمان دولت اوپاما هم همین‌جور بود اما زمان این آقا که دیگر به طور واضح با او مخالفت می‌شود؛ در غالب زمینه‌هایی که او تصمیم می‌گیرد، در دنیا با او مخالفت می‌شود. نه فقط مخالفت مردمی... حتی دولتها هم که رودر بایستی دارند با آمریکا، با او مخالفت می‌کنند؛ چین مخالفت می‌کند، اروپا مخالفت می‌کند، روسیه مخالفت می‌کند، هند مخالفت می‌کند، آفریقا مخالفت می‌کند، آمریکای لاتین مخالفت می‌کند. قدرت نرم آمریکا رو به افول است، رو به سقوط است. این را من نمی‌گوییم؛ این جزو حرفهایی است که جامعه‌شناس‌های مطرح دنیا امروز دارند این حرف را می‌زنند. نه فقط اقتدار معنوی و قدرت نرم خود آمریکا رو به افول است بلکه حتی لیبرال دموکراسی را هم که پایه اساسی تمدن غرب است، این‌ها بی‌آبرو کردند، دارند بی‌آبرو می‌کنند... بنابراین آمریکا رو به افول است.^۲

آمریکا رو به افول است؛ همه این را بدانند. آن کسانی که گرایش به این دارند که برویم با آمریکایی‌ها سازش کنیم، بیخودی نقشه بی‌اساس و بی‌پایه می‌کشند؛ آمریکا رو به افول است. عوامل افول آمریکا هم مربوط به امروز و دیروز نیست که حالا یکی بخواهد بیاید علاجش

۱. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم (ص) و امام صادق علیه السلام ۱۳/۸/۱۳۹۹

۲. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۲/۸/۱۳۹۷

کند؛ مربوط به طول تاریخ [است]. عامل این وضعیتی که آمریکایی‌ها دچارش شدند، عامل بلندمدت است؛ این‌ها در طول تاریخ وضعیتی را به وجود آوردند که نتیجه‌اش همین است و به این آسانی‌ها علاج‌شدنی نیست. این سنت الهی است، این‌ها محکومند به اینکه ساقط بشوند، محکومند به اینکه افول کنند، زایل بشوند از صحنه قدرت جهانی.^۱

گفتار سوم: انقلابی‌گری و تحول خواهی

راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرتهای گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.^۲

در زمینه حفظ هویت اسلامی و انقلابی باید روز به روز قوی‌تر و عمیق‌تر بشوید.^۳ اگر بخواهیم... پیشرفت حقیقی انجام بگیرد، باید خصوصیات انقلابی‌مان را حفظ کنیم، حرکت جهادی‌مان را حفظ کنیم، عزت و هویت ملی‌مان را حفظ کنیم، هضم نشویم، و در هاضمه خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم؛ اگر اینها را رعایت نکنیم، این درست خواهد شد.^۴ حفظ هویت دینی و ملی و انقلابی یکی دیگر از ارزشهایی است که حتماً بایستی به مردم منتقل شود.^۵ امام، امام تحول بود [و] باید از امام درس بگیریم. هر جامعه زنده و پویایی به تحول احتیاج دارد؛ ما امروز به تحول احتیاج داریم، در بخشهای مختلف. البته این را عرض بکنم که بعد از رحلت امام، انقلاب و کشور از رویکرد تحولی فاصله نگرفته؛ یعنی ملت ایران بحمدالله توانسته رویکرد تحولی امام را دنبال بکند و پیش برود. ما در زمینه‌های گوناگونی به معنای

۱. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۸/۱۲

۲. بیانیه گام دوم انقلاب

۳. مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۶/۵/۱۲

۴. دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

۵. دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

واقعی کلمه، تحوّل پیدا کرده‌ایم و قدرتمندتر از گذشته شده‌ایم و در مواردی سرزنده‌تر از گذشته شده‌ایم؛ این‌ها هست... لکن کافی نیست... انتظار من از خودم و از جوانهایمان و از ملت‌مان و از نخبگانمان این است که در فکر ایجاد تحوّل در بخشهای مختلفی که نیاز هست باشیم... اگر بخواهیم تحوّل به معنای واقعی کلمه اتفاق بیفتد... نباید قانع باشیم... تحوّل صحیح احتیاج دارد به پشتوانه فکری... تحوّل را نایستی با استحاله فکری اشتباه گرفت... تحوّل لزوماً یک حادثه دفعی نیست... بی‌صبری نباید کرد... بایستی در این تحوّلی که تدریجاً بنا است انجام بگیرد، یک دست هدایت‌گر مورد اطمینانی بالاسر این تحوّل وجود داشته باشد... تحوّل را نباید با یک سلسله کارهای سطحی و دم‌دستی اشتباه گرفت... تحوّل، کار عمقی است، کار اساسی است که بایستی اتفاق بیفتد... این‌ها یک نکاتی بود در مورد تحوّلی که باید ما دنبالش باشیم... خوب حالا تحوّل در چه زمینه‌هایی باید انجام بگیرد؟.. به صورت یک فهرست مثالی، چند نمونه و چند مثال می‌شود گفت: مثلاً در زمینه اقتصاد تحوّل به این است که ما بتوانیم بند ناف اقتصاد کشور را از نفت قطع کنیم... در زمینه بودجه‌بندی‌های دولتی، دولت و مجلس بودجه را جوری ببندند که به معنای واقعی کلمه ناظر به موضوع، ناظر به مسئله، ناظر به عملکرد باشد؛ به تعبیری «بودجه عملیاتی»؛ البته ادعا می‌شود، دولت‌ها غالباً ادعا می‌کنند که بودجه عملیاتی است ولی نیست... در زمینه مسائل آموزش؛ در زمینه مسائل آموزشی ما واقعاً احتیاج داریم به تحوّل. تحوّل در زمینه مسائل آموزش این است که ما آموزش‌های دانشگاهی و دبیرستانی را، حتی دبستانی را، آموزش‌های عمقی قرار بدهیم؛ عمقی، کاربردی، نه صرفاً حفظی؛ درس‌ها و بحث‌های فایده‌محور را مطرح بکنید... یا در زمینه مسائل اجتماعی، مثلاً مسئله تأمین عدالت، یا حلّ قطعی مشکلاتی مثل اعتیاد؛ این‌ها خوب واقعاً یک مشکلات اجتماعی است؛ این‌ها را باید ما حل کنیم؛ یا در زمینه مسائل خانواده به معنای واقعی کلمه باید تحوّل ایجاد کنیم... در این زمینه‌ها باید تحوّل انجام بگیرد.^۱

شما اگر بخواهید برای کشورتان به معنای واقعی کلمه مفید باشید، باید نگاه انقلابی را، نگاه و نگرش انقلاب بنیانی‌ای را که مبتنی بر تفکر اسلامی است، در خودتان حفظ کنید و تقویت کنید. امروز خوشبختانه می‌بینم [با توجه به] آنچه در حرف‌هایتان احساس می‌شود، این نگاه در شما هست؛ این را هر چه می‌توانید تقویت کنید. بصیرت که بنده روی آن همه تکیه کرده‌ام و بحث کرده‌ام، به خاطر همین است؛ اگر چنانچه ما این نگاه انقلابی را دنبال نکنیم، عقب خواهیم ماند، پیشرفت ما متوقف خواهد شد؛ اگر پیشرفتی هم در اشخاص

ما و افراد ما به وجود بیاید، به سود کشور نخواهد بود... فکر انقلابی، نگاه انقلابی را حتماً در خودتان تقویت کنید، حفظ کنید. و توکل به خدا را و استمداد از پروردگار را هم فراموش نکنید؛ این توصیه مؤکد من است؛ خداوند توفیق می‌دهد.^۱

عزیزان من! انقلاب، سرمایه‌ی ممتاز و منحصر به فرد ملت ما و کشور ما است. برای به دست آوردن انقلاب هزینه داده‌ایم؛ هزینه‌های سنگینی هم پرداخت شده است اما صدها برابر آن هزینه‌ها، منافع وجود دارد... امروز روزی است که ما میتوانیم، ملت ایران میتواند بدون اینکه هزینه‌ی زیادی را متحمل بشود، منافع بزرگی را از انقلاب به دست بیاورد؛ امروز این توانایی وجود دارد. انقلاب ریشه دوانده است، درخت نظام اسلامی مستحکم شده است، حقایق بسیاری روشن شده، راهکارهایی به وجود آمده؛ امروز اوضاع برای ملت ایران روشن‌تر و زمینه آماده‌تر و راه هموارتر است از گذشته؛ هزینه هست، باز هم هست اما هزینه‌ها سبک‌تر و قابل دفع‌تر و قابل اجتناب‌تر از گذشته است.

این نکته‌ی مهمی است: این انقلاب با کودتا به وجود نیامد، با حرکت نظامی به وجود نیامد؛ مثل بعضی از انقلابها که یک عده افسر نظامی رفتند یک حکومتی را برداشتند، حکومت دیگری به جایش گذاشتند؛ نه، این انقلاب به وسیله‌ی مردم به وجود آمد؛ با عزم مردم، با نیروی انقلاب مردم، با ایمان مردم به وجود آمد؛ با همین نیرو از خود دفاع کرد، با همین نیرو هم باقی ماند و ریشه دواند. این مردم بودند که نترسیدند؛ این مردم ایران عزیز بودند که ایستادگی کردند و مصداق این آیه‌ی شریفه شدند: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. مدام تهدید شدیم، مدام گفتند حمله میکنیم، مدام گفتند تحریم میکنیم، مردم نه از تهدید نظامی ترسیدند، نه از تحریم ترسیدند، نه از تحریم فلج شدند؛ نترس، شجاع، سربلند، حرکت را ادامه دادند؛ از این پس هم باید همین باشد. مردم ما، قشرهای مختلف ما، جوانهای ما، روحانیون ما، پیشه‌وران ما، دانشگاهیان ما، محققین ما، مسئولان ما، دولتی‌های ما، مجلسی‌های ما باید انقلابی بمانند و انقلابی حرکت بکنند... و همه انقلابی باشند تا بتوانیم این راه را با موفقیت پیش برویم و ادامه بدهیم.^۲

امروز همه تکلیف داریم از هویت جمعی این کشور و این ملت دفاع کنیم.^۳ جوانان باید از

۱. دیدار مدال‌آوران المپیادهای علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان ۱۳۹۸/۵/۱۶

۲. مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

۳. دیدار نمایندگان نامزدهای انتخاباتی ۱۳۸۸/۰۳/۲۶

سرمایه هویت ملی و جمعی کشور، با همه وجود و همت خود دفاع کنند.^۱ درست است که امروز دفاع از مرزهای جغرافیائی نیست، دوران جنگ مسلحانه دفاع از کشور امروز در اینجا مطرح نیست، اما دفاع از مرزهای هویت ملی چرا؛ این مطرح است؛ دفاع از مرزهای شخصیت دینی و اسلامی چرا؛ دفاع از مرزهای عقیدتی چرا؛ این‌ها هست. همه‌مان مسئولیم. جوان امروز اگر در آن دوره نبوده است تا در مقابل دشمن بایستد و از هجوم او ممانعت کند و از خانه خود و شهر خود دفاع کند، امروز می‌تواند در میدان شرف و افتخار دفاع از شخصیت ملی، از عزت ملی، از هویت ملی، از عقیده مستحکم اسلامی نقش ایفاء کند. دختران و پسران جوان، زنان و مردان مؤمن، در این منطقه دفاعی حساس کنونی، همه می‌توانند نقش ایفاء کنند. این روحیه باید حفظ شود.^۲

انقلاب را بزرگ بدانید، گرامی بدانید، شما که دلسوز کشور و ملت هستید ارزشهای انقلاب را به معنای واقعی کلمه زنده کنید و احیاء کنید؛ کشور به این احتیاج دارد. این جور نباشد که ما به خاطر اهداف کوتاه‌مدت، به خاطر تحولات گوناگون عرصه سیاستهای روزمره و زودگذر، از آن ارزشهای والا فراموش کنیم، انقلاب را فراموش کنیم. امروز ما اگر می‌خواهیم در میدان علم پیش برویم، در میدان سیاست پیش برویم، در میدان اقتصاد پیش برویم، اگر می‌خواهیم کارهای بزرگ انجام بدهیم، احتیاج داریم به جرئت و اعتماد به نفسی که انقلاب به یک ملت می‌دهد و به ما داد. آن جرئت و اعتماد به نفس را از بین نبرید، آن را تضعیف نکنید. امروز ملت ایران به آن اعتماد به نفس نیاز دارند؛ امروز هم جوان ما آماده است برای اینکه در راه‌های بزرگ، در کارهای بزرگ سینه سپر کند، وارد بشود، وارد میدان بشود؛ من عرض می‌کنم ما در داخل کشور میلیون‌ها جوان داریم که اگر تجربه‌ای مثل تجربه سالهای ۶۰ برای کشور پیش بیاید، قطعاً اینها با کمال قدرت، با کمال عزت نفس، با کمال دلاوری و عزم وارد میدان می‌شوند و کشور را حفظ می‌کنند و نگه می‌دارند.^۳

در دفاع از نظام اسلامی هیچ تقیّه نکنید و صریح باشید؛ نظام اسلامی مایه افتخار است. بله، در دنیا و در داخل، کسانی هستند که بخواهند نظام اسلامی را کم‌قدر جلوه بدهند - هستند کسانی از این قبیل - اما اینها اشتباه می‌کنند و راه غلطی را دارند می‌روند؛ بعضی‌ها عمداً، بعضی‌ها هم از روی ناآگاهی. نظام اسلامی مایه شرف است، مایه افتخار است؛ دشمن شما نقصها را می‌بیند و با تکیه بر آن نقصها و قصورها و کمبودها مدام می‌خواهد بزند توی

۱. دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

۲. اجتماع مردم گیلان غرب ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

۳. مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۶/۰۳/۱۴

سر انقلاب؛ در قبال آن نقصها و کمبودها، چندین برابر پیشرفت هست، موفقیت هست. مهم‌ترین موفقیت این است که امروز ۳۷ سال، ۳۸ سال است که یک جبهه عظیم قدرت مادی - از شرقی تا غربی و انواع و اقسامش - سعی کرده‌اند این انقلاب را و این ملت را و این نظام را به زانو در بیاورند و نتوانسته‌اند؛ مگر این شوخی است؟ یک آخم به فلان پادشاهی پرمدعا می‌کنند، همه‌شان به خودشان می‌لرزند و سعی می‌کنند دل طرف را به دست بیاورند؛ می‌روند، می‌نشینند، صحبت می‌کنند، می‌بندند، رشوه می‌دهند. ۳۷ سال است دارند علیه انقلاب اسلامی [کار می‌کنند]: کار نظامی کردند، کار امنیتی کردند، کار جاسوسی کردند، کار فرهنگی کردند؛ هزار کار کردند، [اما] جمهوری اسلامی روزبه‌روز قوی‌تر شده. آقا جان! امروز جمعیت شما و کیفیت شما - مجموعه‌ای که طرفدار انقلابید - از اول انقلاب بمراتب بیشتر است؛ قبلاً شرح دادم این را. این معنایش چیست؟ این معنایش این است که انقلاب یک موجود زنده است و دارد روزبه‌روز رشد می‌کند؛ این افتخارآمیز نیست؟^۱

امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد؛ امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد؛ ادامه این راه بستگی دارد به اینکه این نقشه راه، درست شناخته بشود؛ بدون اینکه امام را درست بشناسیم - به معنای شناخت اصول امام - این نقشه راه، شناخته نخواهد شد... اگر ملت ایران بخواهد به آن هدفها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد. همه باید بدانند که هاضمه سیری‌ناپذیر استکبار جهانی چشم از کشورشان برنداشته است؛ یک کشور بزرگ، یک کشور ثروتمند، یک کشور واقع‌شده در یک چهارراه حساس جهانی، برای قدرتمندان دغل‌باز عالم خیلی مهم است. این‌ها دست از طمع خود برنداشته‌اند، چشم برنداشته‌اند؛ فقط آن‌وقتی عقب خواهند نشست که شما ملت ایران آن‌چنان قدرتی پیدا کنید، آن‌چنان پیشرفتی پیدا کنید که امید آنها قطع بشود. اینجا است که خطر تحریف امام اهمیت پیدا می‌کند؛ اگر شخصیت امام تحریف شد، بد معرفی شد، غلط معرفی شد، همه این خطرات بزرگ متوجه ملت ایران خواهد شد؛ اینجا است که خطر تحریف امام به‌عنوان یک هشدار باید

در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب‌نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام، کسانی که علاقه به این راه دارند و عموم جوانان، فرزندان، دانشگاهیان، حوزویان تلقی بشود. خب، این مقدمه عرایض من بود.

در زمان حیات امام هم برای تحریف شخصیت امام کار می‌شد؛ از یک‌طرف دشمن بود که از اول انقلاب سعی کرد در تبلیغات جهانی خود امام را به صورت یک انقلابی خشک و خشن - از نوع آنچه در تاریخ انقلابهای بزرگ و معروف عالم مثل انقلاب فرانسه، انقلاب مارکسیستی شوروی و بعضی از انقلابهای دیگر می‌شناسیم - معرفی کند؛ یک انسانی که خشک است و خشن است و گره ابروی او باز نمی‌شود و صرفاً نگاه می‌کند به مقابله با دشمن و هیچ عاطفه‌ای، هیچ انعطافی در او نیست؛ امام را این‌جوری معرفی می‌کردند که این غلط بود. بله، امام قاطع بود، غیر متزلزل بود، در تصمیم خود - همان‌طور که حالا عرض خواهم کرد - انسانی راسخ بود لکن مظهر عاطفه بود، مظهر لطافت بود، مظهر محبت بود، مظهر دلداری و دلدادگی در مقابل خدا و در مقابل خلق خدا، بخصوص نسبت به قشرهای مظلوم و مستضعف جامعه بود؛ این کاری بود که دشمن از روز اول در انقلاب ما، در تبلیغات جهانی نسبت به امام انجام می‌داد.

در داخل هم بعضی ندانسته، بعضی هم دانسته [شخصیت امام را] تحریف می‌کردند؛ حتی زمان حیات خود امام. هر حرفی را که به‌نظرشان پسندیده بود، به امام نسبت می‌دادند؛ درحالی‌که ارتباطی به امام نداشت. بعد از رحلت امام هم همین جریان ادامه داشته است؛ حتی تا آنجایی که بعضی حرفها و بعضی اظهارات، امام را به صورت یک آدم لیبرال که هیچ قید و شرطی در رفتار او در زمینه‌های سیاسی، حتی در زمینه‌های فکری و فرهنگی وجود ندارد معرفی می‌کنند؛ این هم بشدت غلط و خلاف واقع است. ما اگر بخواهیم شخصیت امام را به معنای واقعی کلمه پیدا کنیم، این راه دارد؛ اگر ما این راه را - که عرض خواهم کرد - رفتیم، مطلب حل خواهد شد و الا امروز کسانی می‌آیند طبق میل خود و سلیقه خود یک‌جور امام را معرفی می‌کنند، ممکن است در فرداها کسان دیگری بیایند و بر طبق سلیقه دیگری، بر طبق حوادث دیگری که در دنیا پیش می‌آید، مصلحت بدانند که امام را جور دیگری معرفی کنند؛ این نمی‌شود. محبوبیت امام در بین مردم یک چیز ماندگار است؛ این را نتوانست دشمن از بین ببرد؛ برای همین، مسئله تحریف شخصیت امام نافذ در دل‌های مردمان زیادی - در کشور و بیرون از کشور - خطر بزرگی محسوب می‌شود.

آن راهی که می‌تواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است. امام یک

اصولی دارد، یک مبانی‌ای دارد؛ این مبانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است؛ اصول امام را در این بیانات می‌شود پیدا کرد؛ این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛ شخصیت امام این است.^۱

امام انقلابی ما کشور را از منجلاها بیرون کشید؛ به وسیله انقلاب، کشور را از منجلاهای متعددی خارج کرد. جوانهای عزیز ما که دوران قبل از انقلاب را درک نکرده‌اند، لمس نکرده‌اند، باید درست دقت کنند و توجه کنند که مسئله این است، مسئله‌ی اساسی این است. اگر یک ملّتی مسئله‌ی اساسی خود را نداند، گمراه می‌شود. مسئله این است که انقلاب اسلامی آمد این کشور را از منجلاها نجات داد؛ از منجلا و ابستگی، از منجلا و عقب‌ماندگی، از منجلا و فساد سیاسی، از منجلا و فساد اخلاقی، از منجلا و حقارت بین‌المللی. ما گرفتار این چیزها بودیم؛ ما، هم وابسته بودیم، هم تحقیر شده بودیم، هم عقب افتاده و عقب‌نگه داشته شده بودیم؛ در علم، در اقتصاد، در فناوری، در حضور بین‌المللی، در همه چیز ما را عقب‌نگه داشته بودند. عوض همه‌ی اینها، ما آقابالاسر آمریکایی و انگلیسی داشتیم. آن روزها ما چهار برابر امروز نفت صادر می‌کردیم؛ جمعیت کشور هم از نصف امروز کمتر بود، در عین حال اکثر نقاط این کشور از خدمات عمومی دولتی که برعهده‌ی دولتها است محروم بودند؛ کشور در فقر و عقب‌افتادگی دست‌وپا میزد؛ در فساد اخلاقی دست‌وپا میزد. در همه‌ی زیرساخت‌های کشور -راه، آب، برق، گاز، مدرسه، دانشگاه، خدمات شهری- کشور دچار آفت بود، دچار عقب‌افتادگی و عقب‌ماندگی بود، دچار تهیدستی بود؛ ثروتهای طبیعی کشور را در اختیار بیگانگان می‌گذاشتند و دستگاه حاکمه بهره‌مند می‌شدند و مردم را یا با فریب، یا با زور و ارباب، ساکت نگه می‌داشتند؛ اما خب دل‌های مردم پُر بود، واقعیات را میدیدند؛ و نتیجه، دنباله‌روی از آن فریاد ربّانی و الهی امام بزرگوار شد که انقلاب را به راه انداخت.

امام بزرگوار ما مسیر را عوض کرد و یک تغییر بزرگ انجام گرفت؛ [امام] مسیر ملّت ایران را تغییر داد، ریل را عوض کرد؛ ما را به سمت هدفهای بزرگ حرکت داد. این هدفها که انقلاب و امام انقلاب، ما را به سمت این هدفها حرکت دادند و جامعه‌ی ایرانی را به این سمت رهنمون شدند، فوق‌العاده حائز اهمیت است. این هدفها خلاصه می‌شود در حاکمیت دین خدا. حاکمیت دین خدا به معنی عدالت اجتماعی به معنای واقعی است، به معنای ریشه‌کنی فقر است، به معنای ریشه‌کنی جهل است، به معنای ریشه‌کنی استضعاف است؛ حاکمیت

۱. مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۴/۳/۱۴

دین خدا به معنای برقراری منظومه‌ی ارزشهای اسلامی است، [به معنای] ریشه‌کنی آسیب‌های اجتماعی است، [به معنای] تأمین سلامت جسمی و سلامت اخلاقی و معنوی و پیشرفت علمی کشور است، [به معنای] تأمین عزّت ملی و هویت ملی ایرانی و تأمین اقتدار بین‌المللی است، [به معنای] فعال کردن ظرفیتهایی است که خداوند در این سرزمین قرار داده است؛ اینها همه در حاکمیت دین خدا مندرج است و امام ما را به این سمت حرکت داد؛ درست نقطه‌ی مقابل آن راهی که در رژیم طاغوت ما را به آن سمت میکشاندند و میبردند.

خب، این هدفها که قطار جامعه‌ی اسلامی به برکت انقلاب به سوی آن هدفها حرکت کرد، هدفهای دور از دسترسی هستند، زمان بَرند، احتیاج به گذشت زمان دارند، احتیاج به تلاش دارند، لکن دسترسی به همه‌ی اینها ممکن است به یک شرط؛ آن شرط این است که قطار در همین ریل پیش برود؛ در ریل انقلاب. امام راه را به ما نشان داد، معیارها و شاخصها را به ما نشان داد، هدفها را برای ما مشخص کرد و خود او حرکت را آغاز کرد. ما تا امروز به برکت حرکت در جهت انقلاب، دستاوردهای زیادی پیدا کرده‌ایم اما هنوز تا آن هدفها فاصله بسیار زیاد است. میتوانیم به آن هدفها برسیم، مشروط بر اینکه این قطار بر روی همین ریل حرکت کند؛ بر روی ریلی که امام، قطار جامعه‌ی اسلامی را به حرکت درآورد. بعد از رحلت امام، ما هرجا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هرجا از انقلابیگری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیتی است. بنده در این سالها خودم مسئول بودم؛ اگر تقصیری در این مطلب باشد، متوجه این حقیر هم هست؛ هرجا انقلابی بودیم، جهادی حرکت کردیم، بر روی آن ریل حرکت کردیم، پیش رفتیم؛ هرجا کوتاهی کردیم و غفلت کردیم، عقب ماندیم. میتوانیم برسیم به شرط اینکه انقلابی حرکت کنیم و انقلابی پیش برویم. مخاطب این سخن، نسل امروز و نسل فردا و نسل فردهای بعد است؛ مخاطب این سخن، همه‌ی ما هستیم؛ مسئولان مخاطبند؛ فعالان سیاسی، فعالان فرهنگی، فعالان اجتماعی، همه مخاطب این سخنند؛ جوانان، دانشگاهیان، حوزویان، پیشه‌وران، روستاییان، شهریان، همه مخاطب این سخنند؛ همه باید بدانند میتوان این راه را با شیوه‌ی انقلابی حرکت کرد و آن وقت، پیشرفت قطعی است؛ و میتوان به شیوه‌ی دیگری حرکت کرد و آن وقت سرنوشت سرنوشت رقت‌آوری خواهد بود. امام تعبیر رایجی داشتند، مکرّر در مواردی میگفتند: «اسلام سیلی خواهد خورد». اگر راه را عوض کردیم، ملت ایران سیلی خواهد خورد، اسلام هم سیلی خواهد خورد.^۱

امام در وصیتنامه‌شان تأکید می‌کنند که این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچ کس - هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای - نمی‌تواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بداند، دیگران را مستأجر این انقلاب بداند. اگر قرار بود کسی خود را نسبت به این انقلاب مالک و صاحب بداند، از همه مناسبتر و شایسته‌تر، خودِ امام بود که انقلاب بر محور عزم و اراده و شخصیت او به وجود آمد؛ ولی امام خود را هیچ‌کاره و خدا را همه‌کاره می‌داند. این در بیانات امام موج می‌زند و در وصیتنامه به آن تأکید و تصریح شده است. پس صاحب این انقلاب مردمند. وظیفه‌ای بر دوش همگان سنگینی می‌کند و آن حفظ این امانت بزرگ الهی است. مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است؛ به جهت‌گیریهای انقلاب است؛ به ارزشها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده‌اند، امروز هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه‌ی اینکه اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی - بُعد دینی - را از انقلاب جدا کنند یا بُعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد سلطه‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد ضد استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند. انگیزه‌های مختلف، به بهانه‌های مختلف همیشه ممکن است وارد میدان شوند، برای اینکه شعارهای انقلاب و هدفهای انقلاب را تغییر دهند. مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند. این انقلاب با شعارهای خود زنده است.^۱

نقشه دشمن را باید فهمید؛ در مقابل این نقشه هم بایستی آن نقاط اساسی را مورد نظر داشت. نقاط اساسی عبارت است از مبانی فکری - چه [مبانی] فکری اسلامی، چه مسائل مربوط به انقلاب - و وحدت ملی؛ این وحدتی که خوشبختانه در زیر تابوت پیکر مطهر شهید سلیمانی و شهدای همراه ایشان در بین مردم دیده شد باید محفوظ بشود، محفوظ بماند؛ جهت‌گیری مردم باید این جهت‌گیری باشد: جهت‌گیری انقلاب، جهت‌گیری تکریم از مردان انقلاب، جهت‌گیری تکریم شهیدان و تکریم هر چیزی که یادآور ارزشهای انقلاب است.^۲

نقطه مقابل انقلاب، ارتجاع است. خیلی از انقلابهای دنیا مبتلا به ارتجاع شدند؛ یعنی بعد از آنکه پنج سال، ده سال، پانزده سال از شروع انقلاب گذشت، به خاطر بی‌اهتمامی‌هایشان مبتلا شدند به ارتجاع، به عقب‌گرد؛ این ارتجاع، نقطه مقابل انقلاب است. و هر دو - یعنی

هم پیشرفت انقلابی، هم پسرقت به معنای ارتجاع- بستگی دارد به ارادهٔ انسانها؛ انسان‌ها اگر چنانچه درست حرکت نکنند، درست پیش خواهند رفت؛ اگر چنانچه غلط حرکت نکنند، پسرقت خواهند داشت، که در قرآن هم به هر دوی اینها اشاره شده. در سورهٔ مبارکه رعد [می‌فرماید]: *إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ*؛ که سیاق آیات نشان می‌دهد که [این آیه]، آن جنبهٔ مثبت را بیان می‌کند، یعنی وقتی که شما تغییرات مثبت در خودتان ایجاد کردید، خدای متعال هم برای شما حوادث مثبت و واقعیهای مثبت را به وجود می‌آورد. دوومی در سورهٔ انفال است: *ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ*؛ این جنبهٔ منفی است، جنبهٔ عقب‌گرد است، که اگر چنانچه خدا نعمتی به یک ملتی داد و این ملت درست حرکت نکردند، درست عمل نکردند، خداوند این نعمت را از این‌ها می‌گیرد. شما در دعای کمیل هم می‌خوانید: *اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ التَّعَمَّرَ*؛ این تغییر نعمت، یعنی سلب نعمت، چیزی است که ناشی از اراده است. ما بایستی بشدت مراقبت می‌کردیم و مراقبت بکنیم که به این حالت دچار نشویم.^۱

شما در وسط میدان کارزارید، یک کارزار همه‌جانبهٔ عظیم؛ این کارزار را باید احساس کنید، طرف مقابل را باید بشناسید و این جور، تکلیف همهٔ ما معین می‌شود. نظام، بدون مشی انقلابی ارزشی ندارد؛ واقعاً ارزشی ندارد. نظام، اگر چنانچه مشی انقلابی نداشته باشد، به آن آرمانها نخواهد رسید، به دنبال آن آرمانها نخواهد بود و با آن رژیم‌های گذشتهٔ کشور هم هیچ تفاوتی نخواهد داشت و ارزشی ندارد.

البته انقلابیگری هم فقط در بستر نظام امکان‌پذیر است؛ این طرف قضیه را هم توجه داشته باشید. این جور نباشد که بعضی نظام را نفی کنند به‌عنوان اینکه ما انقلابی هستیم؛ ارزش‌های نظام، ارکان نظام، بنیان‌های نظام را زیر سؤال ببرند به‌عنوان اینکه ما انقلابی هستیم. انقلابیگری به معنای ویرانگری نیست. انقلابیگری یک مشی صحیح و عاقلانه و پُرانگیزه و پُر امید و شجاعانه به سمت اهداف والا است؛ این تعریف و معنای انقلابیگری است؛ و این فقط در بستر و مسیر نظام اسلامی یعنی نظام موجود امکان‌پذیر است؛ خارج از این امکان‌پذیر نیست. انقلابیگری، ساختارشکنی نیست؛ تخریب نظام ناشی از انقلاب نیست.^۲

۱. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۹/۳/۱۴

۲. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷

گفتار چهارم: احساس مسئولیت همگانی و عمل جهادی

تقویت روحیه مسئولیت‌شناسی در مردم یکی دیگر از ارزش‌هاست. مردم نباید احساس بیمسئولیتی کنند. خیلی مهم است که این روحیه در همه مردم به وجود آید که مسئولند: در قبال قضایای جامعه همه مسئولیت دارند و برای پیشبرد جامعه و گذراندن آن از پیچهای خطرناک و پرتگاههای دشوار، هر کاری که می‌توانند، باید انجام دهند.^۱ ما وظیفه داریم همت خودمان و تلاش خودمان را به صحنه بیاوریم و برکت از آن خدا است و کمک از آن پروردگار است.^۲ ما در شکست دشمن شک نداریم؛ بنده هیچ تردیدی ندارم... ولیکن طبق سنت الهی، یک وظایفی بر عهده ما است؛ هرگز این نتیجه قطعی که پیشرفت و نصرت الهی نسبت به جمهوری اسلامی است، نباید ما را از وظایفمان غافل کند. یک وظایفی بر عهده ما است که اگر این وظایف را انجام ندهیم، نمی‌توانیم به آن نتایج مطمئن باشیم؛ باید وظیفه‌مان را انجام بدهیم.^۳ قدرت خدا پشت سر آدمهای تنبل نمی‌آید؛ پشت سر ملت‌هایی که حاضر نیستند فداکاری کنند نمی‌آید. قدرت خدا پشت سر آن کسانی می‌آید که وارد میدان می‌شوند، حرکت می‌کنند، تلاش می‌کنند، خودشان را برای همه کار آماده می‌کنند؛ این‌ها متکی‌اند به قدرت الهی.^۴

هر جایی که ما توانستیم درست بفهمیم، درست تشخیص بدهیم - یعنی همان بصیرت - و به دنبال آن احساس تکلیف کردیم، احساس تعهد و مسئولیت کردیم و وارد میدان شدیم، غلبه با ما بوده است؛ «فاذا دخلتموه فانکم غالبون». وقتی با ایمان و با بصیرت وارد میدان مواجه شدید، غلبه با شماست، شما برنده هستید؛ چرا؟ چون طرف مقابل شما ایمان ندارد، دین ندارد، انگیزه عمیق معنوی ندارد.^۵ ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخشهای گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم - نه فقط

۱. دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

۲. ۱۳۹۲/۹/۱۹

۳. ۱۳۹۷/۳/۲

۴. ۱۳۹۵/۳/۳

۵. دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۸۹/۱۰/۱۹

به‌عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت.^۱

ملت ایران، با تجربهٔ چهل‌سالهٔ خود، در مقاومت و ایستادگی پایدار است. ما این را امتحان کرده‌ایم: در مقابل دشمن، «عقب‌نشینی» مشوق دشمن است؛ در مقابل دشمن، «ایستادگی» موجب عقب‌رفت دشمن است. *وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا** سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ این سنت الهی است: اگرچنانچه در مقابل ظلم و استبداد و زورگویی و خباثتها و جنایتهای جنایتکاران عالم بایستید، قطعاً مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند؛ این قرآن کریم است که به‌عنوان یک سنت قطعی تاریخ و سنت الهی از این یاد می‌کند، و این سنت ان‌شاءالله عملی خواهد شد.^۲

مادامی که شما ایمان و تقوا و عمل صالح را برای خودتان حفظ می‌کنید؛ تمام قدرت خدا، تمام نوامیس طبیعت و تمام امکانات یک گروه برگزیده در اختیار شماست.^۳ برادران و خواهران! تقواست که لطف و رحمت خدا را به شما متوجه می‌کند. تقوا و پرهیزگاری و جدیت در راه خداست که برکات الهی را جلب می‌کند؛ «ولو ان اهل القرى امنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض». تقوا، شما را در مقابل استکبار و قدرتهای ظالم بیروز می‌کند. تقوا، پیام شما را در ذابقهٔ ملت‌های مظلوم شیرین می‌کند. تا حالا هم هرچه پیروزی و پیشرفت بوده است، ناشی از تقوای با تقواها و پرهیزگاران بوده است. هرچه میزان تقوای ملت ما از لحاظ کیفیت و کمیت افراد با تقوا بالاتر برود، پیروزی و موفقیت ما سریعتر و زودتر خواهد بود.^۴ جهاد مداوم، نیاز همه است. همهٔ پیشرفتهای، همهٔ تمدن‌سازیه‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بی‌کارگی دعوت کند، این‌ها می‌شود کفران نعمت الهی؛ «المر ترالی الذین بدلوا نعمت الله کفرا واحلوا قومهم دارالبوار»؛ این نباید بشود.^۵

علت اینکه ما در مقابله با آمریکا کوتاه نمی‌آییم این (انجام وظیفه) است. اینکه ما در مقابل فشار تبلیغاتی دشمنان، کم نمی‌آوریم به توفیق الهی، به خاطر این است؛ چون یک وظیفه است؛ اگر چنانچه نکرديم، «كان حقاً على الله ان يدخلنا مدخله». اگر ما کوتاه بیاييم،

۱. جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱

۲. ۱۳۹۷/۱/۲۵

۳. دیدار فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ۱۳۷۴/۰۶/۲۹

۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۹/۱۱/۱۹

۵. دیدار جمعی از مداحان ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

خدای متعال ما را هم به همان سرنوشتی و همان دوزخی که آن ستمگر را مبتلا خواهد کرد مبتلا می‌کند؛ وظیفه ما این است، این جمهوری اسلامی است.^۱

چالش‌های ما با استکبار جهانی تمام که نشده است - تمام هم نخواهد شد... باید مراقب بود، فهمید که چالش هست، فهمید که حریف چه کار می‌خواهد بکند، فهمید که راه مقابله با حریف چیست. اگر اینها را نفهمیدیم، اگر دچار نفهمی شدیم، اگر دچار راحت‌طلبی شدیم، اگر از بی‌نات و واضحات غفلت کردیم، شکست می‌خوریم؛ خدا که با کسی خویشاوندی ندارد. اگر ایستادید - همچنان که تا امروز ایستاده‌اید - و متکی به خدا و دین خدا بودید، قطعاً پیروز می‌شوید؛ اما اگر ما نیستیم، اگر به شرائط لازم یک مبارزه با این عظمت توجه نکنیم، خوب معلوم است که خدای متعال به ملت‌های تنبل، به ملت‌های سرگرم مسائل حقیر، توجهی نمی‌کند. لطف خدا، عنایت خدا، پشتیبانی خدا شامل ملت‌هایی می‌شود که بایستند، بفهمند، بصیرت داشته باشند، تشخیص بدهند، حرکت کنند.^۲

معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف‌دار زید و مخالف عمرو باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدفها داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدفها دور می‌شویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدمها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریانها روشن می‌شود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت‌تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت می‌کنیم؟ این خیلی مسئله مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد می‌کشاند... با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد. بعضی کوتاه‌نظری می‌کنند، کوتاه‌بینی می‌کنند و همه چیزها را منحصر می‌کنند در دوستی یا دشمنی با یک شخص. یک شخص یا یک جریان چه اهمیتی دارد؟ باید نگاه کرد، جریان‌شناسی کرد؛ در اغلب کسانی که پایشان می‌لغزد این [جور] است... حرف، این‌ها است؛ ببینید! نگاه به مسائل جاری، این‌جوری باید باشد؛ بصیرت سیاسی که ما می‌گوییم یعنی این. بفهمیم که چه کسی دارد ما را به کجا می‌برد، به کجا دعوت می‌کند، به کجا می‌کشاند. آیا به سمت اهداف اسلامی داریم حرکت می‌کنیم؟ به سمت تدبیر روزافزون جامعه داریم حرکت می‌کنیم؟ یا آن‌چنان که

۱. مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۸/۰۷/۲۱

دشمن مایل است، به سمت بی‌مبالاتی بیشتر حرکت می‌کنیم... آن بصیرت سیاسی، این است. اگر چنانچه این را فهمیدیم، آن وقت معلوم می‌شود که بایستی... از این حمایت کنیم یا از آن حمایت کنیم؛ در سایه این نگاه کلان باید فهمید.^۱

این نظام، نظام مردمی است. نظام مردمی نه فقط به معنای تأثیر اراده، بلکه عمل آحاد مردم در اقامه این نظام و به پا داشتن آن است؛ مردم باید کمک کنند. البته زمام اداره کشور دست مسئول اجرائی کشور است؛ اما اگر کمک مردم، حمایت مردم، همکاری مردم، محبت مردم، صبر مردم، منطقی نگرستن به قضایا از سوی مردم وجود نداشته باشد، هیچ دست معجزه‌گری قادر به هیچ کاری نیست.^۲

همچنان که یک روز جوانها، هزینه مبارزه با دستگاه طاغوت را قبول کردند و دادند، زندانش را رفتند، کتکش را خوردند و انقلاب بحمدالله به پیروزی رسید، نظام طاغوت ویران شد؛ یا در دوران جنگ تحمیلی خانواده‌ها هزینه دفاع از کشور را دادند و امروز شما در امنیت دارید زندگی می‌کنید؛ امروز هم شما باید هزینه ایستادگی در مقابل دشمن را بدهید تا نسلهای آینده ان‌شاءالله از دست‌آورد شما استفاده کنند.^۳ اثری در حضور میلیونی مردم هست که در هیچ چیز دیگر آن اثر نیست. البته حضور میلیونی مردم جز با ایمان قلبی امکان‌پذیر نیست. اولاً بیایند، ثانیاً تا حصول نتیجه در صحنه بمانند، ثالثاً آن نتیجه را حفظ کنند؛ این‌ها ایمان اسلامی، ایمان مذهبی لازم دارد.^۴ اگر می‌خواهید پیشرفت کنید باید مبارزه کنید. عافیت‌طلبی، یک گوشه‌ای نشستن، دست‌ها را به هم مالیدن و به حوادث دنیا نگاه کردن و وارد میدانهای بزرگ دنیا نشدن، برای هیچ کشور و هیچ ملتی پیشرفت به بار نمی‌آورد. باید وسط میدان بروید.^۵ توصیه مهم آن است که خود را همواره در میدان بدانید: «فاذا فرغت فانصب». همیشه خداوند را حاضر و کمک‌کار خود بدانید: «والی ربک فارغب». و پیروزیها ما را دچار غرور و غفلت نکند: «اذا جاء نصر الله والفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربک واستغفره انه کان توابا». این‌ها پشتوانه‌های حقیقی یک ملت مؤمن است.^۶

۱. دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱

۲. دیدار جمعی از علما و روحانیون سراسر کشور در آستانه ماه محرم ۱۳۶۸/۵/۱۱

۳. ۱۳۹۸/۰۱/۰۱

۴. دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۹/۱۲/۱

۵. دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

۶. ۱۳۹۰/۶/۲۶

گفتار پنجم: مراقبت از چالش‌های درونی

این مشکلاتی که در کشور وجود دارد به‌خاطر همین است که ماها یکی‌مان، ده‌تایمان، چندتایمان، نتوانسته‌ایم بر ضعف‌های خودمان فائق بیاییم و این جوانهای مجاهد فی‌سبیل‌الله، این جوانهای شما بر ضعف‌های خودشان فائق آمده‌اند. این‌ها هم مثل ما، مثل بقیهٔ افراد بشر، میل به راحتی و آسایش و فرزند و همسر و پدر و مادر داشتند اما دل‌کنند؛ نتوانستند بر این ضعفها فائق بیایند. این عظمت آنها است و همین توانسته کشور را نجات بدهد.^۱

برادران اما این راه، مثل همهٔ راه‌های مهم که به سمت هدفهای بزرگ کشیده شده است، چالش‌هایی هم دارد، موانعی هم دارد؛ این موانع را باید بشناسیم تا بتوانیم از آنها عبور کنیم. اگر مانع را نشناختیم، عبور از مانع یا دشوار خواهد شد، یا حتی غیر ممکن خواهد شد... من دو چالش را عرض می‌کنم: یک چالش بیرونی، یک چالش درونی. چالش بیرونی ما مزاحمت‌های استکبار جهانی است؛.. و بحمدالله در همهٔ اینها ناموفق ماندند. چرا؟ چون ملت بیدار بود، چون ملت مؤمن بود، و اینجا است که من می‌روم سراغ آن چالش دوم که چالش درونی است. برادران و خواهران عزیز! چالش درونی برای ملت ما عبارت است از اینکه روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار را از نظر دور بداریم و فراموش کنیم و آن را از دست بدهیم؛ این بزرگ‌ترین خطر است. در شناخت دشمنان اشتباه کنیم؛ در شناخت دوستان اشتباه کنیم؛ جبههٔ دشمن و دوست را با هم مخلوط کنیم، نفهمیم دشمن کیست؛ دوست کیست؛ یا در شناخت دشمن اصلی و فرعی اشتباه بکنیم، این هم خطر است. برادران عزیز، خواهران عزیز، عموم ملت ایران توجه داشته باشند که گاهی یکی با شما دشمنی می‌کند، اما اگر دقت کنید دشمنی او دشمنی اصلی نیست، تابعی است از یک عامل دیگر، از یک کس دیگر؛ دشمن اصلی را پیدا کنید؛ والا [اگر] انسان با دشمن فرعی سینه‌به‌سینه بشود، هم قوای او تحلیل می‌رود، هم نتیجهٔ کار نتیجهٔ مطلوبی نخواهد شد... چالش‌های درونی ما اینها است: سرگرم شدن به اختلافات در داخل کشور؛ اختلافات فرعی و اختلافات سطحی، ما را سرگرم بکند، در مقابل هم قرار بدهد، تعارض به‌وجود بیاورد، ما را از مسائل اصلی و از خطوط اصلی غافل بکند؛ این یکی از مصادیق آن چالش اصلی است که عرض شد. از دست دادن انسجام ملت از چالش‌های ما است. دچار شدن به تنبلی و بی‌روحیگی، دچار شدن به کم‌کاری، دچار شدن به

۱. گزیده‌ای از دیدار با خانواده‌های شهدای مدافع حرم

یأس و ناامیدی، تصور اینکه ما نمیتوانیم، تصور اینکه تا حالا نتوانستیم؛ نخیر، همان طور که امام فرمودند ما می توانیم، باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی می تواند همه این گره ها را باز کند. این ها همه، آن چالش های درونی ما است که باید با اینها مقابله کنیم.^۱ من بیشترین اشکالات را به خودمان می کنم؛ موانع ما، عمدتاً موانع درونی است؛ آن ها هم دارند از این موانع درونی سوءاستفاده می کنند؛ موانع درونی وجود دارد... عدم فهم درست مسائل کشور و مسئله کشور، مسئله انقلاب... درست نشناختن محیط؛ این هم یکی از موانع کار است. بعضی ها هستند محیط را درست نمی شناسند؛ وقتی ما محیط را نشناختیم، احتمال خطا و اشتباه برایمان زیاد است؛ وقتی که جنگاور و رزم آور ندانست کجا قرار دارد، دشمن کجا است،... یکی از موانع، بی ارادگی است؛ یکی از موانع، تنبلی است؛ یکی از موانع، بی صبری است... یکی از موانع، سرگرمی به چیزهای خراب کننده و ویران کننده و گمراه کننده است؛ مثل اختلافات سر چیزهای بیخودی. اختلافات کوچک و بهانه های کوچک، گاهی مایه اختلافات بزرگ می شود؛ مثل حواشی ای که وجود دارد.^۲

ما در خلأ که زندگی نمی کنیم، ما در یک واقعیاتی داریم زندگی می کنیم؛ این واقعیات چقدر برای رسیدن به این هدفها کمک بود یا مزاحمت بود؟ یقیناً اگر مزاحمهایی که حالا می شمارم، وجود نداشت، رسیدن به این هدف، زمان زیادی نمی خواست. شاید در طول پنج سال، ده سال یک گروه متشکل قوی می توانستند این اهداف را برآورده کنند؛ منتها در سر راه انسان موانع وجود دارد. اساساً همین وجود مانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی می بخشد و اسمش می شود جهاد؛ والا اگر مانع نبود، جهاد معنی نداشت. جهاد یعنی جد و جهد همراه با زحمت و چالش با موانع.

این موانع چه بودند؟ ما دو نوع موانع داشتیم: یکی موانع درونی، یکی موانع بیرونی. موانع درونی یعنی چه چیزهایی؟ یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسانها - چه تصمیم گیرانمان، چه آحاد مردمان، چه ناظرین بیرون از گود مبارزه و انقلاب - وجود دارد؛ این ها موانع درونی است. موانع درونی، ضعفهاست؛ ضعف های فکری است، ضعف های عقلانی است، راحت طلبی است، آسان گرایی است، آسان پنداری است؛ این گاهی اوقات خودش یکی از موانع تحقق آن چیز است. باید برآورد و تقویم نسبت به کار و مشکلات کار، مطابق با واقع یا لاقلاً نزدیک به واقع باشد. آسان پنداری هم مثل آسان گیری و سهل انگاری

۱. مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله) ۱۳۹۳/۳/۱۴

۲. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷

است؛ آن هم یکی از موانع راه است. گریز از چالش هم یکی از ضعفهای درونی ماست... مواجهه با مشکلات را زشت و ناپسند دانستن، آماده نبودن برای مواجهه با مشکلات. این‌ها ضعفهای درونی ماست. یکی دیگر از ضعفهای درونی عبارت است از تربیتهای اجتماعی موجود و عادت‌های تاریخی، که اینها در ما ملت ایران در آغاز انقلاب بود... که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد. البته در بعضی‌اش هم هنوز فائق نیامدیم، که آن انگیزه‌های دیگری دارد - مثل این مصرف‌گرایی و اسراف و این چیزها.^۱ برادران عزیز، خواهران عزیز، ملت بزرگ ایران! در صحنه نبرد سیاسی و نبرد اقتصادی، عیناً مثل صحنه نبرد نظامی اگر جبهه‌ای که احساس پیروزی می‌کند، به خود مغرور بشود، راه پیروزی جلوی او بسته خواهد شد. مغرور شدن به پیروزی، نداشتن نقشه، نداشتن ابتکار برای تداوم پیروزی‌ها قطعاً موجب عقب ماندن در مقابل دشمن و موجب پیشروی دشمن خواهد شد. اگر مغرور بشویم، اگر به بی‌عملی و بی‌ابتکاری دچار بشویم، ناکام خواهیم ماند. باید تلاش را، مجاهدت را، ابتکار عمل را، استفاده از امکانات را به‌نحو اکمل ادامه داد. ما در نیمه راهیم، در اوایل راهیم، و باید برسیم به آن قلّه‌ای که مورد نظر انقلاب اسلامی است. هم تلاش لازم است، هم راه‌بلدی لازم است، هم شجاعت لازم است، هم تدبیر لازم است.^۲ امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال دست کمک و هدایت خودش را همواره بر سر این ملت باقی بدارد؛ همچنان که امام در سال ۶۵ یک وقت به من فرمودند: من می‌بینم که در همه کارهای این کشور، دست قدرتی دارد کارها را پیش می‌برد. ان‌شاءالله ما لایق و قابل باشیم که این دست قدرت، ما را رها نکند؛ چون این‌طور هم نیست که خیال کنیم ما دیگر مورد لطف خدا هستیم و هر کاری هم کردیم، دست خدا همراه ما خواهد بود؛ نخیر، این دست قدرت گاهی هم مشت می‌شود و توی مغز انسان کوبیده می‌شود! اگر ملاحظه نکنیم، رعایت نکنیم، حدود خودمان را در نظر نگیریم و وظایفمان را بد انجام دهیم یا انجام ندهیم، دست قدرت به ما کمکی نخواهد کرد؛ ممکن است - پناه بر خدا - مخالف ما هم عمل کند. بنابراین اگر در راه او باشیم، ان‌شاءالله خدای متعال به ما کمک خواهد کرد.^۳

بحثی که امروز بنده آماده کردم... برای این است که این عناوین، این سرفصل‌ها... به وسیله شما آقایان... تبیین بشود برای مردم و به صورت گفتمان دربیاید، به صورت فهم عمومی دربیاید. اینکه مردم ما در این زمینه، در مورد این مسئله خاص که حالا عرض می‌کنم، به یک

فهم عمومی برسند، خیلی برای کشور مهم است... آنچه بنده می‌خواهم به عنوان موضوع مورد بحث عرض کنم، عبارت است از این مسئله: نوع مواجهه کشور و افراد مؤثر کشور با چالشها، با حوادث؛ این را می‌خواهیم بحث کنیم. بالاخره هر کشوری، هر جامعه‌ای حوادثی دارد؛ این حوادث بعضاً حوادث خوب است، بعضاً حوادث تلخ است... نوع مواجهه با این حوادث خیلی مهم است... نوع مواجهه به چند صورت می‌تواند تصویر بشود: گاهی مواجهه ما با این حوادث، مواجهه فعال است، گاهی مواجهه انفعالی... از نگاه دیگر: مواجهه ابتکاری یا مواجهه عکس‌العملی... یک دوگانه دیگر این است: مواجهه مایوسانه یا امیدوارانه... یک دوگانه دیگر، دوگانه ترس و دلیری است... یک دوگانه دیگر این است که حرکتی که در مقابل دشمن می‌خواهیم انجام بدهیم، با حزم و تدبیر باشد یا با سهل‌اندیشی و سهل‌انگاری باشد... یک دوگانه دیگر، نگاه به حوادث، به صورت تهدید و فرصت توأم است، یکی هم نگاه یک‌جانبه است: یا تهدیدنگر یا فرصت‌نگر... همه اینها برای مردم مهم است؛ مخصوص مسئولین نیست؛.. عامه مردم در این زمینه‌ها باید صاحب‌نظر باشند، باید درک و فهم عمیق داشته باشند. اینکه عرض می‌کنیم به یک فهم عمومی باید برسیم بین مردم، به این معنا است... یک دوگانه دیگر، شناخت واقعیتهای میدان است. شناخت واقعیتهای میدان و شناختن واقعیتهای میدان؛ یعنی ما بدانیم که الان در کجا قرار داریم: «ما کجا هستیم، دشمن کجا هست، جایگاه ما چیست؟»... یک دوگانه دیگر، مسئله بروز احساسات است... دو جور می‌شود برخورد کرد؛ یکی برخورد با احساسات بدون کنترل، یکی هم برخورد با احساسات که به اندازه لازم بروز داده بشود... یک دوگانه دیگر، رعایت ضوابط و حدود شرعی و عدم رعایت اینها است... یک دوگانه دیگر... این است که ما در مواجهه با حوادث... مدام به خودمان انتقاد کنیم، درون خودمان، من شما را مقصر بدانم، شما من را مقصر بدانید؛ این یک جور برخورد است... یا اینکه نه، به جای اینکه سر همدیگر داد بکشیم، به تعبیر امام «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید»؛ طرف مقابل، او است... بهره‌گیری از تجربه‌ها یا دو بار از یک سوراخ گزیده شدن؛ این هم یک مسئله است... خوب، به نظر من این دوگانه‌ها سوالات مهم است؛ ما از خودمان باید سؤال کنیم که در این دوگانه‌ها چه جوری باید عمل کنیم. البته پاسخ دادن زبانی به اینها آسان است اما پاسخ دادن عملی و ملتزم شدن، به این آسانی نیست. به نظر من پاسخ اینها در منابع اسلامی ما روشن است.^۱

گفتار ششم: مطالبه‌گری آرمان‌ها

امروز وظیفه مسئولان کشور، کار بی‌وقفه است. وظیفه مردم هم مایوس نشدن و دنبال کارها را گرفتن و تلاش کردن و از مسئولان به نحو منطقی مطالبه کردن است.^۱

پرچم آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری را زمین نگذارید... این مطالبه‌گری را از دست ندهید، این آرمان‌خواهی را از دست [ندهید]. این‌ها آرمان‌خواهی است؛ ممکن است بعضی از این چیزهایی که شما مطالبه می‌کنید عملی نباشد که واقع قضیه هم همین است؛ یعنی وقتی انسان وارد عمل شد مشکلات کار میدانی برای او بیشتر آشکار می‌شود، معلوم می‌شود که همه آن چیزهایی که می‌خواستیم، یا نمی‌توانسته عملی بشود یا نمی‌توانسته به این زودی عملی بشود؛ لکن خود این آرمان‌خواهی باارزش است؛ برای اینکه اگر آرمان‌خواهی وجود نداشته باشد راه را گم می‌کنیم؛ این آرمان‌خواهی موجب می‌شود که ما راه را گم نکنیم و وسط راه، کج و راست و به چپ و راست حرکت نکنیم. این آرمان‌خواهی را داشته باشید؛ این آرمان‌های مهم را: عدالت، استقلال، رفع فساد، در نهایت تمدن اسلامی. آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدن اسلامی است؛ این‌ها را از دست ندهید و اینها را مطالبه کنید و بخواهید روی آن فکر کنید؛ البته مطالبه‌گری بایستی با شکلهای منطقی باشد... نگذارید این مطالبه شما و اعتراض شما اعتراض به نظام اسلامی تلقی بشود؛ این مهم است؛ دشمن منتظر این است... پرچم مطالبه‌گری را اگر شما در دست داشته باشید، خوب است؛ [اما] اگر شما این پرچم را زمین گذاشتید، کسانی ممکن است این پرچم را بردارند که هدفشان رفع مشکلات مردم نیست؛ [بلکه] هدفشان معارضة و مبارزه با اسلام و با جمهوری اسلامی و با نظام اسلامی است؛ این را نگذارید... مطالبه‌گری فقط انتقاد نیست، مطالبه‌گری فقط اعتراض نیست، اگر چه در آن، اعتراض هم وجود دارد. انتقاد در کنار پیشنهاد... اینکه ما صرفاً انتقاد کنیم، صرفاً اعتراض کنیم، این کار را پیش نمی‌برد، این مطلقاً فایده جدی و ماندگاری ندارد؛ حالا ممکن است یک فواید کوچکی اول کار داشته باشد؛ آنچه فایده دارد عبارت است از پیشنهاد. ببینید در اسلام هم نهی از منکر با امر به معروف همراه است، نهی از منکر همان اعتراض است، امر به معروف یعنی پیشنهاد، ارائه راه حل، ارائه کاری که باید انجام بگیرد و می‌تواند انجام بگیرد؛ این‌ها با هم هستند؛ بنابراین مطالبه‌گری را حتماً با ارائه

راه حل و دادن راه‌های خوب و قابل قبول همراه کنید. و ضمناً مطالبه‌گری را با پرخاش و بدگویی هم همراه نکنید؛ خواهش من این است... من خواهش می‌کنم که فضای گفتگو را مسدود نکنید؛ یعنی وقتی که بحث تخریب و اهانت و بدگویی و مانند اینها پیش آمد، طبعاً فضای گفتگو مسدود می‌شود؛ نگذارید که این جوری بشود. مستدل و با منطق صحبت بکنید. البته ممکن است بعضی از حرفها تند باشد؛ اشکالی هم ندارد؛ حرف تند زدن منافات ندارد با اینکه در آن، پرخاش و اهانت و مانند این چیزها وجود نداشته باشد... خواهش من این است که جریانهای دانشجویی به گفتمان‌سازی اهمّیت بدهند. مسائل نظام را استخراج کنید، فکر کنید، راه‌حل‌های سنجیده و قوی پیش‌بینی کنید، این‌ها را مطرح کنید.^۱

گفتمان عدالت، اقتصاد دانش‌بنیان، پیشرفت ایرانی اسلامی، شتاب در یافته‌های علمی؛ این‌ها گفتمانهای اصلی است؛ این گفتمانها را تقویت کنید. گفتمان اقتصاد مقاومتی خیلی گفتمان مهمی است. بله، ممکن است چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و در واقع اقتصاد مقاومتی نباشد اما می‌شود هم چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و کاملاً اقتصاد مقاومتی باشد؛ یا لااقل بخشی از آن باشد... من همیشه گفته‌ام که این سلسله‌مراتب عمل، از بالا تا پایین یک سلسله‌مراتب انسانی است؛ همه انسانها مغز دارند، دل دارند، اراده دارند، عزم دارند؛ در این سلسله‌مراتب پنج شش واسطه‌ای، [اگر] یکی‌شان نخواهد انجام بدهد کار انجام نمی‌گیرد. مثل یک سیم برق نیست که اگر چنانچه شما اینجا دکمه را زدی، صد چراغ روشن بشود؛ نه، این سیمهای وسط همه‌شان دارای اراده‌اند، دارای عزمند؛ انسان‌ها هستند. باید نظارت بشود، باید کنترل بشود، باید دنبال‌گیری بشود، باید رصد بشود، باید مطالبه دائمی بشود و شماها می‌توانید در این زمینه نقش ایفا کنید.^۲

ما امروز در جامعه‌مان نیاز مبرم داریم به اینکه آرمانها را مدام تکرار کنیم، مدام بگوییم، مدام روی آن کار کنیم، مدام مطالبه کنیم. این مطالبه‌گری خیلی چیز خوبی است. مطالبه‌گری آرمان‌ها از آن چیزهایی است که از آن نباید دست برداشت. اگر چنانچه این حجم عظیم و وسیع تهاجم به افکار عمومی از سوی ضدّ انقلاب با این مطالبه‌گری‌ها مواجه نشود، قطعاً ویرانگری خواهد کرد. یادآوری آرمانها، مطرح کردن آرمانها، خواستن آرمانها، طلبکاری نسبت به تحقق این آرمانها یک سدّی است در مقابل تخریب افکار عمومی و فضاهای نخبگانی - که متأسفانه روی فضاهای نخبگانی هم دارند کار می‌کنند - و فضاهای مدیریتی؛ که در مواردی

۱. ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

۲. دیدار دانشجویان ۱۳۹۵/۰۴/۱۲

هم متأسفانه بی‌تأثیر نبوده. اینجا یک لشکری از جوانهای مؤمن و انقلابی لازم است که وارد میدان بشوند، مطالبه کنند آرمانها را و خودشان کمک کنند به تحقق این آرمانها... پس بنابراین، احتیاج است به یادآوری این آرمانها با همان زبان ویژه جوان مؤمن انقلابی که از خصوصیاتش صراحت است، از خصوصیاتش شجاعت در گفتار است؛ اینکه شجاعانه حرف خودش را بزند... بایستی این ارزشها به صورت صریح، هوشیارانه، دائماً مطالبه بشود؛ [از سوی] جوان پای کار... با حوصله و صبر و تدبیر.^۱

شما ممکن است در فلان تشکیلات، تصمیم‌گیر نباشید اما می‌توانید تصمیم‌ساز باشید... شما وقتی که یک آرمانی را دنبال می‌کنید، می‌گویید، تکرار می‌کنید و به جد پای آن می‌ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد می‌کند، این موجب تصمیم‌سازی می‌شود.^۲ یکی از مهم‌ترین تأثیرات همین فکر کردن‌ها این است که شما فضا سازی می‌کنید، گفتمان سازی می‌کنید. در نتیجه، در یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس‌جمهور هم همان جور فکر می‌کند، وزیر هم همان جور فکر می‌کند، مدیرکل هم همان جور فکر می‌کند، کارکنان هم همه همان جور فکر می‌کنند؛ این خوب است؛ و شما این کار را انجام می‌دهید. فکر کنید، بگوئید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید... وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند؛ این همان چیزی است که شما می‌خواهید.^۳

در نظام جمهوری اسلامی، مردم باید از مسئولانشان مقابله با ظلم و ظالم و مفسد را بخواهند. باید معیارشان برای پذیرش یک حاکم و یک مسئول بالا و والای نظام، این چیزها باشد: مبارزه با ظلم، کنار نیامدن با ظالم، تسلیم نشدن در مقابل زورگویی، حفظ حرمت انسان و انسانیت، سعی در احقاق حق در همه قالبها و شکلها و میدانهایش. بنابراین من این‌ها را در محضر عام مردم مطرح می‌کنم.^۴

۱. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷

۲. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

۳. دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳۹۰/۰۷/۱۳

۴. خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان ۱۳۸۰/۹/۱۶

گفتار هفتم: پرهیز از بی‌حوصلگی و عجله

حوصله انقلابی و صبر انقلابی، مثل خشم انقلابی است. وقتی که حضرت موسی بعد از پیغمبری آمدند به مصر و آن معجزه را نشان دادند و دعوت و این حرفها -خب، بنی اسرائیل منتظر بودند دیگر؛ از گذشته خبر داده شده بود که یک منجی‌ای خواهد آمد و آن منجی هم موسی است؛ حالا موسی آمده، منتظر بودند بمجّردی که موسی آمد، دستگاه فرعون کن فیکون بشود؛ نشده بود- قرآن می‌گوید آمدند پیش حضرت موسی و گفتند که «اوذینا من قبلان تأتینا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا»؛ تو که آمدی چه فرقی کرد؟ چه تفاوتی کرد؟ قبل از اینکه بیایی هم ما را آزار می‌کردند، زیر فشار بودیم، حالا هم که آمدی باز زیر فشاریم. ببینید! این آن حالت بی‌صبری بنی اسرائیلی است؛ بی‌صبری. حضرت موسی گفت خب صبر کنید: إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ تقوا اگر داشته باشید، عاقبت مال شما است؛ صبر لازم است. این حالت را نباید داشته باشید؛ اینکه ما بگوییم چرا نشد، چه جوری شد، پا به زمین بزنی، درست نیست.^۱

انقلاب فقط شورش کردن، به خیابان ریختن و جنجال کردن نیست. انقلاب یعنی تغییر بنیادین همه نهادهای اصلی زندگی جامعه؛ تغییر بنیادین آنچه غلط و کج و نابجاست، به آنچه صحیح و مستقیم و بجاست. این حرف را ما از اول هم می‌گفتیم و چنین نیست که امروز بگوییم. این امری است که بتدریج و در طول زمان با تلاش و مجاهدت دائمی انجام می‌گیرد؛ مشروط بر اینکه روح و خواست و ضرورت انقلاب در مردم باقی بماند.^۲

فرایند تحقق هدفهای اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است. قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است. قدم بعدی، ترتّب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی- که از این‌ها دشوارتر است- ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون

۱. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷

۲. ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل‌تر از مراحل قبلی است.^۱ عزیزان من! انقلاب یک امر دفعی نیست؛ یک امر تدریجی است. یک مرحله انقلاب که تغییر نظام سیاسی است، دفعی است؛ اما در طول زمان، انقلاب باید تحقق پیدا کند.^۲ انقلاب یک موجود زنده است؛ این‌هایی که خیال می‌کنند انقلاب یک جرّقه بود، زد و تمام شد، از شناخت حقیقت انقلاب خیلی دورند. نخیر، انقلاب یک حقیقت زنده است، یک موجود زنده است که تولّد دارد، رشد دارد، قوام دارد و عمر طولانی دارد در صورتی؛ و بیماری دارد، مرگ دارد، نابودی دارد، در صورت دیگری؛ انقلاب این جور است؛ مثل هر موجود زنده دیگری. انقلاب چون موجود زنده است، پس افزایش دارد، رشد دارد، قوام‌یافتگی و کمال‌یافتگی برای آن وجود دارد. ببینید، قرآن کریم می‌فرماید: وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوَاقِهِ؛ یعنی مثل اصحاب پیغمبر، جامعه اسلامی - یعنی همان انقلابیون - مثل یک گیاهی است که از زمین سر میزند، خودش را نشان می‌دهد، بعد بتدریج رشد می‌کند، بتدریج ساقه آن محکم می‌شود، بتدریج قد می‌کشد، بتدریج تبدیل می‌شود به یک موجود مستقرّ بابرکت شگفت‌انگیز؛ شگفت‌انگیزی‌اش از کجا است؟ دنباله آیه می‌فرماید که «يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ»؛ برای خود آن کسی که این گیاه را بر زمین نشانده، شگفت‌آور است، لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ؛ دشمن را هم به خشم می‌آورد؛ انقلاب این [طور] است؛ روزه‌روز می‌تواند رشد و تکامل پیدا بکند.^۳

امام در آن کاری که می‌خواست انجام بدهد، به توفیق کامل دست پیدا کرد، [اما] آیا این کار بزرگ ادامه پیدا خواهد کرد؟ آیا بخش‌های خالی این جدول - که به‌طور طبیعی بخش‌های خالی‌ای در این جدول‌های اجتماعی و تاریخی قرار دارند - پُر خواهد شد؟ این بستگی دارد به اینکه من و شما چقدر همت کنیم؛ ما چقدر آگاهی نشان بدهیم؛ ما چقدر آن خط روشن را مراعات کنیم و در آن خط روشن حرکت بکنیم. بله، کاملاً ممکن است؛ با این ملتی که ما داریم مشاهده می‌کنیم، با این تجربه‌ای و این حرکت موفق و سیر مستمری که در این ۳۵ سال - و بعد از رحلت امام در این ۲۵ سال - این ملت نشان داده است، بله، ادامه این راه ممکن است؛ خانه‌های خالی پُر خواهد شد، کارهای بزرگ انجام خواهد گرفت، و این ملت به اذن‌الله و به حول و قوه الهی به اوج قله‌ها خواهد رسید.^۴

همچنان کار در ابتدای خود قرار دارد؛ ما اول راهیم؛ ما ابتدای نظام را از لحاظ

۱. ۱۳۸۰/۹/۲۱

۲. ۱۳۶۸/۴/۷

۳. ۱۳۹۶/۱۱/۱۹

۴. مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۳/۳/۱۴

مبانی معرفتی‌اش کامل کنیم، ثانیاً بنای نظام را باید بر اساس آن مبانی معرفتی کامل کنیم؛ یعنی نظام اسلامی، دولت اسلامی و کشور اسلامی، هرکدام مترتب بر همدیگر است؛ این‌ها همه یکسان و یک‌چیز نیستند. تا کشور، اسلامی بشود، ما خیلی کار داریم.^۱

نظام اسلامی، یک نظام پیش‌ساخته مثل خانه‌های پیش‌ساخته نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد. دراثنای این کار، طبیعی است که مشکلاتی پیش بیاید. این مفاهیمی هم که من گفتم عدالت اجتماعی، آزادی، آگاهی، معنویت؛ که جزو مبانی این نظامند، مفاهیم ایستا و متحجری نیستند. این‌ها چیزهایی هستند که برحسب پیشرفت و اقتضائات زمان، ممکن است مصادیقشان تغییر پیدا کند. دراثنای این کار بسیار پُر تلاش و پُرزحمت، بسیار طبیعی است که مشکلاتی پیش آید؛ چون به‌طور پیوسته و دائم بایستی مهندسی و معماری کرد و مراقب بود که هیچ نقطه‌ای از این بنا برخلاف جهت صحیح ساخته نشود ... ما باید این نظام را بسازیم و ذره ذره و قدم‌به‌قدم پیش برویم.^۲

۱. دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی ۱۳۸۵/۰۷/۲۵

۲. در پاسخ به این سؤال که: «در آغاز انقلاب اسلامی، این انقلاب ادعاهایی داشت. در حال حاضر بعد از گذشت حدود بیست سال، چقدر به آن

ادعاهای رسیده‌ایم؟» دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

گفتار هشتم: حفظ اتحاد و همبستگی

وقتی مردم در یک نظامی متحدند، یکپارچه‌اند، پشتیبان نظامند، با نظامند، این نظام مصونیت پیدا می‌کند، اقتدار پیدا می‌کند، قدرت پیدا می‌کند، برکندن آن از جا ناممکن می‌شود؛ مثل درختی است که در اعماق زمین ریشه دوانده؛ این را نمی‌شود برداشت. بعضی از نظامها هستند که پول هم دارند، امکانات هم دارند، به‌به و چه‌چه سیاستمدارانِ استعمارگر دنیا را هم دارند، اما ریشه ندارند؛ خودشان هم می‌دانند که ریشه ندارند. نظام جمهوری اسلامی ریشه دارد؛ این ریشه، مردمند. اجتماع مردم حول این نظام، مایهٔ عزت و برکت کشور و برکت نظام و برکت خود آن مردم است. مردم کمک می‌کنند به این که نظام عزت پیدا کند؛ خود این، عزت مردم است؛ خود این، مصونیت و امنیت مردم است؛ خود این، امکانی است برای حل همهٔ مشکلات مردم؛ این را باید دانست؛ این یک فرمول کلی است.^۱

«پهدی به‌الله من اتبع رضوانه سبیل السلام»^۲ کسانی که به خدا ایمان پیدا کنند، خداوند آنها را هدایت می‌کند و به راههای سلیم و همزیستی سوق می‌دهد، به خاطر مبنای توحیدی جامعهٔ اسلامی است. ولایت هم معنایش همین است. ولایت، یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک. جامعهٔ اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همهٔ اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه - یعنی ولی - متصل است. لازمهٔ همین ارتباط و اتصال است که جامعهٔ اسلامی در درون خود یکی است و متحد و مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می‌کند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدت دفع می‌کند و با آن معارضة می‌نماید. یعنی «اشدء علی الکفار رحماء بینهم»، لازمهٔ ولایت و توحید جامعهٔ اسلامی است.^۳

همبستگی و اتحادتان را حفظ کنید. دشمن، اتحاد مردم را هدف گرفته است. دشمن، ساده‌لوحانه به نفوذی‌ها و مزدوران خود در میان مردم دل بسته؛ این یک خیال خام و واهی است. امروز امریکایی‌ها هدفهای خود را آشکار بیان می‌کنند؛ این هم یکی از نکتهای خدا برای مستکبران است. می‌گویند ما در ایران به کسانی که به اهداف امریکایی‌ها کمک کنند،

۱. دیدار نمایندگان مجلس شورای، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸

۲. ۱۳۹۶/۱۱/۱۹. ۲

۳. ۱۳۶۸/۹/۲۹. ۳

کمک مالی می‌کنیم. این‌ها ملت ما را نشناخته‌اند؛ لذا صریحاً سخن از این می‌گویند که ما می‌خواهیم در داخل ایران با پول، معارض و- به قول خودشان- اپوزیسیون درست کنیم. همه باید بدانند؛ کسی که با پول امریکا و با حمایت دولتمردان امریکا بخواهد برای منافع امریکا کار کند و قیافهٔ اپوزیسیون به خودش بگیرد، در چشم ملت ایران منفورترین انسان است. همهٔ ملت ایران، بخصوص نخبگان، جوانان، دانشجویان و کسانی که حوزهٔ تأثیری فراتر از حول و حوش خودشان دارند، بدانند امروز علاج همهٔ مشکلات این کشور، همبستگی و مشارکت عمومی است.^۱

مسئلهٔ وحدت و همدلی در کشور هم بسیار مهم است. اختلاف سلیقه در زمینه‌های سیاسی - در زمینه‌های سیاسی خرد و کلان - وجود دارد، اما این اختلافها نباید وحدت کشور را و همدلی کشور را از بین ببرد؛ همه بایستی با هم باشند؛ یکی از نقاط مهم این است که از مسئولان هم همه باید حمایت کنند. حمایت منافات ندارد با اینکه شما یک ایرادی هم به فلان مسئول، یا دولت، یا قوهٔ قضائیه، یا مجلس داشته باشید، اما حمایت باید به‌هرحال انجام بگیرد.^۲

همهٔ آحاد ملت و بخصوص مسئولین کشور باید نعمت وحدت و اتفاق و همدلی را - که خدای متعال آن را به ما ارزانی داشت - برای خود حفظ کنند و آن را به خطر نیندازند: «واذکروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء فالق بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته اخوانا». برادری، احساس همگامی و همدلی، نعمت بزرگ خداست. در داخل کشور، در صفوف مختلف مردم، در صفوف مسئولان، در جمع سیاستمداران، در میان کسانی که حرف و جایگاه آنها در نظر مردم واقعی دارد، این احساس باید احساس مسلط باشد. بر تفرقه‌ها و مایه‌های تفرق غلبه کنند؛ به یکدیگر نزدیکتر شوند؛ موارد جزئی اختلاف را در موارد کلی وحدت و اشتراک حل و هضم کنند؛ نه این‌که آن جزئی‌ها را عمده کنند و مشترکات بزرگ را ندیده بگیرند. برادری اسلامی، علاقه به کشور، پرورش یافتن در دامن انقلاب، برخورداری از نعمت بزرگ نظام اسلامی، دلسوزی نسبت به آینده، علاقه‌مندی به مردم؛ این‌ها مشترکات است و باید آنها را حفظ کرد. به خاطر اختلافات جزئی نباید به اینها خدشه وارد کرد. این برای ما یک فریضه و ضرورت است. این فقط امری نیست که «بهتر است» آن را مراعات کنیم. نه، «باید» آن را مراعات کنیم؛ هرکس مراعات نکند، به منافع کشور و مردم و به سرنوشت انقلاب ضربه زده است.^۳

۱. دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۴/۱/۱

۲. دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۶/۳

۳. ۱۳۸۰/۰۹/۲۵. ۳

ملت ایران به برکت اسلام، عزّت و استقلال و یکپارچگی و وحدتی را که به دست آورده و راه روشنی را که انتخاب کرده است، از دست نمی‌دهد؛ با اتّکای به همین یکپارچگی و وحدت و قدرت درونی و ملی و تاریخ کهن و ارزشهای ماندگار و پایدار اسلامی و با توکل به خدای متعال، این راه را ادامه می‌دهد؛ در مقابل تهدیدها می‌ایستد و می‌داند کسی که بخواهد تیغ خود را با این صخره مستحکم تجربه کند، جز شکسته شدن آن تیغ، سرنوشتی برای او متصور نیست.^۱ توصیه مؤکّد اینجانب اتّحاد کلمه است؛ مسئولین کشور و دست‌اندرکاران مسائل عمده کشور اتّحاد کلمه داشته باشند؛ ملت عزیزمان، اتّحاد کلمه‌شان را حفظ کنند. بحمدالله همین اتّحاد کلمه ملت ایران توانسته است بسیاری از مشکلات را از پیش پا بردارد؛ بعد از این هم بایستی این اتّحاد کلمه وجود داشته باشد،^۲

سران کشورهای استکباری بدانند، مداخله‌گرانِ فضولِ در مسائل جمهوری اسلامی بدانند: ملت ایران بین خودشان اگر اختلاف هم داشته باشند، وقتی پای شما دشمنان ملت ایران به میان بیاید، همه با هم متحد می‌شوند؛ یک دست واحد، یک مشت محکم علیه شما می‌شوند. اینجور نیست که شما خیال کنید وقتی از یک جریانی به خیال خودتان دفاع کردید، حمایت کردید، این جریان به شما متمایل خواهد شد؛ ابداً.^۳

شما اگر متحد باشید، شما اگر با هم باشید، شما اگر این روحیه استحکامی را که انقلاب به ملت ما داد و در طول این سی سال ملت ما آن را حفظ کرده است، نگه دارید، «لایضرکم کیدهم شیئاً»؛ هرگز دشمنی آنها به شما اثری نخواهد کرد، و آنها نخواهند توانست به ملت ایران آسیبی وارد کنند.^۴

شما نگاه کنید ببینید آن کسانی که می‌خواهند وحدت ملت ایران را به هم بزنند، کی‌ها هستند؟ بدانید که این‌ها عوامل دشمنند؛ یا خودشان از متن دشمن دارند حرف می‌زنند، یا سرانگشت دشمنند؛ بروبرگرد ندارد. آن کسی که ندای تفرقه بین شیعه و سنی را سر می‌دهد و به بهانه مذهب، می‌خواهد وحدت ملی را به هم بزند، چه شیعه باشد و چه سنی، مزدور دشمن است؛ چه بداند، چه نداند. گاهی بعضیها مزدور دشمنند و خودشان نمی‌دانند... عزیزان من! همه ملت ایران! وحدتتان را قدر بدانید. این اتّحاد برای این کشور، اتّحاد بسیار پرشکوه و پربرکتی است. اتّحاد را قدر بدانید، همدلی را قدر بدانید، همکاری را قدر بدانید،

۱. دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۲/۱۲/۱۳۸۰

۲. دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

۳. دیدار جمعی از مردم در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام ۱۳۸۸/۴/۱۵

۴. دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۸۸/۴/۷

همراهی دولت با ملت را قدر بدانید، مردم‌دوستی دولت را قدر بدانید. دولت هم ایمان مردم را، حماسه مردم را، شور و شوق جوانان را و روح ابتکار و فعالیت و کارآفرینی را در نسلهای رو به رشد این کشور قدر بداند و از این نیروها استفاده کند که *إن شاء الله* همین جور هم خواهد شد^۱ شکر مسئولین، خدمت است؛ شکر مردم، حفظ وحدت است؛ حفظ وحدت، حفظ هوشیاری، حفظ برادری، نگاه مشفقانه به یکدیگر. دشمن می‌خواهد این نباشد و شما سعی کنید که این چه که دشمن را خشمگین می‌کند، آن را انجام بدهید و آنچه که قلب مقدس ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را شاد خواهد کرد، او همین وحدت و مهربانی و همکاری و نشاط و حرکت انقلابی ملت ایران است.^۲

اسلام به ما وعده داده است که پیروزی متعلق است به مؤمن مجاهد؛ اگر ایمان نباشد، نصرت به‌طور کامل به دست نمی‌آید؛ اگر ایمان باشد اما مجاهدت و تلاش نباشد، نتیجه به دست نمی‌آید. وظیفه مان این است که از اسلام و از حرکت اسلامی حمایت کنیم و دفاع کنیم؛ یکی از مقدماتش این است که این اختلافات فرقه‌ای و طائفی را بگذاریم کنار. خب اگر بخواهیم این اختلافات را کنار بگذاریم، کسانی هستند که مخالف با این هستند و نمی‌خواهند بگذارند؛ یک کسانی را از ما تحریک می‌کنند، یک کسانی را از برادران ما تحریک می‌کنند، و اینها وادار می‌شوند به اینکه برخلاف حرکت وحدت حرف بزنند، اقدام کنند و کار کنند. این‌هایی که این نقش را ایفا می‌کنند اگر وابسته به سیاستهای جهانی و استکباری نباشند... باید اعتنائی نکنیم به اینها؛ اما اگر چنانچه مثل سعودی‌ها و مثل بعضی‌های دیگر، این اختلاف افکنی ناشی باشد از سیاستهای استکباری، باید با اینها مقابله کرد، باید محکم با اینها مواجه شد. آن شیعه‌ای که لندن از او حمایت بکند، آن شیعه را ما قبول نداریم. آن سنی‌ای که آمریکا و اسرائیل از او حمایت بکنند، آن سنی را ما مسلمان نمی‌دانیم... اسلام آن است که با کفر و با ظلم و با استکبار مخالف است؛ ما مشترکاتمان اینها است؛ مشترکات ما توحید است، مشترکات ما کعبه است، مشترکات ما وجود مقدس پیغمبر است، مشترکات ما محبت به اهل بیت است و خیلی از مشترکات دیگر. واجباتمان همه از مشترکات است؛ اینکه در نماز بنده قنوت بخوانم، شما نخوانی، این چیزی نیست که اختلاف ایجاد بکند. اصل قضیه این است که به خدای واحد احد معتقد باشیم و به نبوت معتقد باشیم و به نصرت الهی معتقد باشیم و به قیامت واقعاً معتقد باشیم؛ این‌ها اصل قضیه است.^۳

۱. جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۱۳۸۸/۲/۲۲

۲. سالروز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ۱۳۸۸/۴/۱۵

۳. دیدار وزیر اوقاف و جمعی از علمای سوریه ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

گفتار نهم: بیداری و مقاومت در مقابل دشمن

دشمن ضعیف است؛ «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»... ولیکن ما نباید غافل بشویم، ما نباید به خواب برویم. توصیه من به همه جوانهایمان، به همه مجموعه‌های گوناگون کشور، به همه اصناف کشور، به همه جریانهای سیاسی کشور این است که مراقب باشند به دشمن پهلو ندهند، مراقب باشند میدان را برای دشمن آماده نکنند؛ بیدار باشند. اگر ما غافل بشویم، ما به خواب برویم، همان دشمن ضعیف زهر خودش را خواهد ریخت؛ باید همه بیدار باشیم؛ همچنان که بحمدالله امروز همه ملت بیدارند و در طول این سالها هم ملت بیدار بودند؛ این بیداری را باید حفظ کنیم.^۱

نقاط ضعف دشمن را -نقاط ضعف معرفتی و عملی دشمن را- باید شناسایی کرد و اینها را به رخ انسانهایی که احتیاج دارند این مطلب به رخ آنها کشیده بشود، کشاند.^۲ هیمنه آمریکا شما را نترساند؛ دشمن ضعیف شده است. دشمن اسلام که استکبار است، امروز از همه دورانهای گذشته این ۱۰۰ سال و ۱۵۰ سال، ضعیف‌تر است.^۳ وادادگی در مقابل دشمن، دروازه همه آسیب‌هایی است که بر یک کشوری وارد می‌شود.^۴

چه عاملی برای دشمن ... بهتر از این است که در داخل جامعه اسلامی، مردم و جوانها بالاخره به این نتیجه برسند که چرا باید با کیسه‌دوخته‌های خارجی که می‌خواهند منابع ایران را غارت کنند، مخالف باشند؟! نخیر، بفرمایند تشریف بیاورند؛ حکومت را خودشان تنظیم کنند؛ اداره امور را خودشان به عهده بگیرند؛ از منابع هم هرچه می‌خواهند، ببرند؛ لطف کنند فقط چیزی به ما بدهند تا بخوریم و گرسنه نمانیم! همچنان که در دوران قبل از انقلاب اینگونه بود. البته آنجا این قسمت آخر دیگر نبود که «بدھیم بخورند تا گرسنه نمانند»؛ نخیر، گرسنگی و فقر و ناتوانی و بی‌خونی عمومی ملت بیداد می‌کرد. اگر این فکر را در بین مردم ترویج کنند و به صورت یک باور درآورند، آیا خطری برای یک ملت بالاتر از این هست؟^۵

۱. دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۹۷/۹/۲۱

۲. دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۴/۶/۲۵

۳. دیدار شرکت کنندگان در «کنگره جهانی جریانهای افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» ۱۳۹۳/۹/۴

۴. دیدار مردم اصفهان ۱۳۹۵/۰۸/۲۶

۵. دیدار جمع کثیری از مردم قم ۱۳۷۹/۱۰/۱۹

عده‌ای اینجور وانمود می‌کردند که اگر با آمریکایی‌ها دور میز مذاکره بنشینیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود، البته ما می‌دانستیم اینجور نیست اما قضایای یک سال اخیر برای چندمین بار این واقعیت را اثبات کرد. در گذشته میان مسئولان ما و مسئولان آمریکا هیچ ارتباطی نبود اما در یک سال اخیر بخاطر مسائل حساس هسته‌ای و تجربه‌ای که مطرح شد انجام بشود، بنا شد مسئولان تا سطح وزارت خارجه تماس‌ها، نشست‌ها و مذاکراتی داشته باشند اما از این ارتباطات نه تنها فایده‌ای عاید نشد بلکه لحن آمریکایی‌ها تندتر و اهانت‌آمیزتر شد و توقعات طلبکارانه بیشتری را در جلسات مذاکرات و در تریبون‌های عمومی بیان کردند. .. آمریکایی‌ها نه تنها دشمنی‌ها را کم نکردند بلکه تحریم‌ها را هم افزایش دادند!... این، یک تجربه ذیقیمت دیگر برای همه بود که متوجه شویم نشست و برخاست و حرف زدن با آمریکایی‌ها، مطلقاً تأثیری در کم کردن دشمنی آنها ندارد و بدون فایده است.^۱

دشمن ضعیف است، دشمن ناتوان است، دشمن شکست خورده است و مطمئناً در آینده هم دشمن در همه مراحل شکست خواهد خورد؛ به شرط اینکه من و شما بیدار باشیم، به شرط اینکه من و شما به وظایفمان عمل بکنیم، به شرط اینکه من و شما ناامید نشویم.^۲

یکی از کارهای دشمن این است که محاسبات مسئولان کشور و مؤثران فکری کشور و در درجه بعد آحاد ملت را تغییر بدهد و در محاسبات اینها اثر بگذارد؛ مثل اینکه شما فرض بفرمایید بتوانید در رایانه یک شخصی یک بدافزار را وارد کنید که همه چیزهایی را که این رایانه به شما خواهد داد، عوضی بدهد، غلط بدهد؛ در رایانه عمومی و کلی مدیریت یک کشور، در اندیشه آنها، در محاسبات آنها گاهی دشمن تأثیر می‌گذارد. یک ملت آزاد آن ملتی است که این تأثیر را نپذیرد، به معنای واقعی کلمه آزادانه بیندیشد، آزادانه فکر کند و با شجاعت عمل کند و دنبال منافع ملی خودش برود. خب، این به چه چیزی احتیاج دارد؟ به بصیرت. اگر ما بصیرت نداشته باشیم، اگر ما بینش درست، چشم باز، هوشیاری لازم نداشته باشیم، نه درست منافع حقیقی‌مان را تشخیص می‌دهیم، نه درست راه رسیدن به این منافع را تشخیص می‌دهیم، نه درست آدمی را که باید این بار بزرگ را بر دوش بگیرد، می‌شناسیم. وقتی بصیرت نبود مثل انسانی است که چشم ندارد، راه را نمی‌بیند؛ بصیرت برای یک کشور، یک ملت و آحاد یک مجموعه، به این اهمیّت است. اگر چنانچه این مختصات در یک کشوری، در یک ملتی وجود داشت، آن وقت آن ملت به نتایج مطلوب خود خواهد رسید.^۳

۱. دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب ۱۳۹۳/۵/۲۲

۲. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۵/۲۲

۳. مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۹۸/۰۸/۰۸

دشمن تا بتواند، موزیگری را رها نخواهد کرد ولی بایستی این را یقین داشت که از این موزیگری نتیجه‌ای نخواهد گرفت، به شرط اینکه ملت ایران همچنان که تا امروز به توفیق الهی و به هدایت الهی راه را شناخته‌اند، از این به بعد هم همین راه را با قدرت ادامه بدهند، و آن راه ایستادگی و صبر و تقوا همراه با هوشیاری و تدبیر و انسجام ملی است. بعضی نسخه‌ی دیگری را تجویز می‌کنند، میگویند تسلیم بشویم تا دشمن علیه ما موزیگری نکند؛ این‌ها نمی‌دانند که هزینه‌ی تسلیم شدن بمراتب بیشتر از هزینه‌ی مقاومت کردن و ایستادگی کردن است. بله، ایستادگی کردن ممکن است هزینه‌ای داشته باشد، اما دستاوردهای بسیار بزرگی دارد که صدها برابر آن هزینه برای ملتها ارزش دارد؛ اما تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز لگدمال شدن، جز ذلیل شدن، جز بی‌هویت شدن هیچ اثری ندارد؛ این را بایستی همه بدانند. این قانون لایتخلف پروردگار است که فرمود: *فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتْرُكُمْ أَعْمَالُكُمْ*؛ سست نشوید، دعوت به سازش با دشمن نکنید، خدای متعال شما را برتر قرار داده است و برتر هستید «وَلَنْ يَتْرُكُمْ» - یعنی «لَنْ يَنْقُصَكُمْ» - خدای متعال برای شما کم نمی‌گذارد در مقابل مجاهدتی که انجام داده‌اید، پاداش این مجاهدت را به‌طور کامل به شما خواهد داد.^۱

بعضی ممکن است هیچ تهدیدی را متوجه نظام ندانند، بگویند نه، هیچ تهدیدی متوجه نظام نیست. بعضی ممکن است تهدید را قبول کنند، اما آن را متوجه به بخشی از نظام بدانند، نه به همه‌ی نظام و خود را خارج از آن بخش مورد تهدید بپندارند. بعضی نیز ممکن است تهدید را جدی بدانند، اما راه حل آن را تسلیم و پوزش‌خواهی گمان کنند. همه‌ی این راه‌ها غلط است. تهدید هست، متوجه به همه‌ی نظام هم هست. هیچکس خیال نکند که متجاوز مستکبر سرکش به چیزی کمتر از سلطه‌ی کامل قانع خواهد شد و به کسی ابقا خواهد کرد. البته از تاکتیکهای شناخته‌شده و معروف و کهنه‌شده دنیا این است که سعی کنند در بین یک گروه دشمن، عده‌ای را علی‌العجاله از دایره دشمنی، خارج و انمود کنند تا بتوانند آن بخش دیگر را از بین ببرند، بعد هم به سراغ اینها بیایند. تهدید هست؛ تهدید، عمومی است. راه حل آن هم حفظ و افزایش عناصر قدرت در درون نظام است. ما عناصر قدرت فراوانی داریم. این‌ها را باید حفظ کنیم و روزبه‌روز افزایش دهیم. ما ضعیف نیستیم، باید در مقابل تهدید آمادگی داشته باشیم. اگر نداریم، باید آمادگی ایجاد کنیم و اگر داریم، حفظ کنیم و افزایش دهیم. در مقابل اعلان جنگ، اعلان دفاع همه‌جانبه - روی «همه‌جانبه» تکیه و تأکید می‌کنم - و

در مقابل اقدام به جنگ، اقدام به دفاع و ضربه متقابل.^۱

مثلاً فرض کنید نظام اسلامی با فشارهای شرطی دشمن مواجه می‌شود؛ مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد می‌کنند، مثلاً تحریم را، بعد میگویند این را برمی‌داریم به شرط اینکه فلان کار انجام بگیرد - این جور نیست که آدم را بکلی مایوس کنند؛ میگویند برمی‌داریم اما شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد؛ این خب خیلی چیز خطرناکی است، خیلی چیز مهمی است؛ این شرطها ممکن است که شرطهای بشدت گمراه کننده و هلاک کننده‌ای باشد - در یک چنین وضعی انسان چه کار باید بکنند؟ اینجا انسان متوجه می‌شود که علاج این، «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» است؛ چون این مسئله، مسئله عمومی است، مسئله شخصی که نیست. [مثلاً] در قرآن وجوب صبر، وجوب استقامت برای خود شخص [پیغمبر] هست؛ مخاطب «وَلَرَبِّكَ فَاصْبِرْ» پیغمبر است و به مردم ربطی ندارد اما این [مورد]، ارتباط به مردم دارد: «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» همه باید استقامت کنید، همه باید بایستید؛ یعنی یک حرکت جمعی صبر و استقامت را از ما می‌خواهد. پس فهمیدیم که در این قضایا باید این جوری عمل کرد: «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ» باید عمل کرد؛ یا «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ تواصی به صبر، یکدیگر را وادار کردن به ایستادگی و مقاومت و تحمل و پایداری... ما امروز با این مسئله مواجهیم؛ مردم ما دچار مشکلاتی هستند که بخشی از آنها ناشی از فشارهای دشمن است و ما می‌خواهیم مردم در مقابل این [مشکلات] استقامت کنند، بایستند؛ این یک حرکت عظیم و مهمی است که خب بحمدالله در کشور ما دارد انجام می‌گیرد.^۲

مقاومت موجب عقب‌نشینی دشمن می‌شود، بر خلاف تسلیم. وقتی که دشمن به شما زور می‌گوید، اگر شما یک قدم به عقب برداشتید، او جلو می‌آید؛ بدون تردید. راه اینکه او جلو نیاید، این است که شما بایستید. ایستادگی و مقاومت کردن در مقابل زیاده‌خواهی دشمن و زورگیری دشمن و باج‌خواهی دشمن، راه جلوگیری از پیش آمدن او است؛ پس صرفه با مقاومت است. خود ما هم همین جوری هستیم و تجربه خود ما در جمهوری اسلامی همین را نشان می‌دهد. من البته موارد زیادی را همین الان در ذهن دارم؛ نمی‌خواهم وارد بشوم و مثال ذکر بکنم؛ به طور کلی بگویم: هر جا ما ایستادگی کردیم و مقاومت کردیم، توانستیم پیش برویم؛ هر جا تسلیم شدیم و طبق میل طرف مقابل حرکت کردیم، ضربه خوردیم. مثال‌های واضحی وجود دارد و افراد هوشمند و مطلع می‌توانند مثالهایش را در زندگی چهل ساله جمهوری

۱. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

۲. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۹/۱۲/۴

اسلامی براحتی پیدا کنند... مقاومت البته هزینه دارد، بدون هزینه نیست، اما هزینه تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه مقاومت. وقتی شما در مقابل دشمن تسلیم می‌شوید، باید هزینه بدهید. رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود -خیلی اوقات هم ناراحت بودند، ناراضی بودند اما تسلیم بودند، می‌ترسیدند- هم نفت می‌داد، هم پول می‌داد، هم باج می‌داد، هم توسری می‌خورد! امروز دولت سعودی هم همین جور است؛ هم پول می‌دهد، هم دلار می‌دهد، هم بر طبق خواست آمریکا موضع‌گیری می‌کند، هم توهین می‌شنود؛ به او می‌گویند «گاو شیرده»! هزینه سازش، هزینه تسلیم، هزینه عدم مقاومت، از هزینه مقاومت بمراتب بیشتر است؛ هزینه مادی هم دارد، هزینه معنوی هم دارد.^۱

گزینه قطعی ملت ایران، مقاومت در مقابل آمریکا است و در این رویارویی، در این مقاومت، او وادار خواهد شد به عقب‌نشینی. و بحث مقاومت هم بحث برخورد نظامی نیست؛ این که حالا بعضی هم مسئله جنگ را در روزنامه و در فضای مجازی و مانند اینها مطرح می‌کنند حرف بیخودی است. جنگی بنا نیست انجام بگیرد و به توفیق الهی انجام هم نخواهد گرفت. نه ما دنبال جنگیم، آن‌ها هم به صرفه‌شان نیست که دنبال جنگ باشند و می‌دانند که به صرفه‌شان نیست. ما هم که خب اهل ابتدا به کار نظامی نیستیم - هیچ وقت نبودیم، الان هم نیستیم - این برخورد، برخورد اراده‌ها است؛ این رویارویی، رویارویی اراده‌ها است؛ و اراده ما از آنها قوی‌تر است. ما علاوه بر اراده قوی، توکل به خدا را هم داریم. ذَلِكِ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ؛ آن‌ها مولا ندارند؛ ما متکی به اراده الهی هستیم. بنابراین ان‌شاءالله آینده، آینده خوبی است و سختی‌ها هم آن‌چنان که بعضی‌ها تصویر می‌کنند و توصیف می‌کنند، نیست و نخواهد بود.^۲

مقاومت یک امر ممکن است؛ درست نقطه‌ی مقابل فکر غلط کسانی که می‌گویند و تبلیغ میکنند که «آقا! فایده‌ای ندارد؛ چطور میخواهید مقاومت کنید؟ طرف، گردن کلفت است، طرف قوی است.» خطای بزرگ، اینجا است؛ خطای بزرگ، این است که کسی تصور کند که در مقابل گردن کلفت‌های عالم نمیشود مقاومت کرد، نمیشود ایستاد. من این را یک قدری بیشتر توضیح بدهم؛ چون مطلب مهم و رایج و مورد ابتلائی است؛ الان هم ما داریم کسانی را که زیر کسوت روشنفکری و مانند اینها، در روزنامه، در کتاب، در سخنرانی، اینجا و آنجا این جور القا میکنند که «آقا! فایده‌ای ندارد، نمیشود با اینها درافتاد، نمیشود در مقابل اینها

۱. مراسم سالگرد امام رحمة الله علیه ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

۲. دیدار مسئولان نظام ۲۴/۲/۱۳۹۸

ایستاد، باید قبول کنیم؛ خلاصه‌اش این است که باید سواری بدهیم؛ سواری بدهیم و خیال خودمان را راحت کنیم. من عرض میکنم که این نگرش که بگویند «ما نمیتوانیم»، ناشی از همان خطای محاسباتی‌ای است که قبلاً اشاره کرده‌ام؛ این اشتباه در محاسبه است. خطای محاسباتی در هر قضیه‌ای ناشی از این است که ما عوامل گوناگون این قضیه را درست نبینیم. آنجایی که بحث بر سر یک مقابله است، بر سر یک برخورد دو جبهه با یکدیگر است، خطای محاسباتی از اینجا ناشی میشود که ما جبهه‌ی خودمان را هم درست نشناسیم، جبهه‌ی مقابل را هم درست نشناسیم؛ وقتی شناختیم، در محاسبه اشتباه میکنیم؛ اگر درست شناختیم، محاسبه‌ی ما جور دیگری خواهد بود. من عرض میکنم که ما در محاسباتی که باید در مسئله‌ی مقاومت در مقابل زورگویان عالم داشته باشیم، باید حقایق مربوط به این زورگویان را درست بدانیم، حقایق مربوط به خودمان را هم بدانیم. یکی از این حقایق، «قدرت مقاومت» است.

ببینید؛ در ادبیات سیاسی بین‌المللی، عنوان «مقاومت به شیوه امام خمینی» یک عنوان است. آنچه در تعبیرات فرنگی‌ها وجود داشت و بعد از قضیه آزادسازی خرمشهر خیلی این اصطلاح شایع شد، «دکترین مقاومت امام خمینی» است؛ این را مطرح کردند و مقاله‌ها نوشتند. حالا من اینجا یک جمله‌ای را یادداشت کرده‌ام که نوشته یکی از چهره‌های سیاسی معروف دنیا است که اگر بگویم همه می‌شناسید؛ او آن را در یک مقاله‌ای نوشت؛ نوشته است که «دوران نقش‌آفرینی منحصر به فرد توان نظامی و اقتصادی در سیطره جهانی در حال افول است؛ اینکه یک کشوری توان نظامی زیادی داشته باشد و توان اقتصادی زیادی داشته باشد و بتواند به سیطره خود ادامه بدهد، دیگر در حال افول است؛ دنیا عوض شده»؛ او می‌نویسد که «در آینده نه چندان دور شاهد قدرتهای فرامرزی‌ای خواهیم بود که از لحاظ ماشین‌آلات جنگی -مثل بمب اتم- یا سهم در تولید صنعتی جهانی، چندان بالا نیستند اما با قدرت تأثیرگذاری بر میلیون‌ها انسان، سیطره نظامی و اقتصادی غرب را به چالش خواهند کشید». این را یک سیاستمدار و صاحب‌نظر سیاسی غربی و آمریکایی می‌گوید. بعد هم اضافه می‌کند که «دکترین مقاومت خمینی با تمام توان، شاه‌رگ‌های سیطره غرب و آمریکا را هدف گرفته است». راز ماندگاری جمهوری اسلامی اینها است؛ این خطی است که این بزرگوار، این بنده صالح خدا، در میان ما باقی گذاشت؛ خط مقاومت، خط ایستادگی، خط قدردانی از آنچه داریم.

این را من عرض می‌کنم که امروز جبهه مقاومت در منسجم‌ترین وضعیت در چهل سال

گذشته است؛ در منطقه و در مراکزی حتی فراتر از منطقه؛ این یک واقعیت است. نقطه مقابل، قدرت استکباری است؛ قدرت استکباری آمریکا، قدرت فتنه‌انگیزی و خباثت رژیم صهیونیستی، از چهل سال پیش به این طرف بمراتب تنزل کرده‌اند و پایین رفته‌اند؛ ما این را در محاسبات خودمان باید لحاظ کنیم. اینکه در وضع سیاسی آمریکا یا در وضع اجتماعی و اقتصادی آمریکا چه اتفاقاتی افتاده و دارد می‌افتد، باید در محاسبات ما وارد بشود. این را باز بعضی از خود آمریکایی‌ها گفته‌اند، بعضی‌ها می‌گویند «افول موریانه‌وار»؛ که این را [یک] نویسنده آمریکایی می‌گوید. در مورد افول اقتدار آمریکایی می‌گوید «افول موریانه‌وار»؛ یعنی مثل موریانه از درون دارد پوک می‌شود - خود نهادهای درون آمریکا این را می‌گویند - هم در عرصه اقتصادی این جور است، هم در عرصه اجتماعی این جور است، هم در عرصه سیاسی این جور است. آمارهای واضحی وجود دارد در مورد وضع اقتدار اقتصادی آمریکا و تأثیر آمریکا در اقتصاد جهانی که در طول این چندین دهه به شکل عجیبی سقوط کرده... در بخش سیاسی هم اقتدار آمریکا افول کرده... .

یک طرف محاسبه هم خود ما هستیم. ما البته مشکل داریم؛ ما مشکلات اقتصادی داریم، بارها هم گفته‌ایم، مسئولین هم به قدر توان خودشان دنبال حل این مشکلات هستند. مشکل داریم اما بن بست نداریم. مهم این است که ما در کشور بن بست نداریم؛ نه در مسائل اقتصادی، نه در مسائل اجتماعی، نه در مسائل سیاسی؛ مشکلاتی داریم که علل مختلفی دارد اما در کشور بن بست نداریم، بعکس پیشرفت داریم. در رأس برجستگی‌های کشور ما، همین ملت عزیز ایرانند؛ همین ملت پرشور، همین ملت با بصیرت. اگر ملت ما بصیرت نداشتند، این حضور مردمی در آنجایی که حضور آنها لازم است دیده نمی‌شد؛ حضور مردمی. شما ببینید در بیست و دوم بهمن سال ۹۷ یعنی همین چهار پنج ماه قبل از این، چه اجتماع عظیمی در خیابانهای سراسر کشور به راه افتاد! این، بصیرت می‌خواهد، این همت می‌خواهد، این آمادگی می‌خواهد، این کمر بستگی می‌خواهد؛ ملت ایران این را دارد: آگاهی، بصیرت، قدرت ایستادگی، اراده محکم را؛ این بزرگ‌ترین نقطه قوت کشور ما است؛ نقاط قوت دیگری هم وجود دارد.^۱

عزیزان من! یک نکته این است که هدف مقاومت عبارت است از رسیدن به نقطه بازدارندگی. هم در اقتصاد، هم در مسائل سیاسی کشور، هم در مسائل اجتماعی، هم در مسائل نظامی باید به نقطه‌ای برسیم که این نقطه بازدارنده باشد، یعنی بتواند جوری خود را

۱. مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴

نشان بدهد که دشمن را از تعرض به ملت ایران در همه زمینه‌ها منصرف کند؛ دشمن ببیند فایده‌ای ندارد و با ملت ایران نمی‌تواند کاری بکند. ما امروز در بخش نظامی تا حدود زیادی به این بازدارندگی رسیده‌ایم. این هم که می‌بینید روی مسئله موشک و مانند این حرفها اصرار می‌کنند، به خاطر همین است؛ می‌دانند که ما به بازدارندگی رسیده‌ایم، به نقطه تثبیت رسیده‌ایم، می‌خواهند کشور را از این محروم کنند، و البته هرگز نخواهند توانست. مواجهه ما با مسائلمان و با دشمنانمان باید اولاً شجاعانه باشد، مرعوبانه نباشد؛ ثانیاً امیدوارانه باشد، مأیوسانه نباشد؛ ثالثاً عاقلانه و خردمندانه باشد، هیجانی و احساساتی سطحی نباشد؛ [رابعاً] مبتکرانه باشد، از روی انفعال نباشد؛ ابتکار کنیم؛ اگر به این کیفیت حرکت کردیم، اگر این جور حرکت کردیم، بدانید ملت ایران در مواجهه با همه قدرتهای بزرگ توفیق خواهد یافت و خواهد توانست پیش برود. یک شرط دیگر برای موفقیت این است که ما به ترفند دشمن برای تضعیف اندیشه مقاومت توجه کنیم. ببینید عزیزان من! اندیشه مقاومت، قدرتمندترین سلاح یک ملت است؛ پس طبیعی است که دشمن بخواهد این سلاح را از دست ملت ایران بگیرد؛ [لذا] روی اندیشه مقاومت شروع می‌کنند به وسوسه کردن، تردیدافکنی: «آقا، چه فایده دارد، نمی‌شود». باید اندیشه مقاومت از ترفند دشمن مصون بماند و با ترفند دشمن تضعیف نشود.^۱

یک نکته مهم قابل توجه این است که خب حالا وظیفه ما چیست؛ بالاخره یک حادثه مهمی [شهادت سردار سلیمانی] اتفاق افتاده است... آنچه وظیفه ما به عنوان مردم، به عنوان آحاد جمهوری اسلامی است: اولاً دشمن‌شناسی است؛ دشمن را [بشناسیم]؛ در شناخت دشمن اشتباه نکنید. نگویید که خب همه میدانیم؛ بله، شما میدانید که دشمن کیست؛ دشمن استکبار است، دشمن صهیونیسم است، دشمن آمریکا است؛ این‌ها را شما میدانید اما تلاش وسیعی دارد انجام می‌گیرد برای اینکه این قضیه را بعکس کنند، نظر مردم را عوض کنند، با شیوه‌های پیچیده تبلیغاتی؛ همه باید مراقب باشند؛ دشمن‌شناسی بسیار مهم است؛ یکی این؛ بعد، دانستن نقشه دشمن؛ دشمن چه کار دارد می‌کند، چه کار می‌خواهد بکند؛ و بعد، دانستن شیوه مقابله با نقشه دشمن؛ این را باید مردم ما بدانند. اتکاء ما به مردم است. جمهوری اسلامی بدون خواست مردم، بدون کمک مردم، بدون آراء موافق و مثبت و اراده‌های مردم که چیزی نیست، معنایی ندارد. مردم بایستی هم دشمن را بشناسند، هم شیوه‌های کاری دشمن را بدانند، هم باید نحوه مقابله با این شیوه‌ها را بدانند؛ این کار

۱. مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۳/۱۴

صاحبان فکر است. خوشبختانه ما امروز در کشور، مردان شجاع و باتدبیر، کم نداریم؛ هم در عرصه نظامی، هم در عرصه علمی، هم در عرصه سیاسی، افراد باتدبیر و شجاع و دانا و آگاهی داریم؛ باید سخن اینها شنیده بشود؛ کاری که اینها مناسب می‌دانند، در سطح کشور، در سطح جامعه به نحو درستی انجام بگیرد؛ ما کم نداریم؛ خوشبختانه تربیت‌شدگان مکتب امام روزبه‌روز بیشتر می‌شوند....

نقشه دشمن این است که جوانان ما را، مردم ما را در بخشهای گوناگون دچار خلل در عزم و اراده کند؛ نقشه اساسی دشمن این است؛ تردیدافکنی در ایمان مردم و در عزم راسخ مردم؛ یعنی همان دو عنصری که عرض کردم؛ دو کلیدواژه ایمان، و غیرت دینی. تردیدافکنی در ایمان و غیرت دینی مردم آن چیزی است که دشمن دنبال آن است؛ می‌دانند که اگر چنانچه این اتفاق افتاد، قدرت تهاجمی و حتی قدرت دفاعی جمهوری اسلامی هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و از بین خواهد رفت؛ لذا دارند توطئه می‌کنند.^۱

کید دشمن را هرگز از نظر دور مدارید. غفلت ما برای دشمنان ما فرصت‌آفرین است... چیزی که مکر آنان را نقش بر آب کرده است، در اصل دو عامل اساسی است: ایستادگی بر سر اصول اسلامی، و حضور مردم در صحنه. این دو عامل در همه جا کلید فتح و فرج است. عامل اول به وسیله ایمان صادقانه به وعده الهی، و عامل دوم به برکت تلاش مخلصانه و تبیین صادقانه تضمین می‌شود. ملتی که صدق و صمیمیت پیشوایان را باور کند، صحنه را از حضور پر برکت خود رونق می‌بخشد؛ و هر جا که ملت با عزم راسخ در صحنه بماند، هیچ قدرتی توان شکست دادن آن را نخواهد داشت. این تجربه موفق برای همه ملت‌هایی است که با حضور خود بیداری اسلامی را رقم زدند.^۲

جمهوری اسلامی و ملت ایران آن مجموعه‌ای هستند که هرکس به آنها تعرض بکند ممکن است ضربه بزند، اما ضربه بزرگ‌تر را خودش خواهد خورد؛ کمااینکه تا حالا این‌جوری بوده. آمریکایی‌ها یک بار هم اینجا حمله کردند به طبرس -یادتان هست- خودشان را نجس کردند، برگشتند رفتند! درست است که خیلی چیزها را ممکن است نفهمند، اما به نظرم می‌آید این قدر هم چیز نیستند که این را نفهمند! جنگ نخواهد شد، مطمئناً.^۳

دشمن به‌طور کامل در مقابل ما فعال است. ما باید در مقابله با موانع، این راه را طی کنیم؛ این [کار] شرایطی دارد. گام اول برای اینکه بتوانیم این راه را درست طی بکنیم، این است که

۱. دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۲. اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۲/۹

۳. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۵/۲۲

وجود و حضور دشمن را حس کنیم... تا انسان نداند که دشمن در مقابل او است، برای خود چرز و حفاظ و سنگر به وجود نمی‌آورد و سلاح لازم را در دست نمی‌گیرد. گام دوم، اعتماد به نفس و عزم بر ایستادگی است. آدم‌های بی‌روحیه، مردّد، ترسو، فرصت‌طلب، خودکم‌بین، در این میدان هیچ هنری نمی‌توانند نشان بدهند، اگر مانع برای دیگران درست نکنند.. گام سوم، شناخت حوزه و عرصه تهاجم است. جنگ ما با دشمن و تهاجم دشمن به ما در کجا است؟ این را باید درست تشخیص بدهیم. باید تهدید دشمن را درست فهم کنیم، اندازه آن را بشناسیم و معلوم بشود عرصه تهاجم کجا است... باید بدانید دشمن از کجا حمله می‌کند. همه نظام، همه کشور، همه مردم باید درک درستی از عرصه نبرد دشمنان داشته باشند.

خب عرصه نبرد کجا است؟ بنده دو سه مورد از عرصه‌های نبرد دشمن را می‌گویم. اول، اسلام و ایمان اسلامی است. آمریکا از اسلام سیلی خورده است، از اسلام کینه در دل دارد. آمریکا از انقلاب اسلامی سیلی خورده است، از انقلاب اسلامی کینه در دل دارد... این‌ها از اصل انقلاب، از اصل حرکت عظیم ملت ایران کینه در دل دارند، کید و مکر آنها به‌خاطر این است؛ این اولین عرصه جنگ است... از قدرت اسلامی و قدرت انقلابی می‌ترسند لذا سعی می‌کنند عناصر قدرت را مخدوش کنند و از بین ببرند. عناصر قدرت ما چیست؟ استقرار و ثبات سیاسی است، امنیت اجتماعی است، وحدت ملی است، پایداری به اصول و مبانی انقلاب است، حرکت پیشرفت رو به توسعه علمی است، توسعه و تعمیق فرهنگ انقلابی و اسلامی است؛ این‌ها عناصر قدرت ما است؛ با اینها مخالفند. البته با پیشرفت نظامی ما هم مخالفند، با موشک ما هم مخالفند، با حضور ما در منطقه هم مخالفند؛ چون اینها هم جزو عوامل قدرت و عناصر قدرت ما است؛ پس میدان جنگ اینجا است. میدان جنگ و میدان تقابل استکبار با ایران اسلامی عبارت است از هر آنچه موجب اقتدار ایران اسلامی است؛ بایستی این را یکی از مراکز درگیری با قدرت مستکبرین دانست. این یکی از مناطق درگیری است.

یک نقطه دیگر از عرصه‌های درگیری، فهم درست واقعیت‌های ایران و جهان است. اینکه شما فهم درستی از واقعیت‌های کشورتان داشته باشید، به ضرر آنها است؛ با این مخالفند، با این مبارزه می‌کنند؛ با چه ابزاری؟ با ابزار بسیار خطرناک رسانه، بخصوص رسانه‌هایی که امروز نوپدید است. با تصویرسازی غلط سعی می‌کنند افکار ملت ایران را منحرف کنند؛ هم تصویر غلط درباره ایران، هم تصویر غلط درباره خودشان، هم تصویر غلط درباره اوضاع منطقه. یکی از تصویرهای غلط آنها این است که وانمود می‌کنند در موضع قدرتمند، درحالی‌که در موضع قدرت نیستند. بله، قدرت سخت‌افزاری آنها یک قدرت قابل نشان دادن است؛ یعنی پول

دارند، ابزار نظامی دارند، امکانات رسانه‌ای دارند؛ این‌ها ابزارهای قدرت است، منتها در مقابله جهانی، حرف اول را قدرت نرم‌افزاری میزند؛ قدرت نرم‌افزاری یعنی منطق، یعنی استدلال، یعنی حرف نو؛ حرف نویی که تعیین‌کننده زندگی باشد؛ سخن نو به میان آوردن. این‌ها حرف نو ندارند، منطق ندارند. در قدرت نرم‌افزاری، آمریکا بشدت ضعیف است؛ حرفش زورگویی است، منطقش ضعیف است، لیبرال‌دموکراسی‌اش امروز در دنیا مفتضح است - رفتار و شیوه‌های اعمال لیبرال‌دموکراسی که به آن افتخار می‌کردند، امروز در دنیا به‌صورت مفتضح مورد انتقاد صاحب‌نظران دنیا است - برای همین هم هست، به‌خاطر همین هم هست که شما ملاحظه می‌کنید آمریکای دارای قدرت اتمی، دارای تکنولوژی پیشرفته، دارای پول فراوان، در بسیاری از مناطق عالم شکست‌خورده است؛ در عراق شکست خورد، در سوریه شکست خورد، در لبنان شکست خورد، در پاکستان شکست خورد، در افغانستان شکست خورد، در مواجهه با قدرتهای دنیا شکست خورده است و می‌خورد و امروز شکستهای دیگری هم آن‌طوری که انسان مشاهده می‌کند در انتظار آمریکا است. این تصویرسازی آنها از خودشان است که یک تصویرسازی غلط و دروغین است.

یک تصویرسازی دیگری دارند که آن هم بشدت غلط و خدعه‌آمیز است و آن تصویرشان از ایران اسلامی است؛ تصویری که سعی می‌کنند در افکار عمومی دنیا آن را ترویج کنند و حتی سعی می‌کنند به خود ما هم، به خود ملت ایران هم، این تصویر را ارائه بدهند، تزریق کنند و ما را قانع کنند به نظرات باطل خودشان در مورد کشور ما. با تکیه بر مشکلات اقتصادی‌ای که امروز ما در کشور داریم و واقعیاتی است، این‌ها خیالاتی را در سر کم‌مغزشان و بی‌تدبیرشان می‌پرورانند... دشمن، شما را نشناخته، دشمن ملت ایران را نشناخته، دشمن انقلاب را و روحیه انقلابی و ایمانی را نشناخته و این تحلیل غلط در تمام این سالها موجب گمراهی او شده است، هنوز هم موجب گمراهی است و [طبق] این دعای منسوب به معصوم (علیه‌السلام) که «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ أَعْدَاءَنَا مِنَ الْحَمَقَاءِ»، اعداء ملت ایران را خدا از نادانان قرار داده است؛ بلکه دشمنان ملت ایران هستند.

ما البته مشکل داریم، بله، مشکل اقتصادی داریم. درست توجه کنند جوانهای عزیز و مردم بانگیزه و مؤمن ما، ما مشکل اقتصادی داریم، اقتصاد نفتی داریم که این خودش یک عیب بزرگ است، فرهنگ صرفه‌جویی نداریم، فرهنگ صرفه‌جویی در بین ما بسیار ضعیف است؛ این عیب است، اسراف عیب است؛ این عیوب را ما داریم، ولی عیب واقعی اینها نیست؛ عیب واقعی بن‌بست است که بحمدالله نداریم؛ ما بن‌بست نداریم. عیب واقعی این

است که جوان کشور گمان کند که راه حلی وجود ندارد جز پناه بردن به دشمن؛ این عیب است. بعضی سعی می‌کنند این را القا کنند به جوانهای ما؛ دشمن این را می‌خواهد. دشمن می‌خواهد ملت ایران را به این نتیجه برساند که بن بست است، راه حل وجود ندارد مگر پناه بردن به آمریکا و زانو زدن در مقابل آمریکا و تسلیم شدن در مقابل آمریکا. من صریحاً اعلام می‌کنم، من صریحاً اعلام می‌کنم: کسانی که در داخل کشور این فکر را که مطلوب و محبوب دشمنان است ترویج می‌کنند، این‌ها خیانت می‌کنند؛ این خیانت به کشور است. اینکه ما بر طبق میل دشمن ترویج کنیم که راهی جز پناه بردن به دشمن نداریم، بزرگ‌ترین خیانت در حق ملت است. البته این اتفاق نمی‌افتد، من به حول و قوه الهی و با همراهی شما تا جان و توان دارم، نخواهم گذاشت این اتفاق در کشور بیفتد.

این تصویرسازی دشمن است؛ این تصویر خدعه‌آمیز دشمن از وضع خود او و از وضع ما است؛ تصویرهای دروغینی که با هزارها شبکه تلویزیونی و رادیویی و اینترنتی، امروز دارد به سمت ملت ایران و افکار عمومی ما سرازیر می‌شود. این تصویرسازی دروغین است، اما تصویر واقعی چیست؟ تصویر واقعی این است که شما و همه جوانهای کشور باید جایگاه امروز کشور و ملتتان را بدانید؛ این شرط اول اثرگذاری شما است.^۱

انگیزه شدید و قوی‌ای وجود دارد برای اینکه ملت ایران را قانع کنند که آقا باید کوتاه بیایید. رادیوهای دنیا، وسایل ارتباط جمعی در دنیا، رسانه‌های دشمن، مجموعه‌ای از اندیشکده‌ها و جمعیت‌های فکری نشسته‌اند طراحی می‌کنند برای اینکه ملت ایران را قانع کنند که باید در مقابل آمریکا کوتاه بیایید و چاره‌ای هم نیست. خب ملت ما بحمدالله ایستاده، اما بایستی نیروی معنوی را پی‌درپی تزریق کرد، نیروی معنوی را پی‌درپی باید زنده کرد؛ این یکی از معارف است. در همین دعای صحیفه سجّادیه [آمده:] *وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلِيٍّ... يَدَا؛* یعنی من را مدیون کافر و فاسق نکن، من را محتاج آنها نکن، چشم من به دست آنها نباشد، من در مقابل آنها احساس ضعف نکنم؛ این یکی از معارف است. اینکه از خدا می‌خواهد او را در مقابل دشمن به این وضع دچار نکند، معنایش این است که در مقابل دشمن نباید به این وضع دچار شد.^۲

عزیزان من! مراقب باشید و سوسه دشمن در فضای عمومی زندگی تأثیر نگذارد، نفوذ دشمن نتواند در صفوف یکپارچه جوانان مؤمن اختلال ایجاد کند. در همه بخشها - امروز

۱. همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

۲. دیدار مداحان ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

در بخشهای فضای مجازی و در بقیه زمینها- دشمن بشدت فعال است. البته تلاش دشمن، مایوسانه است؛ این را از سخنان آنها کاملاً می‌شود فهمید؛ اما تلاش می‌کنند. باید بایستید، باید از خودتان آمادگی و اقتدار نشان بدهید، باید ابتکار خودتان و انگیزه خودتان را در بخشهای مختلف به کار ببندید؛ خدای متعال به شما کمک خواهد کرد.^۱

ملت ایران در مقابل آنچه که دشمن می‌خواهد انجام دهد، دنبال تدبیر خواهد بود. ملت ایران دنبال شکوفائی اقتصادی، رونق اقتصادی و رفاه کامل است؛ اما ملت ایران نمی‌خواهد این را از راه ذلت در مقابل دشمن به دست بیاورد؛ این را می‌خواهد با نیروی خود، با عزم خود، با شجاعت خود، با پیشروی خود، با توانائی جوانانش به دست آورد؛ لا غیر. بله، تحریم، فشار است، آزار است - شکی نیست - اما در مقابله با این فشار و آزار، دو راه وجود دارد: ملت‌های ضعیف وقتی که دشمن فشار آورد، می‌روند در مقابل دشمن تسلیم می‌شوند، خشوع می‌کنند، توبه می‌کنند. اما ملت شجاعی مثل ایران بمجرد اینکه دید دشمن دارد فشار می‌آورد، سعی می‌کند نیروهای درونی خود را فعال کند، با قدرت و شجاعت از منطقه خطر عبور کند؛ و همین کار را خواهد کرد.^۲

یک ملت باید خود را عزیز بداند و عزیز قرار دهد. باید یک ملت از خواری، از ذلت، به هر وسیله‌ای از سوی هرکسی مبارزه کند و خود را به نقطه عزت برساند. این عزتی که برای ملت ایران یک ضرورت است و به فضل الهی به وسیله انقلاب اسلامی زمینه کامل این احساس عزت در ما مردم به وجود آمده است، یکی از عناصرش عبارت است از دل بسته و وابسته نبودن به بیگانگان، به دشمنان، به کسانی که در سرنوشت پرشکوه یک ملت مثل ملت ما، آن‌ها هیچ‌گونه احساس سود نمی‌کنند. بنابراین دنبال منافع خودشان هستند و این منافع را در ذلیل کردن، خوار کردن، به استضعاف کشاندن ملتها می‌دانند. باید به این‌ها دل بسته نشد.^۳

امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده. «فَلَا تُطِعِ الْكُفْرَانَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن.

۱. دانشگاه علوم دریایی امام خمینی رحمه الله شهر ۱۳۹۷/۰۶/۱۸

۲. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

۳. دیدار مردم مروان ۱۳۸۸ / ۰۲ / ۲۶

تبعیت نکردن در کجا؟ در میدانهای مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدانهای مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر» این تبعیت نکردن آن قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرر به آن توصیه می‌کند. آیه تکان دهنده اول سوره مبارکه احزاب: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * یٰۤاَیُّهَا النَّبِیُّ اَتَقِ اللّٰهَ وَلَا تُطِعِ الْکَافِرِیْنَ؛ [می‌فرماید] «اَتَقِ اللّٰهَ وَلَا تُطِعِ الْکَافِرِیْنَ»! پیغمبر! تقوا داشته باش و از کافران تبعیت نکن؛ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ عَلِیْمًا حَکِیْمًا، ما میدانیم مشکلات تو را، ما میدانیم فشارهایی که بر تو وارد می‌کنند تا تو را وادار به تبعیت کنند - تهدید می‌کنند، تطمیع می‌کنند - اما شما مراقب امر و نهی الهی باش، اَتَقِ اللّٰهَ، حواست جمع باشد. وَلَا تُطِعِ الْکَافِرِیْنَ؛ این اطاعت نکردن از کافرین، چیز بزرگ و مهمی است که خدای متعال با این لحن با پیغمبرش حرف می‌زند، اطاعت از کافرین نکن، پس چه کار کن؟ وَاتَّبِعْ مَا یُوحِی الَیْکَ مِنْ رَبِّکَ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِیْرًا [می‌فرماید]: یٰۤاَیُّهَا النَّبِیُّ اَتَقِ اللّٰهَ وَلَا تُطِعِ الْکَافِرِیْنَ وَ الْمُنْفِیْقِیْنَ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ عَلِیْمًا حَکِیْمًا * وَاتَّبِعْ مَا یُوحِی الَیْکَ مِنْ رَبِّکَ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِیْرًا؛ از آنها تبعیت نکن؛ تو برنامه داری؛ تو برنامه کار داری، برنامه زندگی داری؛ وحی الهی تو را تنها نگذاشته است؛ قرآن در اختیار تو است، اسلام در اختیار تو است، برنامه اسلام در اختیار تو است؛ این راه را برو. ببینید اینها همه آیات اول سوره احزاب است؛ پشت سر هم؛ اول، اَتَقِ اللّٰهَ وَلَا تُطِعِ الْکَافِرِیْنَ وَ الْمُنْفِیْقِیْنَ؛ بعد، وَاتَّبِعْ مَا یُوحِی الَیْکَ مِنْ رَبِّکَ؛ پشت سر [آن]، جواب این سؤال است که خب، خطر وجود دارد، فشار می‌آورند؛ وَتَوَكَّلْ عَلَی اللّٰهِ وَکَیْ بِاللّٰهِ وَکَیْلًا؛ در مقابل همه این فشارها به خدا تکیه کن؛ به خدا تکیه کن. توکل معنایش این نیست که کار را رها کنی بنشینید تا خدا بیاید عوض شما کار را انجام بدهد؛ این نیست؛ توکل این است که شما راه بیفتید، عرق بریزید، تلاش کنید، آن وقت یقین داشته باشید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد؛ امروز مسئله جمهوری اسلامی این است.^۱

شناخت درست از دشمن داشته باشیم. دشمن یک جبهه است؛ دشمن یک فرد که نیست، یک دولت خاص که نیست، یک جبهه است؛ ما باید این جبهه را بشناسیم و ببینیم چه کسی وابسته به این جبهه است و از کجا این جبهه، جوری حرکت می‌کند که می‌تواند ما را نسبت به خودش مشتبه کند. جبهه دشمن را بشناسیم، شیوه‌های دشمنی را هم بشناسیم؛ بدانیم [دشمن] چه جوری دشمنی می‌کند. گاهی هست که دشمن وارد می‌شود، یک کاری را شروع می‌کند به قصد یک هدف خباثت‌آمیز و ما درست نمی‌دانیم آن هدف چیست؛ ظاهر کار را نگاه می‌کنیم می‌بینیم کار خوبی است و از آن استقبال می‌کنیم؛ درحالی‌که او دارد آن

هدف [خودش] را دنبال می‌کند. داشته‌ایم؛ از این قبیل در کشور داشته‌ایم و داریم مواردی را که آنها یک کاری را شروع کردند با یک هدفی، ما هم ظواهر کار را نگاه کردیم گفتیم عجب! خب اینکه کار خوبی است، اینکه اشکالی ندارد؛ درحالی که اگر بصیرت داشته باشیم، اگر اهداف دشمن را بشناسیم، این جوری گول نمی‌خوریم.^۱

ملاحظه کنید؛ دو جور آدم در مقابله با دشمن وجود دارد: «واذیقول المنافقون والذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله الاغرورا واذقالت طائفة منهم یا اهل یثرب لا مقام لکم فارجعوا». این یک نگاه است، یک دید است در مقابله با این حوادث؛ یک دید دیگر این است که می‌گوید: «ولما رأى المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادهم الا ایمانا وتسليما». این هم یک دید است. هر دو مال یک حادثه است. هر دو مال حادثه احزاب است. یک عده وقتی احزاب را می‌بینند، می‌گویند: «ما وعدنا الله ورسوله الاغرورا»؛ عده‌ای دیگر وقتی احزاب را می‌بینند، می‌گویند: «هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادهم الا ایمانا وتسليما». این مهم است. این دارد وضع فعلی ما را به ما نشان می‌دهد.

ما دو جور انسان داریم: یک عده هستند که وقتی هیمنه آمریکا را می‌بینند، قدرت نظامی او را می‌بینند، قدرت دیپلماسی او را می‌بینند، قدرت تبلیغاتی او را می‌بینند، پول فراوان او را می‌بینند، مرعوب می‌شوند؛ می‌گویند ما که نمی‌توانیم کاری بکنیم، چرا بیخودی نیروهایمان را هدر بدهیم؟ اینجور افراد الان هستند، در زمان انقلاب ما هم بودند. ما مواجه بودیم با افرادی از این قبیل که می‌گفتند آقا بیخود چرا خودتان را زحمت می‌دهید؛ به یک حداقلی قانع شوید و قضیه را تمام کنید. یک عده اینجور بودند.

یک عده دیگر هستند که نه، قدرت دشمن را با قدرت خدای متعال مقایسه می‌کنند، عظمت دشمن را در مقابل عظمت پروردگار قرار می‌دهند؛ آن وقت می‌بینند که اینها حقیر محضند، این‌ها چیزی نیستند. وعده الهی را هم راست می‌شمرند، حسن ظن به وعده الهی دارند؛ این مهم است. خدای متعال به ما وعده کرده است: «ولینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز»؛ این وعده قطعی است، وعده مؤکد است. اگر چنانچه ما به وعده الهی حسن ظن داشته باشیم، یک جور عمل می‌کنیم، اگر به وعده الهی سوءظن داشته باشیم، جور دیگری عمل می‌کنیم. خدای متعال افرادی را که سوءظن دارند، مشخص کرده است: «وיעذب المنافقین والمنافقات والمشرکین والمشرکات الظانین بالله ظن السوء علیهم دائرة السوء وغضب الله علیهم ولعنهم واعدا لهم جهنم وساءت مصیرا»؛ این «الظانین بالله ظن السوء» امروز هم هستند. چند آیه بعد می‌گوید:

«بل ظننتم ان لن ينقلب الرسول والمؤمنون الى اهلهم ابدًا و زين ذلك في قلوبكم و ظننتم ظن السوء و كنتم قوما بورا». سوء ظن به خدا موجب می‌شود که انسان بنشیند و از حرکت و از کار و تلاش باز بماند. اگر حسن ظن به خدا داشتیم، آن وقت می‌توانیم پیش برویم.^۱

آن که شما را وادار می‌کند که بترسید، مأیوس بشوید، ناامید بشوید، او شیطان است. امروز این شیطانها از طریق رادیو و تلویزیون و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و امثال اینها مرتب مشغول کارند برای اینکه بترسید. نه، نترسید، فَلَا تَخَافُوهُمْ، از آنها نترسید؛ از انحراف از راه خدا بترسید که اگر چنانچه از راه مستقیم انحراف پیدا کردیم، سرنوشت ما سرنوشت کشورهای است که زیر بال آمریکایند، سرنوشت عربستان است، سرنوشت رژیم شاه است که [در آن نوع کشورها] همه امکانات کشور متعلق به دشمن [است] و ملت، ذلیل در مقابل دشمن و بی‌پناه در مقابل دشمن.^۲

بنده می‌بینم دشمن می‌خواهد با ترساندن، کار خودش را پیش ببرد. ما به اتکای قدرت الهی که مجسم در قدرت ملت بزرگ ماست، از دشمن مستکبر متکبر، نمی‌ترسیم. معتقدیم کاری نمی‌تواند بکند. «ان کید الشيطان كان ضعيفاً» این، قرآن است. قرآن را باید باور کرد.^۳

۱. ۱۳۹۸/۱۲/۱.

۲. دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۷/۱۱/۱۹

۳. دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۲/۸/۱۲

گفتار دهم: پرهیز از جریان غرب‌گرایی انقلابی‌نما

بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.^۱

۱. سستی بینش و ایمان انقلابی و اسلامی

در مجموعه انقلاب، از اوّل انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند اینها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا می‌کنند به تنش و دعوا و سر و صدا و کارهای غیرقانونی و از این حرف‌ها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اول پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است.^۲

سستی بینش و ایمان انقلابی و اسلامی در بعضی از مسئولان است. این‌ها مجذوب نسخه‌های سیاسی غربند؛ آن‌هم نسخه‌های غلط از آب درآمده. لیبرال دموکراسی غرب که یک روز گفته می‌شد اوج تکامل فکر و عمل انسان است و بالاتر از آن چیزی وجود ندارد... امروز به دست خود، خودش را رسوا کرده است... درعین حال فلان مسئول ما که به برکت انقلاب اسلامی عزّت و احترامی پیدا کرده و به خاطر اظهار طرفداری از اسلام و امام و انقلاب، ممکن است چهار نفر به او احترامی بگذارند، ناگهان طرفدار لیبرال دموکراسی غربی بشود که نقطه مقابل مردم‌سالاری اسلامی است.^۳ صلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده نظام... عبارت است از اسلام‌گرایی و تکیه بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی. خیلی‌ها از این حقیقت بسیار موثر غفلت

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۲. دیدار با دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷

۳. دیدار جوانان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲

کردند؛ اما راز پیروزی انقلاب در این نکته بود؛ چون ملت ایران از اعماق قلب به اسلام معتقد و مؤمن و وابسته بود و هست... بعضی از کسانی که خودشان را در شمار زیدگان و نخبگان و احزاب سیاسی و صاحب نظران مسائل سیاست به حساب می آوردند، این را نمی پسندیدند. جدای از کسانی که به اسلام عقیده نداشتند، بعضی کسان به اسلام عقیده داشتند، اما نظام اسلامی را قبول نمی کردند. لذا از اول انقلاب، در عرض و به موازات خط امام، جریانی پیدا شد که به یک نظام لائیک و الگوبرداری شده از نظام های غربی دعوت می کرد؛ منتها بارنگ و لعاب اسلامی؛ اسم اسلامی، اما باطن غیر اسلامی؛ ساخت اسلامی، اما جهت گیری غیر اسلامی. البته آن ها بی میل نبودند که در کنار چنین نظامی، آخوند وجیه المله ای هم برای مقبول جلوه دادن نظام در چشم مردم وجود داشته باشد- چون مردم به اسلام دل بسته بودند- بدشان نمی آمد روحانی مورد قبولی در کنار نظام قرار گیرد تا نظام را در چشم مردم، اسلامی جلوه دهد؛ دولتمردان نظام هم به همان شکلی که خودشان می پسندند و تشخیص می دهند، نظام را به همان صورت غیر اسلامی- و در حقیقت، شکل بازسازی شده رژیم سلطنتی، منتها طبق قبول سیاستمداران و قدرتمندان دنیا- اداره کنند. ظاهر و رنگ و لعاب دین هم این فایده را برای آن ها داشته باشد که نیروهای مردم را در خدمتشان قرار دهد؛ هر جا به حضور مردم احتیاج است- در هنگام جنگ و دفاع و دادن مالیات و غیره- همین ظاهر اسلامی، مردم را به همکاری با آن نظام وادار کند؛ اما اگر حقوق شرعی مردم تأمین نشد، نشد؛ اگر با سلطه گران مبارزه نشد، نشد؛ اگر استقلال کشور و فرهنگ و اقتصاد مردم در قبضه دشمنان قرار گرفت، گرفت! لذا از اولی که امام دستور داد قانون اساسی به وسیله خبرگان منتخب مردم تدوین شود، هر جا که نام اسلام و نشانی از حضور واقعی اسلام بود، این ها مقابله کردند. آنجایی که اصل مربوط به ولایت فقیه مطرح شد، این ها بی تابانه مبارزه کردند. البته با ولایتش مخالف نبودند- ولایت یعنی حکومت؛ آن ها تشنه قدرت و حکومت کردن بودند- با فقیه اش مخالف بودند؛ چون به معنای حضور حقیقی دین در جامعه بود؛ این را بر نمی تافتند و تحمل نمی کردند. هر جا که نشانه حضور واقعی اسلام بود، این ها معترض بودند.^۱

۲. اعتماد به دشمن

غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد.^۱ بعضی از جریان‌های داخل کشور ما از این نقطه غفلت کردند، خطوط مرزی خودشان را با دشمن حفظ نکردند، [خطوطشان] ضعیف شد، کم‌رنگ شد.^۲ یکی از موانعی که موجب شده ما از این ظرفیت‌ها استفاده نکنیم، اعتماد کردن به نسخه بیگانگان بوده. عرض کردم؛ مردم ما در مقابل بیگانگان منفعل نیستند. بعضی از مسئولین ما در گوشه‌کنار کشور به نسخه بیگانگان اعتماد بیشتری دارند تا به نسخه داخلی! و این هم خطای بزرگی است.^۳

ما این‌همه تجربه ضربه زدن از سوی غرب داریم. عده‌ای هستند در کشور - روشنفکران غرب‌گرا، غرب‌زده، دل‌باخته غرب - این تجربه‌ها در مقابل چشم آنها است، [اما] از این تجربه‌ها درس نمی‌گیرند. آن‌ها دیدند که غربی‌ها رضاخان را آوردند بر این کشور مسلط کردند و دیکتاتوری عجیب و غریب رضاخانی، به وسیله انگلیس‌ها در این کشور برپا شد - آمدند یک عنصر قلدر بی‌منطق بی‌اعتنای به اصالت‌های کشور را بر این کشور مسلط کردند - بعد هم در دهه ۲۰، همان قدرتها آمدند ایران را اشغال کردند، در واقع به یک معنا بین خودشان تقسیم کردند؛ همان‌ها آمدند نفت را بردند و قراردادهای ظالمانه را بر این کشور تحمیل کردند؛ همان‌ها کودتای بیست و هشتم مرداد را راه انداختند و یک دولت ملی را - که با همه عیوبی که داشت بالاخره برخاسته از آراء مردم بود - ساقط کردند و نابود کردند؛ همان‌ها نهضت ملی نفت را به انحراف کشاندند و مجدداً سلطه بر منابع طبیعی و مادی ما را به دست گرفتند؛ همان‌ها در یک مدت طولانی، دیکتاتوری محمدرضا را بر این کشور تثبیت کردند و از آن با همه وجود حمایت کردند؛ در دوران حکومت سی و چند ساله محمدرضا بر کشور، چوب حراج به ثروت مادی و معنوی ما زده شد، پدر این ملت را در آوردند، در فقر نگه داشتند، در جهل نگه داشتند، فساد عمومی در تمام ارکان این کشور به راه انداختند، فرهنگ کشور را، دین مردم را، همه چیز را در واقع از بین بردند، این با پشتیبانی و حمایت همین دولت‌های غربی بود؛ در مقابله با انقلاب ملت ایران و حرکت عظیم ملت ایران، هرچه توانستند کارشکنی کردند؛ از صدام حسین حمایت کردند، دفاع کردند - با اینکه خودشان صدام را هم قبول نداشتند، اما چون صدام در مقابل جمهوری اسلامی بود، هرچه توانستند به صدام کمک کردند - همین غربی‌ها، همین انگلیس، همین آمریکا، همین فرانسه: بمب شیمیایی دادند، امکانات گوناگون

۱. در دیدار اساتید دانشگاه‌ها در چهارمین روز ماه مبارک رمضان ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

۲. مراسم بیست و هفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

۳. دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

نظامی در اختیارش گذاشتند؛ خب اینها تجربه‌های ما است. روشنفکر غرب‌زده، چون دستگاه محاسباتی‌اش دستگاه اختلال یافته‌ای است، از این تجربه‌ها استفاده نمی‌کند، بهره نمی‌برد، استنتاج درست نمی‌کند.^۱

در واقع قیام نوزدهم دی را می‌توان اولین ضربه تبر ابراهیمی بر پیکر بت بزرگ به حساب آورد. این اولین [ضربه] تبری بود که به وسیله مردم قم به بت بزرگ آمریکا زده شد. بعد از آن هم ادامه پیدا کرد و شما امروز وضع آمریکا را مشاهده می‌کنید؛ وضع و حال بت بزرگ را امروز شما می‌بینید که این دموکراسی‌شان است؛ این افتضاح انتخاباتی‌شان است؛ این حقوق بشرشان است، حقوق بشری که هر چند ساعت یک بار، یا حداقل چند روز یک بار، یک سیاه پوست را بدون دلیل، بدون جرم در خیابان می‌کشند، و کشته و قاتل هم تعقیب نمی‌شود؛ این ارزشهایشان است که همین طور می‌گویند ارزشهای آمریکایی، ارزش‌های آمریکایی، و امروز این ارزشها مایه مسخره همه دنیا شده، حتی دوستانشان آنها را مسخره می‌کنند؛ این هم اقتصاد فلجشان است؛ اقتصاد آمریکا به معنای واقعی فلج است، ده‌ها میلیون بیکار و گرسنه و بی‌خانمان [وجود دارد]؛ این وضع امروز آمریکا است. این البته چیز مهمی است لکن عجیب‌تر از این، این است که یک عده‌ای هنوز قبله‌شان آمریکا است، هنوز امید و آرزوییشان به آمریکا است؛ آمریکایی که در یک چنین وضعی است.^۲

در دانشگاه و محیط روشنفکری کشور، انسانی خجالت نکشد و بگوید توطئه توهم است؛ دشمن علیه ما توطئه نمی‌کند؛ آمریکا علیه ما توطئه نمی‌کند! گفت: مادر من چه اشتباه کند به خیالش که گربه هم لولوست! آمریکایی‌های به این نازنینی! ... عده‌ای نگویند دشمنی که این قدر اذیت می‌کند، شما چه داعی‌ای دارید؟ بروید با او کنار بیایید! در قضایای مهم سیاسی که به سرنوشت ملت‌ها ارتباط پیدا می‌کند، کنار آمدن یعنی تسلیم شدن؛ یعنی همان چیزی را که دشمن می‌خواهد، عمل کردن. مثل یک نفر که می‌خواهد خانه شما را بگیرد و شما زیر بار نمی‌روید؛ مرتب سنگ می‌اندازد و شیشه‌ها را می‌شکند و اذیت می‌کند. آن وقت یکی به شما بگوید با دشمنی که این قدر اذیت می‌کند، کنار بیایید! کنار آمدن این است که شما از خانه بیرون بروید و کلید خانه را به او بدهید! کنار آمدن، یعنی تحقیر و به اسارت دادن یک ملت؛ یعنی تأمین خواسته دشمن درباره یک ملت. نجات از این دغدغه‌ها و مشکلات، یک راه بیشتر ندارد و آن، فکر کردن، اندیشیدن، ضد حمله فراهم کردن و دشمن را به ستوه آوردن

۱. دیدار دانشجویان ۱۳۹۳/۵/۱

۲. سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۹۹/۱۰/۱۹

است. نسل جوان در چنین میدانی است که تکلیف و مسئولیت دارد.^۱ امروز بعضی‌ها باز دلشان می‌خواهد برگردند به همان شکل سابق. همان جریانهای غرب‌زده - جریان‌هایی که عاشق غربند، ملت را تحقیر می‌کنند، داشته‌ها را تحقیر می‌کنند، فرهنگ و هویت ملی را تحقیر می‌کنند به نفع مسلطین غربی - دلشان می‌خواهد که همانها دوباره بیایند و برای امور کشور، فرهنگ کشور، جهت‌گیری کشور، شاخص معین کنند و معرفی کنند.^۲

۳. عدم پیروی از سیاست‌های کلان نظام در حوزه‌های مختلف

اختلاف بین مسئولان در فهم یک وظیفه، یک امر متوقّف است. مثلاً ممکن است رئیس‌جمهور محترم و رئیس محترم قوه قضائیه درباره نقطه‌ای از نقاط، دارای دو دید و دو بینش باشند و هرکدام هم برای خود استدلالی داشته باشند. بسیار خوب؛ این راه حل دارد. در قانون اساسی، راه حلّ این‌ها معین شده است. هماهنگ‌کننده سه قوه، رهبر است و رهبری می‌تواند این مشکلات را برطرف کند. معیار همکاری، قانون اساسی است؛ که وظایف، حکم موارد اختلاف و تنازع و حکم و مرجع را هم معلوم کرده است... وظیفه رهبری هم در قانون معلوم شده است. رهبری در کارهای اجرایی کشور هیچ دخالت مستقیمی نمی‌کند؛ نه در قوه مجریه، نه در قوه قضائیه و نه در قوه مقننه. مهم‌ترین کار رهبری عبارت است از تعیین سیاست‌های کلان کشور؛ یعنی آن چیزهایی که جهت‌گیری کشور را مشخص می‌کند؛ که همه قوانین، مقررات و عملکردها باید در این جهت باشد. حضور رهبری در همه بخش‌های کشور، به معنای حضور سیاست‌های رهبری است که باید با دقت اجرا شود؛ و من به شما عرض کنم، هر جایی که این سیاست‌ها اجرا شده، کشور سود کرده است؛ اما در طول سال‌های گذشته - از ده، دوازده سال پیش تاکنون - هر جا از این سیاست‌ها تخلف شده، کشور ضرر کرده است؛ که گاهی ضررش را فهمیده‌اند، گاهی هم بعد از گذشت مدتی ضررش را فهمیده‌اند. بنابراین حضور رهبری، جدی است.^۳

یکی از دوستان گفتند تصویب برجام را به رهبری نسبت داده‌اند؛ خب بله، اما شما که چشم دارید، ماشاءالله هوش دارید، همه چیز را می‌فهمید! آن نامه‌ای را که من نوشتم نگاه کنید، ببینید تصویب چه جوری است؛ شرایطی ذکر شده که در این صورت این [توافق] تصویب

۱. دیدار جوانان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

۲. دیدار دانشجویان ۱۳۹۳/۵/۱

۳. دیدار مردم اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۰۸

میشود. البته اگر چنانچه این شرایط و این خصوصیات اجرا نشد، اعمال نشد، وظیفه‌ی رهبری این نیست که بیاید وسط و بگوید برجام نباید اجرا بشود. [البته] خود این، یک مقوله‌ای است که وظیفه‌ی رهبری در این جور مواقع اجرائی چیست. عقیده‌ی ما این است که در زمینه‌های اجرائی، رهبری نباید وارد میدان بشود و یک کاری را اجرا کند یا جلوی اجرای یک کاری را بگیرد، مگر آنجایی که به حرکت کلی انقلاب ارتباط پیدا میکند؛ آنجا چرا، وارد میشویم، اما در موارد دیگر نه.^۱

اسم اقتصاد مقاومتی هم زیاد تکرار می‌شود... من البته خیلی خوشنود نیستم از مقدار پیشرفت این فکر و این بنیان مهم در کشور.^۲ از وقتی که این عنوان مطرح شده، شاید هزار مرتبه از طرف مسئولین - باکم و زیادش - تأیید شده؛ مسئولین مختلف، فعالان اقتصادی، حتی فعالان سیاسی، مسئولین دولتی، مجلس، غیره، مکرر گفته‌اند اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی؛ خوب، خوب است؛ لکن با اسم و با تکرار زبانی هیچ اتفاقی نمی‌افتد؛ هیچ اتفاقی نمی‌افتد. با بردن اسم دارو و تکرار اسم دارو هیچ بیماری خوب نمی‌شود؛ دارو را باید مصرف کرد.^۳ در مورد اقتصاد مقاومتی، خوشبختانه در کشور هم‌زبانی هست، [اما] مشکل ما در همدلی است؛ آدم می‌ترسد هم‌زبانی باشد، همدلی نباشد... این هم‌زبانی هست، همدلی هم باید انجام بگیرد یعنی از بُن دندان به مسئله اقتصاد مقاومتی باید باور آورده شود؛ باور کنیم که کلید حل مشکلات کشور در داخل است.^۴

پارسال - سال ۹۳ - شروع اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بود. دوستان دولت هم گزارشهایی به من دادند... حالا یک گزارش مفصّلی فرستادند که البته برای من خلاصه کردند آن گزارش را و تماماً خواندم، نگاه کردم. کارهایی که انجام گرفته در زمینه اقتصاد مقاومتی، بعضی‌هایش کارهای مقدماتی است... بعضی از کارهایی که گزارش شده، مربوط به بندهای اقتصاد مقاومتی نیست... این‌ها آمده جزو کارنامه دستگاه‌ها در زمینه اقتصاد مقاومتی؛ درحالی که این نیست. بعضی از کارها هم ارتباطی اصلاً به بندهای اقتصاد مقاومتی ندارد؛ این مقدار کافی نیست.^۵

ما در زمینه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی نقاط ضعفی داشته‌ایم؛

۱. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

۲. دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی نخبگان فردا ۱۳۹۴/۰۷/۲۲

۳. دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندسی ۱۳۹۳/۱۱/۰۶

۴. دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۴/۰۳/۰۶

۵. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

این نقاط ضعف موجب شده است که دشمن احساس کند با تحریم و امثال آن می‌تواند رخنه ایجاد کند.^۱ دشمن اقتصاد را به‌عنوان یک حربه‌ای علیه ما به‌کار گرفته، ما هم شاید یک‌خرده ناشیگری کردیم و نشان دادیم که از این حربه خیلی می‌ترسیم و ناراحتیم؛ لذا او بیشتر تشجیع شده و راه خودش را پیدا کرده.^۲ اجرای درست اصل ۴۴ که در این دولت و در دولت قبل، آن‌چنان که شایسته و بایسته است اجرانشده است؛ نه در این دولت درست اجرا شده، نه در دولت قبل درست اجرا شد.^۳

۴. عدم باور به ظرفیت‌های درونی

علت اینکه از این ظرفیت‌ها استفاده نشده است، وجود موانع است... یکی از این موانع باور نداشتن بعضی از مسئولین ما به همین ظرفیت‌ها است؛ یا باور ندارند یا به اینها اهمیتی نمی‌دهند. وجود این همه جوان در کشور، یک ظرفیت مهمی است؛ بعضی از مسئولین ما، در طول زمان‌ها، به این اهمیتی نمی‌دادند؛ بعضی‌ها این را باور نداشتند، اهمیتی نمی‌دادند؛ این را که از دست این جوان‌ها کار برمی‌آید، بعضی‌ها قبول نداشتند، باور نداشتند.^۴

یکی از چالش‌ها، تردید در توانایی‌های درونی است؛ اینکه به جوان دانشمند خودمان اعتماد نکنیم، به مجموعه‌های مردمی و غیردولتی در امور اقتصادی اعتماد نکنیم، یکی از چالش‌ها است. بایستی اعتماد کرد، بایستی مردم را وارد جریان عظیم اقتصادی کشور کرد.^۵

یکی از چالش‌ها هم این است که کسی تصور کند که مردم تحمل نمی‌کنند؛ نه، مردم مشکلات را تحمل کرده‌اند. اگر حقیقتاً برای مردم بدرستی تبیین بشود، با صداقت لازم حقایق امور برای مردم بیان بشود، مردم ما مردم وفاداری‌اند؛ می‌ایستند، مقاومت می‌کنند.^۶

ظرفیت‌های این کشور که برای اقتصاد کشور و پیشرفت کشور فوق‌العاده مهمند بسیار زیادند. البته ما از این ظرفیت‌ها درست استفاده نکرده‌ایم.^۷ بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است.^۸ یک وظیفه دیگری که مسئولین

۱. دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

۲. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۵/۰۳/۲۵

۳. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۰۳/۲۲

۴. دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

۵. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۴/۰۴/۰۲

۶. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۴/۴/۲

۷. همایش ده‌هزار نفری در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

۸. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

ما باید به آن توجه داشته باشیم، قدردانی از ظرفیت‌های درونی و داخلی کشور و شناخت این ظرفیت‌ها است. بسیاری از این ظرفیت‌ها وقتی ما آنها را شناسیم متوقف می‌ماند؛ کما اینکه متأسفانه همین هم اتفاق افتاده است؛ خیلی از ظرفیت‌ها را [نشناخته‌ایم]، از جمله ظرفیت همین جوان‌های خوب را.^۱

۵. القاء ترس و ناامیدی

امروز یک جریانی در داخل کشور و خارج کشور وجود دارد برای دمیدن روح یأس به جای دمیدن روح امید.^۲ گاهی روی یک مشکل خاص که چندان هم مهم نیست مدام تکیه می‌کنیم، مدام تکرار می‌کنیم، مدام می‌گوییم، مدام مرثیه‌خوانی می‌کنیم، امید در دل جوان فرو می‌نشیند، امید کم‌فروغ می‌شود در دل جوانها؛ این غلط است.^۳

«و اذ قالت طائفة منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا»؛ مردم را می‌ترساندند. الان هم همین جور است. الان هم یک عده‌ای مردم را می‌ترسانند: آقا بترسید. مقابله‌ی با آمریکا مگر شوخی است؟ پدرتان را در می‌آورند! آن جنگ نظامی‌شان، این تحریم‌شان، این فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی‌شان. در آخر این سوره باز می‌فرماید: «لئن لم ينته المنافقون و الذين في قلوبهم مرض و المدينة لنغرينك بهم». مرجفون همین‌هايند. در یک چنین شرائطی، شرح حال مؤمن این است: «هذا ما وعدنا الله و رسوله»؛ ما تعجب نمی‌کنیم؛ خدا و رسولش به ما گفته بودند که اگر پابند به توحید باشید، پابند به ایمان به خدا و رسول باشید، دشمن دارید؛ دشمنها سراغتان می‌آیند. بله، گفته بودند، حالا هم راست درآمد؛ دیدیم بله، آمدند. «و صدق الله و رسوله و ما زادهم الا ايمانا و تسليما»؛ ایمانشان بیشتر شد. منافق، ضعیف‌الایمان، فی قلوبهم مرض - که طوائف گوناگونی‌اند - وقتی دشمن را می‌بینند، تنشان مثل بید میلرزد؛ بنا میکنند به مؤمنین بالله و زحمتکشانشان در راه خدا، عتاب و خطاب و اذیت کردن و فشار آوردن: آقا چرا اینجوری میکنید؟ چرا کوتاه نمی‌آئید؟ چرا سیاستتان را اینجوری نمی‌کنید؟ همان کاری که دشمن میخواهد، انجام میدهند. اما از آن طرف، مؤمنین صادق می‌گویند: ما تعجبی نمی‌کنیم؛ خب، باید دشمنی کنند؛ «هذا ما وعدنا الله و رسوله».^۴

۱. دیدار مردم قم ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

۲. دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۱۳۹۸/۳/۸

۳. دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی ۱۳۹۸/۷/۱۷

۴. دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۱۹

بعضی سعی میکنند جامعه را و جوانهای ما را دچار ناامیدی کنند، بگویند: «آقا فایده‌ای ندارد، نمیشود، نمیرسیم؛ چه جوری ممکن است با این همه مخالفت، با این همه دشمنی».^۱ متأسفانه در داخل هم گروهی همین کار دشمن را دارند انجام میدهند؛ حالا بعضی‌ها میفهمند که چه کار دارند میکنند، بعضی‌ها نمیفهمند و میکنند؛ درست همان کار دشمن [است]: ناامید کردن مردم، متهم کردن این و آن، دروغهای شاخدار دشمن‌ساز را به جای راست و انمود کردن و قلمداد کردن در ذهن مردم. اینها کارهایی است که متأسفانه در داخل هم یک عده‌ای دارند انجام میدهند. آن کسانی که کار دشمن را دارند در داخل انجام میدهند تقوا ندارند؛ دین اینها سیاسی است، بجای اینکه سیاستشان دینی باشد؛ دینشان سیاسی کاری است. سیاست ما باید دینی باشد، نه اینکه دینداری‌مان را در جهت سیاسی کاری، در جهت اهداف پست و حقیر سیاسی حرکت بدهیم؛ اینها این جور هستند؛ اینها تقوا ندارند؛ همان کار دشمن را میکنند برای اینکه فلان جناح را تقویت کنند، فلان جناح را بکوبند؛ فلان کس را بالا ببرند، فلان کس را پایین بیاورند. اینها کارهایی است که متأسفانه در داخل انجام میگیرد. بعضی‌ها بدون رسانه‌اند، بعضی‌ها صاحبان رسانه‌اند، صاحب پایگاه خبری هستند، صاحب منبرهای تبلیغاتی هستند و میتوانند حرف بزنند؛ حرف میزنند، [اما] بی‌ملاحظه؛ نه خدا را، نه دین را، نه انصاف را رعایت نمیکنند؛ همان کاری که دشمن میخواهد [میکنند]. دشمن هم با شوق و ذوق تمام، بمجردی که میبیند در داخل یک چنین چیزهایی وجود دارد، امروز که اینها میگویند، امشب شما می‌بینید در رادیوی انگلیس و رادیوی آمریکا، همینها بازتاب وسیعی پیدا میکند. اینها دشمن را شاد میکنند، اینها دشمن را علیه ملت و علیه نظام اسلامی شاد میکنند؛ به قیمت ناامید کردن مردم، ناامید کردن نسل جوان و نسل نو. بخصوص کسانی که همه‌ی امکانات مدیریتی یا امروز دستشان است یا دیروز دستشان بوده؛ فرقی نمیکند. کسانی هستند و انسان مشاهده میکند که یا امروز همه‌ی امکانات مدیریتی کشور در اختیار اینها است یا دیروز تمام امکانات مدیریتی در اختیار اینها بوده، آن وقت به قول فرنگی‌مآب‌ها نقش اپوزیسیون به خودشان میگیرند. این کسانی که کشور در اختیارشان است یا در اختیارشان بوده، اینها دیگر حق ندارند علیه کشور حرف بزنند، موضع [بگیرند]؛ باید موضع مسئولانه [بگیرند]، باید پاسخگو باشند. بنده‌ای که امکانات در اختیارم است، نمیتوانم مدعی باشم، [بلکه] باید پاسخگو باشم و جواب بدهم که چه کار کردم با این امکانات. به جای اینکه پاسخگویی کنند، بیایند نقش مدعی را ایفا کنند علیه این، علیه آن حرف بزنند؛

این نمیشود؛ مردم قبول نمیکنند این را. حالا ممکن است کسی خیال کند که در مردم تأثیر میگذارد؛ نه، مردم آگاهند، میفهمند، نمیپذیرند این حالت را.

... نمیشود هر حرفی را انسان به خاطر میل دل خودش بزند. انقلابی‌نمایی غیر از انقلابی‌گری است؛ انقلابی‌نمایی [یعنی] آدم جووری عمل کند که کأنه ما [انقلابی هستیم]؛ انقلابی‌گری کار سختی است؛ پابندی لازم دارد، تدبیر لازم دارد. نمیشود که انسان یک دهه همه‌کاره‌ی کشور باشد، بعد یک دهه‌ی بعدی تبدیل بشود به مخالف‌خوان کشور؛ این [طور] که نمیشود. نهم دی که این قدر عظمت دارد، پاسخ ملت به همین بازی‌ها بود. نُه دی دفاع از ارزشهای انقلاب بود، از ارزشهای دین بود. آنجا ایستادگی‌ای که ما کردیم، ایستادگی در دفاع از انتخابات بود. بنده صریحاً گفتم فشار می‌آورند که باید انتخابات را ابطال کنید، من زیر بار ابطال انتخابات نخواهم رفت؛ این را من اعلان کردم. بحث سر ارزشهای انقلاب و ارزشهای نظام اسلامی است؛ آن روز هم بود، امروز هم هست. ما خیلی باید مراقب خودمان باشیم، خیلی باید مراقب باشیم. امام فرمودند که ملاک، حال فعلی افراد است؛ معنای این حرف چیست؟ امام حکیم بود؛ معنایش این است که هیچ‌کس ضمانتِ درست ماندن تا دم مرگ را ندارد، باید مراقب خودش باشد؛ حکم مستوری و مستی همه بر عاقبت است. ما در این چهل پنجاه سال بعد از شروع نهضت امام -از سال ۴۰، ۴۲ به این طرف- چه چیزها دیدیم! بالارفتن‌ها، پایین‌آمدن‌ها؛ تُندی‌ها، کُندی‌ها؛ افراط‌ها، تفریط‌ها؛ چیزهای عجیبی دیدیم در این مدّت! خیلی باید مواظب خودمان باشیم.^۱

یک عده‌ای می‌آیند روی کمبودها انگشت می‌گذارند، مبالغه می‌کنند، اغراق می‌کنند، پیشرفته‌ها را نمی‌گویند، راه‌حل‌ها را هم نمی‌گویند! اتّفاقی اینها همان کسانی هستند که خودشان به دشمن گِرا دادند که ایران را تحریم کنند؛ گرای تحریم را اینها دادند. خود همینها بیش از همه -در داخل کمتر، در خارج بیشتر- روی نقاط ضعف تکیه می‌کنند.^۲

یک عده‌ای ضعیفند، بیچاره‌اند، منفعلند؛ یک روز هم ممکن است یک حرکت انقلابی کرده باشند [اما] حالا زیر فشار توطئه‌ی دشمن و البته تمایلات دنیایی، از گذشته‌ی خودشان شرمسارند.. یک عده‌ای خودشان ضعیفند، خودشان منفعلند، می‌گویند انقلاب ضعیف شده؛ خودشان ضعیفند، قیاس به نفس می‌کنند. خودشان دل باخته‌اند، دلشان را از دست داده‌اند، خیال می‌کنند این مردم همین جور هستند. ضعفهای خودشان را به مردم نسبت میدهند؛

۱. دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

۲. دیدار مردم آذربایجان شرقی بمناسبت قیام ۲۹ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۱/۲۷

نه، مردم این [کسانی] هستند که شما در خیابانها روز بیست و دوم بهمن مشاهده کردید.^۱

۶. بدفهمی، کج فهمی، سهل اندیشی و ناخودآگاهی

دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب می‌کند... تخریب وحدت ملی، تخریب باورهای کارساز و مقاومت‌بخش و تخریب روح امید. اسم این تخریب‌ها را هم «اصلاح» می‌گذارند! من کاری به این دوستان و خودی‌های غافل ندارم؛ بحث من بر سر دشمن است که سلسله‌جنبان این حرکت، به بیرون از این مرزها مربوط است. در داخل مرزها هم کسانی که اساس کار دست آنهاست، جزو دشمنان‌اند؛ مثل جبهه قاسطین... در مقابل حکومت علوی، سه جبهه وجود داشت: قاسطین و مارقین و ناکثین. مارقین و ناکثین، جبهه داخلی و جبهه خودی بودند؛ منتها خودی‌های فریب‌خورده و به دام افتاده یا به دام ثروت‌طلبی و مقام‌خواهی و عقده‌های خودشان، یا به دام جهالت‌ها و حماقت‌ها و تعصب‌های خودشان... شهادت علی هم به دست آن گروه‌های شبه خودی متعصب عقده‌ای بدفهم کج فهم فریب‌خورده بود، نه بیگانه آن‌چنانی آن بیگانه‌ها قاسطین حکومت را گرفتند... .

امروز هم عیناً همان‌طور است. جبهه دشمن، غیر از آن آدم غافلی است که خودی هم هست؛ منتها بیچاره دچار غفلت و اشتباه و فریب می‌شود؛ بر اثر حادثه‌ای، عقده و کینه‌ای پیدا می‌کند و در مقابل نظام می‌ایستد؛ در مقابل سخن حق می‌ایستد؛ در مقابل امام و راه امام می‌ایستد. این، آن دشمن اصلی نیست؛ این یک آدم فریب‌خورده است؛ این یک آدم قابل ترحم است! دشمن اصلی آن کسی است که پشت سر این قرار می‌گیرد، اما خودش را نشان نمی‌دهد. در داخل کشور، خودش را نشان نمی‌دهد؛ در خارج کشور چرا؛ در جبهه جهانی، در جبهه بین‌المللی، به عنوان یک عضو وفادار سازمان جاسوسی سی‌ای آمریکا، یا موساد صهیونیست‌ها چرا. کاملاً چهره او آشکار است؛ حرف هم می‌زند، حقایق را هم می‌گوید؛ انگیزه‌هایی را هم که او برای مبارزه با اسلام و مسلمین دارد، بیان می‌کند؛ اما آن دنباله او که داخل کشور است، خود را دم چک اقتدار حکومت قرار نمی‌دهد. می‌داند که این حکومت، حکومت مقتدری است؛ حکومتی است که متکی به آراء مردم است؛ متکی به محبت مردم است؛ متکی به ایمان مردم است. از این حکومت می‌ترسند و خودشان را جلو نمی‌دهند؛ حرفشان را با یک واسطه، با دو واسطه، با سه واسطه، از زبان آدم‌های غافل می‌زنند. یک وقت می‌بینید طرف یک روحانی است، اما غافل و فریب‌خورده و بی‌خبر؛ یا یک دانشجویست، اما اسیر احساسات

شده و نیندیشیده؛ یا یک فرد معمولی حتی انقلابی است، اما زمان را نشناخته، دشمن را نشناخته، یا احياناً دچار عقده و کینه‌ای شده است. حرف از زبان این فرد خارج می‌شود؛ اما این بیچاره حرف خودش نیست؛ حرف دشمن است! دشمن ما آن کسی است که: «قَدَبَدَتِ الْبَعْضَاءُ مِنْ أَقْوَاهِمُ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»^۱. دشمن ما آن کسی است که برای این انقلاب، نه فقط دل نسوزانده است، بلکه حتی در مقابل این انقلاب، در برهه‌هایی از زمان شاید ایستاده است. بعضی‌شان در مقابل انقلاب در زمان رژیم پهلوی ایستادند؛ بعضی‌شان بعد از آنکه نظام اسلامی بر سر کار آمد، خراب‌کاری کردند؛ بعضی‌شان مدتی را ترسیدند، کنار رفتند و خود را مخفی کردند؛ بعد که حالا فرصتی برایشان پیش آمده، از لاک خود بیرون خزیده‌اند...

غم بزرگ این است که... بعضی عناصری که هیچ سودی در سلطه آمریکا بر این کشور ندارند، از روی غفلت و اشتباه و ضعف‌ها و عقده‌ها، برای سلطه آمریکا بر این کشور تلاش می‌کنند! البته اشخاص مختلف‌اند؛ بعضی‌ها عقده‌ای دارند؛ بعضی‌ها کینه‌ای دارند؛ بعضی‌ها گله‌ای از کسی دارند برای خاطر دست‌مالی، قیصریه را آتش می‌زنند؛ به‌خاطر یک دشمنی و یک کینه شخصی و یک محرومیت از فلان مسئولیت که مایل بوده به او بدهند و مثلاً نشده و به‌خاطر یک اشتباه در فهم، می‌بینید که حرفی می‌زنند، اقدامی می‌کنند، موضعی می‌گیرند و کاری می‌کنند که به ضرر تمام می‌شود و در خدمت دشمن قرار می‌گیرند... این مایه غصه است که بعضی از کف زدن دشمن خوششان می‌آید!... دل انسان غمگین می‌شود و می‌شکند به‌خاطر اینکه چرا کسانی که نان انقلاب را خوردند، نان اسلام را خوردند، نان امام زمان را خوردند، دم از امام زمان زدند، دم از ائمه معصومین زدند، حالا طوری مشی کنند که اسرائیل و آمریکا و سیا و هرکسی که در هر گوشه دنیا با اسلام دشمن است، برایشان کف بزنند! این، انسان را غصه‌دار می‌کند.^۲

مشکل کنونی کشور متأسفانه به‌خاطر وجود آدم‌های بعضاً بی‌خیال و بعضاً سهل‌اندیش است که البته معدودند، اقلیتند؛ در مقابل انبوه عظیم جمعیت انقلابی و آگاه و بصیر کشور چیزی نیستند اما فعّالند: می‌نویسند، می‌گویند، تکرار می‌کنند؛ تکرار می‌کنند! دشمن هم به اینها کمک می‌کند. امروز یک فصل مهمی از فعّالیت دشمنان جمهوری اسلامی - که البته ما از آنها اطلاع داریم و حواس ما هست که چه کار دارند می‌کنند - همین است که محاسبات مسئولین را تغییر بدهند و افکار مردم را دست‌کاری بکنند و اینها را در ذهن جوان‌های ما [جا

۱. آل عمران: ۱۱۸

۲. خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۹/۲۶

بیندازند؛ چه افکار انقلابی، چه افکار دینی، چه ایده‌هایی که مربوط به مصالح کشور است.^۱ وقتی که دشمن برای داخل کشور برنامه دارد، چه کار می‌کند؟ از نفوذی استفاده می‌کند. معنای نفوذی این نیست که حتماً رفته باشد پول گرفته باشد برای اینکه بیاید در فلان دستگاه نفوذ کند و خودش هم بداند چه کار دارد می‌کند؛ نه، گاهی نفوذی، نفوذی است، خودش هم نمی‌داند! امام (رضوان‌الله‌علیه) فرمودند گاهی حرف دشمن با چند واسطه از دهان مردمان موجّه شنیده می‌شود. امام هوشیار بود، امام مجرّب بود. دشمن یک چیزی می‌گوید، یک چیزی می‌خواهد، این را با وسایل گوناگونی، با چند واسطه کاری می‌کند که از زبان فلان آدم موجّه که نه پولی از دشمن گرفته، نه تعهدی به دشمن داده، بیرون بیاید. مگر ندیدیم اینها را؟ مگر تجربه نکردیم اینها را؟ در همین مجلس شورای اسلامی مگر ندیدیم که یک نماینده‌ای آمد نظام را متهم کرد به دروغ‌گویی! گفت ما ده سال است، سیزده سال است داریم به دنیا دروغ می‌گوییم، در تریبون مجلس شورای اسلامی! در این منبر عمومی! خب، او حرف دشمن را دارد میزند؛ دشمن به ما می‌گفت شما دروغ می‌گویید! حالا یکی از خود ما پیدا می‌شود می‌گوید نظام دارد دروغ می‌گوید! این نفوذی نیست؟ احياناً خودش هم خبر ندارد و نمی‌داند. مجلسی داشتیم که در حال مذاکرات گرم دشوار هسته‌ای در دورانی که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما رئیس مذاکرات هسته‌ای بود و داشتند با زحمت، با شدّت حرف می‌زدند، با طرف‌های مقابل مجادله می‌کردند و درواقع مبارزه می‌کردند برای اینکه حرف ایران را سبز کنند، در مجلس طرح سه‌فوریتی آوردند برای اینکه حرف طرف مقابل سبز بشود! همان‌وقت رئیس هیئت مذاکره که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما است، گلایه کرد و گفت ما داریم آنجا مبارزه می‌کنیم، اینجا آقایان دارند طرح به نفع دشمن طرّاحی می‌کنند؛ خب، این‌ها نفوذ است؛ این‌ها چیست؟ مگر نفوذ شاخ‌و‌دم دارد که بعضی تا گفته می‌شود نفوذ، برآشفته می‌شوند که آقا، گفتید نفوذ، گفتید نفوذ؟ بله، باید مراقب بود...^۲

۱. دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج ۱۳۹۴/۹/۴

۲. دیدار مردم نجف‌آباد ۱۳۹۴/۱۲/۵

۷. دنیازدگی و اشرافی‌گری

یک آسیب دیگر، دنیازدگی است. خیلی از ما- آن‌هایی که قدرت و پست را طعمه دانستند- متأسفانه دچار دنیازدگی شده‌ایم.^۱ دنیاطلبی ریشه و مرکز اصلی همه خطاهای ماست.^۲ اولین ضعف ما گرایش به دنیاطلبی بود که گریبان بعضی از ماها را گرفت. بعضی از ما مسئولین دچار دنیاطلبی شدید، دچار مادی‌گرایی شدید؛ برای ما ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافی‌گری یواش‌یواش از قبح افتاد. وقتی ما این‌جور شدید، این سرریز می‌شود به مردم. میل به اشرافی‌گری، میل به تجمل، میل به جمع ثروت و استفاده از ثروت به شکل نامشروع و نامطلوب، به‌طور طبیعی در خیلی از انسان‌ها هست. وقتی ما خودمان را رها کردیم، ول کردیم، دچار شدید، این سرریز می‌شود به مردم؛ در مردم هم این مسئله پیدا می‌شود.^۳ امروز عده‌ای متأسفانه کارشان این شده است که مرتب دشمن را بزرگ و خود را کوچک کنند، عظمت دشمن را به رخ همه بکشند و دائماً بگویند ما نمی‌توانیم! یعنی ما هم مثل خیلی از کشورها و دولت‌ها باید برویم در هاضمه استکبار جهانی هضم شویم! این‌ها اشتباه می‌کنند؛ خودشان ضعیف و از درون پوک‌اند- یا پوک بودند یا پوک شدند- لذت‌های دنیا آن‌ها را پوک کرده است؛ دنیاطلبی آن‌ها را بی‌ارزش و بی‌هویت کرده است؛ بنابراین خیال می‌کنند همه مثل آن‌ها آیند.^۴

من از احساس تنعم و زندگی مرفه مسئولان واقعاً رنج می‌برم. روند کار نباید به سمت تنعم روزافزون مسئولان و تظاهر به این معنا باشد، این غلط است. البته در نوع انعکاس مسافرت‌ها، کارها، زندگی‌ها و جلسات ما به مردم هم گاهی چیزهایی دیده می‌شود که مردم را دلسرد می‌کند و به‌طور عمیق روی مردم اثر می‌گذارد.^۵

۸. وادادگی فرهنگی

همه خودشان را فرهنگی می‌دانند و آن را در بیاناتشان مهم نشان می‌دهند، اما حقیقتاً کار فرهنگی در کشور، متناسب با پیشرفت و ریشه دواندن انقلاب در جامعه نیست.^۶ من

۱. دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران در روز هجدهم رمضان ۱۳۸۷/۰۶/۳۰

۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

۴. دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر ۱۳۸۱/۰۳/۰۱

۵. دیداراعضای هیئت دولت ۱۳۸۲/۶/۵

۶. دیدار با اعضای جامعه اسلامی فرهنگیان ۱۳۶۸/۱۰/۱۲

احساس می‌کنم که درزمینه اداره فرهنگی جامعه، دچار یک نوع غفلت و بی‌هوشی می‌شویم یا شده‌ایم.^۱

من از عملکرد بعضی از مسئولان فرهنگی کشور هیچ رضایتی ندارم و معتقدم آن کاری را که باید انجام بدهند، انجام ندادند، بعضی از آن کارهایی را که نباید انجام بدهند، انجام دادند!^۲ دستگاه‌های فرهنگی کشور کارکردهای موفق هم داشته‌اند؛ اما آنهایی که موفقیتی نبوده، ناشی از چند عامل بوده است که کم‌کاری و کم‌ابتکاری از جمله آن‌هاست. این‌ها به مدیریت‌ها مربوط می‌شود. مدیریت‌های ضعیف، معمولاً کارشان، ابتکارشان و گزینش انسان‌های کارآمدشان کم است؛ یا اینکه در مقابل امواج فرهنگی غرب تسلیم می‌شوند. این را دست‌کم نگیرید. ... غربی‌ها سعی می‌کنند عرف‌های فرهنگی خودشان را بر کشورهای مختلف تحمیل کنند. یک مدیر اگر در مقابل این‌ها حالت وادادگی پیدا کرد، همین چیزهایی که پیش آمده، پیش می‌آید. وادادگی مدیران، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین و مضرترین عواملی است که دستگاه‌های فرهنگی را به انحراف می‌کشاند. وقتی که دستگاه فرهنگی منحرف شد، نتیجه‌اش در بیرون معلوم می‌شود.^۳

ما درزمینه فرهنگ، هم در مورد آفتد و هم در مورد پدافند ضعیف عمل می‌کنیم؛ به نظر من بایست در این زمینه‌ها کار کرد. فرهنگ با جوهر دین، با جوهر انقلاب، اساس کارهای ما است که بایستی واقعاً به آن پردازیم^۴

۹. کوتاهی در مبارزه با فساد

یکی از مشکلات ما، عدم مبارزه جدی با فساد است.^۵ دولت هم باید از نیروهای پُرانگیزه و زرنگ استفاده کند -در مدیریت‌های کلان؛ نه فقط در کارهای خرده‌ریز، [بلکه] در وزارت‌ها و در مدیریت‌های بالا- و راه‌های فساد را ببندد. بله! قوه قضائیه مجازات می‌کند، اما در قوه مجریه می‌توان جلوی راه‌های فساد را -کارهایی که فساد آفرین است- بست.^۶ یا بحث آسیب‌های اجتماعی است، بحث عدالت اجتماعی است که این همه حرف عدالت اجتماعی

۱. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۶۹/۹/۱۴

۲. اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴

۳. جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹ / ۱۲ / ۲۲

۴. دیداررئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

۵. دیدار زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

۶. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۵/۲۲

را همه می‌زنیم، این همه راجع به عدالت اجتماعی می‌گوییم، جزو واضحات و مسلّمات است. خب کو؟ حالا تحقّق پیدا کرد عدالت اجتماعی؟ ضریب جینی روزبه‌روز بالاتر رفته است، بدتر شده است. چرا؟ علت چیست؟ این فکر درست، این خواست درست، این هدف درست، چرا در کشور تحقّق پیدا نمی‌کند؟^۱

حقیقتاً مبارزه با فساد [مهم است]. نگذاریم کانون‌های چرکین شکل بگیرند که علاج آنها مشکل باشد. اگر نظارت درستى باشد، گاهی اوقات در قدم‌های اول می‌شود جلوی یک حرکت خطا و گناه‌آلود را گرفت؛ اگر ما در قدم‌های اول جلوی آن را نگیریم و این بیماری پیشرفته شد و این زخم ناسور شد، آن وقت علاج آن مشکل می‌شود، سخت می‌شود؛ اگر به علاج هم برسد با سختی و با دشواری و با تحمل خسارت‌ها خواهد رسید؛ از اول جلوی آن را باید گرفت.^۲ ما در مورد عدالت اجتماعی عقیمیم.^۳ ما دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نام‌گذاری کردیم و پیشرفت به معنای واقعی کلمه در کشور اتفاق افتاده است؛ عدالت را نمی‌گوییم؛ در مورد عدالت ما عقب‌مانده هستیم؛ در این تردیدی نیست؛ خودمان اعتراف می‌کنیم، اقرار می‌کنیم. در دهه پیشرفت و عدالت بایستی هم در پیشرفت موفق می‌شدیم، هم در عدالت؛ در پیشرفت به معنای واقعی کلمه موفق شدیم، واقعاً پیشرفت کردیم و در همه زمینه‌ها پیشرفت اتفاق افتاده است؛ [اما] در زمینه عدالت، باید تلاش کنیم، باید کارکنیم، باید از خدای متعال و از مردم عزیز عذرخواهی کنیم. در مورد عدالت مشکل داریم.^۴

۱۰. مقابله با عناصر متدین و انقلابی

شعار دولت، اعتدال است؛ اعتدال، شعار بسیار خوبی است، ما هم تأیید می‌کنیم اعتدال را؛ افراط محکوم است و بد است. سفارشی که من می‌کنم این است که مراقب باشید جریان‌های مؤمن را با شعار اعتدال کنار نزنند؛ بعضی‌ها این کارها را دارند می‌کنند، من می‌بینم در صحنه سیاسی کشور؛ با شعار اعتدال، با شعار پرهیز از افراط، سعی می‌کنند جریان مؤمن را که در خطر آن جریان است که زودتر از همه سینه سپر می‌کند، آن جریان است که دولت‌ها را در مشکلات واقعی به معنای حقیقی کلمه حمایت می‌کند، کنار بزنند؛ مراقب باشید. اسلام،

۱. دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ۱۳۹۶/۰۳/۳۱

۲. دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۳/۰۳/۰۴

۳. مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمته‌الله) ۱۳۹۶/۳/۱۴

۴. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

مظهر اعتدال است.^۱

یکی از هشدارهایی که واقعاً باید وزرای محترم به آن توجه کنند، مقابله با عناصر متدین و انقلابی در دانشگاه‌ها است. عناصری هستند متعهد به انقلاب، پایبند انقلاب، پایبند به مسائل دینی و ظواهر دینی، کسانی با اینها از مسئولین از طرف اساتید، مدیران، با یک چنین عنصری، با یک چنین جوانی، با پسری یا دختری که متعهد و پایبند است، مقابله کند، این قابل قبول نیست؛ باید عناصر مؤمن تشویق بشوند.^۲

بنده حالا به شما دارم میگویم و به اصطلاح در معرض عام دارم میگویم لکن در جلسات خصوصی به رؤسای محترم کشور و مسئولین کشور بارها و بارها همین را گفته‌ایم، آن‌ها هم می‌روند دنبال می‌کنند و بالاخره به قدر توان حرکت می‌کنند؛ بایستی همکاران خوبی را و فعالان خوبی را انتخاب بکنند؛ همین جوان‌های مؤمن را. ما نیرو کم نداریم، ما نیروی مستعد آماده به کار کمر بسته بانگیزه باعرضه کم نداریم. همین تازه، حدود پنج هزار نفر دانشگاهی به بنده نامه نوشتند و امضا کردند؛ من نامه را البته ندیدم، خبرش را برای من آوردند؛ میگویند ما در خدمت انقلابیم، در خدمت شما هستیم، آماده‌ایم؛ آماده‌اند، آماده کارند؛ ما نیروی انسانی کم نداریم؛ الحمدلله کشور غنی است از لحاظ نیروی انسانی. خب از اینها استفاده بشود، از اینها کمک خواسته بشود، ان شاء الله کارها انجام می‌گیرد.^۳

۱۱. عملکرد ضعیف مدیریتی

بعضی از مشکلات ما ناشی از ضعف بعضی از مدیریت‌هاست که به کارهای جزئی و فعالیت‌های سیاسی و حزبی سرگرم و مشغول می‌شوند... ساعاتی را که شما در جلسه حزبی خود صرف می‌کنید- البته نمی‌گویم پول و امکانات می‌گیرید- متعلق به دولت و مردم است. شما حق ندارید آن را صرف مسائل حزبی و جناحی و گروهی و امثال این‌ها بکنید. یک مقدار ضعف‌های ما ناشی از این‌هاست؛ و الا ما مدیران خوبی داریم.^۴

یکی از موانع، سرگرمی به چیزهای خراب کننده و ویران کننده و گمراه کننده است؛ مثل اختلافات سر چیزهای بیخودی. اختلافات کوچک و بهانه‌های کوچک، گاهی مایه اختلافات

۱. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

۲. دیدار شرکت کنندگان در نهمین همایش ملی نخبگان فردا ۱۳۹۴/۰۷/۲۲

۳. دیدار اقشار مردم ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

۴. دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲

بزرگ می‌شود؛ مثل حواشی‌ای که وجود دارد.^۱

مسئله کنونی کشور ما این نیست که ما طرح نداریم، حرف درست نداریم؛ مسئله ما این است که حرف درست و طرح درست را آن‌چنان که شایسته است دنبال نمی‌کنیم؛ این اساس مسئله است. مباحث لفظی و محفلی و روشنفکری کار را پیش نمی‌برد؛ حرکت و اقدام لازم است. سهل‌انگاری در عمل، چالش بزرگ ما است.^۲ ما هر جا یک مدیریت انقلابی فعال پُر تحرک داشتیم، کار پیش رفته است؛ هر جا مدیریت‌های ضعیف، بی‌حال، ناامید، غیرانقلابی و بی‌تحرک داشتیم؛ کارها یا متوقف مانده است، یا انحراف پیدا کرده است.^۳

هر دستگاهی که عملکرد مؤثری دارد، اگر این عملکرد را اصلاح نکند، یا در آن اشکالی و آسیبی وجود داشته باشد، دارای سوء عملکرد است. معنای آسیب‌ها هم که می‌گوییم، مطلقاً خیانت نیست؛ که بگوییم همه‌جا خیانت است. نه، منظورمان تنبلی، بی‌دقتی، بی‌اهتمامی، دلسوزی و تلاش لازم را نکردن، کار علمی انجام ندادن و متناسب با نیاز، پیش نرفتن است؛ همه این‌ها سوء عملکرد است.^۴

کارشناسان اقتصادی کشور و بسیاری از مسئولین، متفق‌اند بر اینکه عامل این حوادث، تحریم‌های خارجی نیست، عامل این حوادث، درونی است، مشکلات داخلی است. بسیاری از مسئولین هم این را بر زبان آورده‌اند، گفته‌اند. کارشناس‌ها هم تقریباً - تا آنجایی که بنده مطلع شده‌ام - متفق بر این معنا هستند. نه اینکه تحریم‌ها اثر ندارد؛ چرا، تحریم‌ها هم اثر دارد؛ اما عمده تأثیر، مربوط به عملکرد ماها است. اگر چنانچه این عملکردها بهتر از این باشد، باتدبیرتر از این باشد، بهنگام‌تر از این باشد، قوی‌تر از این باشد که امروز هست، تحریم‌ها اثر زیادی نمی‌گذارند؛ می‌شود علاج کرد و در مقابل تحریم‌ها می‌شود ایستاد. بیشتر مشکل، ناشی از مسائل درونی و داخلی خود ما است... بسیاری از مشکلات از این قبیل است. مشکلات، مربوط به نحوه مدیریت ما و نحوه سیاست‌گذاری اجرایی ما است.^۵

۱. دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

۲. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۴/۰۴/۰۲

۳. اجتماع زانران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

۴. دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

۵. دیدار اقشار مردم ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

۱۲. ولنگاری در فضای مجازی

یکی دیگر از چیزهایی که در مدیریت کشور - که بتوانید کشور را اداره کنید- تأثیر دارد، مسئله فضای مجازی است؛ فضای مجازی خیلی مهم است. در مسئله فضای مجازی، آنچه از همه مهم‌تر است، مسئله شبکه ملی اطلاعات است. متأسفانه در این زمینه کوتاهی شده، کاری که باید انجام بگیرد، انجام نگرفته؛ این [طور] نمی‌شود اینکه ما به‌عنوان اینکه نباید جلوی فضای مجازی را گرفت، در این زمینه‌ها کوتاهی کنیم، این مسئله‌ای را حل نمی‌کند و منطق درستی هم نیست.

خب امروز فضای مجازی مخصوص ما که نیست، همه‌ی دنیا امروز درگیرند با فضای مجازی؛ کشورهایی که شبکه‌ی ملی اطلاعات درست کرده‌اند و [فضای مجازی را] کنترل کرده‌اند به نفع خودشان و به نفع ارزشهای مورد نظر خودشان، یکی دو تا نیستند. بهترین کشورها، قوی‌ترین کشورها، در این زمینه‌ها خط قرمز دارند؛ راه نمیدهند؛ خیلی از بخشهای فضای مجازی اعزام‌شده‌ی از سوی آمریکا و دستگاه‌های پشت سر و پشت صحنه‌ی این قضیه را راه نمیدهند؛ کنترل میکنند. ما هم باید کنترل کنیم؛ این کنترل کردن معنایش این نیست که ما ملت را از فضای مجازی محروم کنیم؛ نه، معنایش این نیست. امروز به‌منی از گزاره‌های درست و نادرست دارد روی سر مراجعین اینترنت ما فرود می‌آید؛ ما چرا باید اجازه بدهیم آن چیزهایی که برخلاف ارزشهای و اصول مسلم ما است، به‌وسیله کسانی که بدخواه ما هستند، در داخل کشور توسعه پیدا کند؟ نه. کاری کنید که از منافع و سودها و بهره‌های فضای مجازی همه بتوانند استفاده کنند، سرعت اینترنت را افزایش هم بدهید اما در آن چیزهایی که به ضرر کشور شما، جوان شما و افکار عمومی شما نیست.^۱

فعلاً دشمن از ابزار رسانه استفاده می‌کند برای اثرگذاری بر افکار عمومی. توجه کنید! ابزار رسانه، ابزار مهم و اگر دست دشمن باشد، ابزار خطرناکی است. ابزار رسانه را تشبیه می‌کنند به سلاحهای شیمیایی در جنگ نظامی؛ سلاح شیمیایی را وقتی می‌زنند، سلاح شیمیایی تانک و تجهیزات را از بین نمی‌برد؛ تجهیزات می‌ماند و انسانها از بین می‌روند و از قدرت استفاده از ابزار می‌افتند؛ سلاح شیمیایی در جنگ نظامی این‌جوری است؛ ابزار رسانه هم این‌جور است. امروز از تلویزیون، از رادیو، از اینترنت، از شبکه‌های اجتماعی، از انواع و اقسام وسایل

فضای مجازی، علیه افکار عمومی ما استفاده می‌شود؛ این را کسانی که مسئولیت این بخش از کشور را -بخش ارتباطات را- دارند، درست توجّه کنند. ما در جلسات حضوری هم به اینها تذکر داده‌ایم، تأکید کرده‌ایم، حالا هم می‌گوییم؛ توجّه کنند که آنها ابزاری نشوند برای اینکه دشمن راحت بتواند سلاح شیمیایی خودش را علیه این مردم به کار ببرد. وظیفه خودشان را بدانند و با جدّیت عمل کنند.^۱

یک مسئله که من اصرار دارم روی آن تکیه بکنم، مسئله‌ی فضای مجازی است؛ خب فضای مجازی خیلی مهم است. آقایانی که در زمینه‌ی فضای مجازی نظراتی دارند و ابراز میکنند و گاهی می‌گویند که این جزو زندگی اصلی مردم است -که ما هم قبول داریم؛ الان واقعاً فضای مجازی، یک بخش حقیقی از زندگی مردم شده؛ حالا دولت الکترونیک و از این قبیل که به جای خود محفوظ است- شکی نیست [اما] آنچه عرض من است و من روی آن تکیه میکنم این است که فضای مجازی بدون اختیار ما، از بیرون از اختیار ما دارد مدیریت میشود؛ بحث این است. فضای مجازی یک چیزی نیست که آدم بتواند مثل یک آب روانی هر جور که میخواهد از آن استفاده بکند؛ دیگران دارند این آب را به یک سمتی که خودشان میخواهند هدایت میکنند؛ آنها دارند مدیریت میکنند این فضا را. خب وقتی که ما میدانیم کسانی از بیرون دارند فضای مجازی را -که ما هم دست‌اندرکارش هستیم و مبتلابه ما است- هدایت میکنند و مدیریت میکنند، ما نمیتوانیم بی‌کار بنشینیم در مقابل او؛ ما نمیتوانیم مردمان را که با فضای مجازی ارتباط دارند، بی‌پناه رها کنیم در اختیار آن مدیری که دارد پشت پرده، فضای مجازی را اداره میکند.

عوامل مسلط بین‌المللی در این زمینه‌ها بشدتّ فعّالند: از لحاظ خبردهی، خبررسانی، تحلیل داده‌ها و امثال گوناگون؛ هزاران کار دارد انجام میگیرد روی فضای مجازی. برای خاطر این است که بنده روی مسئله‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات این همه تأکید میکنم. این شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی که تشکیل داده‌ایم و بنده اصرار داشتم و دارم که این [شورا] تشکیل بشود و رؤسای محترم در آن شرکت کنند و تصمیم‌گیری کنند و اجرا کنند، به خاطر اهمّیت این مسئله است؛ نمیشود این مسئله را رها کرد. و من میبینم که آن اهتمام لازم به خرج داده نمیشود. خب الان شبکه‌ی ملی اطلاعات اجزائی دارد، این اجزا باید در زمان‌بندی‌های مشخصّ تحقق پیدا کند؛ آدم میبیند که تحقق پیدا نمیکند، از زمان‌بندی‌ها عقبند؛ یا سیاستهای اصولی‌ای در زمینه‌ی پهنای باند وجود دارد که مکرّر ابلاغ شده، خب این

۱. همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

سیاستها باید رعایت بشود و اینها مورد درخواست و تأکید مؤکد اینجانب است.^۱ ما در مورد فضای مجازی این را میگوییم؛ میگوییم مواظب شلیک توپخانه دشمن باشید در این فضا؛ حواستان باشد. از این فضا، دشمن علیه هویت شما، موجودیت شما، نظام شما، انقلاب شما استفاده نکند. آمارهای بی پایه می دهند، دروغ میگویند، نسبت دروغ می دهند، چهره های مورد قبول مردم را - که باید مردم به اینها اعتقاد داشته باشند - تخریب می کنند، موقفیت های انقلاب را کتمان می کنند، دروغ انگاری می کنند؛ ناموقفیتها را، ضعفها را، کاستیها را اگر یکی است هزار تا جلوه می دهند، اگر یکجا است به همه جا تعمیم می دهند؛ کارهای دشمن اینها است دیگر؛ اینها کارهای دشمن است؛ برای چه؟ برای اینکه راز پیروزی انقلاب اسلامی را دشمن فهمیده؛ رازش اعتقاد مردم و ایمان مردم است؛ می خواهد این ایمان را از بین ببرد. حالا اگر در طبقات سنین بالا نتوانست، [می خواهد] این اعتقاد را در جوان و نوجوان و نسل نو از بین ببرد که دیگر مردم پشت سر این انقلاب و این نظام نایستند؛ هدفش این است. اینکه مردم را ناامید کنند، مردم را بدبین کنند، اعتماد به نفس مردم را بگیرند، آینده را تاریک نشان بدهند، کاری است که امروز دشمن دارد می کند.^۲

متأسفانه در فضای مجازی کشور ما هم که آن رعایت های لازم با وجود این همه تأکیدی که من کردم صورت نمی گیرد و در یک جهاتی واقعاً ول است. همه کشورهای دنیا روی فضای مجازی خودشان دارند اعمال مدیریت می کنند، [در حالی که] ما افتخار می کنیم به اینکه ما فضای مجازی را ول کرده ایم! این افتخار ندارد. فضای مجازی را بایستی مدیریت کرد.^۳

۱. ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

۲. دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۹۶/۱۰/۶

۳. ۱۴۰۰/۱/۱

گفتار یازدهم: تشکیل دولت جوان حزب اللهی

عرض من این است که جوانها باید شانه‌شان را زیر بار مسئولیتهای دشوار کوچک و بزرگ بدهند؛ علاج مشکلات کشور این است. ما در گام دوم انقلاب بایستی حرکت کشور را بر دوش جوانها قرار بدهیم همچنان که در گام اول در دوره انقلاب هم هدایت را امام می‌کرد اما حرکت را و موتور پیشرفت را جوانان روشن می‌کردند، حرکت را آنها به وجود می‌آوردند. امروز تلاش شما و سعی شما این است که استقلال کشور را و عزت کشور را تأمین کنید؛ هزینه این کار را شما امروز دارید می‌دهید؛ [هزینه] امروز ملت ایران و جوانان ما، هزینه رسیدن به استقلال کامل -در جهات مختلف- و به عزت ملی و به جامعه اسلامی است؛ نسل‌های بعد، از این دست‌آورد شما استفاده خواهند کرد.^۱

اگر چنانچه ان‌شاء الله شما جوانها با این حرکتها پیش بروید و زمینه را برای کار آوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی‌های شما و دغدغه‌های شما و غصه‌های شما پایان خواهد پذیرفت.^۲

من البته -همچنان که قبلاً هم در سال گذشته تأکید کردم و مکرر هم گفته‌ام- به دولت جوان و حزب‌اللهی معتقدم و به آن امیدوارم و البته دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس دولت جوان، آن هم مثلاً جوان به معنای ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان، [یعنی] یک دولت سر پا و بانشاط و آماده‌ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و از کارافتاده نباشد؛ منظور این است. بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوانند؛ حالا همین شهید عزیزی که شما از او اسم بردید -شهید سلیمانی، و بنده شب و روز به یاد او هستم- شصت و چند سال سنش بود، ایشان که خیلی جوان نبود؛ اگر ده سال دیگر هم زنده میماند و بنده زنده میماندم و بنا بود که من مشخص بکنم، او را در همین جا نگه میداشتم، یعنی کنار نمیگذاشتم او را که جوان هم نبود. بنابراین بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه‌ی خوبی را میتوانند انجام بدهند. به هر حال به نظر من علاج مشکلات کشور، دولت جوان حزب‌اللهی و جوان مؤمن است که میتواند کشور

۱. ۱۳۹۸/۱/۱.

۲. دیدار دانشجویی ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

را از راه‌های دشوار عبور بدهد.^۱

من به شما جوانها عرض می‌کنم - چون فردا مال شما جوانها است، این کشور مال شما جوانها است- که جوانها خودسازی کنند، خود را آماده کنند از لحاظ روحی، از لحاظ جسمی، از لحاظ علمی، از لحاظ توانایی‌های مدیریتی. کشور باید به دست جوانها اداره بشود. از مشورت پیران، از تجربه پیران استفاده کنند اما جوانها موتور پیشران کشور هستند. جوانها خودشان را آماده کنند - همان‌طور که عرض کردم، هم از لحاظ روحی و معنوی، هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ درس خواندن، هم از لحاظ جسمی، هم از لحاظ توانایی‌های مدیریتی، تشکیلاتی، انجمن‌ها- آینده این کشور مال شما است، باید بتوانید [آن را] اداره کنید. این کشور را می‌توانید سر قله برسانید.^۲

مشکلات ما را شما باید حل کنید، شما جوان‌ها.^۳ شما جوان‌ها به معنای واقعی کلمه ثروت بزرگ کشوری. برای هر کشوری، هیچ ثروتی، هیچ منبع نیرویی ارزشمندتر از نیروی انسانی کارآمد و مؤمن و آزاده و سرافراز نیست؛ و امروز شما مصداق این نعمت بزرگ و این ثروت بزرگید؛ این را قدر بدانید.^۴

ما در این حدود چهل سال جهادهای متعددی داشته‌ایم؛ در همه این جهادها جوان‌ها جلو بوده‌اند، جوان‌ها راهگشا بوده‌اند، جوان‌ها نوک پیکان بوده‌اند. در جهاد با طاغوت در دوره پیش از پیروزی - دوره مبارزات- در جهاد با تجزیه‌طلبان در آغاز پیروزی انقلاب که در شرق کشور، در غرب کشور، در شمال کشور تجزیه‌طلبانی پیدا شدند، در جهاد با این تجزیه‌طلبان، جلودار این حرکت عظیم جوان‌ها بودند؛ در جهاد سازندگی که از رویش‌های آغاز انقلاب بود، جوان‌ها جلو بودند و آنها بودند که این حرکت عظیم جهاد سازندگی را شروع کردند؛ در جهاد با تروریسم منافق و خائن در اوایل دهه ۶۰، در جهاد با متجاوزین در هشت سال دفاع مقدس، در جهاد برای ترمیم خرابی‌های بعد از جنگ بعد از سال ۶۷، در جهاد فرهنگی در برابر تهاجم فرهنگی سال ۷۰، جوان‌ها بودند که توانستند آن فضای دشوار را به نفع انقلاب و اسلام تغییر بدهند؛ در جهاد علمی از حول‌وحوش آغاز دهه ۸۰، جوان‌ها بودند که در دانشگاه‌های مختلف، در پژوهشگاه‌های مختلف، به ندای مطالبه‌ی پیشرفت علمی لبیک گفتند و راه علم و فناوری را به‌صورت جهشی در کشور باز کردند؛ و بالاخره در جهاد با تروریسم تکفیری در

۱. ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۹۹/۲/۲۸

۲. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

۳. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۵/۰۸/۱۲

۴. مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۹۵/۰۷/۰۷

دهه ۹۰ در این سال‌های اخیر. و امروز هم در جهاد فکری و جهاد عملی برای گشودن گره‌های اقتصادی، بازهم جوان‌هایند. ۱. در میدان سیاسی، فتنه سال ۸۸ را جوان‌های ما خواباندند. بیش از عوامل گوناگون دیگر، جوان‌های ما، همین شما دانش‌آموزها، همین شما دانشجویها نقش داشتید؛ و الا فتنه، فتنه بزرگی بود.^۲

حقیقتاً نقطه امید اصلی کشور جوانان تحصیل کرده و فرزانه، بخصوص آن وقتی که این فرزاندگی با تعهد و احساس مسئولیت همراه باشد، هستند. ۳. برای اینکه ما بتوانیم به... آینده‌های مطلوب برسیم، احتیاج به نسل جوان باهمت پُرانگیزه مؤمن تلاشگرِ کاردانِ راه‌بلد داریم. ۴. یک کشور اگر بخواهد آزاد و مستقل و بدون وابستگی و تبعیت از قدرت‌های ظالمِ عالم زندگی کند، به ایستادگی احتیاج دارد. در مواقع حساس برای یک ملت، ایستادگی را چه کسانی انجام می‌دهند؟ بهترین و فداکارترین و پاک‌ترین و بااخلاص‌ترین فرزندان یک ملت. این‌ها کسانی هستند که در مواقع سختی، فداکاری می‌کنند و ایستادگی نشان می‌دهند و از آبروی کشور و از استقلال و هویت ملی خودشان دفاع می‌کنند. این‌ها در کشور و در نظام جمهوری اسلامی چه کسانی هستند؟ همان جوانان فداکاری هستند که در دوران جنگ تحمیلی و قبل از آن، توانستند در میدان‌های جنگ در مقابل دشمن بایستند؛ یعنی شهدای گران‌قدر ما، جانبازان عزیز ما، آزادگان سرافراز ما، خانواده‌های این‌ها، کسانی که هنوز مفقودالایر هستند... یعنی نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور. قدرت حقیقی کشور مربوط به این‌هاست. توانایی کشور ناشی از این‌هاست. هر کشور و ملتی که چنین جوانانی داشته باشد، هیچ قدرت جهانی نمی‌تواند به او زور بگوید، او را تحت سیطره درآورد؛ اوضاع او را به دست گیرد. درواقع چنین کشور و ملتی سرافراز خواهد بود.^۵

یک موضوع دیگری که بد نیست مطرح بکنم و اینجا یادداشت کرده‌ام، این است که شنیدم سؤال می‌شود که بنده در یک برنامه تلویزیونی^۶ که ظاهراً اخیراً پخش شده، یک بار گفته‌ام که دولت جوان حزب‌اللهی باید سر کار بیاید، یک بار هم گفته‌ام که صلاح نیست از مجربین استفاده نشود. بعضی‌ها گفتند چطور؟ این‌ها با هم نمی‌سازد. من عرض می‌کنم نه، این‌ها

۱. همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

۲. دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۱۳۸۹/۰۸/۱۲

۳. دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۰۸/۰۶

۴. دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی ۱۳۸۵/۰۷/۲۵

۵. دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از آزادگان، جانبازان و خانواده‌های معظم شهدا ۱۳۷۷/۰۵/۲۷

۶. مستند غیررسمی

با هم می‌سازد، این‌ها با همدیگر هیچ منافاتی ندارد. ببینید، من معتقد به تکیه به نیروهای جوانم [و به این] اعتقاد راسخ دارم؛ مال امروز هم نیست، از قدیم بنده چنین اعتقادی داشتم. معنای اعتماد به نیروهای جوان این است که اولاً در برخی از مدیریتهای مهم کشور از جوانها استفاده بشود و به جوانها اعتماد بشود؛ ثانیاً از ابتکارهایی که انجام می‌دهند و حرکت اینها و حوصله و نشاط کار اینها استقبال بشود... بایستی از ابتکارات جوانها، از نشاط جوانها، از روحیه کار و پُرانگیزه جوانها حداکثر استفاده را بکنند؛ این‌ها بچه‌های ما هستند، بچه‌های کشورند و کشور حق دارد که از اینها استفاده کند. بنابراین، هم مسئله مدیریتهای است، هم این [نکته]. منتها اینکه ما می‌گوییم در مدیریتهای از اینها استفاده بشود، معنایش این نیست که نسل قبلی را بکلی بشوریم بگذاریم کنار! نه، بر حسب اقتضا، یک جا مدیریّت یک جوان، یک جا مدیریّت یک فرد مجرب و کارکشته. از اول انقلاب هم همین جور بوده؛ حالا بعضی‌ها گفتند که امام در تهران یک امام جمعه چهارساله را گذاشتند که این حقیر بودم؛ خب بله، همان وقت در کرمانشاه هم یک امام جمعه هشتادساله را گذاشتند؛ در یزد و در شیراز و در مشهد و در تبریز و مانند اینها، علمای بزرگ، مردانی را که در حدود هفتاد سال سنشان بود گذاشتند؛ اقتضائات مختلف است. در اول انقلاب امام بزرگوار در رأس سپاه یک جوانی را گذاشتند که کمتر از سی سال داشت، در رأس نیروی زمینی ارتش مردی را گذاشتند که حدود شصت سال داشت؛ اقتضائات این جوری است. یک جا اقتضا دارد که یک مدیر جوان بر سر کار بیاید، یک جا اقتضا دارد که یک مدیر مجرب [بر سر کار بیاید]. حالا در مورد دولت جوان حزب‌اللهی ان‌شاءالله بعدها، نزدیک انتخابات، بنده صحبت خواهم کرد؛ یعنی حرفهایی دارم که بعد عرض می‌کنم؛ اما اینکه تصوّر بشود اگر ما گفتیم از مجربین استفاده بشود، با استفاده از جوانها منافات دارد، نه، این هیچ منافاتی ندارد. و البته این را هم باید توجه داشت که بعضی از افراد میان‌سال مثل جوانهایند؛ سنّ شهید سلیمانی حدود شصت سال بود، [اما] دیدید در کوه و دشت و بیابان و همه جا چطور مثل جوانها حرکت می‌کرد، از هیچ چیز نمی‌ترسید... گاهی اوقات در ۲۴ ساعت، در یک کشوری به قدری تلاش و فعالیت می‌کرد که آدم از خواندنش احساس خستگی می‌کرد که چقدر تلاش و تحرّک انجام گرفته در ظرف ۲۴ ساعت یا در ظرف ۳۶ ساعت؛ بعضی هم این جور هستند دیگر.^۱

گفتار دوازدهم: مواسات و رسیدگی به فقرا و محرومین

وقتی که مردم خود را در رفح گرفتاری مستضعفان و ضعفا و مستمندان سهیم بدانند، کارها اصلاح میشود.^۱ علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است... این یک وظیفه دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت و بتدریج امکانپذیر است؛ اما نمیشود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که میتوانند در این راه تلاش کنند.^۲

«اللهم اغن كل فقير. اللهم اشبع كل جائع. اللهم اكس كل عريان». این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره محرومان و مستضعفان موظف بدانند. این مبارزه، یک وظیفه همگانی است. در آیات قرآن میخوانیم: «أرایت الذی یکذب بالدین. فذلک الذی یدع الیتیم. و لایحض علی طعام المسکین». یکی از نشانه‌های تکذیب دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بی‌تفاوت باشد و احساس مسؤولیت نکند.^۳

باید کاری بشود که هرکس خودش را موظف بداند که انفاق کند. آن کسانی که بیشتر درآمد دارند، نسبت انفاق را بیشتر کنند. آن کسانی که کمتر درآمد دارند، باب را نبندند؛ به همان نسبت انفاق کنند... روح انفاق و نیکوکاری بایستی در جامعه توسعه پیدا کند و جزو ایمان مردم بشود و هرکس بنا را بر این بگذارد که در اموالش - «و فی اموالهم حقّ للسائل و المحروم» - واقعاً برای محرومان حق قائل باشد... در جامعه‌ی اسلامی باید این را به عنوان یک فرهنگ در بیاوریم.^۴ در جامعه ما باید عادت کمک به ضعفا که یک عادت اسلامی است، روزه‌روز بیشتر شود. صدقاتی که مردم میدهند، اطعمه‌هایی که میکنند و کارهای بزرگی از قبیل وقف و حبس و امثال آنها که انجام میشود، از سنت‌های حسنه اسلامی است. این سنت‌ها

۱. دیدار افشار مختلف مردم ۱۳۷۳/۴/۲۹

۲. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

۳. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

۴. دیدار مسئولان کمیته‌ی امداد امام خمینی علیه‌السلام ۱۳۷۰/۱۲/۱۴

به حیات اجتماعی طیب کمک میکند. لذا نباید بگذارید در جامعه تعطیل شود.^۱ هرچه در راه خدا می‌دهیم، برای ما می‌ماند و درحقیقت برای «من» واقعی خودمان خرج کرده‌ایم. هرچه برای خودمان نگه می‌داریم، درحقیقت برای ما نمی‌ماند و مثل همه چیز دیگر دنیا از بین خواهد رفت... هرچه از مال و ثروت دنیا دادید، برای شما خواهد ماند.^۲ همه باید خود را موظف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کم‌کرسانی به سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسانهایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر این که یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است. به همسایه‌ها و فقرا رسیدگی کنید... جوانان اجتماعات خانوادگی تشکیل دهند و کمکهای افراد خانواده را جمع کنند و در درجه اول به مصرف فقرا و نادارهای همان خانواده و فامیل برسانند و اگر نیازی نبود، به فقرای دیگر رسیدگی کنند.^۳ مواسات با مساوات فرق دارد؛ برابری نیست. مواسات یعنی همراهی کردن و کمک کردن به برادر مؤمن در همه‌ی امور. انسان وظیفه بداند؛ کمک فکری، کمک مالی، کمک جسمانی، کمک آبرویی. این مواسات است.^۴ قشر محروم مردم، بلندگو و تریبون ندارند؛ اما قشر مرفه و زرمند و زورمند، هم از تریبونها بناحق استفاده می‌کنند؛ هم هرجا بخواهند، در بدنه‌ها اعمال نفوذ می‌کنند و کارشان را پیش می‌برند؛ ولی آن قشر محروم زمین می‌مانند.^۵ محرومین را هم باید شناخت. این طور نیست که ما خیال کنیم محرومین، همه در روستاهایند؛ نه. در شهرها هم محرومین زیادی هستند. یا خیال کنیم محرومین، فقط حقوق بگیرانند. حقوق بگیران، بخشی از محرومین‌اند. ما اگر در حواشی شهرها، در نقاط فقیرنشین و در جاهای مختلف کشور - در شهرها - راه برویم و در خانه‌های مردم سر بکشیم، می‌بینیم که محرومیتها کجاست.^۶

۱. دیدار اقشار مختلف مردم ۲۹/۰۴/۱۳۷۳

۲. مراسم بیعت مسئولان احداث مرقد امام خمینی علیه‌السلام ۱۳۶۸/۴/۲۸

۳. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

۴. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۰۶/۳۱

۵. دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۰۶/۰۵

۶. دیدار رئیس جمهور و هیأت دولت ۱۳۷۱/۵/۳۱





حسن ختام

آن طوری که بنده احساس می‌کنم، یعنی در واقع می‌بینم، مشاهده می‌کنم، مطمئناً پیروزی قطعی و نهایی بر جبهه وسیع دشمن متعلق به ملت ایران است.^۱ به فضل الهی، به حول و قوه الهی همه مقاصد که ملت ایران برای خودش ترسیم کرده، با قوت و اقتدار، خودش را به آن مقاصد خواهد رساند.^۲ جوانان عزیز اتحادیه انجمنهای اسلامی، امسال نشست شما در میانه حوادث مهمی برگزار می‌شود که هر یک از جهتی نشانه عظمت و اعتبار ایران اسلامی و ملت انقلابی آن است. شهادت‌ها، قدرت‌نمایی‌های نظامی، حضور بی‌نظیر مردمی، روحیه قوی و عزم راسخ جوانان، در کنار هزاران مجموعه فعال در عرصه دانش و فناوری، و نیز رویکرد دینی و معنوی در بخش عظیمی از جوانان سراسر کشور، همه از سر بر آوردن یک پدیده یکتا در جهان امروز خبر می‌دهد. پدیده‌ئی که می‌تواند در آینده تاریخ تأثیرات عمیق و تعیین‌کننده بگذارد.^۳ من به‌طور قاطع با اطلاعی که از وضعیت کشور دارم قاطعاً می‌گویم: این ملت و این نسل جدید و جوان تصمیم گرفته است که دیگر تحقیر نشود، تصمیم گرفته است دنباله‌رو قدرتهای بیگانه و دشمن نشود، تصمیم گرفته است که ایران عزیز را به اوج افتخار و عزت برساند و این توانایی را دارد؛ هم تصمیم دارد، هم عزم راسخ دارد، هم توانایی دارد و ان‌شاءالله به

۱. دیدار مداحان ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

۲. دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۹۸/۴/۵

۳. ۱۳۹۸/۱۱/۵

اینجا خواهد رسید.^۱

بدانید مطمئناً ملت ایران و انقلاب عزیز اسلامی و نظام جمهوری اسلامی همچنان که از مراحل سخت دیگری گذشته است، از این مراحل که از آنها آسان تر است براحتم ان شاء الله خواهد گذشت.^۲

ما میدانیم که ملت ایران در این راه مطمئناً پیروز خواهد شد و به نتایج مطلوب خودش، به آرمانهای مطلوب خودش خواهد رسید.^۳

بدانید به توفیق الهی اهداف آمریکا و استکبار جهانی نسبت به ایران و جمهوری اسلامی و ملت ایران اهدافی است که دیر یا زود شکست خواهد خورد. و بدانید که ملت ایران پیروزی خود را در همه عرصه ها و زمینه ها در مقابل چشم بدخواهان و حسودان ان شاء الله جشن خواهد گرفت.^۴

ملت ایران بدون تردید در آینده ای که آن آینده ان شاء الله خیلی دور نخواهد بود و شما جوانهای عزیز قطعاً آن آینده را مشاهده خواهید کرد، از همه جهت در قله های شرف و افتخار خواهد بود.^۵

انقلاب پرچم عزت این ملت است و ملت این پرچم را در دست استوار خود محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار تسلیم امام زمان ارواحنا فداه و عجل الله فرجه خواهد کرد.^۶

۱. همایش ده ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

۲. دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۵/۲۲

۳. دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۵/۱۱/۱۹

۴. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۲۸/۱۱/۱۳۹۲

۵. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

۶. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۱/۱۱/۲۸